

روستا و انقلاب سفید

«بررسی شرایط انقلابی روستاهای ایران»

نوشته

مجاهدین خلق ایران

از انتشارات سازمان مجاهدین خلق ایران - آبانماه ۱۳۵۱

تقدیم به :

مجاهد شهید رسول مسکین فام صوفیه و عظیم

این رساله سهم بسزائی داشت .

یاد او و تمامی شهیدانی که در راه آزادی خلوت

ستمیده ایران جان باختند گمراهی باد !

فهرست

صفحه

۱	۱- مقدمه
۱	۲- راهنمای مسئولین در مطالعات روستائی
۱	۳- بخشی یکم : مضمون اساسی تحولات اخیر در روستاهای کشور ما
۱	الف- عوامل خارجی
۱	۱- نمونه ژاپن
۲	۲- نمونه فیلیپین
۳	۳- نمونه مکزیک
۴	ب- شرایط منطقه‌ای
۶	۴- <u>عوامل داخلی</u>
۶	الف- نظام رعیت‌داری
۹	ب- شرایط تاریخی
۱۳	ج- شرایط استراتژیکی
۱۴	د- تبدیل رژیم فئودال وابسته بر رژیم بورژوازی وابسته
۱۵	ترکیب عوامل داخلی و خارجی
۱۷	۴- بخشی دوم: بررسی قانون اصلاحات ارضی و نتایج آن
۱۷	۱- قانون مرحله اول (۴۰/۱۰/۱۹)
۱۸	۲- مرحله دوم
۲۱	۳- بررسی نتایج اصلاحات ارضی
۲۱	آیا شکل روابط ارباب و رعیتی فرو ریخته است؟
۲۷	۴- شکل تازه نظریه عوامل پنجگانه تولید

- ۳۰ ۴ - تفویض قدرت اداری ارباب برویم
- ۳۳ ۵ - رخت بر بستن فروهنگ فعودالی از روستا
- ۳۶ • - بخر سوم : استراتژی جدید رژیم
- ۳۶ ۱ - شرکت‌های نداعی
- ۳۷ هدفهای رژیم
- ۳۷ الف - هدفهای نظامی
- ۳۷ تصفیه اقتصادی
- ۳۸ تصفیه سیاسی
- ۳۸ ب - هدفهای تبلیغاتی
- ۳۹ ۲ - قانون جدید املاک استیجاری
- ۴۰ الف - ظهور عکس العمل شدید از جانب دهقانان
- ۴۱ ب - روشن شدن چهره * واقعی دستگاه
- ۴۱ ج - هدف دستگاه
- ۴۲ د - نتایج کلی
- ۴۴ • - بخش چهارم : بررسی روستاها
- ۴۴ - بررسی ده مارنج
- ۵۴ - بررسی ده ممه دل (خلاصه تحقیقات اقتصادی)
- ۶۰ - روستای خرك (خلاصه تحقیقات اقتصادی)
- ۶۳ - روستای علی آباد (خلاصه تحقیقات اقتصادی)
- ۶۵ - روستای عبدال تهه (خلاصه تحقیقات اقتصادی)
- ۶۷ - ده احمد آباد
- ۷۰ - ده سوقانلیق

- بررسی مسائل روستائی گیلان و مازندران (خلاصه تحقیقات اقتصادی) ۷۷

- بررسی مسائل روستائی ترکمن صحرا ۸۱

- دورنمای آینده اقتصادی خوزستان (خلاصه تحقیقات اقتصادی) ۸۶

- شناخت سازمان عمران قزوین و هدف ظاهری آن ۹۷

- شرکت تعاونی تولید و توزیع مرکبات شهسوار ۱۲۰

* - بخش پنجم : برنامه های اصلاحی شاه در پشته عملی -

قضاوت مردم : ۱۲۳

- اطلاعات مربوط به " روابط دستگاه اداری و ژیم پسا

روستا نشینان " ۱۲۴

- سوء استفاده و تبانی اولیه اصلاحات ارضی در مورد مسائل

اصلاح ارضی روستا • ۱۴۲

- کیفیت ایجاد اراضی مکانیزه در بعضی از دهات ۱۴۷

- استثمار مالکین یا قشر مرفه روستا از طریق مالکیت

ابزار تولید (تراکتور، تلمبه، کمباین...) ۱۵۱

- اطلاعات مربوط به وامهای پرداختی بانک کشاورزی و

شرکتهای تعاونی روستائی ۱۵۵

- نظر روستائیان نسبت به قانون اصلاحات ارضی و وضع زارعین

بعد از اجرای قانون خصوصاً مقایسه آن با قبل ۱۶۹

* - لغات و اصطلاحات ۱۷۵

« بنام خدا و بنام خلق قهرمان ایران »

مقدمه

رساله حاضر حاصل کوششی است که توسط عده‌ای از برادران در خلال سالهای ۴۷ و ۴۸ انجام گرفت. مطالب کتاب شامل سه قسمت است.

قسمت اول مربوط به تحلیلی از مضمون اساسی تحولات اخیر در روستاهای ایران و بررسی قوانین اصلاحات ارضی و نتایج آن و استراتژی جدید رژیم می‌باشد.

قسمت دوم مجموعه تلخیص و برداشتهایی است از بررسیهای گوناگون تحقیقات کثافت‌دزدی مجله «تحقیقات اقتصادی» دانشکده حقوق دانشگاه تهران، اهمیت این قسمت در اینست که این مطالب بوسیله یکی از مؤسسات تحقیقاتی رژیم تهیه شده و واقعیاتی است که حتی رژیم قادر به پرده‌پوشی آنها نیست.

قسمت سوم حاصل تماسهای نزدیک و عینی خود برادران ما با روستائیان است که سعی شده حتی الامکان عین نظرات و برداشتهای دهقانان را جمع به اصلاحات ارضی و روابط دستگاه اداری رژیم با روستائیان در این رساله منعکس شود.

هدف اولیه از تهیه این رساله آشنا ساختن افراد سازمان با نمونه‌هایی از مسائل روستا و روستائیان کشور به ویژه پس از انجام اصلاحات ارضی توسط رژیم بود تا خود بتوانند با استفاده از آن بعنوان راهنمای عملی و نیز با توجه به تجربیات مسئولین در این زمینه، به مطالعه و بررسی جامعه روستایی بپردازند.

هدف دیگر استفاده از مطالب این رساله بعنوان ماده خام

(الف)

در طرح مسائل استراتژی و خط مشی سازمان نسبت به چنانکه در از مدت
توده‌ای بود .

بدین شک این کوشش بمثابه قدم اولیه ایست که در این راه بر-
داخته می شود و باید با بررسی و تحقیقات و تماسهای بیشتر و جدیدتر
بوسیله تمامی سازمانها و نیروهای انقلابی کشور بویژه آنها که
سلاح در دست دارند تکمیل و احیاناً تصحیح شود .

...✕...

د رو د گرم ما به طبقه دهقان، نیروی عمده انقلاب مسلحانه
ایران .

آبانماه ۱۳۵۱

(ب)

راهنمای مسئولین در مطالعات روستائی

با سوری در تاریخ مبارزات گذشته ایران کمتر نقش فعالی را برای جامعه روستایی خود مشاهده کرده ایم. طبقه دهقان آنگاه که بایغای نقش در مبارزه همت میگماشته بعنوان طبقه ای دنباله رو بوده و از یک رهبری صحیح و سازماندهی متناسب با شرایط خود محروم بوده است. مهمترین علت این جریان عبارت بود از فقدان رهبری آگاه که قادر به بهره گیری از کلیه نیروهای موجود در بشم رساندن مبارزه باشد. رهبری چون از درون شهر بر میخاست و تنها تضادهای جامعه شهری را میشناخت دچار این اشتباه فکری گردیده بود که تنها این قوهای شهری هستند که با آگاهی سیاسی خود میتوانند برای درهم کوبیدن پایه سیستم موجود و کمک کنند. دستگاه رهبری ضعف خود را در بسیج توده های دهقانی یا انکار اصل انقلابی دهقان میپوشانید غافل از اینکه جامعه روستائی ما بواسطه حاکمیت فئودالیسم بورژوازی بهترین محیط تغذیه و فعالیت برای مبارزه سیاسی بود. مادر — تحلیل نهائی به این نتیجه میرسیم که علت اصلی شکست مبارزات گذشته در همین ضعف رهبری و عدم استفاده از این نیروی عظیم بوده است و مسلم است که ~~حکومت ملی~~ آنگاه قاصر بایجاد تحولی در جامعه ما خواهد شد که روابط حاکم بر اکثریت توده ها دچار یک دگرگونی انقلابی گردد و الا با تشکیل حکومت ملی بر اساس روبنای فکری غلط جامعه پایه های حکومت هر روز ست تراز پهن است و سرانجامی جز شکست و یاس بدنبال نخواهد داشت. سقوط حکومت ملی مسدود نمودار بارزی از این ضعف رهبری در بسیج توده های دهقانی بود.

حال ما بطریق جلوگیری از ادامه اشتباهات گذشته و ایمانی که باصلی

(ج)

توده‌ای بودن مبارزه داریم در طریق شناخت جامعه روستائی قدمی
بجلو مینهم و کندوکاوی را در این زمینه شروع میکنیم تا شاید در
آینده با ایجاد امکانات جدید در تکامل شناختمان موفق گردیم و در
آینده بتوانیم سلاح مبارزه را بروستا برده دهقانی نواز دهقان
ایرانی بسازیم .

بحث حاضر با امکاناتی محدود و براساس نیاز مبرم ما به شناخت
درست از جامعه روستائی نگاشته شده و استفاده صحیح از آنرا در جهت
بالا بردن درک افراد نسبت به مسائل روستائی از برادران مسئول
خواستاریم و بدین منظور توجه مسئولین را در آموزش این بحث به نکات
زیر جلب میکنیم :

۱- قبل از ارائه بحث در زمینه لزوم مطالعات روستائی، مسأله
فکری داده شود تا با شناختن میزان لزوم و اهمیت این نوع مطالعات
برای ایجاد اعتقادی عمیق ضرورت اینگونه مطالعه و کار در روستا از
این بحثها استفاده کنیم .

۲- بررسی مسائل اصلاحات ارضی که در این بحث آمده توسط کادر
محدودی انجام شده لذا برادران نباید تصور کنند که کلیه مسائل
مربوط به اصلاحات ارضی و اثرات آن در روستاها شناخته شده بلکه باید
افراد را به این نکته توجه داد تا در تکمیل این شناخت کمک کنند .
۳- بحث حاضر از طریق جستجو در لایبالی مقالات و کتابها نوشته نشده

بلکه حاصل مطالعات عینی از جامعه روستائی است لذا برای تکمیل آن
نیز باید به روستا رفت برادران را تشویق کنید تا هر چه بیشتر از امکانات
خود برای رفتن به روستا استفاده کنند و راجع به هر بازدید خود تحلیل
بنویسند در بحثی تحلیلی که نوشته اند و در نشان دادن نکات مثبت و
نقایص تحلیل آنها کوتاهی نکنند .

۴- هرگز انتظار نداشته باشید که گزارش هر باز دیدی حاوی اطلاعات

(د)

کامل و همه جانبه باشد زیرا تجربه ثابت کرده که با یک بازدید کوتاه از یک ده نمیتوان تمام مسائل را شناخت. تکمیل شناخت احتیاج به بازدید و تماس بیشتر دارد.

۵ - در بازدید از روستاها سعی شود با افراد بیشتری مصاحبه کرده و صحت مطالب مصاحبه با یک نفر را از طریق مصاحبه با دیگران تأیید یا تکذیب نمایند. مسئولین باید افراد را باین کار توجه داده و انعکاس آنها در بررسی‌هایی که توسط افراد نوشته میشود ببینند.

۶ - در ضمن مطالعات روستایی مسائل مربوط به خط مشی آینده ما در زمینه مسائل روستایی بعنوان مسئله فکری داده شود تا ضمن بهره گیری از اندیشه کادرهای پایین در مورد حل مسائل آینده روستاها، افراد هدف ما را از مطالعات روستایی عمیق‌تر درک کنند.

۷ - در مطالعات روستایی برادران را باین نکته توجه دهید که در بازدید از روستاها تنها به شناخت روابط تولیدی روستا اکتفا نکنند بلکه توجه کنند که درک روابط اجتماعی روستا از نظر شناخت روستائیان که از نظر کار آیفده ما در روستا ضروری است نیز لازم میباشد. بعنوان مثال ترس زدگی که یک خصالت ناشی از حاکمیت فئودالیسم است و در اکثر روستائیان وجود دارد ما را باین نکته واقف میگرداند که در تشخیص راه حل بسیج توده ها علیه رژیم باین عامل نیز توجه داشته باشیم.

۸ - دوست یابی در روستاها ضروری ترین نیاز فعلی ما است لذا با بحث روی این نیاز با برادران آنان را در یافتن دوستان روستایی که در آینده میتوانند به ارتباط ما با روستا باشند راهنمایی کنید.

۹ - مسئولین با مطالعه قبلی بحث نکات مهم آن را یادداشت کرده

(د)

و در کلاس از طریق پرسش بحث نمایند.

۱۰ - برای بازدید از روستاها برنامه ای منظم گذاشته شود تا حد اقل هر ماه یا دو ماه یکبار از روستائی بازدید شود. چنانچه همه افراد امکان انجام این کار را نداشته باشند میتوان از دوستان دیگر کمک گرفت. تجربه ثابت کرده که رفقا بدلیل کمی وقت و درگیری با مسائل شهر به بازدید از روستاها توجه کافی نمیکند. لذا در این مورد دقیقاً حسابرسی کنید. طرح يك برنامه منظم برفع این نقیصه کمک میکند.

۱۱ - قبل از مطالعه کتاب و بعد از دادن مسئله فکری روی لزوم مطالعات روستائی سئوالات زیرین را برای پاسخگویی بدهید و بعد از مطالعه کتاب سئوالات توسط افراد بحث شود و مقایسه ای با جواب قبلی انجام گیرد:

سئوالات:

- ۱ - رژیم چرا اصلاحات ارضی کرد؟
- ۲ - هدفهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی اصلاحات ارضی در ایران را تحلیل کنید.
- ۳ - با توجه به حاکمیت دیرین سیستم ارباب رعیتی در روستاهای ایران چه نوع خصوصياتی برای دهقان ایرانی میشناسید؟
- ۴ - در اجرای برنامه هائی نظیر اصلاحات ارضی که میتوانند تحولی در زندگی مردم ایجاد کنند، آنچه که بیش از هر چیز باید مسود توجه قرار گیرد چیست؟
- ۵ - آیا رژیم در تحقق هدفهای رفورم ارضی موفق شده؟ چرا؟
- ۶ - نقش فساد اداری را در اجرای برنامه اصلاحات ارضی تحلیل کنید.
- ۷ - بهترین دستاورد برنامه رفورم ارضی در روستاها برای ما چیست؟
- ۸ - تضاد اصلی جامعه روستائی ایران را در حال حاضر تحلیل کنید.

(و)

۹ - عامل اصلی در روستاها که موجب عدم بهبود وضع اقتصادی زارعین می‌باشد چیست؟ بحث کنید.

۱۰ - وابستگی شهری در جامعه روستایی را تحلیل کنید.

۱۱ - اصلاحات ارضی در حل کدام تضاد جامعه طبقاتی ایران موفق شد؟

۱۲ - با شکست برنامه اصلاحات ارضی تنها راهی که برای جلوگیری از بروز انقلاب دهقانی برای رژیم باقی مانده کدام است؟ آیا موفق به انجام آن خواهد شد؟

۱۳ - عوامل متهتی را که در پیروزی نظامی انقلاب دهقانی موثر است تحلیل کنید.

(ز)

بخش یکم

مضمون اساسی تحولات اخیر در روستاهای کشور ما

طی ده سال اخیر در اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی روستای ایران تحولاتی روی داده که هدف اساسی آن عبارتست از جلوگیری از ظهور جنبش‌رهای بخش انقلابی و نیز استثمار هر چه بیشتر مردم روستا بوسیله بورژوازی شهری و کمپرادور. شرایط انقلابی داخلی و خارجی تدبیراً عناصر انفجار در جامعه ایران را فراهم میساخت بنحوی که حامیان امپریالیست و بخش هشیار طبقه حاکمه را از درنمای اغتلا ی جنبش‌رهای بخش انقلابی مردم نگران می نمود. وجود این جو انقلابی امپریالیسم، شاه و طبقه حاکمه را باین نتیجه رسانید که تاجنیش ملی مردم ایران از قوه به فعل در نیامده باید بوسیله پاره ای اصلاحات از حدت شرایط انقلابی بسود خود بکاهد و خواسته‌های اقتصادی و اجتماعی مردم را در قالبی که منابع امپریالیسم را بخاطر نیاند از اجابت کند. در واقع شاه و طبقات حاکمه ایران بعیل خود باین گونه تحولات تن نداده اند بلکه یک سلسله شرایط عینی داخلی و خارجی تدبیراً آنها را وارد ارتکاب برخی از شیوه های گذشته و تغییر در سنتهای دیرینه استثمار نموده است.

پرای روشن شدن بیشتر راجع به عواملی که رژیم را به اجرای رفورم وا داشت به تشریح شرایط خارجی و داخلی خاص آن دوره می پردازیم.

۱ - عوامل خارجی

الف - شرایط جهانی

تجربه جنگهای انقلابی متکلی به دهقان از تبیل جنگهای انقلابی چین، ویتنام الجزایر و کوبا که مسئله زمین و دهقان اهم امر اصلی آنها بود نشان داد که حل مسئله استعمار و بورژوازمندار عقب ماندگی جز بباتکیه برجنیشهای انقلابی دهقانی میسر نخواهد بود. از این پس تجربه استراتژیک انقلاب بر مناطق روستائی انتقال یافت و جنبشهای رهای بخش باتکیه بر "زمین-دهقان" توانستند به پیروزیهای

درخشانی نائل آیند . (۱)

امپریالیسم که عملاً حربه نظامی خود را در برخورد با این پدیده جدید ، کهنه وی اثر میدید متقابلاً بکوششهای جدیدی متوسل شد . اوسعی کرد با اجرای اصلاحات ارضی از رشد جنبشهای انقلابی در کشورهای که از هر جهت آمادگی پذیرش آنرا دارند جلوگیری بعمل آورد و یا زمینه آنرا زمین ببرد .

اقدام مك آتور در ژاپن بعد از جنگ جهانی دوم ، روشن ماک سی سی در قلمبین بخاطر خاموش ساختن جنگ انقلابی قلمبین ، روشن امریکا در قبال مکزیک و اقدام اخیر ایران ، در حوزه این استراتژی ضد انگیزه ای قرار دارند .

برای روشن شدن این استراتژی جهانی امپریالیسم بطور خلاصه بدکرنمونه های ژاپن ، قلمبین ، مکزیک می پردازیم

۱ - نمونه ژاپن - جلوگیری از ظهور یک جنبش

ژاپن از اولین کشورهای بود که بلا فاصله بعد از جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۷ - ۱۹۴۶ دست بکار اصلاحات ارضی شد . اصلاحات ارضی در ژاپن تا حد زیادی در نتیجه پافشاری و دخالت نیروهای اشغالی دول فاتح بخصوص امریکا و انگلیس صورت گرفت . دولتی که مجری این برنامه بودند تنها سیما و افکار انقلابی نداشت بلکه باید آنرا به تمام معنی محافظه کار دانست فرمان سه ماده ای ژنرال مك آتور به دولت ژاپن در مورد اصلاحات ارضی يك سند تاریخی است . آنچه يك ژنرال پنج ستاره ای امریکائی را آنهم در سال ۴۰ وادار به صدور چنین فرمانی کرده است یقیناً ضرورت زمان و لزوم حفظ منافع کشورش

(۱) چه گوارا میگوید : مناطق روستائی بهترین عرصه نبرد انقلاب است . پارتیزانهای توانمند آرزوهای توده های عظیم دهقان را در مورد تصاحب زمین و خواسته های دیگرشان برآورند ؛ عبارت دیگر پارتیزان گذشته از هر چیز يك انقلابی روستائی است .

بوده است. مهمترین انگیزه دول فاتح در پشتیبانی از برنامه اصلاحات ارضی نیرو گرفتن کونیست‌ها بود. در اروپای شرقی و چین نیروهای انقلابی ابتکار حل مسائل کشاورزی و بهبود وضع دهقانان را در دست گرفته بودند و از نظر دول غربی بیم آن میرفت که اگر مشکلات موجود را خود بنحوی ازمیان برندارند نیروهای انقلابی بار دیگر تحت لوای زمین و آزادی برای دهقانان سلطه خود را در خاک و در گسترش دهند.

پیش قدم شدن دول غربی در این راه در حقیقت وسیله ای برای خارج ساختن سلاح "انگیزه" از دست کونیست‌ها بود و نتایج امر نشان داد که تاجه حد این نقشه حساب شده و از نظر طراحان آن موفقیت آمیز بود. و این اولین مرتبه ای بود که امریکا برای گویا از انقلاب کونیستی در کشورهای تحت نفوذش دست به انقلاب دستوری و کنترل شده برفع لیبرال‌ها و خود بورژوازی میزد. موفقیت دول غربی و بخصوص ایالات متحده امریکا در تحمیل اصلاحات ارضی به دول و این، بسیاری را بر آن داشت که "نمونه و این" را در سایر نقاط جهان الگو کرده کار اصلاحات را در نظر قرار دهند.

۲ - نمونه قبایلی چین - سرکوبی یک جنبش

در زمان تصدی ماک سی سی، "هو کهای" مسلح ۱۲۰۰۰ نفر برآورد میشدند که از پشتیبانی یک میلیون دهقان برخوردار بودند در حالیکه ارتش قبایلی چین ۳۰ هزار نفر بود. با توجه به اینکه معمولا در مقابل سرچرین دولت بایستی ۱۵ نفر سرباز داشته باشد ضعف ارتش در کوبیدن چریکها از طریق نظامی کاملا معلوم میگردد.

"تاثير در این مورد مینویسد " شاید موثرترین تدبیر ماک سی سی در برابر هوکها پاسخ دادن به شعار قاطع و درست " زمین از آن بی زمین" بود. ماشینهای ارتشی و واحد های نظامی مجهزه ترانکتر، سو لدوز و بمناطع جنگلی حمله بردند با قاطع اشجار را می ساختند. و چاه حفر

میکردند بعد به هرعوك تسليم شده که دست از خرابکاری برمیداشت يك قطعه زمین میدادند. دستگاه رهبری کمونیست ناگهان متوجه شد که اینکار ماک سی سی مؤثرترین شعاراتها را بی اثر نمود چهار سال بعد رهبرهوکها بالاخره تسليم شد شکستی که ماک سی سی با زمین بردن انگیزه در نتیجه نابود کردن فکر طرفداری ازان بر جنبش آزادیبخش کمونیستی وارد ساخت یکبار دیگر اهمیت حیاتی انگیزه دهقانی (زمین) را نشان میدهد.

۳ - نمونه مکزیک - نشان دادن راه حل والکو

انقلاب مکزیک که بوسیله آن، کشور مکزیک در قرن ۱۹ خود یعنی فتوداليسم و امپریالیسم ترك رابطه نمود و بقیعت جان يك طبعون نغز تمام شد در سال ۱۹۱۰ آغاز گردید. از نقطه نظرایالات متحده چنین بنظر میآمد که مکزیک سرمشق بسیاری برای سایر کشورهای امریکای لاتین خواهد شد. بنا بر همین نظرایالات متحده ابتدا به داخله اقتصادی و دیپلماتیک در مکزیک دست زد و سپس سربازان خود را برای تسخیر "درو کردن" اعزام داشت و حتی چندین سال بعد در سال ۱۹۳۷ به حکومت مکزیک لقب بلشویک داد. در همان اوقات امریکای لاتین که هنوز در چنگال دو متحد فتوداليسم و امپریالیسم گرفتار بود با انقلاب مکزیک همچون ستاره راهنما و نمونه درخشانی از انقلابات معاصر نگاه میکرد. در حال حاضر خیلی چیزها تغییر کرده است امروزیالات متحده با تعریف و تمجید زیاد از "نمونه بارز پیشرفت اقتصادی و ثبات سیاسی" در مکزیک سخن میگوید و برزیدنت کندی و اتحاد دولت مکزیک درخواست میکند که برنامه "اتحاد برای - پیشرفت" کشورهای امریکای لاتین را اعما گردد. در این دوره امریکای لاتین چشمان خود را به کوپادوخته است و این سؤال را مطرح میسازد که آیا انقلاب مکزیک که ۵۰ سال ازان گذشته است باید سرمشق قرار گیرد یا نه؟ (۱)

ب - شرایط منطقه ای

نیروهای ضد استعماری منطقه خاور میانه علاوه بر کوبیدن استعمار تحت

(۱) مقاله: انقلاب مکزیک و یک امریکائی بزرگ مطالعه شود.

تاثیر فرهنگ انقلاب شوروی خصوصا و انقلاب جهانی عموما دست بکار ریشه کن کردن فتودالسیسم و آزاد ساختن دهقانان از چنگال آنان گردیدند. مصد رسال ۱۹۵۴ اصلاحات ارضی کرد. کودتای قاسم (۱۹۵۸) و اصلاحات ارضی افرازی اوزنگ خطر نهائی را برای رژیمهای نیمه فتودالسیسمه مستعمره خاور میانه از جمله ایران بصداد آورد رژیم ایران فهمید که صرفا ایجاد پیمانهای نظامی و سیاسی مانند پیمان بغداد نمیتواند جلوفتوح جنبشهای ضد استعماری و ضد فتودالی منطقه را بگیرد. (۱) و لذا یک سال بعد از کودتای قاسم تحت فشار امپریالیسم زرمه اصلاحات ارضی را برآورد انداخت.

وزیر کشاورزی در خرداد ۴۳ در تبریز چنین گفت: "باید خود را با تحول - زمان هم آهنگ سازیم زیرا جبر تاریخ ایجاب میکند. اگر خود عامل آن باشیم آسان میگردد ولی اگر قرار باشد چرخ زمان آن را علیه ما انجام دهد ما را زیر دندانهای خود خرد خواهد کرد".

علاوه بر این موقعیت استراتژیک ایران در منطقه برای امپریالیسم نیز از عوامل بسیار مهمی بود که تسریع در امر اصلاحات ارضی را ضروری می نمود ایران بعد از اسرائیل همواره مرکز توجه بر علیه جنبشهای خاور میانه و تکیه گاه اصلی ثبات کشورهای مرتجع منطقه بوده است. (۲) اصلاحات ارضی این امکان را

(۱) اصلاحات ارضی قاسم و کوبیده شدن شیوخ و فتودالهای عرب در عراق تاثیر زیادی روی خلق خوزستان گذاشت بطوریکه اعتبار فتودال شیوخ و فتودالهای خوزستان را که تا آن موقع مقام نیمه خدائی داشتند بنحویسم گیری کاهش داد.

(۲) همانقدر که موقعیت استراتژیکی زاین در خاور دور در تصمیم امریکایه اجرای اصلاحات ارضی موثر بوده است (زاین پایگاه امریکایه برای مقابله با چین و ویتنام است) موقعیت استراتژیکی و پایگاهی ایران در خاور میانه نیز عامل مهمی جهت انجام اصلاحات ارضی در ایران بوده است.

بایران میداد که بانامین ثبات نسبی در داخل، هم خود را بیشتر مصروف گویند جنبشهای انقلابی منطقه نماید.

۲ - عوامل داخلی

در جامعه ایران دهقانان وسیع ترین قشر "مولد ثروت" را تشکیل میدهند و در حالیکه بورژوازی خرده بورژوازی اکثر "مبادله کار" هستند یعنی کار دهقان را بصورت محصولات کشاورزی و محصولات دامی و صنایع دستی (قالی و...) است با محصولات صنعتی و نیمه صنعتی که در دهات ساخته نمی شود (پارچه - قند - شکر - چای) مبادله میکنند.

این خصوصیت قشر دهقان (وسیع ترین قشر مولد ثروت بودن) شک طبقاتی جامعه ایران را بنحوی پرورش داده که طبقات مسلط جامعه بتوانند حداکثر استثمار از آن بعمل آورند. (مراجعه شود به تاریخ زمین داری ایران) مانع نهائی این حرکت را (قبل از اصلاحات ارضی) بصورت نظام رعیت داری مشاهده میکنیم.

الف - نظام رعیت داری

رعیت داری نحوه راج بهره کسی در ایران است و ۶۳٪ از زمینهای ایران بصورت رعیت داری اداره میشود.

رعیت بمعنای چسبیدن به پاشی است که چوپان اورابه چرامیبرد و معنای دیگر آن کشاورزی است که مالک بر او حکومت میکند بنا بر این ریشه لغت رعیت (دولت رعیت کسی است که باید رعایت حالش بشود) معنی حقارت آمیز و حیوانی دارد. مشخص

اول نظام رعیت داری تقسیم محصول بر اساس قاعده ای کلی انجام میگردد که نظریه عوامل پنجگانه تولید نامیده شده است. مطابق این نظریه پنج عامل در تولید کشاورزی دخالت دارند و هر یک از این عوامل سهم مساوی در تولید دارند این عوامل عبارتند از آب، کار، بذر، گاو، زمین. محصول بیس مالک و رعیت به تناسب مقدار عواملی که هر یک از آنها در تولید کشاورزی تهیه می

کنند تقسیم میشود. مثلاً دهقانی که روی زمین کار میکند $\frac{1}{3}$ محصول را برمی دارد مالکی که زمین و آب در اختیار زارع میگذارد و گاویندی که گاویند رجبت کست میدهد هر کدام به تنهایی $\frac{1}{3}$ محصول را از آن خود میبرند و در اینجا برای عامل کار دهقان که عامل اصلی تولید است رگا ویند و گاویند که در حکم سرمایه است و زمین و آب مالک که بطور فراوان در طبیعت موجود است نقشهای مساوی در تولید محصول قائل شده اند در حالیکه محصول صرفاً نتیجه کار زارع است نظام رعیت داری با وارد کردن عامل اضافی در تولید محصول (عواملی که خود مولد محصول نیستند) و هسان دانستن آنها با عامل کار دهقانی در امر تولید و دسترنج دهقان را پنج قسمت میکند و $\frac{1}{5}$ آنرا حق دهقان می دانند و مابقی را متعلق به ارباب و طبقات مسلط ده محسوب می دارد.

جالب اینجاست که در عمل تقسیم محصول چون مالک و رعیت قدرت مساوی ندارند مالک بر ارض رعیت را تحت تسلط خود میگیرد و هر چه بخواهد به او می قبولاند رعیت زیر سلطه چنین استشاری ظالمانه است که روز بروز فقیر بیشتر گسیده میشود مالک از فقر و بدبختی رعایا ضرری نمی بیند بلکه بالعکس باین وسیله میتواند رعیت را مجبور کند که سهم بدو را بخود را (اگر عامل بدو را گاو و از آن رعیت باشند) با و واگذار کند و از این راه سهم بهره مالکانه را تا ۷۰-۸۰٪ محصول بالا ببرد.

حکام مشخصه دوم نظام رعیت داری عوارض مالکانه است. عوارض مالکانه عبارت از برداشت قسمتی از محصول کاری است که رعیت بدون هیچ گونه کمک مالی مالک انجام داده است. در کردستان ۱۰٪ نوع عوارض مالکانه و بیگاری وجود داشت. در اطراف ملایر رعایا عیال نیست تابستان بکوه الوند بروند و هر جفت گاو یک خروار برف برای ارباب بیاورند و در اینجا عوارض موش خورانش هم رایج بود برای جبران آن مقدار گد می که موشها در انبار می خوردند. مالیات دیگر مالیات آفتاب بود و از کسانی گرفته میشد که برای ساختن کشتی انگور رادر آفتاب پهن میکردند.

علاوه بر عوارض رعیت باید بیگاری هم بدهد یعنی هر موقع که مالک احتیاج داشته باشد رعیت باید مجانی برای او کار کند.

۴. مشخصه سوم نظام رعیت داری عمومیت آنست -

" هاردی " در سال ۱۹۵۱ در مورد مالکین ایران میگوید: " لاقلاً نیمی از زمینها^ی ثبت شده به مالکان بزرگی که اغلب غائب هستند تعلق دارد. تعداد این افراد به ۱۰ هزار نفر میرسد. $\frac{1}{4}$ دیگر املاک واقعی و $\frac{1}{10}$ دیگر آن خالصه و سلطنتی است. قریب ۱۵٪ از زمینهای ثبت شده به خرده مالکدار تعلق دارد. در زنجان ۶۱٪ خانواده های روستائی مالک زمین ۱۲٪ آنان زمین ندارند لذا خصیصه^ی مشخص بنیان کشاورزی ایران از نظر مالکیت، مالکیت های بزرگ و عدم وجود خرده مالک در سطح ملی است."

۵. مشخصه چهارم نظام رعیت داری در ایران سلطه مستقیم مالکین بر زمینها

بود. زمین داران با نیروی که از املاک و رعایای خود کسب میکردند پایه های اصلی حکومت را تشکیل میدادند و حکومت به نوبه خود در برابر فرمانی های گاهگاهی - زارعین حافظ منافع آنان بود و قدرت خود را از طریق آنان به کوچکترین واحد کشور یعنی ده بسط میداد و وجود زمین داران بعنوان رابط بین حکومت و اکثریت - جمعیت کشور صیقل شده بود که سازمان اداری و سیاسی در آنجا که مربوط به روستاها میشد بنحوشگفت آوری تقریباً بهمان سادگی چند قرن پیش بماند وجود ارباب و که خدایان و مباشرینش در دهکده نیاز به بسط تشکیلات کشوری را در روستاها از میان میبرد. مالک در حکم یک پایگاه طبقاتی دولت محسوب میشد که هم استشاری کرد و هم امنیت لازم را جهت استثمار برقرار مینمود. در حقیقت تضاد اصلی در ده عبارت بود از تضاد بین طبقه دهقان از یک طرف و طبقه مالک از طرف دیگر.

۶. مشخصه پنجم نظام رعیت داری، خو گرفتن رعایا به فرهنگ فئودالی بود

محیط حاکم بر روستا و استثمار و حشده گرچه گاهی در بعضی نقاط موجب عصیان افراد میشد ولی کلاً رعیت را فردی فقیر، بیسواد، قانع، تنبل، ترسو، حقیر و ناآشنا به ابتدائی ترین حق که یک انسان در زندگی بایستی داشته باشد بار آورده بود. او همان

اندازه از محصول سهم میبرد که گاوشاید بدتر از یک گاو بزندگی شبه گیاهی خور
ارامه میدارد و عین حال مالک را دارای آنچنان قدرتی میدید که جرأت نمیکرد
زیرچشمی هم که شده باو نگاه کند .

شخصه ششم سیستم ارباب و رعیتی خلعت تفرقه و عدم یکپارچگی
روستائیان برای احقاق حقوق و رهایی از جنگال ارباب است. فقر ناشی از استثمار
بد هقان این روحیه را بخشیده که همواره باید گیم خویش را از آب بیرون بکشد
و او را بمحافظه باری عادت داده است. حاکمیتی که ارباب بد هقان داشته او را
مجبور ساخته برای حفظ منافع شخصی به بندگی و تعلق و چاپلوسی تن در دهد
و ارباب از این نقطه ضعف د هقان برای جلوگیری از نطفه هرگونه اتحاد علیه
منافع خود در میان روستائیان بخوبی استفاده نموده است .

ب - شرایط تاریخی

د هقانان در انقلاب با مشروطه بعلت ضعف رهبری و عدم بسیج آنان -
نقش چندانی نداشتند . لذا در وضع آنها در دوره مشروطیت تغییری چندان
حاصل نشد. تنهاد در دوره مجلس اول تصمیماتی در مورد تولیداری اتخاذ گردید
بدین معنی که مجلس تولیداری را «الغای» نمود نمیتوان گفت که میز را کوچک خان
اولین کسی بود که در ایران با آنکا به قشر د هقان و نیز مرد شهر و شمال بهارزه
بر علیه استعمار بودست نشانندگان آن برخاست و پیامیکه علاوه بر جنبه ضد استعماری
تحت تأثیر فرهنگ انقلاب شهری بطرف از زمین بردن استثمار و نجات دادن
قشرهای زحمتکش د هقان و شهری از جنگال استعمارگران و تأمین عدالت اجتماعی
در جامعه گرایش داشت . این قیام طی توسط رضاخان سرکوب گردید . در
دوره دیکتاتوری و گرچه رضاخان برای ایجاد سلطه استعماری متعبر بر ضد طوک
الطوائف برخاست اما اساس قدرت فتودالهاراکه زمین و نظام رعیت داری بود
برهم نود و تنهابه خلیصلاح آنها اکتفا کرد و اندکی نگذشت که خودوی نیز بهف
فتودالهارا مد و تشکیل املاک بزرگ و استثمار د هقانان اشتغال عمده افراد مؤثر

هیات حاکمه گردید (۱). بنابراین مکانسیم اساسی قدرت در جامعه مادران دوره هیچگاه از پایه تغییر نکرد. بعد از شهریور ۲۰ و تضعیف حکومت مرکزی دوباره موضع فتوای الهامی از پیش تحکیم شد اما در دوره مبارزه ضد استعماری دگر صدق شدت تضعیف گردید (۲). صدق در جریان مبارزه ضد استعماری خود فتوای الهامی حامی منافع استعمار بودند بر علیه خود برانگیخت. این مسئله مسئله استثمار شدید دهقانان ایرانی توسط فتوای الهامی روبرو داشت که در شهریور ۳۱ در قانون علیه فتوای الهامی تصویب مجلس برساند.

قانون اول همه عوارض و مالیاتهای ارباب راطفی اعلام کرد (به مالکین حق میداد تنها بهره مالکانه را از زمین دریافت دارند).

قانون دوم مالکان را ملزم میساخت که ۲۰٪ از سهم خود را به شورای ده و دهاقین بپردازند. این مقدار به دهاقین داده میشد و نیم دیگر به شورای ده که مرکب از ده نفر بود (سه نماینده رعایا - یک نفر نماینده مالک - که خدا). این جریان که موجب پیوند خوردن انگیزه نفت با انگیزه خاص روستائیان و پایه عبارت دیگر تلفیق مبارزه ضد استعماری و ضد فتوای الهامی بایکدیگر گردید. تحول پر اهمیتی در دنیای روستائی شد.

برای اولین بار (بعد از جریان منطقه‌ای میزاکوچک خان) دهقانان ایرانی امکان یافتند بایشتیانی حکومت ملی دگر صدق در سطح وسیعی بر علیه فتوای الهامی اقدام کنند و آنها را برزورچوب و سنگ از دهات بیرون برانند. بعنوان مثال در منطقه کردستان (همان جاتیکه ۱۰۳ نوع عوارض بمالک میدادند) تمام روستائیان بلا استثناء عضو کارت دار یک حزب طرفدار صدق بنام حزب سعادت گردیدند.

(هرکس در ده کارت عضویت این حزب را نداشت از طرف اهالی ده تکیه میشد)

(۱) نیویورک تایمز - ۹۵۸ و وسعت املاک پهلوی را از زبان علم ۵/۱ میلیون هکتار نقل میکند یعنی $\frac{1}{11}$ کل اراضی مزرعی ایران - درآمد سالانه در بار از املاک پهلوی ←

علاوه بر این برای مدت سه سال توانستند با دی مالک و خود مالکین را از ده بهره
براننده کار بجای سیده بود که تا اندامها بنیست خود شعاعهای حزب سالترا پیگیری

نه - روشن نه - کره نه - گوسفند نه - مرغ نه - فقط بهره مالکانه که

در حقیقت لغو پیگیری و سیورسات و هرگونه جور و ظلم مالک بود خودشان بروستاها

میراند و برای مردم می خواندند بقول یکی از دهاتی ها در آن دوره سه سال
میزدیم وی رقصیدیم اما پس از کون تای ۲۸ مرداد و سقوط حکومت دکرصدی

ماه غسل دهقانان نیز پایان رسید و مالکین بتدریج نفوذ سابق خود را در

پارلمان و در روستاها بدست آوردند و جنبشی که هم از بالا توسط دولت ملی

مصدق و هم از پائین با شرکت فعال دهقانان در روستاها به راه افتاده بود

رو خاموشی نهاد بهر حال در سال ۳۴ قوانین دوره دکرصدی "اصلاح" گردید

و رژیم با دست خود فتود الهیار ابروستا باز گرداند و مورد الفاء عوارض مالکانه چنین

تصمیم گرفته شد که در مواردی که این عوارض جزئی از سهم مالک را تشکیل میدهد

می بایست کماکان پرداخت گردد و قانون دوم نیز تغییراتی یافت و تحول سابق خود

را از دست داد سهم پرداختی به شورای ده به ۵٪ بهره مالکانه تقطیل یافت

علاوه بر این شورای ده نیز صورت دیگری بخود گرفت بموجب این قانون مهیا

بودائی مرکب از نماینده رعایا که خدا و نماینده مالک و دنفکره به توافق مالک و

رعیت انتخاب میشوند تشکیل گرد و ولی مالکان حاضر به پرداخت ۵٪ سهم خود

نبودند و از طرفی شورای ده با نظر مالک انتخاب میشد که نماینده رعایا نبودند

و بدین طریق یک بار دیگر هیات حاکمه فتودال برخلق ایران پیروز شد اما این

پیروزی ظاهری تا اندازه ای گذرا و موقتی و سطحی بنظر می نمود زیرا نه دهقان

طی تحولات این دوره به آنچنان دستاوردهای بزرگی نائل شده بود که بتوانند

اورانامه ز انقلاب سلحانه برسانند. نشایح این دوره به قرار زیر است:

۶۵ میلیون دلار است (۲) از تاثیر قیام دموکراتهای آذربایجان روی دهقانان این

منطقه اطلاعی در دست نبود

- ۱ - شکسته شدن تابوی مالک و سقوط اژاریک نیمه طلایش بادست دهقانان و حکومت ملی (تضعیف فرهنگ فئودالی) .
 - ۲ - چشیدن طعم مبارزه باالنفوعوارض مالکانه ورهائی یافتن از فشارهای مالک (چشیدن طعم آزادی واقعی) .
 - ۳ - پیوند خوردن مبارزه ضد فئودالی با مبارزه ضد استعماری و آشناندن دهقانان با مسئله نفت و استعمار (جهت گرفتن مبارزه ضد فئودالی به مبارزه برعلیه استعمار) (۱) .
 - ۴ - شناخت ماهیت رژیم ایران ویران این مسئله که تنها مالک عامل بدبختی اوست (چون تا بحال زارع جز قیافه مالک دیگری را در مقابل خود ندیده بود) و اینکه رژیم است که فئودالها را به آنها مسلط گردانیده و جز با درگیری با رژیم ایران نمیتوان در مبارزه بر علیه فئودالها به پیروزی رسید . (جهت گرفتن مبارزه ضد فئودالی به مبارزه بر علیه رژیم)
 - ۵ - آشناندن به امور اداره کردن دهات با تشکیل شورای پنج نفری ده و شرکت در امور اجتماعی ده بعنوان نقش اصلی . (سه نفر نماینده از شورای ده نفری از طرف رعایا بود)
 - ۶ - شناخت ماهیت دروغین اصلاحات ارضی رژیم شاه (رژیم پهلواننده حکومت دکترومدی) با مقایسه عینی این اصلاحات ارضی با اصلاحات ارضی دکترومدی .
 - جالبست که با از بین رفتن مالک در اصلاحات ارضی اکنون دست مأمورین فاسد و رشوه خوار و هم چنین زانداران مهابجان و مال روستائیان باز شد در حالیکه همین زاندار
-
- (۱) هنوز در روستاهای غرب مبنای تاریخ روستائیان برای تولد نفوذ و سربازگیری تاریخ دوره حکومت صدق است مثلا میگویند سه سال قبل از حکومت صدق به سربازی رفتم و با پنج سال بعد از دوره صدق ازدواج کردم .

در دوران حکومت صدق شعار و اعلامیه برعلیه مالکین در روستاها میدادند .

۷ - روشن شدن این مسئله که اگر یک جنبش مسلحانه دهقانی و ضد استعماری در آنوقت برعلیه رژیم ترتیب مییافت، می توانست از پشتیبانی بی دریغ توده های دهقانی و شهری برخوردار گردد و عبارت دیگر جامعه دهقانی مآلادگی لازم برای شورش همه جانبه علیه امپریالیسم و رژیم دست نشانده آن را دارد . منتها فقدان رهبريست که این نیروی عظیم را بلا استفاده نگه داشته است .

ج - شرایط استراتژیکی

۱ - جمعیت - ۶۵٪ جمعیت کشور ایران را روستائیان تشکیل میدهند . این نیروی انسانی عظیم محکمتین پشتوانه خلق ایران در یک جریان انقلابی می تواند باشد .

۲ - شرایط جغرافیائی - وسعت ایران، پراکندگی دهات، کوهستانی بودن، نبودن جاده، دوری از مرکز، ضعف سیستم اداری، نظامی و پلیسی دستگاه ، روستاها را بصورت ضعیف ترین و ضربه پذیرترین پیگردستگاه و در عین حال بصورت ایده آل ترین محیط جهت مانور و یارتیزان در آورده است . از این رانتهاد روستا میتوان کوبید .

۳ - وابستگی غذائی شهر به ده : شهر احتیاج به مواد غذائی ده دارد بدون محصولات کشاورزی و دامی ده، شهر قادر به ادامه حیات نیست لذا با در دست داشتن روستاهای اطراف یک شهر میتواند فشار زیادی به شهر وارد آورد . در حالیکه ده دارای اقتصاد بسته ای است و بدون شهر نمیتواند بزندگی خود ادامه دهد .

۴ - وابستگی اقتصادی شهر به ده : اکثریت جمعیت شهری خود مولد ثروت نیستند بلکه ببارده آن اشتغال دارند . آنچه که وارد جریان اقتصادی شهر میشود بجز محصول کار کارگران شهری یکی کار دهقانان است که بصورت محصولات کشاورزی دامی صنایع دستی وارد میگردد و دیگری پول دستگاه است که بصورت حقوق کارمندان چه

امور عمرانی وارد میشود. (البته این پول خود از درآمد نفت و از استثمار دهقانان حاصل شده است.) هرچه از شهرهای بزرگ به شهرهای کوچکتر برویم چون تعداد کارگرو مخارج عمرانی دولست ناچیزتر میگردد اقتصاد شهر بیشتر وابسته به اقتصاد روستا میگردد (ترکیب محصولات بازار شهرستانها که عبارت از محصولات کشاورزی دامی - صنایع دستی - * قالی و *... است نشان دهنده این وابستگی است. حتی نیروی کارگر شهرها و کارخانجات از روستاها تغذیه میشود). همان عواملی که موجب رکود اقتصادی دهات و بیکاری آنها است میتوانند مستقیماً موجب رکود اقتصادی شهرها و وفور بیکاری در آنها بشود. از اینجا نتیجه میشود که سرنوشت بورژوازی و خرده - بورژوازی بویژه در شهرهای کوچک با سرنوشت دهقانان گره خورده - است و هر حرکت و تحولی در روستا خود بخود شهرستانها را نیز بدنبال خود می کشاند. اتحاد با دهقانان در جریان یک مبارزه، خرده - بورژوازی - عظیمترین قشر موجود در ایران بعد از دهقانان - را نیز بمیدان خواهد کشید.

د- تبدیل رژیم فئودال وابسته، به رژیم بورژوازی وابسته:

شاه کنونی با فروش املاک غصبی پدر فتوالی از بعد از سالهای ۱۳۲۷ و همچنین با درآمد نامشروعی که بعد از سال ۳۲ از نفت بساو میسید شروع به سرمایه گذاری در امور صنایع بانکداری و حمل و نقل و ... نمود بطوریکه تا سال ۴۰ که اصلاحات ارضی ایران شروع شد او تنها در ایران صاحب بانک عمران، مؤسسه داروپخش کارخانه سیمان فارس، کارخانه سیمان درو، کارخانه قندفریمان کارخانه قند قهستان، کارخانه تصفیه شکرا هوازه کارخانه قند فارس، شرکت سهامی بیمه ملی، شرکت نفتکش ملی و حمل و نقل خلیج، کارخانه ایرانیت، کارخانه بی - اف - گودریچ گردیده این ساله

بعدها امپریالیزم اجازه میداد بدون اینکه در اثر اصلاحات ارضی مجبور به نفی فتوای الهی وابسته و کسمکش یا آنها گردد صرفاً با استفاده از روشی که خود شاه بکاربرد فتوای الهی وابسته را تبدیل به بورژوازی کمراد و نماینده نیوسلیه تضاد بین بورژوازی و فتوای الهیه در سطح بالا حد نماید. قرار دادن کارخانجات دولتی به عنوان پشتوانه اصلاحات ارضی و فروختن سهام آنها به مالکین درازا، غیوض اصلاحات ارضی نیز به همین خاطر صورت گرفت. با این ترتیب فتوای الهیه حاکم در جریان اصلاحات ارضی نه تنها متضرر نمیشد بلکه با تبدیل زمین به کارخانه عای سازنده مواد مصرفی، دست خود و امپریالیزم را برای چاپیدن هر چه بیشتر خلق ایران باز میگذاشت.

ترکیب عوامل داخلی و خارجی

در محاق ایرانی تحت نظام رعیت داری زیرشده ترین استثمار و تحقیر عام است و پیا میزند فقر مردم، جهل، بدبختی و نکبت از سر و روی اومی باره از طرفی جویانات تاریخی تا اندازه ای اورا به پیوسیده بودن نظام موجود رهنمون گشته و جوانه این آگاهی را در او بوجود آورده که میتواند تعادل موجود را بشکند و از زمین ببرد. جوانان ایرانی جهانی و جومبارزات ضد استعماری منطقه روز بروز تحرك بیشتری در او وجود می آورند. امپریالیزم از ترکیب جوانان ایرانی جهان و منطقه با شرایط انقلابی موجود در جامعه ایران بهرانی می افتد مخصوصاً که ایران در منطقه خاور میانه همانند ژاپن در خاور و دریای حلقه استراتژیک اویشمار می رود و از دست دادن ایران بمنزله منزله شدن موقعیتش در منطقه است. او بتجربه دریافته است که صرفاً با حربه نظامی نمیتوان وضع موجود را حفظ کرد و لذا از همانند ژاپن و ولپین (از حربه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی اصلاحات ارضی بمنظور حل مسئله زمین و دهقان) بهترین، عنصر در مبارزه کنونی و گرفتن انگیزه و از بین بردن زمین انقلاب روستائی استفاده میکند. اینجاست که شاه طی نطقی (بعد از شروع اصلاحات ارضی) خطاب به دانشجویان ایرانی که در امریکا تحصیل کرده و به ایران آمده بودند با و تارخا ص میگوید :

"اینجاد یگروانیست". زیرا بقول وزیر کشاورزی "باید خود را با تحول زمان هماهنگ سازیم زیرا جبر تاریخ ایجاب میکند - اگر خود عامل آن باشیم آسان میگردد ولی اگر غافل باشد چرخ زمان آنرا علیه ما انجام بدهد ما را زیر دانه های خود خرد خواهد کرد".

از جنبه نهاد نگیزه ای برنامه اصلاحات ارضی رژیم که بگذریم جنبه اقتصادی آن یعنی استثمار دهقانان در سطحی وسیعتر و شدیدتر از گذشته مطرح است و در این مورد بدون اینکه وارد بحث شیوه تولید در ایران در ادوار گذشته بشویم اینرا یادآور میشویم که شیوه تولید در ایران از آن زمان که کشور ما تحت نفوذ و سلطه استعمار گران قرار گرفت دارای خصالت عام "وابستگی" به پدیده استعمار بوده است و بر این اساس همزمن با رشد و گرونی این پدیده، شکل وابستگی نیز تغییر کرده و میکند.

اواخر قرن ۱۸ که دوران تولد سرمایه داری در فرانسه و سایر کشورهای غربی بود، برخورداری در این کشورها با انقلاب ارضی و آزاد ساختن دهقانان از قید فئودالها و نتیجتاً با نابودن قدرت خرید و مصرف آنها زمینه رشد خود را فراهم ساخت بطوریکه در قرن ۱۹ و مخصوصاً در نیمه اول آن مسئله بازار خارجی بعنوان یک مشکل اساسی برای سرمایه داری مطرح نبود و آنچه برای غرب در آن زمان اهمیت داشت عمدتاً تهیه مواد اولیه ارزان قیمت بود که الزاماتی بایست از طریق استعمار و استثمار کشورها ی ضعیف بدست می آورد. طبیعی است که در چنین شرایطی برای غرب با توجه به هدف مرحله ای را بدآل این بود که رژیمهای حاکم در این کشورها کارگزاران بی قید و شرط خواستهای آنها شوند و لذا استعمار را قبل از اینکه به شکل قدرت سیاسی در این کشورها توجیهی داشته باشد به نوکرمآبی و وابستگی هر چه بیشتر آنها نیاز داشت. در مورد ایران ما شاهد روابط صمیمانه انگلیس با دربار قاجاریه که نماینده قدرت فئودال

در آئیننگام بود میباشیم. طبقاً این همزیستی میان قطبهای سرمایهداری و اقمار فئودالی آنها بنا بر خصلت رشد یافته سرمایهداری که هر روز با تکامل ابزار تولید و با لافتن سطح تولید، بازارهای داخلی و بعضاً بیامیرسید نمیتوانست تحت همان شکل قدیمی تولید کشورهای وابسته ادامه یابد. سرمایهداری که با دوران بلوغ (امپریالیستی) میگذشت برای ادامه حیاتش چاره‌ای جز دست یافتن به بازارهای جدید در ماورای مرزهای خود یعنی در همانجا که تابحال از طریق استعمار بغارت مواد اولیه و خام ادامه میداد نهمیده. از سوی دیگر در کشورهای وابسته از جمله ایران که فئودالیسم در آنها حاکمیت داشت جوامع شهری عموماً و روستائی خصوصاً قدرت خریدشان بسیار اندک بود و بعلاوه دهقانان بسیار بیستیم خود، مصرفی سبک داشتند و این تشکیلات می دادند و با شهر هیچگونه مرادها و نداشتند و این خود مانع بزرگی بود بر سر راه عدل امپریالیستیها. لذا باید به هر طریق که شده قدرت خرید دهقانان بالا برد. میشد و بر تعداد مصرف کنندگان محصولات غرب هر چه بیشتر اضافه میگردد. از دیدگاه امپریالیسم حل این تضاد (تولید انبوه و نیاز به بازار جدید مصرف از یکسو و محدود بودن قدرت خرید دهقانان از سوی دیگر) جز از طریق دگرگونی شیوه تولید فئودالی و کشاندن آن بسوی شیوه تولید سرمایهداری در این کشورها امکان پذیر نبود. البته باید توجه داشت که این تحول به هیچوجه یک تحول طبیعی و تاریخی نبود بلکه صرفاً یک زاینی مصنوعی بود با مامائی امپریالیستیها.

در ایران این پروسه با ویژگیهای خاصی دنبال شده. سیاست مبارزه با فئودالها از طرف رضاشاه اگرچه عمدتاً بخاطر تشکیل یک حکومت مرکزی قوی جهت حفظ منافع انگلیس در ایران اعمال شد ولی از سوی دیگر این سیاست می توانست زمینه را برای دگرگونی شیوه تولید فئودالی ورشد

سرمایه داری (وابسته به امپریالیسم) فراهم سازد. در این مورد خود رضاخان نیز بعنوان بزرگترین فتودال عصر خویش اولین قدمها را برای هموار کردن این راه برداشت و در سال ۱۳۱۳ زمینهای خالصه سیستان و بلوچستان را تقسیم نمود و از این راه صاحب ثروت سرشاری گردید. دومین قدم را در این مورد شاه فعلی برداشت و زمینهای را که از پدرش در شمال ایران به ارث برده بود بقیمت گزاف و نقد فروخت. اولین اقدامات در واقع با اصلاحات ارضی شاه که به پیشنهاد امریکا انجام گرفت تکمیل گردید و بدین ترتیب شاه و فتودالهای سابق در عین حال که بهترین زمینها را برای خود نگه داشتند از درآمد حاصل از زمینهای فروخته شده به دهقانان، یادر کارخانجات دولتی سپردند و یا خود در بخش خصوصی با همکاری و شرکت سرمایه داران خارجی به سرمایه گذاری در رشته های مختلف پرداختند (تبدیل فتودالیسم وابسته به سرمایه داری وابسته). اکنون باید دید که آیا دهقانان از سیکل خود-مصرفی خارج شده و قدرت خریدشان بالا رفته است؟ این مسأله ایست که در خلال بحثهای آینده بوضوح روشن خواهد شد و خواهیم دید که اصلاحات ارضی شاه نه تنها منجر به بالا رفتن قدرت خرید دهقانان نگردیده بلکه کمر آنها را زیر بار قرض ادارات و مؤسسات مالی وابسته به رژیم نه همواره چون زالو خون آنها را می مکند خرد کرده است و خود این بدیده یعنی تشدید استثمار دهقانان زمینه را از جهت برای انقلاب دهقانی که دشمن بخاطر پیشگیری از وقوع آن دست به اصلاحات ارضی زد فراهم مینماید.

بررسی قوانین اصلاحات ارضی و نتایج آن

۱ - قانون مرحله اول (۱۹ / ۱۰ / ۴۰) : در این قانون طبق ماده ۲ حداکثر میزان مالکیت برای هر مالک، یک ده شمدانگ تعیین شد و به مالکین اجازه داده شد مقدار اضافه را به دولت بفروشند .

تعداد روستاهای مشمول قانون مرحله اول تا تاریخ ۱۹-۱۰-۲۷-۱۳۷۸۱۶ تقریباً ۶۵ هزاره از مجموع ۶۸۹۵۰ روستا و ۱۹۶۶۸ هزاره بوده است . قیمت املاک خریداری شده، مبلغ ۹/۱۵ ملیارد تومان (۴۲۰ / ۹۶۸ / ۵۴۸ / ۹۱ ریال) بوده که از این مبلغ ۲/۸۸ ملیارد تومان (۸۳۵ / ۹۷۷ / ۸۱۷ / ۲۸ ریال) می بایست بابت قسط اول از طرف سازمان اصلاحات ارضی پرداخت گردد .

قیمت زمینهای قابل خریداری از طرف وزارت کشاورزی بر مبنای مالیات املاک با در نظر گرفتن ضریب معاملات املاک تعیین میشد و برای تعیین ضریب معاملات املاک کارشناسان کشاورزی شهرستانها و روسای ادارات کشاورزی مطالعاتی درباره ارزش دهات حوزههای عملیاتی انجام داده و این مطالعات بر اساس دوری و نزدیکی دهات به مراکز شهر، مقدار آب و جنس خاک می باشد پس از تعیین ضریب، قیمت زمینها ضرب این ضریب در مالیات ملک بدست می آمد . مثلاً اگر ضریب

معاملات املاک یک منطقه ۱۸۰ باشد و مالیات ملک مزبور ۱۰۰ ریال باشد، برابر با

۱۰۰۰۰ ریال باشد قیمت زمین ۱۸۰۰۰۰۰ ریال می شود و قیمت ارزایی شده با سود ۶٪ در

سال بطور اقساط به مالکین پرداخت میشود و مدت پرداخت اقساط ابتداء سال و سپس ۱۵ سال تعیین گردیده است دولت برای تبدیل فنودالهای بزرگ و وابسته بدستگاه، به قشر سرمایه دار وابسته، لایحه فروتن سهام کارخانجات بعنوان پیشنهاد اصلاحات ارضی را یکی از اصول مواد تشکیله رفرا ندوم قرارداد و این ترتیب این مالکین با خرید سهام کارخانجات دولتی تبدیل به سرمایه دار خصوصی گردیدند .

مرحله دوم قانون اصلاحات ارضی که باتصوینامه ۱۸ بهمن ۴۱ شروع و با تصوینامه سوم اسفند ۱۳۴۳ به مرحله اجرای درآمد و وضع مالکیت خرده مالکین رادر ۱۳۶۹ و روستا و ۱۹۰۱۲ مزرعه روشن میبازد. طبق آئین نامه مرحله دوم اصلاحات ارضی، خرده مالکین موظفند به یکی از پنج صورت - اجاره - فروش - تقسیم - تشکیل شرکت سهامی زراعی و خریدن حق ریشه (نسق) زارعین و عمل نمایند. در صورتیکه خرده مالک صورت اول را انتخاب کند (نسق اجاره) میتواند اسناد اجاره را با فرد زارعین داخل نسق، با هر یک از آنها بضمانت شخص دیگر تنظیم و امضاء نماید. مدت اجاره سی سال و سهای اجاره هریک سال یک بار قابل تجدید نظر است. مال الاجاره بصورت نقدی بوده شرایط کلی آن از طرف سازمان اصلاحات ارضی تعیین میشود. بدین ترتیب که مأمور اصلاحات ارضی با تفاق مالکین بروستا رفته و میزان مال الاجاره را بر حسب معدل عایدات خالص مالکانه سالهای ۴۰، ۴۱ و ۴۲ با توجه به عرف محل با رضایت زارعین و خرده مالک یا مالکان تعیین میکنند. در بعضی از روستاهای مازندران دیده شده که مالکین برای اینکه میزان مال الاجاره را بمیل خود تعیین کنند با خدا ای ده توافق نموده و زمانیکه مأموران اصلاحات ارضی جهت تعیین مال الاجاره بروستا میروند تعیین مال الاجاره را بتوافق بین زارعین و مالک واگذار میکنند مأمور مربوط مراتب را بلی صورت جلسه ای بامضای روستائیان میرساند و بعد مالک هر میزان که مایل باشد مال الاجاره را تعیین و بدار اصلاحات ارضی مربوطه ابلاغ می نماید و در یک چنین صورتی پرداخت رشوه ب مأموران اصلاحات ارضی کلید گشایش مشکل بوده و گد خدا که نمایند مالک است و ده ای از زارعین مورد توجه ارباب از اعتراض زارعین فقیر جلوگیری می کنند در صورتیکه هر یک از زارعین در سر رسید مقرر از پرداخت مال الاجاره خود داری نمایند پس از انقضای مدت سه ماه از تاریخ مذکور بدرخواست مالک یا مالکین و با اطلاع سازمان اصلاحات ارضی اجاره فسخ میگردد و زمین از زارع گرفته میشود و دیگری واگذار میگردد. از آنجا که سیستم اجاره بنده

بمؤر کامل نفوذ مالك را در روستا از بين نميبرد و عملاً برای خرده مالك حق مالكيت قائل ميشود و خرده مالك بدون هيچگونه فعاليتي هر ساله مبلغی بعنوان بهره مالانته (مال الاجاره) دريافت ميكند بدون آنكه وظيفهای در قبال روستا^ن داشته باشد، اكثريت خرده مالكين تقسيم اجاره بندي را قبول نموده اند .

در ۲۰۳ هزار مورد مالكان، املاك خود را كه شامل ۱۰۹۰۰۰۲۵ خانوار كشاورز (۶-۷ ميليون روستائي) ايران است اجاره دادند . اراضي مگانیزه در اين مرحله نيز مشمول هيچيك از شقوق ذكر شده نميشود . در صورتيكه خرده مالك بخواهد ملك خود را به زارعين بفروشد (شق فروش) بانك اعتبارات كشاورزی و عمران روستائي مكلف است حداقل $\frac{1}{3}$ ارزش ملك را به زارعين خريدار و ام دهد و ام مزبور در موقع تنظيم سند مستقيماً از طرف بانك به مالك پرداخت و بحساب زارع منظور خواهد شد . با بقيمانده قيمت طبق شرايط توافقى كه بين زارع و مالك بعمل آمده توسط زارع پرداخت خواهد شد . وامهای مذكوره ۱ ساله با بهره سه درصد قابل استرداد از سال ششم بيمدد به اقساط ده ساله ميباشند . خرده مالكين نيز مى توانند در مقابل بهای تمام يا قسمتی از ملك خود سهام كارخانه جات دولتي را دريافت نمايند .

خرده مالكين تنها در ۲۳۸ مورد املاك خود را فروختند . در صورتيكه مالك يك ۰۰ - - شده اند و يا اكثريت مالكين (اكثريت بموجب ميزان مالكيت) بخواهند املاك خود را بين خود و زارعين تقسيم نمايند ، (شق تقسيم) سازمان اصلاحات ارضي ملك را به نسبت بهره مالكانه مربوطه بين مالك يا مالكين مزبور و زارعين تقسيم مينمايند و سهم هريك از زارعين برآين نسبت بندي ثبلى تعيين ويه هريك از آنها انتقال داده ميشود . بعاوه قيمت آن قسمت از ملك كه به زارعين داده شده بمؤر اقساط از طرف زارع بمالك داده خواهد شد . بايد توجه داشت كه مجموع زارعين بعنوان يك مالك محسوب ميگردند . بدين ترتيب كه فرضاً اگر مالكي در دوران مالكيت $\frac{3}{4}$ محصول را بابت بهره مالكانه دريافت ميكرد و سهم اوازك زمين $\frac{1}{4}$ مى باشد . علاوه بر آن قيمت $\frac{1}{4}$ ملكى كه به زارعين واگذار

شده از طرف زارعین با قساط مساوی به خرده مالکین پرداخت خواهد شد. (۱)

در صورتیکه خرده مالکین و زارعین توافق کنند که بهره برداری از زمینها بصورت یک واحد سهامی زراعی انجام گیرد (شق شرکت سهامی زراعی)، هیئت مدیره ای مرکب از سه نفر که یک نفر از طرف زارعین و فردوم از طرف خرده مالکین و نفوسوم با توافق طرفین انتخاب میشود امور مربوط به بهره برداری را اداره می کنند .

سهام اشخاص اعم از زارع و یا مالک در این واحد زراعی عبارتست از میزان حق السهمی که نسبت به مجموع عوائد بانوجه به مالکیت عوامل مختلف زراعی طبق عرف و معمول نصیب آنها میشود و عمل زراعت در این واحد زراعی برابر نسق توسط زارعین مربوط انجام میشود. باین ترتیب در سیستم بهره برداری از زمین هیچگونه تغییری حاصل نشده تنها کلمه واحد سهامی زراعی اضافه گردید و رابطه مالک و زارع تغییری نمی یابد و عملاً خصوصاً در خراسان دیده شده که مالکین از این قسمت توافق استفاده کرده و صورت قانونی را با اعلام تشکیل واحد سهامی زراعی درست می کنند. سپس زمین بین زارعین و خرده مالکین بانوجه به بهره مالکانه و بر حسب توافق یکدیگر تقسیم میشود و مالکین علاوه بر بهره داری از زمین قسمت خود از زمین تقسیم شده که در اختیار زارع قرار گرفته نیز بر حسب مالکیت عوامل پنجگانه زراعی بهره مالکانه دریافت میدارند و زارعین بدین دلیل حاضریه تشکیل واحد سهامی زراعی نمیگردند زیرا که اعتمادی به ارباب ندارند.

۲۰۳ هزارمورد شق شرکت سهامی را انتخاب کردند علاوه بر آن در ۶۲۸۸۸ مورد مالکین شق خوید را انتخاب کرده و حق ریشه زارعین را خویده و زارعین را بعنوان کارگر استخدام کرده اند . خرده مالکین که طبق یکی از شقوق ذکر شده عمل می نمایند در استفاده از زمینهای بایروموات حق تقدم خواهند داشت (به منظور عمران آنها) و باذن اعتبارات کشاورزی و عمران روستائی با اعطای وام باین خرده مالکین وسیله عمران زمینهای بایروموات را فراهم خواهد نمود .

(۱) مالکین در ۱۷۰ هزارمورد شق تقسیم را انتخاب کردند .

مألب نگاشته شده فوق بررسی اجمالی قانون اصلاحات ارضی بود اینک بررسی نتایج حاصله از آن می پردازیم .

۲ - بررسی نتایج اصلاحات ارضی

یک مقایسه ساده مابین نظام رعیت داری و نظام جدید بعد از اصلاحات ارضی میتواند ما را بقصد برساند . بایستی دید که اساس رعیت داری بعنوان نظام حاکم در کشاورزی ایران چه سرنوشتی یافته ؟ آیا از بین رفته ؟ روزوال است؟ و یا روالی دیگر یافته و سرعت رشد میکند ؟

آیا شکل روابط ارباب و رعیتی فرو ریخته است ؟

در بعضی نقاط مانند کردستان حفظ ثبات منطقه جز با وجود مالک و سلطه طبقاتی او امکان پذیر نبود و لذا دولت تصمیم گرفت که ترکیب طبقاتی روستا را بهم نزده قشر مسلط بر روستا را همچنان حفظ کند . اینک نظام ارباب و رعیتی در کردستان رسماً به موجودیت خود ادامه میدهد . اگر کسی بخواهد ایران قبل از اصلاحات ارضی را ببیند میتواند سری بکردستان بزند . بطور مثال :

در تمام دهاتی که در کردستان مورد بازدید قرار گرفت مال الاجاره اصلاحات ارضی آن چنان کم رنگ بود که زارعین دست بدامن خرده مالکین شده و دوباره با هم موافقت کردند که کافی السابق به تادیه بهره مالکانه بپردازند و روابط ارباب و رعیتی بهمان ترتیب سابق برقرار باشد . با توجه به اینکه بهره مالکانه در مورد اراضی $\frac{1}{4}$ محصول و در اراضی نیمه آبی $\frac{1}{3}$ و در اراضی آبی $\frac{1}{4}$ محصول است میتوان بی برد که مال الاجاره تعیین شده از طرف اصلاحات ارضی تاجه اندازه سنگین است که زارعین حاضر به رجعت به دوران قبل از اصلاحات ارضی گردیده اند . روابطی که نصف درآمد غرغرد زارع را هر سال مستقیماً به جیب مالک میریزد در یک ده مالک حق ریشه زارعین را بزور بدون اینکه کمترین دیناری بدهد (بظاهر خریده و زارعین در آنجا بعنوان کارگران کشاورزی زندگی میکنند . مالک این ده از زارعین خود هر ساله گرایه خانه میگیرد . به پیروزی که پول گرایه

خانه رانداشت دستور داده بود که پشت بام یکی از خانه ها زندگی کرده و برای زمستان از ده خارج شود. علاوه بر این مالیات بر ازدواج میگرفت. در یک ده دیگر اجاره زمین مورد اجاره زارعین آن چنان زیاد بود که تنها که گندم برای زارعین باقی می ماند آنها را زادن این مال الاجاره سنگین ایا کردند ولی از طرف دولت به زندان انداخته شدند و امید زارعین فقط به این بود که بعد از پنج سال که در میزان الاجاره ها تجدید نظر میشود بتوانند اجاره را تعدیل نمایند. در ده دیگر ارضی که با سپاهی دانش راجع به اصلاحات ارضی صحبت کرده توسط یکی از برادران مالک کشته شده است. قاتل برای مدتی بعراق رفته و دوباره به ایران باز گشته است. در اینجا پیاد آوری این نکته ضروریست که این شگل تازه و ویژه منطقه کردستان نیست بلکه در تمام مناطق کشر چنین سیستمی حاکم است و اصولاً تقسیم قانون اصلاحات ارضی به دو مرحله خود روشنگر این مسئله است که رژیم بواسطه وابستگی ای که به طبقه مالکین داشته خواستار قطع نفوذ کامل این طبقه از روستاهایی باشد. در بعضی موارد روابط تولید کنندگان از صورت سابق که روابط مالک و رعیت بوده در آمده و صورت تازه ای بخود گرفته است. روابط تازه شبیه کار فرما و کارگر است مقررات اصلاحات ارضی از چند طریق این تبدیل مالک به کار فرما و رعیت به کارگر کشاورزی را تسهیل می کند.

الف - قانون فروش حق ریشه زارعان به مالکان - مالک زمین زارع را خریده و سپس از او بعنوان ارگر کشاورزی استفاده میکند تا ۱۶ دیماه ۱۳۴۵ در ۶۳۸۸ مورد این قانون عمل شده - نصف این موارد در دوناخیه کرمان و خواسان میباشد. شاید بتوان علت این امر را فقر فراوان کشاورزان این دوناخیه دانست که قدرت زیادی برای استقامت در مقابل مالک ندارند فراموش نکنیم که کرمان ناحیه نفوذ گاویندها می باشد.

ب - از راه رواج کشاورزی مکانیزه - در قوانین اصلاحات ارضی، کشاورزی صنعتی

یکی از مستثنیات قانون است و قوانین اصلاحات ارضی شامل این نوع زراعت نمیشود. تا تاریخ ۱۹/۱۰/۴۵ در سراسر کشور ۱۲۷۷ ده ششدهک از مقرررات اصلاحات ارضی با این استثناکارگذاشته شدند معاف نمودن اراضی مکانیزه از تقسیم موجب گردید که عده ای از مالکین بخاطر جلوگیری از تقسیم دهات خود روستائیان را به زور و یا فریب (البته با استفاده از نفوذ خود در دستگاه (خارج کرده و بجای آن کارگر کشاورزی استخدام کنند) در منطقه ساوه از ۴۵ ده تنها ۲ ده مشمول اصلاحات شده و بقیه به همین سرنوشت مبتلا شده اند). با پیدا نیت که در روابط ارباب رعیتی موارد معدودی هم دیده میشد که مشکلات زارع بشیوه پدرمشی از طرف بعضی از مالکین بر طرف و یا از روی دلسوزی از اخراج وی از ده صرف نظر میشد ولی با تغییر رابطه پیشین به کار فلاحی و کارگری وضع زارع بدتر از بدتر شده است.

اینکه چند نمونه از جریان اجرای قانون اصلاحات ارضی در روستاهای کشور ده آلو - مجرد از دهات شهرستان ساوه دهی است که بر نامه اصلاحات ارضی در آن پیاده نشد و بیسیاستی که مالک بازی کرد توانست ده را بصورت جدیدی تحت تملک خود در آورد. زمینهای زراعتی این ده که در حدود ۱۰۵۰ هکتار می باشد که ۸۰۰ هکتار آن متعلق بدو برادرینامهای دکتر افراشته و منصور افراشته است و ۲۵۰ خانوار دیگر در حدود ۲۵۰ هکتار زمین در اختیار دارند. توزیع این مقدار زمین هم بطور عادلانه نبوده بلکه بعضی از خرده مالکین در حدود ۲۰ هکتار زمین دارند و بزرگترین دیگر کمتر از نیم هکتار زمین رسیده که بهیچ وجه تکافوی مخارج آنها را نمیکند و در حدود ۱۵ درصد از مردم اصلا زمین ندارند. افراشته از آن دزدان چراغ بدسی است که با چراغ قانون و حمایت و پشتگویی به دستگاه اموال دهقانان را بختار میبرد. وی قبل از اصلاحات ارضی طوماری درست کرده بود که در آن این مطلب که "افراد امضاکننده زیر زارع نیستند بلکه کارگران روز مزد هستند" نوشته شده بود و به هر زارعی ده تومان پول میداد تا زیر این طومار امضا کنند زارعین هم که همگی از

جریاناتی بی اطلاع بودند عده ای به خاطر خوش خدمتی و گروهی بخاطر چشم هم چسبی و غیره این طومار را امضا می کنند و گویانتهاعده بسیار معدودی که از ده نفر تجاوز نمی کنند از امضا کردن امتناع می کنند. در ضمن افرشته بکسانی که گاو نر داشتند و احتمال میداد که در آینده بر حسب نسق بندی مقداری زمین به آنها برسد پیشنهاد خرید گاو آنها و رد عوض سهم کردن آنها در تراکور می کند و بدین ترتیب گاوهای اینهارا نیز می خرد و البته می گویند سهم تراکور را بماند او و ما که از جریاناتی خبر بودیم موقعی متوجه شدیم که دیدیم کار از کار گذشته و اراضی مکانیزه شده است از این حقه بازی و دغلاکاری افرشته بخشم آمدیم و ۶۰ نفر در هر جمع شدیم و برای شکایت بتهران رفتیم چند روزی در آنجا ماندیم و دیدیم که کارمان نتیجه ای نمی دهد و شکایت ما به ادارات بیپوده است و بیش از آن مدت هم نمی توانستیم بمانیم زیرا تمام پولهایمان را خرج کرده بودیم و در نتیجه دوباره بده برگشتیم. آخر میدانید افرشته در دربار پارتی دارد (در ختر لمناقلیج یکی از سردیسگان افسراشته است و اینطور که معلوم است با سایر درباریان دست اول نیز رفیق است بدین سبب او قبل از اجرای قوانین بفکر چاره با توسل به قانون و خدعه می افتد.)

اصلاحات ارضی نهگین از توابع شهرستان مرند:

در نهگین از توابع مرند حتی اگر اصلاحات ارضی بنحوی مطلوبی انجام پذیرد فقط ۶ خانوار صاحب نسق از نتایج آن بهره مند خواهند شد و آنان نیز چون بهیچ حال باید آب مورد نیاز خود را از مالکان خریداری کنند باز هم تحت سلطه اقتصادی مالکان قرار خواهند داشت. عامل آب در کشاورزی ایران حتی بیش از عامل زمین دارای اهمیت و ارزش است. اگر اصلاحات ارضی موفق نشود روابط فروشندگان آب و زارعان را با وضع مقررات عادلانه ای تنظیم کند بتدریج ممکنست فروشندگان آب همان موقعیت اقتصادی و اجتماعی را که مالکان در روستا داشتند بدست آورند. بطور کلی در مناطق کوهستانی که وضع زارعان از نظر اقتصادی خوب نیست و یا سطح فرهنگ آنها پایین است و یا نظام خانخانی در آنجا رواج مستقیمی داشته است اصلاحات ارضی تاثیر

زیادی در روحیه زارعان و وضع زندگی آنان نداشته است. مثلاً در امتداد مرزهای غربی ایران خانهدار بعضی نقاط موفق شده اند زارعان را مجبور کنند که علیرغم تقسیم اراضی بهره مالکانه را بپذیرند یا در مواردی حتی اسناد مالکیت خود را پاره کنند و بدور اندازند زارعی که در برابر آنها دست به مخالفت زده اند با اعمال شدید انتقام جویانه آنان مواجه گردیده اند. اینکه چنین مواردی پیش آمده است و مأمورین دولتی آنها را به سرعت و شدت تحت تعقیب قرار داده اند موجب آن شده است که مالکان بادلگرمی بیشتری امیدوار به بازگشت به دهات باشند زارعی نیز از همین نگرانند و این که در ماههای اخیر و بهمرفته زارعان با مالکان بیشتر درآ کرده اند تا حدی نتیجه وحشت از عواقب احتمالی چنین بازگشتن است. (۱)

در سایر موارد که در اثر اصلاحات ارضی اساس روابط مالکیت و رعیت که بر مبنای زمین ایزار اصلی تولید ثروت استوار بود تبدیل یافت و به صورت رابطه مؤجر و مستاجر درآمد، چیزی نگذشت که مالکین سابق با قشرهای مرفه ده با تکیه به مالکیت ایزار جدید تولید (تلمبه - تراکتور - کباین - آسیاب - سرویس مسافری - دادن قرض) دوباره نفوذ اقتصادی خود را در روستا برقرار و با استثمار از نوع پیچیده تراز سابق پرداختند. بدین ترتیب طبقات نوینی از درون طبقات کهنه استثمارگر در روستاها پدید آمدند. در پیدایش طبقات جدید آب مخصوصاً نقش اساسی را بازی میکند زیرا در بسیاری از نقاط کشور زمین بدون آب هیچگونه ارزشی ندارد و قانون اصلاحات ارضی هم قنات را مستثنی کرده است. اینک فروشندهگان آب (صاحبان تلمبه - قنات) بتدریج در همان موقعیت اقتصادی و اجتماعی نظیر مالکان قرار میگیرند.

می بینیم که با اصلاحات ارضی استثماریک طبقه از طبقه دیگر حذف نمیشود. در بعضی نقاط مانند کردستان همان روابط قدیم استثماری بشکل قدیم برجای می ماند و در نقاط دیگر که روابط قدیمی استثمار تضعیف گردیده جای خود را با شکل

نوعین و پیچیده تری می دهند که در این روایت جدید باز هم اقلیت باقشمر مرغه بورژوازی ده و اکثریت باقشمر محروم خوش نشین و زارع فقیر است. جالبست که قشمر گاویند سابق که قشمر استثمارگر ضعیفی در ده بود و با قرض دادن گاو و بذریه استثمار زارعین می پرداخت از زمین نرفته و با تبدیل گاو به تراکتور و تبدیل بذریه پول و نقد و جای بیش از پیش خود را تقویت کرده است. (۱)

(۱) عامل مهمی که در کلیه دهات ایران عمومیت دارد ربا خواری و سلف خری است با اجرای قانون اصلاحات ارضی مالکین دیگری زارعین کمک نمی کنند و زارعین ناگزیر هستند بار دیگر خود را از حمایت مالک یا تجار و نزول خواران شهری بسر خود را ساخته و وامهای با بهره های سنگین ۳۰ تا ۶۰٪ و گاهی بیشتر دریافت دارند و با محصولات خود را پیش فروش کنند بطوریکه اکنون اکثریت زارعین زیر قرضهای کمر شکن قشمر مرغه ده یا شهر قرار گرفته اند. بطور مثال میزان کل وامهای غیر دولتی استان خوزستان در سال ۳۹ در حدود ۲۷۷ میلیون ریال بوده که با توجه به نرخ بهره ۵۰٪ این مسئله نمودار بارزی از قرض زارعین این منطقه است. قابل توجه است که بدانیم میزان وامهای دولتی که در این سال به روستائیان این منطقه داده شده برابر $\frac{1}{13}$ وامهای غیر دولتی یعنی ۵۷ میلیون ریال است.

در کليه موارد مرحله دوم اصلاحات ارضي که شامل $\frac{1}{2}$ دهات ايران ميشود همان قلعه عوامل پنجگانه توليد سرنوشت دهقانان رامعين مي گند . بعنوان مثال، قانون «همان مال الاجاره اي را که مالک در دوران رعيت داري با آنکه به نظريه عوامل پنجگانه توليد براي رعيت تعيين کرده بود ميتوان قرارداد داد و همان مال الاجاره کوني دهات قرار ميدهد . (طبق قانون زارع بايستي متوسط اجاره سالهاي ۴۰-۴۱-۴۲ را بعنوان اجاره بصيرت قسط به مالک بپردازد)

وياد رشتي تقسيم مالکي که سه عامل از ه عامل توليد را در اختيار رعايي ميگذاشته امروز بهمان نسبت سابق زمين را بين خود و دهقانان تقسيم ميکند (سه قسمت براي خود برمي دارد) و علاوه بر اين پول آن دو قسمتي را که به زارعين واگذار کرده ميگيرد . و يا اگر مالک مایل به تشکيل شرکت سهامي زراعي با رعايا باشد محصول به نسبت ۲۰٪ مابين مالک و زارع تقسيم مي گردد .

واضح است که در هيچيك از اين موارد نظريه عوامل پنجگانه توليد که اولين مشخصه نظام رعيت داري بود سرنگون نشده بلکه بصورت قانوني نري، اساس روابط جديد مالک و زارع شده است . براي روشن شدن اين مسئله بدگرچند نمونه اکتفا ميگردد .

کمي بالاتر از احمد آباد رهي است بنام باغ شيخ که داراي ۳۰ خانوار جمعيت است اين ده . قبلا بتمامي تحت تملك تيمسار شريف بوده و قبل از اصلاحات ارضي طريقه کست بصورت نصفه کاري عمل ميشد ولي در اين شرايط کار ه عده اي موافق و مخالف پيدا شدند و دوستگي پديد آمد البته علت اصلي دوستگي را بايد در فشار بينش از حد تيمسار عده اي از مياشترين او بر زارعين از يک طرف و روشن شدن زارعين و درك آنها از اصلاحات ارضي از طرف ديگر دانست . بالاخره اصلاحات ارضي شروع ميشود و قرايمشود که زمين تيمسار بر اساس بهره مالکانه

تقسیم گردد ولی زارعین زیر بار نمیروند و خواستار تقسیم تمام ملک نیسماری شوند. بالاخره در این بین کاربرد عوامی که دینا و سرمایه را جمع میکنند و در نهایت کار نفع مالک تمام میشود و با کمک ژاندارمری و مأمورین زمیندار بر همان اساس بهره مالکانه تقسیم می کنند. ناگفته نماند که آب تمام زمینهای ده قبلا از قنات تامین میشده و با وضعی که پیش می آید مالک برای خودش حلقه چاهی حفر میکند و باعث می شود که آب قنات خشک شود و دیگر زارعین هم چندان تمکن مالی نداشته اند که به لاری قنات بپردازند و اصولا باین ترتیب آبی هم وجود نداشت. تا اینکه اخیرا با کمک یکدیگر چاه عمیق حفر میکنند ولیکن به علت نامعلومی این چاه خراب میشود در این گیرودار زارعین دست بدامن نیسماری میزنند که از آب چاهس به زمینهای آنها بفروشد ولی نیسمار حاضر نمیشود و یکی از زارعین میگفت این چه اصلاحات ارضی است، باز زمین را ندولی آبی را از کجا بیآوریم؟

در روستای پاپولک از توابع شهرستان بروجرد بر اثر اصلاحات ارضی ۲۰۰ هکتار از زمینها یعنی درست نصف زمین از هر جفتبه مالک و نصف دیگر به رعیت داده شده و هر کس آن مقدار که قبلا اجاره میکرد نصیبش گردیده و آنها که زمین نداشتند سهمی نبردند. بابت پول زمینها دولت تا کون پولی نگرفته است سند نیز نداده است. اگر کسی بخواهد از ده مهاجرت کند زمین را باید پسا گرفتن سر قفلی به کسی واگذار کند. مردم از ندانستن سند اظهار ناراحتی می کنند - آب ده فراوان است چهار روز مال مالک و چهار روز مال رعیت است - مالک عملا کمتر به رعیت سروکار دارد و شخم زدن را با تراکتور کرایه ای انجام میدهد و برای آبیاری کارگر میگیرد .

در مصاحبه ای که با یکی از روستائیان ده "برده" از توابع شیراز بعمل آمده ، مرد روستائی در جواب علت تقسیم نشدن زمینهای ده جواب داد :

مالک نمیکند... گفتن چطور؟ گفت تو اداره ها آشنا داره و پول میدهد و نمیکند

زمینها تقسیم شود و صدای مابجائی نمیرسد. میگفت اوچک میکند که از همه کمترش

۲۰ هزار تومنه . گفتم پول شمارا میگیره وبعد میده به آنها خندید و گفت آهنا
 تونمیری درست گفتی . گفتم خوب اگر زمین تقسیم نشده پس باید مثل قدیم
 یک حسابی در کار باشد . مگر اینطور نیست ؟ گفت ظاهر ا همینطور است . گفتسم
 چقدر به مالک میدهید ؟ جواب داد قانون ۵ یک است ولی خیلی بیشتری
 گیرد و خون مارانشه کرده و جیگر همه مون خونه . گفتم چطور ؟ گفت مثلا
 من ۱۵۰۰ درختانگور دارم اگر یک حساب کنیم محصول ۳۰۰ درخت مال
 مالک . کمی مکت کرد و بعد مثل اینکه بخواید آنرا بطور واضح شرح دهد گفت .
 بین من او ده این همه راه میام اینجا و بر میگردم . نو آفتاب داغ کارایسن
 درختها را میکم . پایه بیل میزنم . سنگ زمینها را جمع میکنم توسوز سرما که
 آدم بی مزه از اینها نگهداری میکنم . موقع بارون میام که آب به همه درختها
 برسد . گفت برادر خلاصه جون میکنم که خودم وزن و بچه هایم از گشتگی نمیرند .
 زحمت اینها رو من میکنم مالک هم کاری باین کار ندارد . خوب با همه این
 زحمتها درخت یا خوب باید ثمر میدهد . موقعی که هیچکس دست تو محصول نبرده
 میریم دنبال مالک میگیم بیا و سهم تو بر ولی اون نمیايد . گفتم چطور نمیايد ؟ بهادر
 جواب داد میگه (مالک) حالا که درختا رو چیدن آمدید . بعد گفت بخدا هیچ
 کس دست تو درختا نبرده است . گفتم خوب برای چه چنین کاری میکنی و نمیايد ؟
 گفت بهرست گفتم مثلا من ۱۵۰۰ درخت دارم طبق قرار باید ۳۰۰ تاشو
 بدیم به مالک حالا موقع محصول اگر بیاد واله من حاضرم ۳۰۰ تا از درختهای
 پیرا بشوید مالک . بعد ناراحت شده و گفت بخدا من ۵۰۰ تا از بهترین درختها
 رو بهش میدم ولی نمیايد بعد ادامه داد که حالا که مالک نمیدانگور و نمیشه که
 داشت خراب میشد انگورها رو می چینیم می بریم شهر و با همین جامی فروشیم بعد
 که محصول تمام شد مالک میاد و میگه مثلا تو ۲۰۰ تومن بده ۴۰۰ تو ۵۰۰
 و تو ۵۰۰ نه حسابی نه کبابی حالا اگر محصول هم نداده باشد او کاری ندارد
 و سهمش را میخواهد (او هم چه سهمی) . گفت اینطوری بما ظلم میکند .

گفتم اگر ندهید چکار میکند؟ بهادر هم مثل دوسر دیگر جواب داد و گفت. میره پول میدادندارم و بازاندارم میدا و میگیره . گفتم خوب باهم جمع بشید و ندید جواب داد توده «برده» همیشه باهم جمع شد . گفتم چطور همیشه وقتی همه باهم ندادید چکار میکنه ؟ گفت - همه باهم جمع نمیشن برای اینکه مالک از بعضی کردن گفت ها که پول دارن یا پول نمیگیره و یا هر چه آنها پول دادن میگیره یکی برای این موضوع یکی دیگر اینکه مردم اینجا که تماشاخان بشهر نرفته اند و یا خیلی بشهر وارد نیستند از شهر میترسند . مالک هم که داندارم میاورد داندارم هم اول سیلی میزند بعد میگوید اگر پول ندادید میبرمتون شهر و تحویل زندان میدهم آنها هم می ترسند و هر طور باشد پول را میدهند .

۵ - تفویض قدرت اداری ارباب به رژیم

مشخصه دیگر نظام رعیت داری حاکمیت مطلق ارباب در ده بود . در این دوره نبض امور اقتصادی ، سیاسی ، اجتماعی و قضائی دهات در دست مالک بود و تضاد اصلی در روستا عبارت بود از تضاد مابین دهقان و مالک . اینک همانطور که استعمار نوع فئودالیزم در روستای خود را به استعمار نوع بورژوازی داده است روابط جدیدی نیز جانشین روابط دوران فئودالی گردیده است . با اصلاحات ارضی ، تأسیسات قضائی ، نظامی و اداری دستگاه به همراه بورژوازی تازه بدوران رسیده روستا بر مسند سابق مالک ننشسته پایه های اصلی حکومت که در زمان پیشین تا مرز مالک میرسید اینک گسترده تر شده و تا اعماق روستا نفوذ کرده است به عبارت دیگر سرمایه ارباب در نظام قبلی زمین بود و اینک تلمبه و کمباین و آسیاب . سرمایه گاو بند قبلا گاو بود و اینک تراکتور . قبلا بذقراض میداد و اینک پول و نقد و چای قرض میدهند . اختلافات قبلا باریز سفیدی مالک حل میشد اینک دادگستری و داندانمری و خانه انصاف قبلا مالک به رعیت کمک میکرد اینک شرکت تعاونی جای او را گرفته است . قبلا ملا در سر میداد و اینک سپاهی داندان با مقایسه مختصر می توان دریافت که قشر استعمار گرسابق گرچه نفوذ اقتصادی خود را بشکلی نوینی در

آورده ولی هم چنان مستقلاً آنرا حفظ کرده است امانفرد سیاسی وقضائی و اداری اوینفع رژیم (نه بنفع مردم) تضعیف شده است . و این بار با تکیه به ژاندارمری ، اصلاحات ارضی ، شرکت تعاونی ، خانه انصاف و بیاری ثروت و آگاهی خود خواهد توانست قدرت اربابان سابق را بخود اختصاص دهد . این تفویض قدرت اداری ارباب به رژیم بزرگترین تحولی است که تاکنون در پهنه روستا رخ داده زیرا دهقان ورژیم را بطور مستقیم در مقابل یکدیگر قرار داده است . اینک زارع عامل هرگونه بدبختی و فقر و ظلم و جور و بیماری را درده متوجه فساد و رشوه خواری بیش از حد مأمورین اصلاحات ارضی ، ضرب و شتم ژاندارم ، بی خاصیت بودن شرکت تعاونی ، سر بار بودن سپاهی دانش ، کفد بازی داد گستری دستگاه میداند .

گفتگوی زیربایکی از روستائیان قریه " برده " از توابع شیراز نموداری از آگاهی مردم نسبت به این تفویض قدرت است . به جوان روستائی گفتم حالا که همه جازمین هانتقسیم شده ولی اینجاق تقسیم نشده و در اینجا بشما اینطور ظلم میکنند بروید شهر و شکایت کنید . تا این حرف را شنید قیافه اش باز شد و خندید و مغرورانه گفت . " شکایت کردیم " سه چهار سال است که دنبال ایمن کار هستیم (!) و حالا قرار شده که مالک دو کار کرد . یازمینهارابه ما بفروشد و پولش را بعدت بگیرد و یسا زمینهارا بدولت بفروشد و بعد دولت زمینهارا بامیدهد و دولت پول زمینهارا بگیرد که بمالك كاری نداشته باشیم .

گفتم اگر مالك باز به اداره عارف پول داد و خلاصه حاضر نشد چنین کاری بکنند شما چكار میکنید ؟ باز قیافه اش تغییر کرد و گفت : اگر باز ما زمین ندادند نمی اهل محل تصمیم گرفته ایم زن و بچه هارا بریزیم صندوق (منظور ماشین است) و برویم تهران پهلوی شاه ، خود شاه ، و تا کارمان درست نشود بر نگریم .

عمیقطور رجاده جلومهر فتمیم و هو اتاریك شده بود و كم كم به ده نزدیک میشدیم گفتم ژاندارمها غیر از اینکه از طرف مالك بیایند و شمارا مجبور کنند كه پول بدهید دیگر

کاری هم بکارشمارند یا نه؟ بهادر گفت این ژاندارمهای آدمهای خیلی بدی هستند و خیلی به مردم ظلم میکنند گفتم چطور؟ ادامه داد و باز گفت من خیلی بشهر رفتم و خوب بگریان واردم ولی خیلی هاجریان شهر وارد نیستند و کم به شهر رفته و از شهر میترسند. گفت: ژاندارم میاد و عناوین مختلف از مردم پول میگیرد مثلاً میاد و به یک جوان و یا پدرش میگوید سربازی درآمده و باید برویم شهر تحویل بدیم شهر و اگر میخواهی سربازی نروی باید ۱۰۰ تومان بدی. پدر با پدر که بگریان وارد نیستند خیال میکنند ژاندارم راست میگوید و هر طور شده ۱۰۰ تومان را جور کرده و به ژاندارم میدهند بعد روگردن با و جریانی که برای خودش پیش آمده بود تعریف کرد. گفت وقتی ۱۵ ساله بودم ژاندارم آمد و گفت باید برویم شهر که اسمت برای سربازی درآمده است و یا باید صد تومان بدی. میگفت به ژاندارم گفتم بخدا اگر یک "قران" بدیم بعد ژاندارم گفت پس باید برویم بشهر گفتم برو جلوتانضم دنبال تو بیایم. ادامه داد که رفتیم بسوی شهر در بین راه مرتب نرخ پائین می آمد و حاضر بود مقدار کمتری بگیرد و کاری بمن نداشته باشد باز من گفتم یک قران هم نمیدهم. بعد از ته دل خندید و گفت بالاخره جان تو نزدیکیهای ژاندارمری حاضر شد پنج ریال بگیرد ولی باز هم همان جواب را به او دادم. گفت: بالاخره رفتیم ژاندارمری ولی چون شناسنامه من عوضی بود تولباس نرفتم. میگفت حالا اینها میترسند که بشهر بروند و پول میدهند. میگفت تازه اگر بروند سربازی، (خر) میروند و آدم برمیگردند.

بعد گفت حالا نسبت به جلوتر خوب شده و مردم مرتب بشهر میروند و کم کم از شهر نمیترسند. به سرتیپ ای رسیدیم از دور چراغهای ده سوسومیکرد. گفتم خوب مشهدی بهادر اگر اینطور خوب شکایت ژاندارمها را بکنید. خنده بلندی کرد و گفت تو نمیری تا حالا صد ژاندارم عوضی شده. مرتب میریم شکایت. این یکی را

برمیدارند و دیگری میآید سرجای او. من گفتم حتماً یکی از یکی بدترند بازخندید و سرش را بالا کرد و گفت جان تو همین طوره یکی از یکی بدتر هستند. پرسیدم ده سپاهی هم دارد یا نه؟ جواب داد بله تا حالا چند سپاهی عوض کرده و بعد ادامه داد که سپاهی دوره اول خیلی خوب بود و خیلی زحمت میکشید ولی چندی قبل یکی از آنها آمد و خیلی نامرد بود و گفت جان شما خیلی احترام به او میگذاشتیم و او را مهمان میکردیم و برایش بره میکشتم برای او شیر و تخم مرغ می فرستادیم ولی يك مرتبه غد شد و مرتب به بچه ها میگفت باید تخم مرغ و مرغ و شیر بیاورید. يك مرتبه هم درده برای جشن دولت شروع به جمع آوری پول کرد از مردم در حدود دوهزار تومان گرفت و بعد فقط پانصد تومان آن را خرج کرد رفتیم شکایت کردیم. گفت: يك روز او را در ده دیدم و ده او گفتم چند روز دیگر از اینجا میروی. گفت من؟ گفتم بله تو. گفت بخدا اگر تیسار هم بیاد اینجا نمیتواند من را از این جا ببرد گفتم حالاً می فهمی که میروی یا نمیروی. چندی بعد بازرس آمد و گفت چرا از مردم پول گرفتی؟ سپاهی گفت: من از که پول گرفتم؟ بهادر گفت مازنی کردی بودیم و از او رسید گرفته بودیم تا گفت "من از که پول گرفتم" مردم رسید هارا نشان دادند و خلاصه او را بیرون کردیم. (حتماً اگر رسیدند اشتند کاری از دستشان ساخته نبود)

۶- رخت برستن فرهنگ فتوالی از روستا

در نظام رعیت داری، فرهنگ حاکم بر دهقان عبارت بود از ترس از مالک، روحیه تسلیم طلبی در مقابل او و عدم آگاهی بحقوق خود، قناعت... "بزرگوار يك نفردهاتی از خیابان میگذاشت ماشینی به او تنه زد دهانی به زمین خورد پس از لحظه ای گیوه اش را برداشت و سرعت فرار کرد... اما اینك ورق کاملاً برعکس شده است. تبلیغات اولیه رژیم پهلوی مالکین و منفع زارعین و دادن شعار "زمین از آن کیست که آنرا میکارند" موج عظیمی از آگاهی و تحرك در روستا برانگیخت بطوریکه زارعین ترس و روحیه تسلیم طلبی خود را کنار گذاشته و اغلب پادست خود

خرده مالکین را از ده راندند . عقب نشینی بعدی رژیم در انجام خواسته‌های دهقان و اعاده نفوذ مالکین و تشرهای جدید نتوانست روحیه تازه دهقان را فروپاشاند بالعکس تماس فراوان او با شهر و مشاهده رفاه نسبی ظاهری و امکاناتی که در شهر موجود است موجب شد که فقر و عقب ماندگی خود را بیشتر احساس کند و سطح توقعاتش بالاتر رود برخورد هر روزه او با مأمورین مختلف دولت (و اندام - کارمند اصلاحات ارضی - شرکت تعاونی - سپاهیان انقلاب -) که هر روز بنحوی او را می‌دوشتند و هر روز بنحوی قیافه فاسد و ضد خلقی شان را بدو نشان می‌دهند بیش از پیش او را به ماهیت رژیم و ماهیت تبلیغات آن آگاه کرده است . مسافرت شهبانو به کردستان و نطق های شاه و ولیعهد کمترین تاثیری در آنها ندارد . یکبار که راه بود در باره " خانه " فرهنگ روستائی داد سخن میداد برای جلب توجه بیشتر زارعین گفت " ولیعهد ریاست افتخاری خانه های فرهنگ روستائی را خواهند داشت و آقای علم به نیابت ایشان اداره امور را در دست خواهند گرفت . . "

عکس العمل زارعین فقط خنده های طولانی و تمسخر آمیز بود .

عامل مهم دیگری که در رشد شرایط ذهنی روستائین بسیار موثری را بازی کرده است را دیو می‌باشد . رادیو در روستاها ها فراوان است و این موجب تماس آنها را با موج جنبشهای انقلابی جهانی فراهم آورده و موضع - نوده های دهقانی را در انقلاب با آنها شناسانیده است . زارعین برعکس شهری ها به علت بیگاری بودن دائما برادری و گوش می‌دهند تمام این عوامل موجب شده که روحیه مقاومت در آنها دمیده شود و برای احقاقی حقوق خود بطور انفرادی دست بمقاومت بزنند .

" (در غرب ایران) اربابی که در اصلاحات ارضی ده اعمال نفوذ کرد موزمین زیاد تر از سهم خویش را تصاحب کرده بود در موقع کشت با مقاومت زارعین روبرو می‌شود . او به ژاندارمری شکایت میکند رئیس ژاندارمری در محل حضور می‌آید زارعین او را بشدت کک می‌زنند خبر بارتش میرسد . ارتش با مسلسل و مرمیاز ده را محاصره میکند و مالک در

پناه آنهازمین خودراشخم میزند. زارعین به مالک پیام میدهند "اگر یک نفر بچه هم آزماباتی بماند مانع از برداشت محصول میشویم". آنها بقول خود وفا میکنند و یونجه های مالک را پس از کاشت و برداشت و خشک کردن آتش می زنند. . . ."

و یا اگر وجود یک جنبش مسلحانه ای را حس کردند دست بدامان آن درآویزند.

"در حوادث کردستان شکایت افسران این بود که زارعین روستاها از دادن هر گونه اطلاعات راجع به حزبیها و یا حتی فروش خواربار به ارتش خودداری میکردند.

در یک ده ۴۵ خانواری ۹ رئیس خانوار جرم همکاری با حزبیهاد سنگیر و ه نفر آنها اعدام و ۹ نفر دیگر آنها به زندان های سنگین محکوم شدند. "شرکت فعال ۹ رئیس خانوار از ۹ رئیس خانوار یک ده در جریان مبارزه مسلحانه آنها در اوایل شروع یک جنبش واقعا حیرت آوراست و به تنهایی گویای عالی بودن کیفیت انقلابی منطقه است - در فارس در مقابل این سؤال که اگر دولتی به ایران حمله کند چکار خواهید کرد؟ جواب داده بودند: تنبان خود را می فروشیم و اسلحه میخریم و اول پدر رژیم ایران را در میاوریم."

دعوتان ایرانی بیدار است... عاصی است و مهمتر از همه اینکه عصیان او جهت یافته است، در جهت نابود کردن رژیم.

بخش سوم

استراتژی جدید رژیم

رفرم ارضی که روزی بزرگترین حربه سیاسی واجتماعی واقتصادی رژیم برای گرفتن انگیزه مبارزات خلق ایران بود اینک هم رژیم و هم ملت ایران، هر دو راباین نتیجه رسانیده است که ازطریق رفرم نخواهند توانست به هدفهای خود برسند .

این بزرگترین تجربه، هم برای ملت و هم برای رژیم بود لذا رژیم برای آرام نگاهداشتن روستاها به استراتژی جدیدی متوسل گردیده که در زیر لغافه "شرکت های سهامی زراعی" و "قانون جدید استیجاری" و "ساختن خطوط میکرو ویر" به پیاده کردن آنها میپردازد .

۱ - شرکت سهامی زراعی

دولت برای کنترل روستاها در مناطق استراتژیک دست به ایجاد پایگاههای نظامی اقتصادی (شبیه کیبوتس های اسرائیل یا دهات استراتژیک که امریکا در ویتنام ساخته است) بنام شرکت سهامی زراعی زده است . در این شرکتها زارعین یک یا چند ده عضو سهامدار شرکت می شوند میزان سهام هر عضو برابر ارزش زمینی است که عضو را اختیار دارد . بدین ترتیب قشر مرفه دارای سهام زیاد و زارعین فقیر دارای سهام کم و خوش نشین ها بدون سهام هستند - این شرکتها با همکاری دولت و زارعین تاسیس میشوند . نقش دولت در این شرکتها دادن سرمایه، بذر کود کبایین و تراکوبر صورت وام است . علاوه بر این کارشناسان کشاورزی دولت اداره شرکت را بعهده خواهند گرفت . نقش زارعین دادن زمین و کار است . زارعین زیر نظر کارشناسان رژیم و مطابق برنامه آنها به کشاورزی مشغول میشوند و از خود اختیاری ندارند . در آخر سال پس از کسر ۱۰٪ سرمایه گذاری دولت از محصول (چون سرمایه دولت بایستی پس از ۵ سال باز پرداخت شود) و پس از کسر سایر مخارج، باقی مانده محصول را به نسبت سهام بین زارعین تقسیم

می کنند دولت يك ده مدرن برای اعضای شرکت می سازد و خانه های قدیمی روستاها را ویران میکند .

هدفهای رژیم

الف - هدفهای نظامی

— تمرکز دهات پراکنده و تبدیل آنها به يك ده — زیرا پراکنده بودن دهات خود يك نقطه قوت برای شورشگرويك نقطه ضعف برای ضد شورشگراست در شرکت سهامی زراعی فرح در نظر دارند بشعاع ۱۵ کیلومتر دهات را عضو شرکت کرده و آن دهات را تبدیل به يك ده کنند . ناگفته نماند که ده مدرن طوری ساخته میشود (بصورت طعمه مانند) که میتوان از آن بعنوان يك پایگاه نظامی استفاده کرد . — کنترل روستاهای منطقه مجاور از این پایگاه مادر .

— کنترل ارتباطات روستاها و در موقع لزوم قطع ارتباط آنها .

— تامین آذوقه ارتش و شهرها در مواقع ضروری .

رژیم برای اینکه لااقل در این پایگاهها امنیت داشته باشد دست به تصفیه های اقتصادی و سیاسی میزند .

تصفیه اقتصادی

چون خوش نشین ها و زارعین فقیر مستعدترین قشر روستا برای انقلاب هستند لذا با سهم نکردن خوش نشین ها و کارندان آنها را مجبور به مهاجرت از آن نقطه میگردانند .

دهقانان فقیر نیز به علت اعمال نفوذ قشر مرفه ده در شرکت ، درآمدشان از سالهای قبل کمتر گردیده و بتدریج مجبور به فروش سهام خود بدولت و یا سهامداران بزرگ میگرددند (قانون شرکتهای سهامی زراعی فروش سهام را به اعضای شرکت مجاز داشته است) باین ترتیب تنها قشری که در این شرکتهای باقی میمانند قشر مرفه است که بصورت سهامدار بزرگ درآمد دارد (قانون شرکت تصریح کرده است درآمد همزارع عضو شرکت لااقل باید دارای ۲۰ هکتار زمین آبی و چهل

هنگار زمین دیم باشد) و این میسر نمیشود مگر با انتقال اراضی زارعین فقیر بزارعین ثروتمند. با این ترتیب کمیونس های کشاورزی و نظامی با دست رژیم و قشمر مرفه روستا که بشدت رشد کرده است محافعتش با منافع رژیم یکی است بوجود میآید .

تصفیه سیاسی

رژیم با کنترل مستقیم خود افرادی را که بلحاظ سیاسی مخالف دستگاه باشند تبعید و یا از این شرکتها اخراج میکند تا نطفه هرگونه ناراضی و تحریک را کوپیده باشد .

ب- هدفهای تبلیغاتی - رژیم میخواهد وانمود کند که با برآمدن مرحله اول و دوم اصلاحات ارضی اینک با مرحله سوم اصلاحات ارضی گذاشته است. در این مرحله دولت با کمک سرمایه و کارشناسان خود میخواهد روستاهای مورد بحث را مکانیزه کند، آب و برق و زندگی مدرن برای آنها تهیه نماید، سطح درآمد آنها را بالا ببرد و این میتواند هم خورشی برای تبلیغات رژیم در خارج باشد و هم ظاهر انگیزه جدیدی برای روستائیان مناطق مجاور ایجاد کند که اگر آنها هم صبر کنند بالاخره روزی نوبت به آنها هم میرسد .

جالب اینجاست که با وجود سرمایه گذاریهای کلان رژیم (۵ میلیون تومان برای هر شرکت) در این شرکتها و مکانیزه کردن کشاورزی و فرستادن کارشناسهای متعدد بعلمت فساد - بوروکراسی سیستم اداری وعدم دلسوزی، وضع این شرکتها یکی مختل شده، درآمد زارعین نیز از سالهای قبل کمتر گردیده و ناراضی کلیه زارعین فراهم آمده است . بعنوان مثال زارعین شرکت سهامی زراعی درخوا نسا ر دست به اعتصاب عمومی زدند که با دخالت پلیس اعتصاب شکسته شد . پنج نفر از زارعین شرکت سهامی شهنار پهلوی در دشت زهاب (کرمانشاه) بعلمت مخالفت تبعید گردیدند .

در شرکت سهامی زراعی شیروان بوجود دهقانان دارهای قالی شرکت را زدیدند تا شرکت کارگاه قالی باقی در آنجا ایجاد نکند .

اعضای شرکت سهامی فرح (سنندج) از برگزاری جشن ششم بهمن و استقبال از وزیر کشاورزی خودداری کردند .

بطور خلاصه این شرکتهائیدیل به نقاط بسیار متعدد برای انقلاب گردیده است .

۲ - قانون جدید املاک استیجاری

رژیم علاوه بر ایجاد پایگاههای روستائی استراتژیک در مناطق حساس، دست به تدوین قانونی بنام " قانون جدید استیجاری " زده است تا بدینوسیله خرده مالکان سابق را دوباره به روستاها عودت داده و از آنها طبقه وابسته جدیدی بسازد که منافعی در گرو منافع دستگاه باشد . سپس باتکیه به این پایگاه طبقاتی، ثبات کیم روستاها را حفظ کند . برای این منظور، قانون، به خرده مالکان سابق که در تقسیم اراضی مرحله دوم، شق اجاره و تقسیم و یا شرکت سهامی زراعی را انتخاب کرده اند و در راه پیشنهاد کرده است یا اراضی را که به زارعین داده اند بفروشند که در این صورت بهای فروش املاک آنها دوازده برابر مال الاجاره سالانه ملک مزبور می باشد و یا اینکه شق تقسیم را انتخاب کنند . بدین معنی که اراضی ده که قبلاً به زارعین اجاره داده اند از نوبه نسبت بهره مالکانه ای که سابقاً رایج بوده بین خود و زارعین تقسیم کنند مالکین سهم زمین خود را بردارند و آنچه باقی می ماند (سهم زارعین) بزارعین بفروشند در اینجا مالک علاوه بر سهم زمین خود ۱۲ برابر مال الاجاره سالانه آن اراضی را که سهم زارع می شود نیز دریافت می دارد . بعنوان مثال فرض کنیم که مالکی اراضی ده خود را بزارعین ب مبلغ ۲۰۰٫۰۰۰ ریال اجاره داده و خود بشهر رفته است طبق قانون جدید یا با یستی اراضی ده خود را بزارعین بفروشد که در این صورت

قیمت فروش مال الاجاره دوازده سال ده یعنی $۲۰۰٫۰۰۰ \times ۱۲ = ۲٫۴۰۰٫۰۰۰$

ریال خواهد بود که در عرض ۱۲ سال پرداخت میشود و یا اینکه شق تقسیم را انتخاب

میکند ، که در این صورت اگر بهره مالکانه سابق $\frac{۲}{۱۰}$ باشد زمین ده را بنسبت

۳ و ۲ تقسیم میکند . مالک علاوه بر دریافت $\frac{۲}{۱۰}$ سهمی خود پول $\frac{۳}{۱۰}$ زمین سهمی

زارعین را نیز دریافت می دارد (یعنی ۱۲ برابر مال الاجاره سالانه $\frac{۲}{۱۰}$ زمین -

ریال $۱۶۴۰٫۰۰۰ = ۲۰۰٫۰۰۰ \times \frac{۳}{۱۰} \times ۱۲$) اگر خرده مالکان شق تقسیم را

انتخاب کرده اند زیرا در شق فروش مالکین پس از دریافت اجاره دوازده سال دیگر صاحب هیچ زمینی نیستند ولی در شق تقسیم مالکین تنها قسمتی از اراضی ده را فروخته و قسمت دیگری از آن به تعلق دائمی آنها درمیاید. غالبست که قانون تنها با مالکین اختیار داده است که هر شقی را می خواهند انتخاب کنند و زارعین حق ندارند در این مورد اظهار نظر نمایند. از آنجا که $\frac{1}{3}$ روستاهای ایران مشمول این قانون خواهند بود و از آنجا که اجرای این قانون تحول عظیمی در روستاها بوجود خواهد آورد و احتمالاً با مقاومت ها و حتی شورشهای دهقانی روبرو خواهد شد لذا به پیش بینی کلی نتایج این قانون می پردازیم:

الف- ظهور عکس العمل شدید از جانب دهقانان - طبق آمارهای موجود ۵۰٪ از دهقانان ایران بطور متوسط در حدود $\frac{1}{4}$ ۲ هکتار زمین دارند که هر سال نیمی از آن را میکارند و نیمی دیگر را آتش میگذارند زارع مجبور است که تمام زمینش را صرف کشت گندم مصرفی سالیانه اش بنماید. (طبق آمار ۱۰٪ زمینهای ایران زیر کشت گندم وجود قرار دارد) مسلم است که محصول گندم $\frac{1}{25}$ ۱ هکتار بزور کفاف گندم مصرفی سالیانه دهقان ایرانی را میگذارد و شال ایران زمین سرانه هر خانوار دهقان $\frac{1}{8}$ ۱ هکتار است یعنی به هر فرد خانوار ۳۶۰۰ متر مربع زمین کشاورزی برسد و یکی از زمین حادث ترین مسئله آنجاست.

(مراجعه شود به صفحه ۷۷)

حال اگر طبق قانون جدید زارع گیلانی مجبوره دادن $\frac{1}{3}$ زمینش به مالک گردد و دیگر حتی قادر نخواهد شد که گندم مصرفی سالیانه خودش را هم بدست آورد در این صورت عکس العمل او در مقابل این قانون چه خواهد بود؟^(۱)

(۱) اصولاً زمین برای دهقان آنچنان حیاتی است که یک رابطه علقه و عطفوت پدرانه مابین آنها برقرار شده است بطوریکه حاضر نیست حتی زمینش را با زمین بهتری معاوضه کند و نیز میبینیم که پیوند زناشویی اش را بر پایه زمین قرار می دهد (مثلاً اگر برادر بزرگتر میبرد برادر کوچکتر زن او را میگیرد) تا زمین کمتر تقسیم شود.

زارعین گیلان در مقابل این سؤال که " شما در قبال قانون جدید چکار خواهید کرد؟ می‌گفتند نه! هرگز چنین قانونی وجود نخواهد داشت. آنها از تصور این قانون وحشت داشتند در حالیکه عملاً میدانستند این قانون وجود دارد.

ب- روشن شدن چهره واقعی دستگاه - روشن شدن چهره واقعی قوه مقننه، شاه و مجلسین که چنین قانونی را تصویب کرده اند روشن شدن چهره واقعی قوه مجریه و مأمورین اصلاحات ارضی که سلماً منفع خورده مالکین وارد عمل خواهند شد و با گرفتن رشوه زمین مرغوبتر و زیاد تر از سهم قانونی خورده مالکین را از زارعین گرفته و مالکین خواهند داد.

روشن شدن چهره واقعی قوه قضائیه مأمورین زاند امری و دادگستری که طی مختصات اجباری بین زارعین و خورده مالکین جانب مالکین را خواهند گرفت. روشن شدن چهره واقعی سیستم تبلیغات و دروغ پراکنی دستگاه با قاضی - موضع گیری کمونی رژیم و تبلیغاتی که در دوران اصلاحات ارضی بنفع زارعین و بضر مالکین میکرد. این قانون و اجرای آن، تضاد مابین توده دهقان و رژیم را به مرحله تعارض آن خواهد رساند و همه مسائل روستا را تحت الشعاع قرار خواهد داد.

ج- هدف دستگاه - هدف رژیم ایجاد پایگاه طبقاتی نوین در روستاست، تا بتواند خلأ ناشی از رفتن ارباب را پر کند. رژیم به علت ضعف اداریش بعد از خلع ید مالکین، نتوانست بطور موثر روستاها را کنترل کند. اصلاحات ارضی نیز به آرام کردن روستا و جلب پشتیبانی آن نسبت به رژیم و حتی ایجاد حالت بیطرفی در بین دهقانان نصیبت به رژیم و جنبشهای احتمالی آینده نمانجامید. روی این اصل وجود يك قشر وابسته ممتاز و استثمارگر در دهات ضروری می نمود تا دستگاه با واسطه آن موقعیت خود را در روستا تحکیم بخشد. قشری که بخاطر احساس خطر روزمره از جانب دهقانان با جان و دل بدستگاه روی میآورد و نیز بخاطر حفظ منافع استثمارش

کوچکترین حرکت دهقان را زیر نظر بگیرد. این قشر میتواند با کشت محصولات پر درآمد صنعتی (دانه های روغنی آفتاب گردان ، سوپا ویا چغندر قند، پنبه) هم درآمد خویش را بیش از پیش بالا ببرد (۱) و هم نیازهای صنایع مصرفی ایران را برطرف سازد حال که اصلاحات ارضی نتوانسته است درآمد زارعین را آنچنان بالا ببرد که بازار خوبی برای صنایع مصرفی ایران در روستاها بوجود آید لافل این قشر میتواند تا اندازه ای جبران مافات را بکند . در هر صورت این قشر وابسته علاوه بر حفظ ثبات روستا بلحاظ اقتصادی نقش مکمل قشر بورژوازی کمراد و ر شهر را نیز خواهد داشت . از آنجاکه اجرای این قانون با مشکلاتی نظیر تعیین زمین سهمیه مالک و زارع و بهم خوردن شکل کفونی نسقهای زراعتی دهقانان و تقسیم مجدد آنها روبرو خواهد بود ، قانون به مالکین و زارعین مشمول فرصت داده که خودشان درباره اجرای قانون بایکدیگر توافق کنند و نتیجه را با اداره اصلاحات ارضی بازگو نمایند در غیر این صورت اداره اصلاحات ارضی با قائم مقامی مالک و زارع قانون را اجرا خواهد کرد .

در استراتژی جدید علاوه بر دو طرح فوق طرح جدیدی برای حفظ ارتباطات راد یوئی روستاها پیش بینی شده و آن طرح میکروویاست . باین ترتیب در کلیه دهات تلفن عمومی خود کار ایجاد میشود و از طریق این تلفنها میتوان از ده با هر منطقه کشور که مورد نظر باشد تماس گرفت . تا اواسط سال ۱۳۵۹ مناطق جنوب و غرب کشور هم چنین کاره های دریای مازندران از لحاظ وسائل مخابراتی خود کار و یکی تamen خواهد شد .

د - نتایج کلی

۱- تجربه رفوم ارضی ایران نشان داد که در قالب يك نظام كهنه ، رفوم بهر

(۱) در چند نقطه دولت کشت خشخاش را که درآمدش شاید بیش از ۳۰ برابر کشت گندم و شش برابر درآمد کشت پنبه باشد باین گروه خاص واگذار کرده است .

وسعت و دامنه ای که صورت گیرد قادر به از بین بردن شرایط انقلابی و یا حتی تخفیف آن به مدت طولانی و یا نتیجه حفظ آن نظام نخواهد بود. ریشه اصلی این امر وابستگی دریده «استثمار» جستجوگر زیر اگر هدف رفهم و اصراف تغییر یک نوع رابطه استثماری خاص بین دو طبقه مثلا در ایران ارباب و رعیت بدانیم دیری نخواهد گذشت که طبقه استثمارگر از راههای جدید روابط نوین استثمارگرانه خود را برقرار خواهد کرد. جانشین شدن استثمار نوع بورژوازی بجای استثمار نوع فئودالی در ده باتبدیل قشمر مالک و وابسته بمالک به قشر بورژوازی کشاورزی و بوروکرات و در شهر با تبدیل قشر فئودال وابسته به بورژوازی صنعتی و کمپرادور هویدا این نکته است.

۲- رژیم ایران دیگری تواند به اقدامات ضد انگیزه ای قوی (نظیر اصلاحات ارضی) برای تخریب رتوده هادست بزند . زیرا در حقیقت اصلاحات ارضی بزرگترین حربه اقتصادی و سیاسی و اجتماعی رژیم و نیز زیربنای سایر اصلاحات دیگر از قبیل شرکت تعاونی، خانه انصاف و سپاهی دانش بشمار میرفت و شکست در آن دیگر محلی برای اقدامات ضد انگیزه ای تازه بجانمیکدارد . دهقانی که در رتبه اصلاحات ارضی آبدیده شده و کم و کیف رژیم را دریافته است چگونه فریب بیمه های اجتماعی و یا خانه فرهنگ روستائی و مسافرت های شهبانور خواهد خورد ؟ اینجاست که رژیم بخیاال خود درمی پاید که صرفا توسل بزور و تکیه بقدرت نظامی میتواند اورانجات دهد (۱) و این همان سر نوشتی است که قبل از اصلاحات ارضی بان دچار بود و برای فرار از آن دست به اصلاحات ارضی زد .

(۱) مانوسه اقدامات صرفا نظامی رژیم را در جریان کودستان و مباران عشایر فارس می بینیم.

I- بررسی ده مارنج

تاریخ بررسی آبان ۴۷

۱ - موقعیت جغرافیائی : در جنوب شرقی شهرستان واقع شده و ۶۸ کیلومتر با آن فاصله دارد که چهل کیلومتر آن اسفالت و ۲۶ کیلومتر شوسه و ۲ کیلومتر آن خاکی است جاده تقریباً کوهستانی است در نزدیکی محل تقاطع جاده اسفالت باشوسه یک پاسگاه ژاندارمری وجود دارد که جمعا ۱۱ نفر گروهبان و گروهبان سوم می باشند و کنترل ده بدست آنهاست (۱) در حدود پنج ماشین می نویس و بنز مستقیماً از سنج تادهات اطراف این ده مشغول رفت و آمدند کرایه ماشین دو تومان میباشد. ده در نزدیکی کوه قرار گرفته و اصولاً این ده و چهارده دیگر در یک حلقه کوه محاصره شده اند تراکم دهات در این منطقه خوبست (شاید بواسطه وجود چشمه ها و نهرهای آب فراوان) بطوریکه اراضی زراعی پنج ده بایکدیگر هم مرزند.

۲ - بررسی ده از نظر طبقاتی : جمعیت (۱۶۰ خانواری و ۸۵۱ نفری) ده رامیتوان از سه قشر دانست . الف - قشر مرفه و استثمارگر که مرکب از کدخدایک پیشه و روچند حاجی ثروتمند دیگری باشند و تعدادشان به ده خانوار نمیرسد . این افراد از زمان مالکیت منتهای فعالیت را در کشاورزی هرچه بیشتر رعیت بجهت استثمار شدن ، توسط مالک ، بخرن میدادند و خود نیز بطور ضمنی از آن منتفع میگرددند . (۲) حمایت متقابل مالک از این عده سبب شده است که بتوانند آزادانه و سهولت ، بهترین و وسیعترین اراضی زراعی و مراتع را که یگانه ابزار تولید ده بشمار میروند از جنگ ربایا در آورند و منفع خود غصب نمایند . اصلاحات ارضی نیز در حکم موقعیتی برای این قشر بود زیرا نه تنها

(۱) از اینجا معلوم میشود که کنترل کننده حقیقی دهات قشر مرفه دهات هستند نه مأمورین دولت و اگر همکاری این قشر با مأمورین ژاندارمری نبود (۱) نفر ژاندارم قادر به تثبیت اوضاع نبودند .
بقیه در صفحه بعد

به امتیازات آنها خدشه ای وارد نکرد بلکه با تضعیف مالک وضعف خود دولت در اداره مستقیم دهات، نیز اقتصادی و قضائی دهات را بدست این نهاد داد.

ب- خوش نشینها: بالغ بر ۷۰ خانوادۀ خوش نشین است. اصولاً خوش نشینها بیشتر رعایا و سرگزانی بوده اند که در اثر جور و ستم زیادۀ از حد مالک مجبور به ترک ده خود و پناهنده شدن به سایر دهات گردیده اند. اینها از پنج عامل زراعت (گاو - گاویندر - زمین - آب) فقط نیروی کار انسانی در اختیار دارند. از اینرو مورد و حشمتا کمترین است. شمارها که همان استعمار نیروی انسانی است واقع شده اند. این قشر بدلائل زیر بهترین پایگاه انقلاب در روستاهای باشند از اینرو شناخت آنها بایستی سرلوحه کار دهات باشد.

۱- در زمان مالکیت اغلب آنها صاحب ملک زراعتی بوده اند ولی در اثر فشار شدید مالک زمینشان رابه نفع مالک یا قشر طرفدار مالک (که خدا و حاجیها) از دست داده اند و بیگانهائی بوده اند که در اثر جور و ستم زیادۀ از حد مالک و دسایس اطرافیان مجبور به ترک ده و استقرار در دهات دیگر گردیده اند. از اینرو کینه شدیدی نسبت به مالک و وابستگان آن که اکنون وابسته بدستگاه هستند نشان میدهند.

۲- در جریان اصلاحات ارضی نه تنها نوشته ای نصیب آنها نشد بلکه وضع آنها بدتر از بد گردید بدین معنی که از یکطرف قانون اصلاحات ارضی شامل حالشان نگردید و شرکتهای تعاونی هم از قبول عضویت آنها سر باز زدند از طرف دیگر مالکین با نائید دستگاه شروع به اخراج رعایا از زمینهای زراعتی و مکانیزه قلمداد کردن

(۲) يك حاجی ما مورجمع آوری شیوا ز اهالی برای مالک و دیگری مأمور بیگاری و سومی مأمور تهیه سوخت و هیزم و سنگ جمع کردن از زمینهای زراعتی و بودند خوش نشینی تعریف میکرد که چگونه بایک گوسفند تحفه ای مالک زمین زراعتی را از او گرفته و به حاجیها داده است.

اراضیشان نمودند و این امر بنوبه خود بر تعداد خوش نشینها افزود .

۳ - افزایش جمعیت باروی کار آمدن تراکتور و کمباین نه تنها در آمد این قشرا که تنها به نیروی کارش زنده است بنحویه تری نقصان میدهد بلکه تضاد آنها را با قشر مرفه ده که صاحب این وسایلند عمیق تر میسازد .

۴ - بعلت اینکه فقط نیروی کار را در اختیار دارند بمعنی واقعی زحمتکترین و پرکارترین و در عین حال ستم دیده ترین و محرومترین افراد را تشکیل میدهند (پرولتر حقیقی) .

۵ - نداشتن زمین آنها را کاملاً متحرک با آورده است در حقیقت آنها چیزی ندارند که نتوانند به آن پشت پایزنند و یا در زندگی به آن دلخوش باشند (چریکهای تهاجمی) .

۶ - بطور کلی بین ۳۵-۴۰ درصد جمعیت دهات را تشکیل میدهند و این رقم در جنگهای انقلابی دارای کمال اهمیت است زیرا اولین قشری خواهد بود که بسهولت به انقلاب خواهد پیوست .

۷ - چون کمرکمی به آنها توجه داشته است تشنه محبت اند و با کمی محبت رفیق و یار انسان میشوند .

۸ - بعلت خصوصیات طبقاتیشان بسیار بر کار هستند و اغلب در هر کاری، نجاری آهنگری، بنائی و... آشنا و کار آمد هستند (به عکس دهقانها که بعلت ۱۸۰ روز بیکاری در عرض سال ممکن است حالت رخوت و تنبلی در آنها موجود باشد)

۹ - بعلت رفت و آمد بسیار دهات و مرزها از اراضاع و احوال شهر و ده آگاه بوده و بعلت نداشتن روحیه محافظه کاری (برعکس دهقانان) صحیح ترین اخبار را بسهولت در طبق اخلاص میگذارند و از اینرو از آنها میتوان بعنوان موثق ترین منبع خیر در دهات استفاده کرد .

ج - زارعین : شدت خور نشینها شامل کار آنهاست قیام در استشار قرار نمیگیرند . زیرا ابزار تولید آنها (بذر، کار و تا اندازه ای آب و زمین) در اختیار آنهاست ولی

قشر مرغه باتخصیص دادن وسیعترین و مرغوبترین و آبدارترین زمینهای زراعتی و پر علفه ترین مراتع ده عملاً به احتکار ایزارتولید آنهاست زده و هم چنین با دادن قرضهای سنگین بهره، جهت رفع احتیاجات مصرفیشان (جای وقفه) نتیجه زحمتشان را از جنگشان بیرون میآورند عامل مهم دیگری که عملاً وضع آنها را بیش از پیش پریشان ساخته ، افزایش جمعیت است زیرا سطح کشت و زرع ده ثابت و یکواخت است، لذا درآمد جمعیت اضافی از کم شدن درآمد جمعیت ده تأمین میشود (تضاد بین نیروی روزافزون کار و ثابت بودن ایزارتولید یعنی زمین) در هر صورت خوش نشینها و اکثر زارعین در دو چیز مشترکند محرومیت کامل و روزافزون و دیگری استثمار شدید بدست قشر بالای ده .

۳- اوضاع اقتصادی: درآمد اهالی ده بطور کلی از زراعت ، گوسفند داری و قالی بافی تأمین میشود بیش از ۹۰٪ زراعت ده گندم است که بصورت آبی و دیم کاشته میشود نکته قابل توجه اینست که اهالی علاوه بر زمینهای دیم زمینهای آبی را نیز آبی میگذارند در اینجا عامل محدود کننده آب نیست بلکه کم قوتی زمین است که سطح کشت را محدود میکند و زارعین اگر کود دامی خود را بجای سوخت صرف اراضی آبی خود میکردند مسلماً سطح کشت آبی هم فراتر از حد نزدیک به دو برابر میشد . (اصلاحات ارضی با عمه طمطراق پس از ۶ سال هنوز نتوانسته است این مشکل کوچک را که سهم بزرگی در میزان درآمد زارع دارد از پیش پایش بردارد) . باتوجه بخصوصیات طبقاتی ده که قبلاً شرح داده شد اقتصاد قشر مرغه شکوفان و رو به توسعه است در حالیکه ۴۴٪ از اهالی (خوش نشینها) بدون زمین مانده اند یک پیله و روپیک حاجی و که خدا $\frac{1}{10}$ از کل اراضی ده را که مرغوبترین و آبدارترین آنها نیز بشمار میروند را اختیار دارند . علت اینکه در هر دهی زمینهای صیفی کاری و یونجه کاری و غلستانی متعلق به که خدا و قشر بالای ده است مرغوبیت و آبدار بودن آنهاست . پس حاجی صاحب تراکوری است که علاوه بر شخم اراضی خودش به شخم اراضی ده و سایر دهات میپردازد و بطور متوسط روزانه ۱۵۰ تومان درآمد

خالص دارد ۲۰٪ عنوان بحیب يك پيله ورمیرو وكد خداصاحب آسیاب ده است
و $\frac{1}{15}$ گندم آرد شده رابعنوان مزد بر میدارد باتوجهبه اینکه اکثر محصول گندم ده
بصرف خود اهالی میرسد میتوان گفت که آسیاب به تنهایی $\frac{1}{15}$ محصول گندم
ده را برای كد خدا جمع میکند علاوه بر او پيله وردیگری در سرویس مسافری ده -
سرمایه گذاری کرده وضماند بریت عامل شرکت تعاونی و ریاست شرکت تعاونی
و ریاست شرکت سهامی زراعی این ده و چهارده دیگر اعهدده داراست میبینیم
که تضعیف مالك در اثر اصلاحات ارضی موجب رشد بیسابقه قشر وابسته بآن
گرددیده است زیرا اگر مالك وجود میداشت قسمت اعظم این درآمد ها بحیب اوسرا -
زیر میشد .

دامپروری - ده مازنج بعلت کوهستانی بودن دارای مراتع فراوان و مرغوب است ولی چون این مراتع در زمان مالکیت، سهمیه بندی نکرده اند و اصلاحات ارضی تغییری در این وضع نداده و آنرا بدست عرف محل سپرده است (۱) دقیقاً مرغوبترین و وسیعترین مراتع متعلق به کدخد و حاجی است و خوش نشینها یا اصلاً مرتع ندارند و یا اگر دارند مانند مراتع زارعین بنحوی محسوسی کم و نامرغوب است از اینرو متنفذین ده با اتکاء به این مراتع و بخصوص ^۱ میرنگ قادر هستند زمینهای مرغوب و آباد ارشان را نیز به گشت پیونجه اختصاص دهند دارای کوسفندان فراوان و قریبی هستند (در حدود ۵۰ راس در مقابل ۱۰-۵ راس زارعین) وضع اقتصادی زارعین ده بسیار ناپسندان است زیرا همانطور که گفته شد به علت کمی و نامرغوبی زمین و مراتع و مخصوصاً افزایش جمعیت، کلیه زحمات آنها ^۲ الزحید بدست آوردن گندم صرفی خانوارشان تجاوز نمیکند اگرچیزی مرتع و کوسفند بربز نمیداشتند که دود و ماست آبراقاق نان، و فروش مقداری از آن پول قند و چای شان شود از شدت گرسنگی و

(۱) سهمیه بندی مراتع که دست انسان در آن دخالتی نداشته و محصول طبیعت است و ظاهراً بایستی متعلق به همه باشد؛ منتهای ظلم و استیصال است البته اصلاحات ارضی به این ظلم جنبه قانونی داده .

فرض، همگی از بین می‌رفتند که اینک زارعین دهات اطراف که مرتع آنها باند ازدهه مارج نیست با وجود یک صاحب اراضی وسیع‌تری هستند دارای زندگی در دناک و کسندهای بوده و کمرشان زیر بار قرض خود شده است .

از آنجا که برای دهقان جز پر کردن شکم با نان و چای چیز دیگری باقی نمانده است لذا واحد مبادله کالا در پسته ده و هم چنین دهات با هم می‌کنند است نه پول. خوش نشین مزدش را بصورت گندم می‌گیرد باغ دار و صیفی کار و نمک فروش محصولشان را با گندم مبادله می‌کنند . خلاصه زندگی یک روستائی در گندم و چای خلاصه می‌شود و دیگر پول در نزد او قرب و منزلتی ندارد ، با توجه باینکه ریشه قرض اکثر زارعین از خرید قند و چای مصرفی است و نمی‌توانند گندم اضافی تولید نمایند و بخاطر همین عدم توانائی سالیانه ربحی معادل ۶۰٪ تا ۱۲۰٪ به رباخواران می‌پردازند (۱) . بیگاری نیز سالهای است که بنوبه خود در خور کمال اهمیت است . بطور متوسط زارعین ۱۸۰ روز سال را بیکارند و اما قشر مرفه در حالیکه ۲٪ جمعیت ۱۶ خانواری ده مارج می‌باشند صاحب ۲۰٪ از مرغوبترین اراضی ده هستند ۴۴٪ (خوش نشینها) از داشتن هرگونه زمین محرومند و تنهامایه زندگی آنها کار آنهاست که آنها بواسطه نداشتن سایر عوامل تولید ، یا بعد اگر ممکنه توسط قشر متوسط و مرفه دهها مورد استثمار قرار می‌گیرند چقدر بیچاره اند که مورد استثمار قشر متوسط که خود قشر ضعیفی است قرار می‌گیرند و بیارند مانند ما نشان خیلی کم است . برای اینکه بیشتر در این مورد روشن شویم بد کرمثالی چند می‌پردازیم .

(۱) یک عدل قند ۷۵ کیلوئی (۱۸۰۰ ریال) بصورت وام ۳۰۰۰ ریال فروخته میشود که آنها بطور جنسی (گندم) دریافت میشود و فروشنده از مابه التفاوت قیمت رسمی واسعی گندم نیز سود کلانی (لا اقل هر کیلو ۱ ریال) میرد .

۱ - يك خوش نشين با ۱۱ اغش يك فاصله ۶۰ كيلومتری راطی ميگند تا با معاوضه ۱۰۰ كيلوگرم گندم با ۱۰۰ كيلوگرم انگور در آنجا معاوضه آن با ۱۲۰ كيلوگرم گندم در ده مارنج ۲۰ كيلوگرم گندم بدست آورد .

۲ - سه خوش نشين در ده وجود دارند که تمام منبع درآمدشان يك سبد معمولی پرازد فتروداد و استان و . . . است که با آن ده مارنج و دهات اطراف آنرا ميگردند .

۳ - تعداد زیادی از خوش نشين های جوان هستند که خود را شبانه روز و بطور درست در اختيار زارعين متوسط و مرفه قرار ميدهند و برای آنها علاوه بر کار مثل کشاورزی و دامپروری به هيزم جمع کفی و علف جمع کفی و چوپانی و حتی در بعضی مواقع به کشيك دادن در شبهای پرازد اينها اگر در ده و بيست ساله باشند علاوه بر مخارجشان که بعهده کارفرماست ساليانه هشتصد تومان و اگر ۱۴-۱۶ ساله باشند ۳۶۰ تومان در سال درياغت می کنند .

۴ - اوضاع اجتماعی: ۱ - بهداشت و تغذيه . با وجود يک مدت چهار سال است از تاسيس سپاه بهداشت که اتفاقاً مرکز آن در ده مارنج است ميگردم معيشت احوال ۹۰ درصد از مردم گرمهای انگلی دارند و ۶۰ درصد آنها مسلولند عارض اصلی مسلول بودن در ده مارنج و فورميکرب سل نيست بلکه سوء تغذيه و در نتيجه ضعف بدن در مقابل بيماريهاست که آنها ريشه اقتصادی دارد اين نشان ميدهد که با عطليات صوری از قبيل سپاه بهداشت نمیتوان کاری را از پير برد در حالیکه زير بنای اقتصادی جامعه دست نخورده باقی مانده باشد (۱)

(۱) فرزند کارگر حمام از مدت کثافت صورتش پراز جراحت بود در جریان مسافرت، شهبانواز مرد گيینی که لباس زولیده ای داشت پرسيد چرا لباس نو نپوشيده ازی؟ جواب دادند اشم. پرسيد چرا از همسايه خود غرض نگرفتی؟ گفت فقير بودم بمن غرض نديداد - پرسيد شد - لباس نداشتی، چرا با آب صورت را نشستی در ده که

خوراک عمده مردم نان و دوغ و ماست است. مخلوط آرد گندم و شیر به انگور یا آرد گندم و دوغ را خشک می کنند و یا آن در زمستان نانی می پزند که در حکم قشاق آنها محسوب میشود. در ده گوشت فقط موقعی یافت میشود که گاوها کوفته و شرف بپوش باشند. با وجود اینکه ناحیه مستعد دامپروری است ۹۵٪ مردم در اثر فقر و بی بضاعتی صرف میکنند.

۲ - سواد - در تحولات اخیر سواد نقش خاصی در ارتقاء مقام افراد بخصوص در ده داشته و چون اکثر مردان با سواد کوفی همان که خدا و مالک سابق بوده اند لذا خواه ناخواه این افراد دوباره صدرا مبر گردیده اند. اکنون عم بعلمت فقر و غایب و خور نشین با حفظ اطفال اینگونه کسان هستند که می توانند به تحصیل اشتغال و رزند و در نتیجه تحصیل که در حقیقت بایستی یک عامل تخفیف اختلاف طبقاتی بنفع طبقه ضعیف باشد. خود اسلحه انحصاری برنده ای است که در دست طبقه قوی قرار دارد و سپاهیان دانش در حقیقت بفرزندان غشتمند در سر میدهند تا بتوانند نبض آینده در هات را در دست گیرند.

۵ - بررسی وضع عقیدتی: بچه ها اکثر اناز میخوانند و بزرگها فقط در فصل زمستان در مسجد ده که عواین بسیار گرم است نماز جماعت میخوانند. تعصب مذهبی خاصی (شیعه و سنی) در میان نیست.

دسته بندیهای ده - ریشه اصلی دسته بندیهای ده را میتوان در تضاد بین قشر مرفه دانست. در زمان مالکیت که خدائی ده سمتی بود که سرنشین رفیع اختلاف بین افراد ده و سر باز گیری را در دست داشت و ضما که خدا را ربط

بقیه پاورنی از صفحه قبل

آب زیاد بود جواب داد من از گرسنگی دارم میمیرم تو میگوئی با آب صورت را بشوی.

میان ده و مأمورین دولت بشمار میرفت و از حمایت متقابل مأمورین برخوردار میشد مالک باسیزین ادواری این سمت به قشربالای ده باین دسته بندی دامن میزد بنابراین، این دسته بندیها منشأ زیربنائی ندارد و سهولت قابل رفع است.

۱- اوضاع سیاسی - وسعت زیاد ایران و ناهمگنی دهات آن، کمی ارتباط، ضعف

سیستم اجتماعی تا با امروز چنان بوده است که حکومت، قدرت اعمال نفوذ مستقیم روی دهات را نداشته و برای ساده کردن روابط خود با جمعیت روستائین از وجود افرادی بنام مالک استفاده میکرده است. باین ترتیب قدرت دولتها همیشه تا مرز مالکین بود و از آن نقطه ببعد یعنی در حد افراد ده تا در هیچگونه عرص اندامی نبوده اند (۱) در سال ۴۰ عوامل داخلی و خارجی بدولت فشار وارد آورد که در چهارچوب نظام فعلیش دست به reform بنام اصلاحات ارضی بزند نتیجه این اقدام بدبین شدن ویاس توده از دستگاه بود زیرا ضعف سیستم اداری، نفوذ - مالکین و وجود یک قشر وابسته به مالک باعث شد که اصلاحات ارضی از همان اول خوی طبقاتی داشته باشد و همانطور که دیدیم مزایای اجتماعی و اقتصادی آن بطور قانونی و درست از مالک به قشر وابسته به آن منتقل شود.

طبقاتی شدن اصلاحات ارضی که خود زیربنای سایر اصلاحات تکمیلی از قبیل شرکت های تعاونی و سپاهی دانش و ترویج است بطور خودکار موجب جهت گیری این موسسات و بنیادها بطرف قشربالای ده و این عمل بتوده دهقان کمک کرد تا با وضوح کامل، ضعف دستگاه و وابستگی مطلقش به قشر مرفه دهات را حس کنند و یک شبهه و یا حالت بدبینی و سوءظن ویاس نسبت بدستگاه در او ایجاد شود که

(۱) در دوران مالک بدون توافق او، زاندارم حق ورود به ده را نداشته است

باهیج مانوری از قبیل آمدن شهبانو و ایجاد کارخانه قند (۱) قابل رفع نباشد. در حقیقت نمیتوان گفت که اصلاحات ارضی میتواند بهترین حربه اقتصادی و - سیاسی دستگاه جهت جلب پشتیبانی فئودالستان باشد، که آنهم بواسطه عدم برخورداری اکثریت دهقانان از مزایای آن با شکست مواجه شد و شکای روستا رابادستگاه زیاد تر کرد. جریان ملی شدن نفت و حرکت حاصله از آن در توده باعث تضعیف مالکین در آن دهات گردید. بطوریکه مردم توانستند یک پوله و رو وابسته بمالک را از ده خود برانند ولی ۲۸ مرداد این حرکت را ترمز کرد و حتی بعقب باز راند. بطوریکه مالکین قدرت سابق خود را بدست آوردند و اکنون هم پیلور ریاست و مدیر عامل شرکت تعاونی و ریاست شرکت سهامی زعفرانی را عهددار است. مجاورت بامرز و همبستگی با کرد های عراق روی آنها تاثیر زیادی گذاشته و اخیرا تحولات ناشی از جنگ ژوئن اعراب - اسرائیل باین طرف مرز سرایت کرده است. بطوریکه از جریانات جنگهای چریکی اعراب بوسیله رادیوهای کردی زبان آگاه میشوند و نسبت به آن سمپاتی دارند.

اگر جریانی در این منطقه شروع شود خوش نشین ها بسمجولت جلب خواهند شد و قسمت اعظم زارعین (بجوز قشمر مرفه) آنقدر نسبت بدستگاه بدبین هستند که اگر بیطرفه داری جریان تازه برنخیزند لااقل در مراحل اول بیطرفی خود را حفظ کنند و پس از اعتماد کامل به این جریان بادل و جان بدان بپیوندند.

(۱)

تمام اقدامات اقتصادی دولت جنبه طبقاتی دارد و اکثر اقشار مرفه از آن بهره ور میشوند بعنوان مثال چفتد رقتد محتاج به اراضی پر آب و کشت مکانیزه است که قشر ضعیف ده از آن محروم می باشند.

II- بررسی ده معدل (خلاصه تحقیقات اقتصادی) تاریخ بررسی تیرماه ۴۳

مه ده دل ۴۲ کیلومتری جنوب مراغه و در ۷ کیلومتری شمال میاندوآب و در کنار جاده شوسه مراغه - میاندوآب قرار دارد .

۱ - وضع اقتصادی مه ده دل - مساحت اراضی مزرعوی بالغ بر ۱۱۸۰ هکتار است که پانزده هکتار آن را قسطن و بیست هکتار را ناکستان پوشانیده است. در بیست هکتار از اراضی مزرعوی چغندر و در چهل هکتار محصولات صیفی کشت میشود. ۱۰۸۵ هکتار بقیه به کشت گندم و جو اختصاص دارد که هر سال نیمی از آن آیس میماند. اراضی مزرعوی ده بیس ۷۴ خانوار صاحب نسق تقسیم شده است که بطور متوسط به هر خانوار حدود ۱۶ هکتار زمین میرسد .

درآمد هر خانوار صاحب نسق تقریباً برابر با ۸۱۸۳۱ ریال یا ۱۰۹۱ دلار میباشد. بانوجه باین که حد متوسط اعضای خانوار در این ده تقریباً ۷ نفر است درآمد سرانه اعضای این ۷۴ خانوار (۵۱۸ نفر) تقریباً معادل ۱۶۶۰ ریال یا ۱۵۵ دلار میشود. البته درآمد بطور عادلانه ای بین صاحبان نسق تقسیم نشده است و درآمد معدودی بمراتب بیش از دیگران است. در همه ده علاوه بر ۷۴ خانوار صاحب نسق ۱۰۱ خانوار یکرنیز سکونت دارند که نحوه توزیع شغلی و درآمد تقریبی آنان بقرار زیر است .

الف - ۵۰ خانوار که ده خانوار آنها بطور دائم و چهل خانوار قسمتی از سال را در کارخانه قند میاندوآب کار میکنند و بقیه را در مزارع بصورت کارگر روز مزد کار میکنند و هر یک سالانه تقریباً ۱۸۰۰۰ ریال درآمد دارند و درآمد سرانه این گروه حدود ۲۵۷۰ ریال یا ۳۴ دلار در سال تخمین زده میشود. در حالیکه درآمد سالانه هر یک از ده خانواری که بطور دائم در کارخانه کار میکنند حدود ۲۴۰۰۰ ریال می باشد و بدین ترتیب درآمد سرانه آنها - حدود ۴۶ دلار است (متوسط خانوار ۷ نفر)

ب - ۲۰ نفر از سرپرست خانوارها کارگر کشاورزی هستند که در داخل ده کار

میکند و ۲۰ نفر دیگر کار کشاورزی هستند که در خارج از ده کار میکنند درآمد سالیانه آنها معادل ۱۲۰۰۰ ریال و درآمد سرانه هر دود ۷۱۴ ریال یا نزدیک ۲۳ دلار سال است ج - خانوار ده کاند آرک سطح درآمد شان بالاست و محاسبه اش خالی از اشکال نیست.

د - ۲۰ خانوار که درآمد هر یک از آنها در حدود ۱۷۱۰۴ ریال (سرانه ۳۳ دلار) ه - یک خانوار با درآمد ۱۲۵۰۰ ریال در سال که درآمد سرانه اعضای این خانوار معادل ۱۷۸۶ ریال یا نزدیک به ۲۴ دلار در سال تخمین زده شد.

اصلاحات ارضی در دهه دل - یکی از دوماک ده که زن و شوهر هستند و پنج سال پیش ده را از مالک قبلی آن خریده بودند در سال پیش سه دانگ متعلق بخود را بدولت فروخته است و مشمول مرحله اول اصلاحات ارضی شده و با آنکه زمینها را بدولت به زارعین واگذار کرده و از بیای بهای زمین از آنها قسط دریافت میدارد، بعلمت آنکه هنوز در این ده شرکت تعاونی تشکیل نداده اند و سند مالکیت به دهقانان داده نشده است و برای گروه تحقیق قدری تعجب آور بود که دهده تقسیم شده ای در شعاع ۴۲ کیلومتری فعالیت طرح پیشاهنگ مرافه^{هنگ} دو سال پس از تقسیم اراضی، هنوز فاقد شرکت تعاونی و کمکهای اعتباری و راهنمائیهای فنی باشد. شاید تصور شود که مجزاشدن ده دل در حین تقسیم منطقه مرافه از حوزه فعالیت طرح پیشاهنگ^{هنگ} و الحاق آن از نظر تقسیمات کشوری بمیان دو آب در آذربایجان عربی موجب این محرومیت شده باشد. اما پس از گفتگو با مأمورین دولتی و زارعین در مرافه معلوم شد که در دهات داخل حوزه طرح پیشاهنگ^{هنگ} مرافه نیز چنین وضعی حکم فرماست با آنکه سازمان اصلاحات ارضی بهترین افراد خود را در منطقه مرافه متمرکز کرده است و شرکتهای تعاونی و بانک کشاورزی نیز اعتبارات بالنسبه زیادی باین منطقه تخصیص داده و سرپرستان و افراد بیشتری را بدانجا اعزام داشته اند و نیز با آنکه تحرك و علاقه مندی زیادی از بد و تار در مأمورین این منطقه بخاطر پیشگراولی در امر تقسیم اراضی وجود داشت کمک و سرپرستی واقعی سازمانهای دولتی، بطوریکه در مرافه برای ملاقاتند به بیش از ۵٪

از دهات نرسیده است. بنظر ما (مجله) برای آنکه بتوان بطور مؤثری تمامی دهات تقسیم شده (که در این ناحیه به ۵۰ درصد کل دهات میرسد) کمک کرد باید اعتبارات مالی قابل ملاحظه تر و افراد ورزیده تری تجهیز کرد و تازه هنوز زمان بیشتری نیاز خواهد بود تا نتایج بکار بردن این منابع مالی و انسانی در سطح ده و در وضع اقتصاد روستا- ثیان نمایان گردد. اما بهر حال مراغه هنوز تنه با منطقه ای است که اصلاحات ارضی در آنجا مفهومی بیش از عطایات حقوقی مربوط به خرید و واگذاری زمینها که تقسیم اراضی صرف باشد بخود گرفته است. بطوریکه علاوه بر تاسیس شرکتهای تعاونی در سطح ده یک اتحادیه شرکتهای تعاونی نیز در مراغه با عضویت شرکتهای تعاونی دهات این ناحیه ایجاد شده است. در گذشته بموجب تصویب نامه هیئت دولت سازمان عمران مراغه در این محل ایجاد شده بود که بر طبق آن می بایست تمام برنامه ها و فعالیتهای عمرانی دستگاههای مختلف این منطقه تحت نظرو هدايت سازمان اصلاحات ارضی محل در آید و قرار بر این بود که شبیه چنین سازمانهایی در ناحیه زلزله زده قزوین و بندر بروج در سایر مناطق مشمول اصلاحات ارضی نیز ایجاد شود. بدیهی است که اگر چنین شده بود سازمان اصلاحات ارضی میتواند پس از خاتمه کار تقسیم اراضی به جنبه های مهتر اصلاحات ارضی یعنی اصلاح روشهای کشاورزی، پیرا از دیاتمرکز اعتبارات و افراد و تجهیزات سازمانهای مختلف تحولاتی را در نحوه بهره برداری کشاورزی موجب گردد. اما سازمان عمران مراغه پس از چند ماه فعالیت مورد تقویت کافی قرار نگرفت و اخیرا به اداره عمران و امور اجتماعی وزارت کشور منتقل شده است و در حقیقت میتوان موضوع سازمانهای عمران منطقه ای را خاتمه یافته تلقی کرد. فقدان چنین سازمانهایی برای اصلاحات واقعی کشاورزی از آنجهت ناسف آوار است که مسائلی از قبیل آنچه هم اکنون در همه دل مطرح شده است در سایر دهات این منطقه و سایر مناطق دیر باز و مطرح خواهد شد و چنانچه مرجع صلاحیتداری (چه از نظر حقوقی و چه از نظر فنی) برای حل این مسائل وجود نداشته باشد نمیتوان آینده روشن و اطمینان بخشی را برای زارعین

ویا برای اقتصاد مملکت از نظر بالا بردن سریع سطح تولیدات کشاورزی پیش‌بینی کرده دل را میتوان از آنجهت آزمایشگاه مسائل اصلاحات ارضی دانست که در رمز تحولی بزرگ قرار گرفته . تحول از روشهای ابتدائی و کشتهای محدود و کم ارزش به روشهای پیشرفته تر و ماشین و کشتهای متنوع پدید آمده اگر تحرکی که اخیراً در نتیجه واگذاری نیمی از دهقانان بوجود آمده در نظر گرفته شود شرط لازم برای پدید آمدن تحولی که هم اکنون مظاهر آن در ده بچشم میخورد تکمیل میگردد و هرگاه کمکهای مالی و فنی درست باین ده برسد این تحول شتاب بیشتری خواهد گرفت . اما باید دید که این تحولات بنفع چه طبقاتی از روستائیان در جریان است زیرا از ۱۷ خانوار اهالی ده دل ۱۰۱ خانوار یا ۵۸٪ آنها خوش نشین هستند که اصولاً اصلاحات ارضی شامل آنان نمیشود و تنها ۱ خانوار که قبل از اصلاحات ارضی زمین داشته اند و از طریق اجیر کردن چند زارع درآمدی برای خود بدست می آورده اند از تقسیم اراضی منتفع شده اند . و این خود درخور توجه است که چگونه افراد مصرفه که رأساً به زراعت اشتغال ندارند و یا اجیر کردن چند بزرگوار زمین‌بهره برداری میکنند در تقسیم اراضی زمین بدست آورده اند و حال آنکه بزرگانی که خود بیروزی زمین کار نمیکرده اند بکنی از داشتن زمین محروم مانده اند .

نباید فراموش کرد که با بهبود وضع صاحبان نسق و توسعه زراعت عمقی تمایل به گرفتن کارگزیاد تر شده و علت افزایش طبیعی جمعیت عده کارگران بادست مزد کم زیاد تر خواهد گردید و آنگاه است که صاحبان نسق در مقابل کارگران کشاورزی و بزرگان و پاکستانیکه اینک بصورت کارگران خانوادگی برای صاحب نسق کار میکنند چون مالکان در برابر زارعین فعلی قرار خواهند گرفت با این تفاوت که برخلاف رعایای سابق که دست کم بذرو شخم را از خود داشتند اینک بزرگان و کارگران ، سرمایه ای جز نیروی کار خود در اختیار ندارند و از این نظر موقعیت آنان چه از نظر اقتصادی و چه از نظر اجتماعی در برابر مالکان جدید بسیار ضعیفتر خواهد بود . با

رویه ای که دولت در برابر خود مالکان اتخاذ کرد مواینکه رویهمرفته قصد دارد موقعیت آنان را تا حدی حفظ کند کاملاً واضح است که صاحبان نسق خاصه آنها که وضعشان از نظر وسعت زمین و درآمد بهتر است روز بروز گرایش شدیدتر به خرده مالک شدن خواهند داشت و آنگاه است که هدف اصلاحات ارضی فعلی بیشتر مورد پرسش قرار خواهد گرفت و این مسأله که اصلاحات ارضی بنفع چه طبقه‌ای انجام گرفته است ناگزیر مطرح خواهد شد :

بنفع انبوه دهقانان یعنی آنهایی که واقعاً بر روی زمین کار میکنند و زارع واقعی هستند یا خرده بورژوازی شهری و روستائی که بایکار انداختن سرمایه خود در بخش کشاورزی از انسان‌بهره‌کشی میکنند؟ به عبارت دیگر مسأله‌ای که مطرح خواهد شد اینست که منظور از اصلاحات ارضی از بین بردن ارباب و رعیتی و بهره‌کشی انسان از انسان بطور عام بوده است یا فقط از بین بردن بزرگ مالکی : اگر از بین بردن هرگونه بهره‌کشی از روستائیان هدف بوده باشد از هم اکنون کم و بیش عویداً است که این منظور کاملاً تأمین نشده است و باید کوشید تا برای کسانی که بر روی زمین کار میکنند لااقل حقوق و مزایائی نظیر کارگران کارخانه نائل شد و از اجحافات مالکان جدید نسبت به آنها جلوگیری کرد . بهر حال نباید فراموش کرد که گروه کثیری از خوش نشینان در دهات غالباً زائد هستند و اگر دستمزدها کم نسبی و صاحبان نسق از استخدام آنان خودداری میکنند و بجای تقویت روحیه مالک منشی در خود با فعالیت بیشتر به زراعت می‌پردازند و از کمک آنان صرف‌نظر میکنند . این فقدان امکانات کار در شهرها و عدم تسهیلات برای آموختن حرفه و صنعت است که آنها را بیشتر درآمدهای بسیار کم به اقامت در ده وادار می‌سازد و موضوع مالی صاحبان نسق همه دل‌بهتر از وضع خوش‌نشینان و کارگران و کشاورزی است زندگی خود آنها نیز بدون مخاطره و خالی از مشکلات ناشی از نحوه تقسیم اراضی بر طبق نسق بندی موجود نیست . زارعی در همه دل به اعضای گروه تحقیق میگفت که ۱۸ هکتار زمینهای او در بیست قطعه پراکنده پختن است و از کسانو نام میبرد

که زمین تحت اختیار آنها از ۳ قطعه پراکنده متجاوز است . زارعین همه دل همه باین حقیقت تن در داده اند که اگر بخواهند کشت کم صرفه بحد و جوراها کنند و بایجاد ناکستان وسط صیفی کاری و چغندرکاری بپردازند دیگر قادر نخواهند بود تمامی قطعات زمینهای خود بپرستند و یا از آنها مواظبت کنند . زارع دیگری معتقد بود که حتی شخم زدن با تراکتور هم در این قطعات پراکنده مشکلی تراکتور تراست زیرا وقت زیادی را باید صرف عبور دادن تراکتور میان مزارع دیگران کرد و احتمالاً موجب ناراحتی آنان را نیز فراهم ساخت . حتی از آنان پرسیدیم که چرا زمینهای خود را اشتراکاً شخم نمیزنند تا زود تراکتور ترا تمام شود بپایان رسانند که همه افراد سرمایه کافی برای اجاره کردن تراکتور ندارند و یا اصولاً میل نیستند که در این کار شرکت کنند .

۲- وضع اجتماعی و بهداشتی و فرهنگی همه دل :

در همه دل چهار طبقه اجتماعی قابل تشخیص است :

۱- صاحبان نسق پاداریا خوش نشینهای (اینان پولدارهای ده و دکانداران بوده اند) که زمین خرید و اندوایند علاوه بر درآمد های غیر زراعی عوایدی از سرمایه گذاری در کشاورزی و دامداری بدست میآورند وضع این گروه در سطح ده مرفه بنظر میرسد و با سرمایه گذاریهای که اخیراً برای توسعه باغداری و دامداری و ایجاد آسیاب موتوری و پمپ آب کرده اند امکانات از دیار درآمد آنان بسیار است و چه تمایز این گروه با سایر دسته ها اینست که اینها سرمایه گذاریهای لازم و مدیریت آموزشی و دامداری را شخصاً انجام میدهند . قابل توجه آنکه اکثریت این گروه را کمائی تشکیل میدهند که در گذشته طری توجه مالکان بوده اند و باید آنان را بورژوازی روستائی متکی به مالک دانست که اخیراً خود مالک شده اند و استقلال یافته اند .

۲- دکانداران و بیله وران و رباخواران که وجه تمایز ایشان با دیگران سرمایه داری و اعمال مدیریت در بخش غیر زراعی است . این گروه را میتوان بورژوازی

تجاری ده خواند .

۳ - صاحبان نسق خرده باک زارعی واقعی ده هستند . و در مختصر زمین خود کشت کرده و با حداقل درآمد زندگی میکنند و اگر محصول آنان در طی یکی دو سال بعلت عدم مساعدت آب و هوای آفت زندگی از بین برود طعمه رباخواران و صاحبان نسق پادار تر خواهند شد .

۴ - بزرگان ، کارگران کشاورزی و باکارگران خانوار کی روستائی که انبوه جمعیت فقیر دهات را تشکیل میدهند . تعداد این گروه را شمار و بتزاید است زیرا اولاً جمعیت روز بروز در حال افزایش است و ثانیاً تمام کسانی که طعمه صاحبان نسق پادار و ربا دکانداران و بیله وران میشوند خود بخود بپایین طبقه ملحق میشوند . طبقه بندی فوق از نظر اجتماعی خاص مه دل نیست . در غالب دهات ایران میتوان چنین وضعی را مشاهده کرد ولی کثرت جمعیت خورش نشین مه دل و اینکه بین طبقه پادار و کارگر کشاورزی اختلاط درآمد سرانه فاحشی وجود دارد موضوع را بصورت بارزتر جلوه میدهد .

III - روستای فرك (خلاصه تحقیقات اقتصادی) - تاریخ بررسی ۱۳۴۳/۴/۲ دهکده فرك در هشت کیلومتری شرق کاشمر و سر راه جاده تربت حیدریه و کاشمر قرار دارد و وسعت این دهکده حدود ۱۱۶۰ هکتار است که کلاً آبی است ولی بعلت محدود بودن آب ده ، سالانه فقط یک چهارم از زمینهای مزبور (۲۹۰ هکتار) کشت میشود . در حال حاضر نظام مالکیت اربابی ، جمعیت زیاد و نبودن امکان اشتغال در سطح ده و حتی در شهر کاشمر ، نزدیکترین شهر نسبت به ده فرك ، سه مشکل اساسی این دهکده را تشکیل میدهد .

وضع اقتصادی ده - ده مجموعاً مشتمل بر ۱۰۸ سهم است که ۱۸ سهم آن موقوفه متعلق به آستان قدس رضوی و ۷ سهم دیگر موقوفه بیمارستان کاشمر است و ۸۳ سهم بقیه متعلق به خرده مالکین است که بزرگترین آنها ۱۲ سهم دارند تعدادی هم صاحب ۶ سهم هستند و بقیه خرده مالکین همگی کمتر از ۶

سهم زمین دارند .

آستان قدس و سه نفر از مالکین به ترتیب امانی از زارعین حق الزراعه میگیرند و بقیه مالکین زمینهای خود را با اخذ سند رسمی بطور مقطوع به زارعین اجاره می دهند و مال الاجاره را قبلاً نقد دریافت میدارند میزان بهره مالکانه که ده از بابت حق السهم امانی و امتیجاری بالغ بر ۱۷۳۰۰۰ ریال است که اگر آنرا بین خانوارهای زراعت کرده تقسیم کنیم سهم هر خانوار برابر با ۲۴۰۳ ریال و یا ۲۲۰ دلار خواهد شد برای تنظیم اجاره نامه اغلب اوقات زارعین برای جلب نظر مالک باید یکبره رقابت میپردازند . زارعین هر ساله نزدیک $\frac{1}{4}$ درآمد خود را بابت بهره مالکانه و ۰۰۰ به مالکین می پردازند . جمعیت ده مشتمل بر ۲۴۰ خانوار و یاد حدود ۱۲۰۰ نفر است و ۱۶۷ خانوار یعنی بیس از ۷۰ درصد از کل جمعیت خوش نشین هستند .

اداری ده با آنکه میتواند از جهات مختلف مرعایدی مناسبی برای دهقانان بسازد معذورانه دلیل فقر روستائیان و کمبود مراتع بانوجه بعد از جمعیت ده اهمیت زیادی ندارد . تعداد دامهارا صاحبین ۱۰۰۰ رأس گوسفند گفتند در این ده ماده گاو وجود ندارد و سال گذشته با شیوع اپیدمی خاصی همه مرغ و خروسهای ده از میان رفتند . در این ده جمعا ۳۰ دارقالی وجود دارد که ده دستگاه آن متعلق به زارعی صاحب نسق و ۲۰ دستگاه دیگر متعلق به خوش نشینهاست . هر دار و دو ماه یک قالی و در سال حدود ۶ قالی می بافد و برای بافت آن به ۵ تا ۶ کارگر احتیاج است . مزد کارگران قالی باف روزانه ۱۵ تا ۴۰ ریال است . مزد کارگر در این روستا بطور کلی بین ۲۵ تا ۳۰ ریال است . بدلیل قلت سرمایه قالی بافان روستاها ، تاجرهای شهری اغلب به صاحبان کارگاهها وام میدهند و قالی باف روستائی همیشه مفروض تاجر شهری است . درآمد سرانه خانواده ۸ نفری آقای سید محمد هوشمند که خدای فهمیده ده که ۹ هکتار زمین زراعی دارد و تنهادرشش هکتار آن کشت میکند

با داشتن ۵ راس گوسفند برابر با ۴۳ دلار یعنی عرفه ۵ دلار و درآمد سرانه آقای سرباز با ۶ هکتار زمین زراعی و ۵ راس گوسفند برابر با ۵۷۱ دلار یعنی عرفه ۱۱۴ دلار می باشد .

وضع اجتماعی و فرهنگی و بهداشتی فوک

فوک و خالی از تسهیلات اجتماعی و اقتصادی است مدرسه ده که یک سال از تأسیس آن بیشتر نمی گذشت در اوایل بهار امسال بدلیل نداشتن شاگرد منحل شد علت آنرا دهقانان ناشی از فقر مردم ده که می دانستند که بیشتر ترجیح می دهند کودکانشان را به کارگاههای خالی باقی روانه کنند تا پشت میز مدرسه بنشینند کلاس اکابر در ده دایر شده که تنها ۲۰ نفر از بزرگسالان ده و تعدادی از کودکان ده که را تعلیم میدهد . در ده درمانگاه نیست و هزینه آمد و رفت پزشک از کاشمر تا فوک ۵۰۰ ریال است و آب آشامیدنی اهالی از قنات ده تامین میشود و مظهر قنات محل غسل مردگان ده نیز می باشد . زمستانها آب را در آب انبار ذخیره میکنند و بعد از تابستان اگر آب قنات کم آید از آن می آشامند و دارای دو حمام غیر بهداشتی است و اهالی ده که اغلب به کچلی ، تراخم و نیز انواع انگل های معدی دچارند و تنها اقدام بهداشتی که تا بحال در ده انجام گرفته است سم پاشی باد ، د . ت . بوده است . تعداد زیادی از زارعین مقروضند و علت آنرا بیش از همه خشکسالی دو ساله اخیر میباشد و بهره پول را معادل ۳۰٪ ذکر کردند در ده دو راهیوی بیشتر وجود ندارد و استفاده از آب مالکین نسبت به زارعین حتی تقدم دارند ولی در لاریوی قنات هیچگونه تعهدی نمی پذیرند و نفوذ مالکین هنوز مثل سابق در ده باقی است و اصلاحات ارضی در تعدیل آن مؤثر نبوده است .

تحولات مهم در ده سال اخیر در این روستا

تعداد خوش نشینان از ۱۲۸ خانوار به ۱۶۸ خانوار رسیده و درآمد سرانه از ۳۸ دلار به ۴۳ دلار رسیده است .

IV - روستای علی آباد (خلاصه تحقیقات اقتصادی) تاریخ بررسی ۸/۴/۴۳

علی آباد در هشت کیلومتری شمال بجنورد و در دامنه کوه قرار گرفته و با شهر از طریق جاده سنگلاخی مستقیمی مرتبط است و از جمله نزدیکترین دهات نسبت به این شهرستان محسوب میشوند. دهاتی که در چنین فواصل نزدیکی نسبت به شهر قرار دارند علاوه بر آنکه از لحاظ اقتصادی و اجتماعی سرنوشت مشترک با شهر دارند، شهر تأثیرات بالنسبه عظیمی نیز بخصوص از لحاظ تنوع کشت و تنوع مشاغل و بالطبع از پایداری درآمد نسبت به دهات دور از شهر رانها داشته است - نمای دهیکه مورد بازدید قرار گرفت حاکی از فقر و تهیدستی ساکنان آن بود و بیشتر دهکده‌ها دورو تک اقتصاده شبیه بودند تا نزدیکترین ده به شهر - جمعیت دهکده مرکب از ۱۳۵ خانوار است که شامل ۶۵۰ نفر میگردد. ۹۰ خانوار دهکده صاحب نسق زراعتی هستند و ۴۵ خانوار دیگر یعنی ۱/۴ از جمعیت بصورت غنوش نشین در ده زندگی میکنند.

۱ - وضع اقتصادی ده - زمینهای روستا بدو قسمت آبی و دیم تقسیم گردیده زمینهای دیم که متعلق به زارعین است ۲۰ هکتار و زمینهای آبی که متعلق به مالکین است ۲۴۰ هکتار میبایند و هر ساله نیمی از این زمینها بسبب کم آبی زیر آبی میبایند. سابقا که آب فراوان بود زارعین صیفی نیز میکاشتند لیکن در حال حاضر محصول عمده آنان گندم و جو است در زمینه صنایع دستی دهقانان فعالیت ندارند و بدلیل پائین بودن سطح درآمد و عدم توانائی مالی قادر به ایجاد و توسعه آن نیستند و با وجود آنکه مشکل مرتع در این منطقه چندان حادث نیست روستائیان در فعالیتهای دامداری خود بدلیل فقر شدید اغلب با مشکلاتی روبرو هستند و همین اسال چند نفر از دهقانان گوسفندان خود را فروختند تا بتوانند معیشت زندگی خود را تأمین کنند؛ بدلیل محدود بودن منابع درآمد و عدم امکان کار در ده و نیز به علت از پایداری دائم جمعیت، هر ساله تعدادی از افراد ده کوچ میکنند و به مناطق دور دست اطراف بیرجند و یا منطقه گرگان و گنبد قابوس میروند فعالیت خوش نشینان این ده ببرزگری و دروگری در زمین های اربابی ده با حدود روزانه ۳۰ تا ۵۰ ریال و نیز فعلگی منحصر است. درآمد سرانه ۶۵۰ نفر اهالی ده در حدود ۲۵۴۸ ریال یا ۳۴ دلار است.

درآمد یکی از مرفه ترین افراد ده بنام آقای علی آبادی ۲۲۳۶۵ ریال یاد رحدود ۲۹۸ دلار است. این شخص ۸ سرعائله دارد که درآمد سرانه خانوار او ۳۷ دلار یاد رحدود ۲۷۹۵ ریال میگردد باید توجه داشت که آقای علی آبادی دارای ۶۰ رأس گوسفند بوده و زمینهای آبی اواز سایر زمین بیشتر است.

۲ - وضع اجتماعی و فرهنگی و بهداشتی - این دهکده مدرسه ندارد و فقط شش نفر از کودکان این ده همه روزه فاصله ده تا بنجرورد را پیاده طی میکنند و در آنجا مدرسه میروند تنها چهار نفر از بزرگسالان با سواد هستند این ده حمام و درمانگاه ندارد و با وجود نزدیکی با شهر تنها یک بارعطیات سمپاشی انجام گرفته و فقط بر ضد آبله مایه کوبی شده اند سوخت ده بیشتر از سوزاندن کودهای حیوانی تامین میشود در این ده را دیو وجود نداشته شرکت تعاونی با ۹۸ نفر اعضا بزاز زمین وام میدهد و تاکنون مبلغ ۲۷۳ هزار ریال به ۸۹ نفر وام داده بود که زارعین این وامها را صرف تغذیه و پرداخت قروض خود کرده بودند تعداد زیادی از اهالی به دکانداران بنجرورد مقروضند و سلف فروشی نیز شدت رواج دارد دهقانان برای گذراندن زندگی خود پول را با بایع ۲۰٪ قرض میکنند و تمامی آن را بصرف تغذیه خود میسرسانند. علی آباد تنها دهی بود که مادر آنجا وسایلی مانند دوچرخه و چراغ توری ندیدیم ولی آباد از جمله دهاتی است که بایش آمدن موضوع اصلاحات ارضی روابط مالک و زارع در آن نه تنها تغییری نکرده است بلکه مالکین توانستند در چند سال اخیر میزان سهم بری را از $\frac{1}{3}$ به $\frac{2}{3}$ افزایش دهند و چند صاحب نسق را نیز از زمینهای خود بیرون کنند و گاه حاصله از زراعت غلات را نصفه نصف جدا از سهم مالکانه بین خود و زارعین تقسیم کنند با وجود اختلاف شدیدی که بین مالکین و زارعان در این ده وجود دارد معذالک هیچگونه برخورد آشکاری بین آنان تاکنون پیش نیامده است و دهقانان حتی باغ یکی از مالکین را که جنب خانه های آنان و در کنار دهکده قرار گرفته و آب هر وقت را صرف آبخور آن میکنند متعلق بد دهکده نمیدانند (به

نظرمیرسد این مسئله بیشتر به وابستگی شدید اقتصادی زارعین به مالکین مربوط است زارعین چون تنها صاحب زمینهای دیم هستند که سطح آن کم است لذا معیشت آنان بیشتر از راه کار در زمینهای آبی ارباب تامین میشود و بدین جهت قدرت مخالفت علنی با ارباب رانده اند)

تحولات مهم ده ساله در روستا

- ۱- تعداد خوش نشینان از ده خانوار به چهل و پنج خانوار افزایش یافته در حالیکه جمعیت ده از ۵۰۰ نفر به ۶۵۰ نفر بالغ گردیده است و در مقابل از وسعت زمین زیر کشت کاسته شده و سهم سرانه زمین به نسبت خانوارها تقلیل یافته است
- ۲- بهره مالکانه از $\frac{1}{3}$ به $\frac{1}{5}$ افزایش یافته .

۷- روستای عبدل تپه (خلاصه تحقیقات اقتصادی) تاریخ بررسی ۸/۱۲/۴۳

عبدل تپه در ضلع جنوبی جاده اصلی تهران - قزوین نزدیک شریف آباد یکی از معروفترین مراکز تولید هندوانه ایران قرار دارد .

وضع اقتصادی - نظام بهره برداری از نظر تقاضای نسبت به ده سال قبل بیک کشاورزی ماشینی و از نظر حقوقی به یک رابطه قراردادی بین مالک و بهره بردار^ن غیر ساکن در عبدل تپه تبدیل شده . مالک عبدل تپه در این ده و در ده مجاور که ختایان نام دارد یک چاه عمیق حفر کرده است که موجب خشک شدن قناتهای این ده گردیده بعلت وجود آب چاه عمیق کلبه ۳۰۰ هکتار زمینهای عبدل تپه به آبی مبدل شده است. عنصر جدیدی که در بهره برداری نوین زراعی عبدل تپه وارد شده اجاره دارها یا واسطه های قبی هستند تمام زمینهای عبدل تپه در اجاره سه نفر از این واسطه ها است که تخصص آنها در صیفی کاری میباشد . کارگران کشاورزی که از بهار تا پائیز در این منطقه کار میکنند پس از پایان فصل بهره برداری به محل سکونت خود (قم - اصفهان - یزد - تهران) باز میگردند .

مالک عبدل تپه باتشنگ کردن زندگی به ساکنین عبدل تپه از طرفی و فراهم کردن تسهیلات فریبنده ای برای آنان در ده مجاور موفق شده که گروهی از

زارعان را بشهرود هات اطراف و گروه دیگر را به ده مجاور متعلق به خود بکوچانند چند تن از این زارعان که مقاومت کرده اند هنوز در عبدل تپه سکونت دارند لکن از نظر ندای با عبدل تپه هیچگونه بستگی ندارند و تابع نسق زراعی ختایان هستند انگیزه مالک در تهیه کردن عبدل تپه از زارعین بخاطر فرار از اجرای مقررات اصلاحات ارضی بوده و بدینوسیله خواسته زمینهای خود را به اراضی مکانیزه تبدیل کند تا مشمول تقسیم نگردد. نباید تصور کرد که جریان روابط مالک و زارع در عبدل تپه واقعاً منحصر بفرد است زیرا در بعضی از دهات همین منطقه مالکان حقوق زارعان را باز خرید میکنند و آنها را بترک ده راضی میکنند و در موارد دیگر مالکان بهر صورت متوسل شده و به عنف زارعان را از ده بیرون میریزند مثلاً در بخش کیلومتری جنوب غربی عبدل تپه دهی است بنام حسین آباد که مالک آن سه سال قبل از باز دید گروه خانه‌ها^ی زارعان را با بولدوزر و زیران ساخته و قطعه ده را بیابانیهایی تبدیل ساخته بود و زارعین بد هات و شهرهای اطراف متواری شده اند.

درآمد سرانه سه اجاره دار مذکور فوق هریک ۲۶۸۵۰ ریال یا ۳۵۸ دلار میشود و درآمد سرانه یکی از زارعین سابق عبدل تپه که اکنون در روستای ختایان که مالک برای ترغیب او در کوچیدن به ختایان ۲۴ هکتار زمین آبی با و داده که هر سال ۱۲ هکتار از آن زیر آبی است برابر با ۱۳۶۶ یا ۱۸۲۲ دلار است و این درآمد سرانه و برابر درآمد سرانه ایست که ده سال قبل برای زارعین عبدل تپه محاسبه کرده بودند علت این افزایش سریع را باید در تغییر نوع کشت و نحوه کشت جستجو کرد درآمد مالک عبدل تپه بعد از کسره ٪ اضافه سهم تقریباً معادل - ۹۱۴۴۰۰ ریال است که از این مبلغ باید هزینه آب و نصف هزینه بذرو شخم و دفع آفات را کاست.

وضع اجتماعی و فرهنگی و بهداشتی ده

نظراً اینکه عبدل تپه خالی از سکنه روستائی است لذا گروه پس از مشاهده وضع بروستای مجاور آن ختایان که زارعین سابق عبدل تپه در آن ساکن شده اند

رفته و اوضاع اجتماعی و فرهنگی و بهداشتی این روستا بررسی کرد. درختان مدرسه ای وجود ندارد و سه روز قبل از بررسی، یک سپاهی دانش به ده اعزام شده که هنوز کلاس دایر نکرده.

اهالی این ده دارای ۵ تا ۶ رادیه هستند و درختان نه دگرهست و نه ماما و نزدیکترین درمانگاه به آن در قزوین است منبع آب آشامیدنی اهالی این ده قنات و چاه است. درختان یک حمام قدیمی وجود دارد که هشت سال پیش از محل ۵٪ عمران مالک با کمک اهالی ده ساخته شده و ختایان مشمول اصلاحات ارضی نشده و برای فرار از اجرای مقررات اصلاحات ارضی زمین های ده را قبل از اجرای قانون بین زن و فرزندان خود تقسیم کرده و با تهدید زارعین نسبت به قطع آب مزرعه که بوسیله چاه موتور دار تامین میشود از اعتراض آنان جلوگیری کرده اند و زارعین از تقسیم نشدن زمین بسیار ناراضی بودند.

به گمان مادر مرحله دوم اصلاحات ارضی نیز نباید انتظار تغییر وضع زارعان ختایان را داشت زیرا اعم از اینکه مالک طریق اجازه دادن به زارعان یا تشکیل شرکت سپاهی با آنان و یا تقسیم زمین به نسبت سهم بهره مالکانه هر کدام را انتخاب کند در وضع اقتصادی زارعان تحولی پدید نخواهد آمد.

XXXXXXXXXXXX

۷- ده احمدآباد

۱- موقعیت - ده احمدآباد در شرق ساوه و فاصله شش کیلومتری آن قرار گرفته است راه آن به ساوه خاکی ولی ماشین رو است.

۲- وضع عمومی ده - احمدآباد تنهادهی است که ناحدهی برنامه اصلاحات ارضی در آن خودی نشان داده است بدین ترتیب که از زمینهای شخصی به نام قیصریه که مشمول اصلاحات ارضی شده مقداری هم در این ده که قرار دارد لذا بین بعضی از اهالی تقسیم شد.

تعداد جمعیت ده شامل ۵۰ خانوار است که ۳۰ خانوارش خرده مالک انداز

بقیه تعداد زیادی بی زمین اند و کارگری میکنند . عده بسیار معدودی هم صاحب زمین هستند ولی باید گفت که تنها زمین در اختیار دارند و نه از آب خیری هست و نه از وسائل مدرن کشاورزی و آب این ده از دوقات تأمین میشد . این دوقات بگفته اهالی ابتدا بسیار آب بودند ولی بعلمت حفرچاههای عمیق متعدد نظیر چاههای صالحی ، زریاف و خانم . . . (از مالکین دهاتی هستند که در مسیر دوقات قرار دارند) آب قنات نزدیک بخشک شدن است . البته خرده مالکها دو چاه عمیق حفر کرده اند لیکن هنوز آب قنات استفاده میشود . در آب قنات ۱۲ روز است که از این ۱۲ روزه روزش مال یکفر است یعنی در حقیقت یکفر $\frac{1}{4}$ کل زمینهای راکه از قنات مشروب میشوند در اختیار دارد .

۳ - وضع زارعین - بطور نمونه از زارعین که در اثر اصلاحات ارضی صاحب زمین شده اند به سه برادر بر خور کردیم که هر سه بطور شراکتی صاحب ۱۲ هکتار زمین شده بودند ولیکن بعلمت عدم تمکن مالی در بیشتر از ۳ یا ۴ هکتار از آن کشت نمیکردند باینکه اسال از شرکت تعاونی ده ۴ ۱۲۰۰ تومان وام دریافت کرده بودند ولی معلوم نبود که چگونه از عهده بازپرداخت وام برخوانند آمد چون در اثر سیلی که آمده بود به محصولات این ده خساراتی وارد شد . با پیرومردی که گندمهایش را با د میداد سلام و علیک کردیم پیرومرد وسیله مخصوص گندم با د زنیش را زمین گذاشت و سپس چیتی جاق کرد روی کرت نشستیم .

خوب پدر گندمها مال خودتان است ؟ بلی مال خودمان ، که مال پسر ما است آنوقت توضیح داد که چند هکتاری نیز از زمینهای قصیریه نصیب پسرش شده و او فعلا برای پسرش کار میکند . پیرومرد چند تائی گوسفند داشت که مصرف سالیانمان را تأمین میکرد از وضع سپاهیان دانش پرسیدیم ، از شرکت تعاونی ، سپاه ترویج و آبادانی و سایر ادارات و مؤسسات دولتی که در ده سروکار داشتند بهر کدام جوابهای داد ولی نتیجه اینرا که گفت نمودار طرز تفکرش نسبت به دولت است پیرومرد گفت بالاخره دولت منظور از تمام این کارها اینست که همه راجیره

خوار خود کند" و دلیلی دیگر که نشانه بدبینی و عدم اعتماد او بدولت است در مورد تبلیغ واکسن های مختلف برای گاوها و گوسفند اظهار نظر میکرد که من هنوز تابحال نگذاشته ام که یک سوزن بگوسفند هایم بزنند و همه شان نیز سالاند در آن موقع گاوسیری رواج داشت و بیرون نظرش این بود که واکس همین واکسن ها میخورند . در مورد مالیاتی که از احشام میگرفتند پرسیدیم از هر ارباب رسال چند تومان میگرفتند . بعد گفتیم که آخرید چرا شما این پولها را بدولت میدهید اینها که همه پول زور است خوب قبول نکند گفت :

زمان شاه عباس مزدی رفت پیش شاه و باو گفت من چیزی ندارم پولی بمن بده شاه ابتدا قبول نکرد ولی در برابر اصرار مرد بدو گفت . برو در شهر راه بیفت و از هر کس که دیدی کرباس میافز یک قران بگیر از هر کس که دیدی سرش کچل است یک قران بگیر هر کس هم که تخمش قریب بود یک قران بگیر و از آن هم کسبه اسبش مشهدی احد بود یک قران بگیر آن مرد راه افتاد و آمد در شهر بنای گردش را گذاشت رسید بدکانی که دید یک نفر دارد کرباس می بافد یقیناً را گرفت و گفت یک قران بده کرباس باف گفت آخه برای چه ؟ گفت یک قران بده خلاصه کار کم که الا گرفت بطوریکه مودزد توی سر کرباس باف و کلاه از سرش افتاد و سر کچلش پیدا شد مرد گفت تکان نخور و قران باید بدی کرباس باف که نزد یک بود به یک قران راضی شود گفت توتا الان ادعای یک قران میکردی حال می گوئی دو قران و خلاصه دوباره کاریا لا گرفت در حین دعوا مرد برای آنکه کرباس باف را زمین بزند دست کرد زیر و شاخش که ناگهان گفت تکان نخور سه قران بده بیچاره کرباس باف که نزد یک بود به دو قران راضی شود دید که مرد ادعای سه قران میکند گفت آخه برای چه ؟ توتا الان دو قران میخواستی حالا میگوئی سه قران دوباره کاریا لا گرفت که همسایه بغل دستی دکان کرباس باف بیرون آمد و گفت بابا مشهدی احد چه خبره چرا دعوا میکنی ؟ که مرد گفت تکان نخور چهار قران بده بعد نتیجه گرفت : حالا نقل ماست مامیترسیم

اگر اولی را که میخواهند دردانش قدری دیرکیم گارید ترازد بشود .

۱- کارگران - با سه نفر از کارگران کشاورزی صحبت شد میگفتند که مابطور متوسط شش ماه از سال را کار میکنیم و بقیه سال بیکاریم و مدتی از این شش ماه که کار داریم در شهر بیکار هستیم . و نفر از این کارگران دارای شش سرعائله و سومی نه سرعائله داشت . مزد متوسط این کارگران شش تومان بود و کسیکه نان آورنده نبود چشمانش بخوبی نمیدید و مریض بود .

این کارگران باتمام وجود ناراحتی و نارضایتی خود را از وضع موجود ابراز میداشتند و میگفتند که ما کورسته ایم چکار کنیم مظهرها و شبهانان خالی میخوریم هیچگونه غذائی در دست نداریم تهیه کنیم اگر روزی وضعمان خوب باشد فقط چائی درست میکنیم اگر فرزندانمان مریض شد ما بول نداریم برویم شهر و چه مان از مرض خواهد مرد ما استطاعت مالی نداریم که حتی یک سیر برونج بخوریم و برایش شور یا درست کنیم . از وضع شرکت تعاونی سؤال شد همگی بالاتفاق میگفتند که تمام کارهای دولت از جمله اصلاحات ارضی و... باعث شده ثروتمندان ثروتمند تر و فقرا فقیر تر گردند و تمام این تاسیسات مثل شرکت تعاونی و غیره بنفع ثروتمندان است .
بهداشت و فرهنگ - همانطور که مذکور افتاد از نظر بهداشتی اهالی ده در شرایط بدی قرار دارند و در ده دکتربیمست و برای معالجه مریض یا باید به ساوه بروند و یا به ترانزاهید که یک دوفرسخ از احمد آباد فاصله دارد . اخیراً دو سپاهی دانش دختر بده آمده بودند .

XXXXXXXXXXXX

VII- ده سوقانلیق - تاریخ بررسی پائیز ۴۸

۱- موقعیت جغرافیائی - سوقانلیق دهی است که با فاصله تقریباً ۶ کیلومتر در شمال غربی ساوه قرار گرفته . راه ده به ساوه از یک جاده خاکی است و تنها وسیله نقلیه آنرا یک جیپ تشکیل میدهد که متعلق بیک از اهالی همان ده میباشد و از هر نفر ده ریال کرایه میگیرد .

۲- بررسی ده از نظر طبقاتی و اوضاع اقتصادی

جمعیت ده از ۱۵۰ خانوار تشکیل میشود که به گروههای زیر تقسیم میگردند .

الف - شاهسونها : که بالغ بر ۳۰ یا ۴۰ خانوار میشوند . در نظر اول هیچ نوع سختی بین آنها و اهالی ده وجود ندارد بدلیل اینکه زبانشان ترکی است و اینطور که یکی از اهالی تعریف میکرد گویا آنها را از زمانهای پیش باین ناحیه تبعید کرده اند و در ابتدا وضع نسبتا خوبی داشتند ولیکن با گذشت زمان کارشان روز بروز بدتر شده است . کاراکتر آنها گوسفند چرانی است و از اینراه عده ای صاحب گله شده اند که بعضی از آنها ۴۰۰ رأس گوسفند دارند و اوضاع اقتصادی نسبتا مرفهی برخوردارند و لکن اکثریت قریب به اتفاق آنها مالک ۱۰ الی ۲۰ رأس گوسفند یا گاو هستند که کار عده آنها از اوایل اردیبهشت شروع میشود و تا آخر پائیز ادامه دارد بدین ترتیب که گاو و گوسفند خود را به همراه دامهای ده برای چرایه مناطق خوش آب و هوا کوچ میدهند . و تازه در آنجا مرتعهای آزاد وجود دارند و اینها خیلی صحبتهای گوش برکن از ملی کردن مراتع شنیده ایم مراتع آنجا در تنگ مالک است و به چوپانان اجازه میدهد اجاره بها گاهی به ۱۰۰۰۰ تومان می رسد که سهمیه هر گوسفند در این مدت بالغ بر ۱۰۰ الی ۱۲۰ ریال میگردد در بعضی مواقع مالک، اجاره بها را بر اساس سهمیه هر گوسفند دریافت میکند چویدار بر اساس این مقدار پول برای هر گوسفند مقداری را تعیین میکند و در ضمن پشم بیه را برای خود بر میدارد و پس از پایان مدت چرایش گوسفند و یک چار^ک روض به صاحبش میدهد . و به هر هفته هر گوسفند در سال حدود چهل تومان خرج و ۷۰ تا ۱۰۰ تومان (بعلت زائیدن) نفع دارد .

از شاهسونها عده ای هم در دهات اطراف ساکن شده اند و بکارگری میپردازند در دهی از شاهسونی که مشغول گل دادن به شاهسون دیگری که برای گوسفندانش طویله میساخت^{بو} پرسیدیم آیا باغ وزمین دارید ؟ گفت : چه باغ و چه زمینی به ما میگویند باغ مال شما اما میوه اش را نخورید .

ب - خوش نشینها - از ۱۰۰ یا ۱۱۰ خانوار باقیمانده که بومی آنجا هستند ۲۰ تا ۳۰ خانوارشان خوش نشینند یعنی افرادی که زمین نداشته و کارگر کشتاورز هستند اینها اکثر چند رأس بز (۳ یا ۴) تاوگاهی (کمتر بیشتر) دارند. یکی از خوش نشینها که شغلش دوره گردی بود سیب و میوه میفروخت و طی چندین روز حدود ۵۰ من گندم خوشه چینی کرده بود میگفت: سرمای اسال خیلی خسارت وارد آورد و بسیاری از زارعین ده بیکار شدند در نتیجه برای بدست آوردن کار ده راترک کرده به قم یا تهران و... جاهای دیگر رفته اند و ده زیادی عم فعلگی میکنند. پیرمرد که از اغری تنها استخوانهایش باقی مانده بود در جواب این سؤال که چرا ارباب خیلی زیاد تر از رعیت میبرد در حالیکه این رعیت است که کار میکند گفت: خوب اوج اربابیش را میبرد و رعیت هم حق رعیتی اش را* او دیسر داشت که هر دو ازدواج کرده بودند و فعلگی میکردند. گفتیم خوب پدر ما شاء اله پسر ما بزرگ شده اند کمک میکنند. گفت: ای بابا ما هنوز با هم نان میخوریم* پیرمرد در ضمن سه یا چهار تا بز داشت.

ج - باغدارهای مرفه - باید توجه داشت محصول عمده این ده علاوه بر مقدار جزئی گندم و جو و انار است که در نوع خود بهترین انار ساوه میباشد از اینرو قشر مرفه این ده را باغداران بزرگ تشکیل میدهند. طرز تقسیم باغها باین ترتیب است که $\frac{1}{3}$ از باغهای سواقلین در تحت طغک شهریه است که در ساوه اقامت دارند و باغ رابه باغبان می سپرنده $\frac{1}{3}$ دیگر از باغها به پنج نفر از اهالی ده تعلق دارد و بقیه به ۱۰ درصد اهالی ده میرسد. از آنجا که اصلاحات ارضی شامل باغبانان و وضع این ده و دهات دیگر ساوه که اغلب به داشتن باغهای انار معروفند هیچ تغییری نکرد و روابط بین باغداران بزرگ و کارگران و هم چنین شرایط بد باغداران جزء بهمان ترتیب سابق باقی مانده است. یکی از دیلمه های ده بنام تقی میگفت: دور آ ب قنات ده هشت روز است که از این ۸ روز حاج سید تقی دوشنبه روز دارد مابقی که شش روز است به نسبتهای مختلف

تقسیم شده و بعضی ها ۷ یا ۸ ساعت آب دارند و بعضی دیگر ۱۰ یا ۲۰ دقیقه می رسد (۱) همین آب فشات آبی بود که بجه رابا خود میبرد ولی برابر حفرچاههای عمیق که عده ای پولدار انجام داده اند آب آن بسیار کم شده است نفی میگفت : حاجی شریعتمداریک ساعت خود را به ۱۹ هزار تومان فروخت . شریعتمدار که مجتهد ساوه و بزرگترین روحانی آنجا میباند فرد بسیار مرتجعی است و از ملاکین و مرتجعین آنجا حمایت میکند وی ۱۲ ساعت یا بیشتر ملک دارد که قیمت آن ۲۰۰ یا ۳۰۰ هزار تومان است . طریقه بدست آوردن ملک هم بدینصورت بوده است که یکی از ملاکین بزرگ سقانیق چون فرزندی نداشت حاجی شریعتمدار را بعنوان وصی خود انتخاب و پس از فوت وی شریعتمدار اموال وی را تصاحب می نماید . متوفی عواید یک ساعت ونیم املاک خود را که سالیانه تقریباً سه هزار تومان میباشد وقف مخارج حمام ده نموده بود ولی شریعتمدار سالی بیش از صد الی دویست تومان خرج حمام نمیکند .

هم چنین میگویند روزه ۱ خرداد مهندس امیرحسینی نامی از اهالی خوش نام و بانفوذ ساوه (البته مالک است) عده ای از زارعین را بخاطر اعتراض بدولت و طرفداری از خمینی جمع کرده بود . در این موقع رئیس دهبانی ساوه پس از تعریف از خودش که چگونه مسلمانی است و حکم مجتهدین را قبول دارد گفته بود که هر چه حاجی بگوید قبول دارم و بعد هم حاجی شریعتمدار آنها را از این کاری باز داشته بود .

(۱) در این ده و برخی دهات دیگر تنه از زمین نیست که ارزش دارد بلکه زمین همراه با آب است . لذا قیمت و مقدار زمین را بر حسب ساعت آب تعیین میکنند . مثلاً مقدار زمینی که بایک ساعت آب سیراب میشود بدینترتیب که میگویند فلانکس یک ربع زمین دارد و یاد دیگری دوساعت و غیره

تقی میگفت حاجی علی نورعلی بیگی ۸ یا ۹ ساعت بارش برده است. همچنین در مورد نفوس مالکین میگفت محمد نامی ۲۰۰۰ تومان بیک ارباب داده و او هم باغی را که دست سیدی بوده بزرگرفته و به محمد داده است بیچاره سید هرچه اینطرف و آنطرف زد کارش نتیجه ای نداشتنی که به عیجان آمده بود گفت البته خود محمد هم سودی از باغ نبردولی نباید این کار را میکرد و آن بیچاره را باین روزی انداخت. او میگفت مردم در این دوسه سال در اثر دم کشت دلسرد شده اند در این سه سال سرمای بی دریغ خیلی بده آسیب رسانده بطوریکه اکثر باغات از بین رفته و مخصوصاً امسال دیگر حاجیها و پولدارها که باغ دارند چیزی دستگیرشان نشده و میگویند خوش بحال آنها که گوسفند داشته اند و اضافه کرد که بی انصافها حال چشم به دوتا گوسفند بیچاره غادوخته اند. آیا موقعی که باغشان خروارها نا امید کسی به آنها چیزی میگفت؟ هم چنین میگفت آنها در ضمن خجالت میکشید یا عارشان میآید که کار کنند ولی اکثر زارعین چون باغی در کار نیست به فعلگی میرد ازند.

د - باغداران جزء اجاره داران - همانطور که ملاحظه شد $\frac{1}{3}$ از باغهای باقیمانده که مساحت کمی دارند به باغداران جزء تعلق دارد اینها بیشتر از همه در برابر عوامل طبیعی ضربه پذیرند و چنانچه مثل امسال سرمایه باغ آنها یعنی تنه‌اراه اغاشه زندگی شان لطمه وارد کند مجبورند که به کارگری بپردازند و در صورت نبودن کار شهرها روی میآورند. وضع کارگران باغ در اینجا شباهت زیادی به وضع زارعین دارد منتهی عوامل زراعت که شامل کار، کاوه، آب، بذر و زمین میشد، در اینجا بصورت کار، کود، آب و درخت درآمد است. سهم کارگر باغ از محصول، به نسبت شرکت او در عوامل فوق تقسیم نمیشود مثلاً اگر کارگر و کود از آن باشد به نسبت $\frac{1}{4}$ از محصول را میبرد. بابتوجه به اینکه در سال باید دو بار درختان کود را در خارج زیادی را بکارگر تحویل میکند چنانکه برادر تقی تعریف میکرد برای باغی که اجاره کرده بود حدود دوتا سه هزار تومان

کود خربیده و اتصال با این سرمایه محصولی عم بسیار نیاز دارد که بتواند حتی مخارج راعم جبران نماید. در صورتیکه فقط کارآزان باغبان باشند حق اوازم محصول به $\frac{1}{8}$ میرسد. ناگفته نماند که کندن زمین باغ هم جزء کارهای او محسوب میشود نکته جالب توجه اینکه گدخدای این ده کارگریدرزنی است که او هم یک زمین ۶ ساعته دارد و از این روچندان اعمال نفوذی در ده ندارد. از آنجا که برنامه اصلاح ارض هیچ نوع تأثیری در شرایط سوانتلیق نداشته است شرکت تعاونی هم نتیجتاً وجود ندارد و آب‌ها که قبلاً طبعی دارند میتوانند با گروگدازدن آن دریا نیک - مقدار پول قرض کنند اتصال هم گشت گندم چندان وضع خوبی نداشت و بسا از ۸ هرتخم ۸ تخم گندم داده است.

۳- اوضاع اجتماعی

الف - بهداشت و تغذیه : از نظر بهداشتی در ده وسیله ای برای مداوای مرضهای سرپائی و سایر معالجات موقت وجود ندارد (سپاهی بهداشت نیامده) از اینرو اهالی باید بساوه بروند. در این ده دو حمام خزانه دارد و در یکی زنانه و دیگری مردانه که از نظر بهداشتی وضع نامناسبی دارد. آب آشامیدنی ده از همان قنات تأمین میشود که هیچ وسیله ای برای جلوگیری از آلودگیهای احتمالی آن نیست.

ب - فرهنگ - در سوانتلیق یک دبستان پنج کلاسه هست که تعداد دانش آموزان آن ۹۷ نفرند و تمام روستائیان از جمله بی بضاعتها نیز بچه های خود را به مدرسه می‌گذارند. همچنین ۳۵ نفر دانش آموز دبیرستانی دارد که از اول دبیرستان تا ششم درس می‌خوانند. اتصال این ده سه یا چهار نفر دبیر داشت از چهل سال پیش شخصی در ده مکتب خانه ای دائر نموده که اهالی ده را تعلیم قرآن میداده است و افراد ده که اکثر اسواد داشته و قرآن می‌خوانند نتیجه زحمات نامبرده است. اخیراً یک سپاهی دانش دختر ده آمده که اگر اهالی راضی هستند، چون در خارج از مدرسه با چادر رفت و آمد میکند، البته یکی از

اهالی میگفت : دختر من دوماه است که مدرسه می‌رود ولی هنوز چیزی یاد نگرفته .

ج موضع عقیدتی : در ده يك مسجد وجود دارد که اهالی ده بدون کمک گرفتن از یولد اراها خود با کمک یگدیگر آنرا ساخته اند که البته مسجد نسبتاً بزرگی است و مصالح آن آجرو تیر آهن است . اهالی ده از نظر مذهبی بدینگونه اند که همگی نماز می‌خوانند و فروع دین را بجای می‌آورند و رزی نمی‌کنند و در این مورد مثالهایی وجود دارد از اینکه چگونه پولی را پیدا کرده و صاحبش را کرده اند؛ دسته بندیهای روینائی در ده بچشم نمی‌خورد و در ضمن اهالی ده رویهمرفته ۷ الی ۸ عدد را می‌دانند که بآن گوش می‌دهند .

XXXXXXXXXXXXXXXXXX

VIII- بررسی مسائل روستائی گیلان و مازندران - (خلاصه تحقیقات اقتصادی)

دو گیلان - تعداد خوش نشینها ۱۷٪ کل جمعیت روستاست .

اگر سطح کشت کل زمینهای زراعی گیلان را بر تعداد خانوارهای بهره بردار با زمین تقسیم کنیم در این صورت بطور متوسط به هر خانوار بهره بردار ۱/۸ هکتار زمین می رسد . حال اگر تعداد هر خانوار را بطور متوسط ۵ نفر بدانیم در این صورت برای هر نفر ۳/۶٪ هکتار زمین وجود دارد که اگر در این محاسبه تعداد خانوارهای غیر بهره بردار و بهره برداران بدون زمین را نیز در نظر آوریم بحقیقت - هولناک قلت زمین زراعی و کثرت جمعیت در گیلان بر میخوریم . چنانچه ۲۱٪ زمینهای قابل عمران نیز بر مقدار مساحت زمینهای زیر کشت فعلی افزوده شود باز هم مشکل قلت زمین و کثرت جمعیت راحل نخواهد کرد و اگر زراعتهای گران قیمت مانند چای و برنج در این منطقه رایج نبود در این صورت گیلان از جمله فقیرترین مناطق کشور بشمار می آمد .

وضع ۲۹٪ از زارعین گویا آنی که از نیم تا کمتر از یک هکتار زمین دارند (کل ۲٪ از اراضی گیلان در اختیار آنهاست) بسیار وخیم است، مشکل اساسی و عمده اقتصاد روستائی گیلان ناشی از فشار انبوه جمعیت بر سطح ضلیل اراضی مزرعوی است. این امر نقصان بازدهی عوامل تولید و عدم آشنائی باروشهای جدید کشاورزی و اشتغال ناقص، مانعی بر سر راه ازدیاد درآمد زراعی روستائیان گیلان بشمار می رود . هرچند که درآمد زارعین این منطقه به نسبت، در سطح بهتری از درآمد زارعین سایر مناطق میباشد تا هنگامیکه بتوان عدم توسعه ماشینهای کشاورزی را با کارگری بیشتری جبران کرد و نیروی انسانی بیشتری را جایگزین سرمایه نمود ، بیکاری بصورت اشتغال ناقص وجود خواهد داشت ولی هنگامیکه انواع ماشینهای کشاورزی جایگزین فعالیت انسانی گردید مساله انبوهی جمعیت بر سطح ضلیل زراعی مشکل عظیمی را ایجاد خواهد کرد هرچند که فعالیتهای زراعی این منطقه باتوجه به کشتهائی از قبیل چایکاری، توتون و برنجکاری و حتی در سطح بالاتری

از تحول فنی محتاج صرف نیروی کار انسانی بیشتری باشد .

در گیلان جمعا ۳۶۲۴ کارگاه صنعتی (صنایع کهن - لباس - مواد غذایی ، چوب و ...) هست که در آنها - ۱۰۸۲۹ نفر شاغلند تعداد ۷۹۰۰ موسسه نیز که شامل رشته های ساختمانی و آب و برق و عمده فروشی و خرده فروشی و بانک و بیمه و مستغلات و حمل و نقل و سرویس میباشد که جمعا بالغ بر ۱۵۰۴۱ نفر در این موسسات شاغلند و ۴۰۰۰ نفر کارگر فصلی کارخانه های چای اند و ۱۷۰۰ نفر در شیلات . بنابراین مجموعا ۳۱۵۷۰ نفر در بخش غیر کشاورزی و مختلط کشاورزی و صنعتی در گیلان مشغول بکارند که فقط در حدود ۵/۳٪ از کل جمعیت گیلان را شامل میشوند .

سرمایه گذاری هنگفت سفید رود بزودی با از دیاد جمعیت مستحیل خواهد گردید بدون آنکه واقعا قادر باشد فعالیت ارزنده و تولیدی خاصی که بتواند حتی از بیکاری آشکار مردم آن سرزمین بکاهد ، برای مدت زیادی به آنان عرضه کند . جمع و امهای دولتی و غیر دولتی زارعین ۷۵۰ ملیون ریال است در حالیکه مجموع وامهای اعطاشده از طرف شرکتهای تعاونی را اگر جمع کنیم بیشتر از ۱۱۳ ملیون ریال نیست یعنی فقط ۱۵٪ بدهیها .

از نظر مالکیت - وضع مالکیت اراضی - بهره برداری ونحوه روابط بین مالک و زارع در گیلان ، اغلب شکل خاص وجداگانه ای نسبت به سایر نقاط دیگر داشته است . در این منطقه بین ترا جاره کاری و کتر سیستم ارباب و رعیتی معمول بوده است زارعین بطور سالانه و با اجاره مقطوع که بیشتر بصورت مال الاجاره جنسی میباشد زمین را از مالک اجاره می کنند که پس از چند سالی در اغلب از بهره برداریها بدلیل پایان مدت اجاره نامه مجددا بر همان منابصورت اجرت المثل بین مالک و مستاجر عمل میشود . به همین دلیل اصلاحات ارضی نیز عملا تا پایان مرحله اول بین از ۱۵٪ از مجموع دهات گیلان را شامل نمیشده است .

مازندران - تعداد خوش نشینهای مازندران و گرگان حدود ۸۰ هزار خانوار و ۳۱٪ مجموع خانوارها میباشد. چنین رقی درشت در این منطقه پر استعداد و آبادند قابل توجهی بنظر میرسد. ۸۱٪ از زارعین کم‌ترازه همکاری دارند (مجموعاً ۴۰٪ از زمین‌داران اختیار آب است) در حالیکه پنج درصد بیش از ۲۶٪ از زمین‌داران را اختیار دارند. هشتاد و پنج درصد از زمین‌داران زیر کشت گندم و جو و پانزده درصد زیر کشت برنج میباشد. ۵۳٪ از زارعین مازندران مقروضند ۹۴٪ قرض آنها از بیله‌وران است. وام‌های غیر دولتی یک میلیارد و صد و سی و نه ریال و وام‌های دولتی صد و یک میلیون ریال است مقدار وام شرکتهای تعاونی که تاکنون به زارعین داده شده - ۱۱۸۰۰۰۰۰ ریال است. تصویر چنین دورنمایی بستگی دارد با چگونگی واقعیت بخشیدن به انتظارات و توقعات زارعین بنحوی که بتواند ضمن برطرف کردن موانع موثر در ثلث درآمد زراعی آنان را در برابر هجوم بورژوازی شهری و دیگر کسانی که با سرمایه کم و نفوذ زیاد به غارت و تصرف زمین‌ها پرداخته اند حفظ و حراست کند. انجام این امر بغیر از طرح و اجرای برنامه‌های عمرانی و هم آهنگ کردن آن‌ها مستلزم - و انصاف بخشیدن به این امر است که سازمانهای دولتی باید حافظ و حامی منافع اکثریت زارعین و ریزه مالکان و حتی خرده مالکان منطقه باشند نه اقلیت متنفذ و بورژوازی شهری و غیر شهری. ماندگار شدن اکثریت جمعیت در بخش کشاورزی و خریدن زمین‌ها چه در اثر تقسیم اراضی و چه بدلیل مفرات، مشکل حاد کشاورزی منطقه را در آینده بیشتر نمایان میسازد و لزوم توسعه بخشی صنعتی را ضروری تر میسازد.

ناموقعیکه روشهای قدیمی کشت در این منطقه رواج دارد و ترکیب کار و سرمایه بنحوی است که کمبود سرمایه را میتوان با کارگزینان جبران کرد این وضع قابل تحمل خواهد بود. اما هنگامیکه ماشینهای کشاورزی جایگزین فعالیت انسانها گردید موضوع انبوهی جمعیت بر سطح زراعی موجود، مشکل عظیمی را ایجاد خواهد کرد. وضع اجتماعی این منطقه نیز با غالب روستائیان ایران فرق میکند از قدیم در این

ناحیه روابط مالک و زارع، رابطه مالک و مستاجری بوده است زارعین و مالکین اجاره نامه رسمی و درست دارند که مال الاجاره زمین را بطور مقطوع (غالباً به جنس) معین میکنند. طبیعی است که این وضع در روحیه زارعین این ناحیه بدون تاثیر نبوده است. زارعین خود را رعیت کسی نمیدانند و هم اکنون نیز با توجه به اصلاحات ارضی، زارعان از دادن بهره مالکانه به مالکان خودداری کرده اند و دستگاههای مسئول دولتی برای گرفتن بهره مالکانه زارعین وارد عمل شده اند معذک مقاومت آشکاری از جانب زارعین به چشم میخورد و بنظر گروه ما موقعیکه نتوان از فشار اقتصادی جمعیت کاست و تامین امر معیشت را در بخش های غیر کشاورزی ممکن ساخت امکان هرگونه همزیستی مسالمت آمیز بین زارعان و مالکان مشکل بنظر میرسد.

IX - بررسی مسائل روستائی ترکمن صحرا - تابستان ۱۳۴۷

در قسمت شمال و شرق گرگان دشت وسیعی قرار دارد که بین از نیم میلیون مردم ترکمن در آنجا زندگی مشغولند. اینان در نهایت سختی و تنگدستی زندگی کرده و در مقایسه با وضع سایر روستائیان حومه شهرستان گرگان وضع بسیار بدی دارند. آب آشامیدنی آنان از آب باران است و آب انبارهایی ساخته اند که در مواقع بارندگی آب باران در آن جمع شده و در تمام مدت سال از آب آن استفاده میشود و معلوم است آبیکه یکسال در یک مکان بطوراک نگه داشته شود بجه صورتی خواهد بود و بطور یقین آب آن قابل آشامیدن نیست لیکن در آن صحرای خشک و شور و زارعان آب مایه حیات انسانها نیست که مورد خشم و استثماری صاحبان سرمایه و کاخها قرار گرفته اند.

در فاتیکه تنها در مسیر رودخانه قرار گرفته باشند میتوانند از آب رودخانه استفاده کنند و آب رودخانه نیز علاوه بر برگ آلود بودن و غیر بهداشتی و این شوری به علت شورزار بودن کف رودخانه و بیشتر آب دریا در رودخانه هنگام طوفانهای دریایی است. اکثریت دهات ترکمن صحرا فاقد حمام است و تعداد دهاتی که دارای حمام است انگشت شمار بوده و آن دهات محل سکونت

ترکمن های شروتنند میباشد. تعداد مستراح در دهات این منطقه بسیار اندک است و در بعضی از دهات بطور کلی اصلا وجود ندارد و کمبود آب نیز مزید بر علت گشته است. در دهات نسبتا بزرگ این منطقه دبستان هایی وجود دارد که اکثر آنها چهار کلاسه است و بطور نمونه در یکی از دهات بنام یایی که دو بیست خانوار جمعیت دارد مدرسه ای چهار کلاسه وجود دارد و دانش آموزانی که بخواهند کلاس پنجم و ششم را نیز بخوانند باید به پهلویژ که مرکز بخش است بروند و چون راه دور است لازم است این دانش آموزان در آنجا سکونت اختیار کنند ویدی وضع اقتصادی باعث میشود که اکثریت قادر به ادامه تحصیل نباشند تنها یک دبیرستان در مرکز بخش (پهلویژ) وجود دارد که تنها سیکل اول تدریس

میکرد و کسانی که بخواهند ادامه تحصیل بدهند باید به گرگان بروند و بطور کلی ادامه تحصیلات تنها مخصوص فرزندان عده قلیلی از ترکمنهای ثروتمند میباشد مردم این منطقه از نظر شغلی به دو طبقه تقسیم میشوند . ۱- دهقانان ۲- کارگران این تقسیم بندی کلی بوده و همه اینان نیز به انجام کارهایی چون قالی بافی و صید ماهی نیز مشغول هستند . زمینهای زراعتی این منطقه از املاک خالصه و متعلق به دولت است و قسمت عمده زمینهای حاصلخیز این منطقه را عده ای پولدار و افسران بازنشسته در اختیار دارند بعد از اصلاحات ارضی به هر خانوار ۶۰-۲۵ هکتار داده شده که پول آنرا از قرار هکتاری ۹۵۰ تومان در مدت ۱۵ سال مطابق قانون اصلاحات ارضی دریافت میدارند و در کارده چند نفر اعم از نظامی و غیر نظامی در زمینهای بیش از پنجاه هکتار بزراعت مشغولند .

جالبست که بعلمت وجود تضاد بین ترکمنها و این افراد اینان کارگران خود را بیشتر از غیر ترکمن انتخاب میکنند و بیشترین کارگران از شهرهای زابل و سبزوار و نیشابور به اینجا آمده اند . مزد کارگران کشاورزی مردان ۶۰ ریال و زنان ۵۰ ریال و اطفال ۴۰-۳۰ ریال است . قبل از اجرای اصلاحات ارضی بعضی از ترکمنها زمینهای زیادی تری نسبت به حال داشته اند اجرای قانون اصلاحات ارضی موجب از دست رفتن قسمتی از زمینهای آنها شده است . و بسیاری از ترکمنها سند مالکیت ندارند به آنها وعده میشود که هنگام تشریف فرمائی اعلیحضرت به آنان سند داده خواهد شد خیلی نماز دادن قسط سالانه بهای زمین خود داری میکنند و این باعث میشود که زمین را از او بگیرند از این نوع کارها زیاد انجام نداده است زراعت این منطقه دیمی بوده و بیشتر گندم و جو کاشته میشود و تنهاد زمینهای نزدیک رودخانه پنبه کاشته میشود که آن زمینهای بیشتر متعلق به ارتشیان است .

زراعت این منطقه وابسته به بارندگی های فصلی است و در صورت نیامدن باران بعلمت نبودن آب محصولی برداشت نمیشود و در سال جاری به علت بارندگیهای بی موقع و وزش طوفان محصول گندم خوب نبود و آنچه که انتظار میرفت برداشت

نشد و ارزان بودن قیمت نیز مزید بر علت شده بود و لذا زارعان سود کمی نصیبشان شد انتظار می‌رود که محصول پنبه خوب شود اگر در هات این منطقه شرکت تعاونی ندارد و در دهاتی که شرکت تعاونی تشکیل یافته است آن شرکت قادر به رفع ^{حاجات} احتیاجات اعتباری مردم نیستند و حد اکثر وام داده شده از هزار تومان تجاوز نمی‌کند و به بعضی‌ها بهمان مبلغ خریداری شده افراد وام داده می‌شود و لذا مردم بایست فروش کم‌کردن محصولات و نزول گرفتن بانرخ ۵۰٪ بطور متوسط احتیاجات خود را تأمین می‌کنند نرخ فروش سلف برای پنبه از نظر ربح آن بطور متوسط ۵۰٪ می‌باشد. کارگران تعدادشان نسبت به زارعان کمتر است و اینان اگر در روستاهای خود در زمینهای متعلق به ترکمن‌هایی که زمینهای زیادی دارند بکار مشغولند و علت اینکه بعضی از ترکمنها از مزایای زیادتری برخوردارند و زمینهای زیادی دارند اینست که ترکمنها تا اوایل حکومت پهلوی، مردمان باغی بوده و میتوان گفت حکومت مستغنی برای خود داشتند. بعد از اینکه رضاشاه پس از یکسری جنگها قدرت را در این منطقه بدست گرفت، سیاست رژیم برای این اساس قرار گرفت که عمده ای از سران و معتمدان این منطقه را سیرنگ داشته تا آنان از بروز شورش جلوگیری کنند و وجود یک‌ده ترکمن نروستند در این منطقه مانع اصلی بروز اغتشاشات محلی است و البته ترسی که رژیم ایجاد کرده عامل بسیار مؤثری برای حفظ آرامش در این منطقه است. در این منطقه يك نوع حکومت نظامی برقرار است و ظلم و زور زیاد باعث ایجاد مردمی ترس زده شده و اکنون این مردم بصورت فتری هستند که با فشار آن راجع کرده باشند و حادتهای لازم است که این فتر را باز کند.

صنایع دستی که قسمت عمده درآمد مردم این منطقه را تشکیل می‌دهد قالی بافی میباشد و زنان و دختران ترکمن در این قسمت کار میکنند مزد کارگران قالی باف ۳۰ الی ۴۰ ریال است با اضافه غذای يك روز کارگر. و يك قالی که قیمت آن ۴۰۰ تومان است دو کارگزن در مدت بیست روز تمام میکنند. کارگر قالیبا ف بسیار کم است و اکثر زنهای و دختران برای خود قالیبا ف می‌کنند در این منطقه نیز زنهای بیشتر از مردها

کار میکند.

صید ماهی نیز یکی دیگر از موارد کسب درآمد برای مردم این منطقه است. رودخانه گورگان در قسمت های نزدیک بدریاد دارای ماهی بوده و مردان بطور قاچاقی به صید ماهی مشغولند. بعضی ها هم از دریاهای مجاور صید ماهی میکنند و ماهی های خود را در دهات بزرگ پهلوی و بفروش میرسانند. عضویت هایی که برای صید ماهی ایجاد شده مشک بزرگی برای مردمیست که از این راه زندگی میکنند. در میان مردم این منطقه کسانی هم هستند که عیجاکاری نکرده و شبها بهات مجاور رفته و اموال دیگران را بسرقت میبرند و بفروش آن زندگی میکنند. فساد از قبیل تریاک و شیره و فحشا بسیار رایج است و خصوصاً شیره بسیار معمول است و در هر ده چند مرکز جهت شیره کشیدن وجود دارد بسیاری از جوانها مبتلا به استعمال این ماده مخدر میباشند اکثر ابعثت داشتن ناراحتی های زیاد و فقر اقتصادی جهت تسکین آلام روحی خود باین ماده پناه میبرند و هزینه آن را از راه دزدی و حتی فروش ناموس هم که شده تامین میکنند.

تعصبات مذهبی در میان طبقه جوان این منطقه روبه تضعیف است جوانها از نظرات و آواج بامشکل پرداخت مهریه بهسورت نقد روبرو هستند و میزان مهریه اکثراً از ده هزار تومان به بالا است و لذا سن ازدواج در این منطقه بالا بوده بسیاری از جوانهای ۲۵ ساله به بالا هستند که قادر به ازدواج نیستند.

در یک مجلس عروسی مطربها قبل از نواختن موسیقی و شروع رقص باید سرود شاهنشاهی را بنوازند و مدعوین نیز از جای خود بپاخیزند و بطوریکه تحقیق شد این کار از سال ۱۳۴۰ به بعد مجری شد و غیر مستقیم جنبه دستوری داشته و اکنون همه ناچار بانجام این عمل هستند و بصورت نواختن سرود در سینماها در ابتدای شروع فیلم درآمدی است مردم این منطقه از نظرفکری گرایش شدیدی نسبت بروسه دارند و این بسبب آنست که چون اولاً قبل از شهریور ۲۰ عبور و مرور از مرز شوروی و ایران تقریباً آزاد بوده و بسیاری از ترکمنهای ایران باترکمن های ساکن در مرزهای شوروی تماس

داشته اند و قزاقهای سیبی ونسی مابین آنها وجود دارد و بعد از شهریور ۲۰ که مرزها بسته شد و رفت و آمد قطع گردید بسیاری بستگان خود را از دست دادند و بستگان آنان آنطرف مرز ماندند لذا بسیار مایل هستند که از مرز عبور کرده و آن طرف بروند تا نیایدی وضع اقتصادی و تبلیغاتی که رادیو شوروی و خصوصاً رادیو عشق آباد درباره بهبود وضع اقتصادی ترکمانهای ساکن در شوروی میکنند علت دیگر گرایش اینان نسبت به روسیه است . هنوز در میان این مردم اسلحه های ساخت شوروی و آلمان که در زمان جنگ بین اهل دوهستان افتاده است وجود دارد . هفت تیرو تفنگهای پنج تیرو سلسلهای سبک ۶ تیور دشتان موجود است و حتی بعضی ها هفت تیرها را خرید و فروش میکنند و قیمت آنها از ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ تومان است کسیکه ناظر بر جریانات بعد از شهریور ۲۰ و دوران دوساله حکومت دکر صدق بوده از یک شم سیاسی نسبتاً خوبی برخوردار است و صدق را یک نخست وزیر ملی و دلسوز بحال ملت میدانند لیکن نسل جدید حتی اکثریت تحصیل کرده های آنها نیز متأسفانه فاقد درک سیاسی صحیح هستند و نسبت به جریانات سیاسی بسیار بیگانه اند . لیکن از طرف دیگر ظلم و فشار روی مردم این منطقه بحدیست که برای ایجاد نارضایتی از وضع موجود کافی بوده است .

XXXXXXXXXXXXXXXXXX

X - دورنمای آینده اقتصادی خوزستان

(خلاصه تحقیقات اقتصادی) - تاریخ بررسی ۴۳/۲/۲۷

با وجود آنکه عنوان اصلاحات ارضی توانسته است انتظارات و توقعات روستائیان را بوجه عمیقی برانگیزد ولی بعلمت عدم توانایی سازمانهای دولتی در هماهنگی کردن فعالیت های خود و توجه به جنبه های محدود حقوقی اصلاحات ارضی و نیمه کاره کردن تقسیم اراضی و نیز بعلمت زخمی کردن مالکان و شیوخ، بدون آن که تکلیف آنان و هم چنین روستائیان در امور مربوط به مالکیت زمین روشن شده باشد، بلا تکلیفی خاصی در دهات حکم فرماده است. این بلا تکلیفی بحل مسئله بزرگ اقتصاد روستائی خوزستان که ناشی از فشار انبوه جمعیت به سطح مزروعی کم و ابتدائی بودن روشهای تولید و نقصان بازدهی عوامل تولید در نتیجه قلت درآمد زراعی است کمکی نمیکند - ۷۵٪ از جمعیت خوزستان ساکن دهات و یا عشیره نشینند. این جمعیت روستائی روی هم رفته بسیار جوان است بطوریکه اکثریت ۵۱/۷ درصد متعلق به آن گروه از طبقات سنی است که از ۱۹ سال کمتر دارند. از جمعیت ده سال به بالا ۳۴ درصد از نظر اقتصادی غیر فعال محسوب میشوند؛ این بیکاری پنهان و آشکار از یک طرف ناشی از کمی مقدار زمین مزروعی است که زارعین در اختیار دارند و از طرف دیگر معلول فقدان امکانات کار در بخشهای غیر کشاورزی است. طبیعی است که با افزایش سریع جمعیت این مسئله روز بروز حاد تر خواهد شد.

صنعت در خوزستان بدو بخش نفتی و غیر نفتی تقسیم میگردد. توسعه صنایع غیر نفتی چه در بخش خصوصی و چه در بخش دولتی، تا بحال بسیار محدود بوده است تعداد کل مؤسسات صنعتی غیر نفتی خوزستان بالغ بر ۲۳۲ موسسه است که ۱۳۴۱ نفر کارگر جمعاً در آنها مشغول کار هستند از این مؤسسات ۲۳۰ موسسه در مالکیت بخش خصوصی است و تنها یک موسسه در مالکیت دولت است و یک موسسه نیز مختلط است.

فعالیت‌های کمرسیوم نفت جنوب بستگی خاصی با اقتصاد صنعتی ایران ندارد و کمرسیوم قسمت عمده احتیاجات خود را از ایران تأمین نمی‌کند و نیز علاقه چندانی با ایجاد صنایع که وابسته به نفت و گاز باشد در آن استان ندارد و دلایل این امر علاوه بر مسائل متعدد اقتصادی پدید بینی و احتمالاً این مطلب است که در صورت ایجاد صنعت وابسته به نفت، کمرسیوم به آسانی نخواهد توانست یک حوزه نفتی را تعطیل و فعالیت خود را بجای دیگری منتقل کند چنانکه در شهر هائی مثل لالی یا نفت سفید اگر چنین وابستگی اقتصادی وجود داشت در این صورت - کمرسیوم نمی‌توانست که شهروکارگران آن را باین سادگی رها سازد. چندی قبل دولت کمونی را مامور مذاکره با کمرسیوم نمود تا احتیاجات کمرسیوم از داخل ایران تأمین بشود معذک هنوز پس از چند سال مذاکره، کمرسیوم قسمت عمده احتیاجات خود را با کماکان از خارج تأمین میکند فقط در چند مورد مثل تهیه وسائل و ملحفه ادارات، گل و نیز چند علم اجناس دیگر کالاهای مورد نیاز خود را از داخل ایران می‌خرد. بنابراین فوق نه صنایع خصوصی و نه صنایع نفتی در شرایط موجود هیچ کدام قادر بر تأمین به جذب جمعیت اضافی شهرها و روستاها نیستند و نمیتوانند درآمد مکی و لازمی را به آنها عرضه دارند و هم اکنون علاوه بر این جمعیت روزافزون، عده زیادی از کارگران نفتی در خوزستان هستند که بعلل مختلف بکار آنها در شرکت خاتمه داده شده است و کارهای غیر تولیدی در شهرها مشغولند. مسائل عمران ناحیه ای و سازمان آب و برق خوزستان:

منظور از اجرای برنامه های عمران ناحیه ای در برنامه هفت ساله دوم ایران این بود که با ایجاد کار و فعالیت در نواحی عقب مانده کشور خاصه در نواحی مرزی بوضع مالی و اجتماعی مردم سرسامانی داد و مشورت و تمایلات گریز اهالی از مراکز این مناطق جلوگیری شود و بین اقتصاد این نواحی و اقتصاد ایران همبستگی بیشتری بوجود آید برای اجرای برنامه های عمران منطقه ای چون در خود آن نواحی کار اداری و ریزه و مجهزی وجود نداشت و دستگاه های دولتی موجود همه

تحرك و سرعت كافی برای طرحهای وسیع رانده شدند تشكيل سازمان کارآزمودهای باكمك مؤسسات متخصص خارجی ضروری مینمود. در برنامه هفت ساله دوم دوموسسه عمران ناحیه ای یکی در خوزستان و دیگری در سیستان و بلوچستان تشكيل گردید. (عطیات عمران ناحیه ای سیستان و بلوچستان اخیراً قطع و گویا قرارداد سازمان برنامه با ایتالیا کسولت لغو شده است.)

بزرگترین مشكل اجرای این برنامه چگونگی رابطه عمران ناحیه ای با دستگاهها و سازمانهای دولتی در سطح استان و نیز ارتباط برنامه عمران ناحیه ای با برنامه عمرانی کشور بود. اینك پس از شش سال تجربه با آنكه عمران ناحیه ای - خوزستان با استخدام گروه زیادی جوانان تحصیل کرده ایرانی و نگاه داشتن عده ای از کارشناسان خارجی توانسته است موقعیت خود را از نظر داشتن يك کاردوقوی حفظ کند اما از نظر سازمان یاسایر دستگاههای دولتی و نقش آن در عمران خوزستان، با تمام ابهامات و مشکلات گذشته ینحو حادثی دست یگریبان است مشاورین مسئول خارجی موسسه عمران خوزستان از همان آغاز کار توجه خود را - بیشتر معطوف به کارهای ساختمانی بزرگ کردند و به مسائل مربوط به تشکیلات اداری و سازمانهای اجتماعی ناحیه کمتر پرداختند. میتوان فرض کرد که گردانندگان دستگاه تصور میکردند که با انجام چند پروژه عظیم ساختمانی میتوانند تمام سازمانهای دولتی را تحت الشعاع قرار دهند و آنها را به بهره برداری از تاسیسات ایجاد شده و ناگزیر سازند و اصلاحات اداری و سازمانی و نیز هم آهنگی لازم را بین سازمانهای دولتی بوجود آورند. تمرکز کارهای عمرانی در چند پروژه بزرگ خود نوعی تدبیر پیشرفت اقتصادی است و اگر بدقت دنبال میشد شاید بدون تأثیر نمی بود. اما در عمل چنین نشد زیرا از یکطرف قسمتی از برنامه های عمران خوزستان به علت کمی بودجه حذف شد و موسسه عمران خوزستان نتوانست بصورت يك قطب توانا بر اقتصاد خوزستان مسلط شود و دولت نیز بخاطر روشن کردن و تنظیم روابط موسسه با سایر دستگاههای دولتی و تفویض يك شخصیت حقوقی به موسسه در عمل

سازمان آب و برق خوزستان را برطبق قانون بوجود آورد که فقط سازمان توزیع و فروش آب و برق است و رویه‌مرفته واجد خصوصیات یک دستگاه عمران ناحیه ای نیست و روحیه محافظه کاری به سازمان مسلط شده . یکی از علل محافظه کاری سازمان اینست که دولت توجه کافی به کار آن ندارد و آنطور که باید از آن حمایت نمیکند و سازمان در حال حاضر دارای یک دستگاه صحیح و مرتب برنامه ریزی برای تعیین خط‌مشی عمرانی تمام استان نیست . طرح‌های عمرانی موجود بدقت ارزیابی نمیشود و مرکزی برای تجزیه و تحلیل مسائل خوزستان و طرح ریزی نقشه هاوراه حل های لازم وجود ندارد . نتیجه * محدودیت‌های فوق آنست که در عمل هیچ دستگاهی خود را آشنایه کلیه جوانب و مسائل عمران ناحیه ای و طرح یک برنامه همه جانبه عمران برای خوزستان نمیکند و دیده میشود که علیرغم سرمایه گذاریهای زیاد عمران ناحیه ای بطور جامع و هماهنگ در خوزستان منتفی شده است و سازمان برنامه بهدنی که بخاطر نپل بآن - سرمایه های زیادی را در خوزستان صرف کرده - نرسیده است .

اعتبارات سازمان آب و برق خوزستان :

بودجه سازمان آب و برق خوزستان در دوره برنامه هفت ساله دوم ۱۳۹۲/۹ میلیون دلار یا ۱۳٪ بودجه ۸۷ میلیارد ریالی برنامه دوم در دوره سوم ۱۳۹۶/۹ میلیون دلار یا ۵٪ اعتبارات ۱۹۰ میلیارد ریالی برنامه سوم است بطور کلی در برنامه دوم و سوم در حدود ۲۶۰ میلیون دلار بوسیله سازمان آب و برق خوزستان به مصرف خواهد رسید . تسعت عمده اعتبارات سازمان آب و برق خوزستان در برنامه دوم و سوم (۵۹ درصد آن) به مصرف ایجاد سد در می‌رسد و ۱۴٪ از اعتبارات نیز به مصرف طرح نیشکر در هفت تپه خواهد رسید و رویه‌مرفته اعتبارات کمی برای طرح‌های عمومی و مسائل مربوط به عمران ناحیه ای اختصاص داده شده است . در برنامه سوم ۱۷٪ از اعتبارات سازمان آب و برق خوزستان به برنامه ریزی و مدیریت و حقوق مشاوران و تامین هزینه تشکیلات اداری و سازمان تخصیص داده شده است که زیاد بنظر میرسد . شاید وجود انومیدهای

زیاد و سایر جنبه های تجلی وظاهری کار سازمان آب و برق خوزستان که مورد غبطه و انتقاد سایر دستگاه های دولتی است ناشی از این عدم تناسب بین هزینه های عمرانی و هزینه های اداری باشد.

برق سدره

سدره میتواند در نهایت اموال ۸۰ هزار تن و ۶۵ هزار کیلوواتی باشد فعلا از یکی از این ژنراتور ها بهره برداری میشود و یک ژنراتور دیگر برای احتیاط نصب شده است. از ۶ هزار کیلوواتی که تولید میشود فقط در حدود ۲۵ هزار کیلووات آن مورد استفاده قرار میگیرد. مصرف برق خوزستان فعلا قابل ملاحظه نیست. بهای برق برای مصرف خانگی در حدود کیلووات ساعتی ۲ ریال و برای مصارف عمومی در حدود کیلووات ساعتی ۲/۵ ریال برای مصارف صنعتی نرخ متوسط در حدود ۱/۱ الی ۱/۵ ریال است که بنا به عقاید صاحبان صنایع مقرون بصرفه نیست. مقامات سازمان آب و برق خوزستان اظهار میدارند که حتی این قیمت ها برای سازمان زیان آور است و بیش از این نمیتوانند نرخ ها را پایین بیاورند. تنها در اهواز است که در نتیجه بالا رفتن مصرف اخیر سازمان توانسته است به نقطه عدم سود زیان برسد. برای جلب مشتریان تازه و تقطیل ضرر سازمان دست به اقداماتی زده است که از آن جمله ایجاد نمایشگاه وسایل الکتریکی در اهواز است به علاوه سازمان در صد برآمده است بدعای که در شعاع ۳۰ کیلومتری خطوط انتقال نیرو قرار دارند بشرطی که لااقل ۳۰ نفر متقاضی وجود داشته باشد برق بدهد این برنامه فعلا در دوازده تعطیل شده است. مصرف برق زارعین غالباً از ۳۰ کیلووات ساعتی که حداقل مصرف ماهانه است و از بابت آن بهر حال باید ۷۵ ریال بپردازد تجاوز نمی کند یکی از کارشناسان اظهار داشت که زارعین در بعضی از دهات بجای استفاده از برق منازل خود از نور چراغ کوزه های ده استفاده میکردند و در نتیجه سازمان ناگزیر شد که لامپ چراغ های معابر را برچیند این از یک طرف نشانه فقر زارعین است که هزینه اضافی این مصرف جدید را

نی نتوانند تحمل کنند و از طرف دیگر نشانه توجه زیاده از حد سازمان باینگونه مسائل جزئی است .

از نظر اجتماعی وجود برق تاکنون تاثیرچندانی در ده نداشته است تنها تاثیر فوری آن بالا رفتن خرید رادیو است و چون گروه کثیری به رادیوهای عربی زبان بیشتر توجه دارند باید هرچه زود تر از طریق تنظیم برنامه های رادیویی جالب فارسی و عربی و سبقت در پخش زبان فارسی در خوزستان چاره ای برای این موضوع اندیشید . ولی بهر حال عدم تسلیم آنست که برنامه برق دادن به روستاها یک برنامه مفید و توانمند و راندیشی است که باید با جدیت دنبال شود .

طرح نیشکر: مزارع نیشکر هفت تپه و کارخانه تصفیه شکر مربوط به طرح نیشکر در ۱۲۰ کیلومتری شمال اهواز در کنار جاده اصلی اهواز اندیشک قرار دارد . زمین های طرح نیشکر در حدود ۱۲۰۰۰ هکتار است که در منتهی الیه قسمت جنوبی طرح نمونه آبیاری سد در قرار دارد از این مساحت در سال گذشته ۲۸۰۰ هکتار زیر کشت نیشکر بود و در سال ۱۳۴۳ از ۳۵۰۰۰ هکتار بهره برداری خواهند کرد نیشکر بدست آمده از هر هکتار در سال اول بهره برداری ۲۷ تن و در سال دوم ۸۳ تن و در سال ۴۲ قبل از سرمای شدید پیش بینی میشد که از هر هکتار ۹۶ تن برداشت شود ولی پس از سرما برداشت به ۸۸ تن کاهش یافت و بهر طرفه از هر هکتار زمین زیر کشت نیشکر در هفت تپه میتوان انتظار داشت بین ۷/۵ الی ۸ تن شکر سفید بدست آید .

اگر سطح زیر کشت نیشکر توسعه داده شود بحدی که آسیاب و تصفیه خانه فعلی کافی نباشد تخمین زده میشود که با دو میلیون دلار سرمایه گذاری اضافی می توان ظرفیت را به چهل هزار تن و یا با سه میلیون دلار ظرفیت را به ۵۰ هزار تن افزایش داد . بطوریکه برآورد شده است هزینه تولید کارخانه بدون در نظر گرفتن استهلاک و سرمایه بالغ به سه میلیون دلار یا ۲۴ میلیون تومان در سال میشود برای اینکه بتوان با در نظر گرفتن استهلاک بنقطه عدم سود زیان رسید میبایست

میزان تولید کارخانه رالاقل به ۲۴ هزار تن در سال رسانده این در صورتی است که قیمت شکر اکیلوئی ۱۲/۷۵ ریال که دولت بکارخانه میپردازد محاسبه کنیم و حال آنکه دولت شکر اکیلوئی ۲۵ ریال در اختیار فروشندگان میگذارد. بهرحال قیمتی که دولت از بابت خرید شکر بکارخانه می پردازد از هزینه تولید آن کمتر است و در حقیقت این بدان معنی است که یک طرح آزمایشی که در حال ضرر دادن است در عین حال باید مبلغی به بودجه دولت کمک کند.

تاکنون برای تأسیس کارخانه و مزارع نیشکر حدود ۴۰ میلیون دلار سرمایه گذاری شده است و تایایان برنامه سوم (۱۳۴۶) باید پنج میلیون دلار دیگر سرمایه گذاری شود در مقابل این سرمایه گذاری سنگین نباید انتظار داشت که یک طرح آزمایشی بتواند در سالهای اول خود سودآور باشد. مدیریت کارخانه فعلا در دست گروهی از متخصصین هاوایی است که تا سال ۱۹۶۵ مدیریت طرح را در اختیار خواهند داشت و ۱۹۹ مشاور خارجی در آن مشغول کارند. خطری که فعلا طرح را تهدید میکند آنست که پس از پایان قرارداد مدیریت با گروه هاوایی طرح بصورت یک اداره عادی دولتی درآید و جز ضرر و درد سر نتیجه دیگری برای دولت نداشته باشد خطر دیگر آنست که قطعات زمینهای مزارع نیشکر به افراد و اشخاص خصوصی واگذار شود و بدین ترتیب نظم تولیدی بگلی مختل گردد.

کارخانه دارای ۱۲۰ کارگر دائمی و ۱۵۰۰ کارگر فصلی است. بکارگران فصلی در مقابل بازده روزانه کارشان مزد میدهند بدین معنی که برای درود ۲/۵ تن نیشکر در روز بهر کارگر ۶۰ ریال مزد می پردازند و برای هر تن اضافی ۲۷ ریال بمبلغ فوق میافزایند. باید در نظر داشت که کارگران ایرانی بعلمت عدم آشنائی بنحوه صحیح در بیشتر از سه الی چهار تن در روز نمیتوانند درو کنند و حال آنکه یک متخصص ایتالیائی دروکه برای تعلیم کارگران ایرانی استخدام شده بود تا ۳۰ تن در روز درو میکرد.

کارگران فصلی را غالباً شیوخ اطراف ناحیه هفت تپه که معروفترین آنها شیخ خلف

است در اختیار طرح قرار می‌دهند و از کارگران که غالباً از طایفه آنها هستند مبلغی بعنوان باج دریافت می‌دارند علت اینکه در بوسه کارگران و نه بطور مکانیزه انجام میگیرد از طرفی ارزانی دستمزد کارگران و از طرف دیگر داشتن وسائل یدکی و تجهیزات مکانیکی کافی برای تعمیر ماشین آلات کشاورزی است. اقتصادی بودن یا مقرون بصرفه بودن طرح نیشکر تاحدی تابع قیمت شکر در بازار نیست که بسیار متغیر است. مثلاً در یکی دو سال اخیر قیمت شکر از تنی ۷۵ دلار - نوریه (۱۹۶۱) تا ۳۵۰ دلار (دسامبر ۱۹۶۳) نوسان داشته است ولی چون تولید شکر از طریق کشت چغندر در ایران کیلویی ۱۴/۵ ریال یا در حدود تنی ۱۹۰ دلار تمام میشود تهیه شکر از طریق کشت نیشکر میتواند با آن بخوبی رقابت کند.

طرح نمونه آبیاری سد دز:

سد دز در نهایت امرویس از ایجاد سد انحرافی و کانالهای لازم خواهد توانست در سراسر سال ۱۳۸۴ قریه که دارای ۱۲۵ هزار هکتار زمین زراعی است آب - دائم و تنظیم شده بدهد. طرح نمونه آبیاری شامل ۵۸ قریه و در حدود ۲۱۵۷۰ هکتار زمین است. در این ۵۸ قریه نزدیک به ۱۴ هزار نفر سکونت دارند بطوریکه رابطه جمعیت با زمین زراعی در حدود ۱/۶ هکتار برای هر نفر و ۸ هکتار برای یک خانواده نفری است و باید توجه داشت که چون تمام این ۱۴۰۰۰ نفره شغل کشاورزی اشتغال ندارند احتمال می‌رود به هر خانوار صاحب نسق بین ۱۰ الی ۱۲ هکتار زمین برسد.

رویه هر قریه اشتباهات کلی گروه این بود که عملیات سازمان در این منطقه هر چند مفید و موثر باشد ولی بیشتر جنبه تصنعی دارد. بطوریکه بدون تحمل هزینه‌های غنگت و پافشاری مستدام و زمین سازمان ادامه آن میسر نخواهد بود. انعکاس تحرک خاوری العاده ایکه در شهرهای دز فول و اندیشک و در منطقه کویتان از وجود وسائل نقلیه متعدد سازمان و عملیات ساختمانی این منطقه استنباط می

شود در دهات طرح نمونه مطرح نیست و چنین بنظر میرسد که عملیات سازمان در جنب یادریالای سرجامه فرومانده روستائی طرح نمونه بوقوع می پیوندد . در طرح نمونه تاکنون فقط سه مدرسه ساخته شده است که یکی از آنها توسط سپاهی دانش و دو مدرسه دیگر توسط آموزگاران وزارت فرهنگ اداره میشود . باین بودن سطح فرهنگ در این منطقه وعدم توجه سازمان آب و برق خوزستان به پیشبرد جامعه یکی از نقائص عمده طرح نمونه است . عدم همکاری وزارت فرهنگ و پناهگاهتک نبودن برنامه آنان با برنامه سازمان ، نمونه گرفتاریهای است که اصولا سازمان با سایر دستگاههای دولتی دارد . چه در سازمان آب و برق خوزستان و چه در سایر سازمانهای دولتی گروهی معتقدند که سازمان نباید در امور مربوط به فرهنگ و بهداشت و یا توسعه شرکتهای تعاونی و ایجاد شورای دهات دخالت کند . از طرف دیگر چون سازمانهای دولتی مربوطه کاملا بوظایف خود عمل نمیکند و یا اصولا قادر انجام وظایف خود نیستند ، نتیجتا خلائی از نظر اجرای اینگونه برنامهها پدید آمده است و بیم آن میرود که پس از آنکه تمام عملیات ساختمانی طرح - (کانال کشی - راه سازی - وانتقال شبکه برق) پایان رسید بهره برداری از این تاسیسات بعلت فقدان سازمانهای اجتماعی لازم و عقب ماندگی سطح فکری روستائیان و وجود نهادها و روابط اجتماعی و اقتصادی قدیمی و نامتناسب ، اداره و موجودیت تاسیسات دچار اشکالات اساسی گردد .

بودجه طرح - هزینه طرح نمونه را برای امانا اول سال ۱۹۶۴ در حدود ۲۱ میلیون دلار گفتند . از این مبلغ در حدود ۷ میلیون دلار مصرف امور ساختمانی (شبکه کانالها و غیره) و ۱۴ میلیون دلار مصرف ایجاد جاده و مزرعه نمونه ۲۰۰ هکتاری و اشاعه تعلیمات کشاورزی و غیره رسیده است .

هدف فعلی اینست که درآمد روستائیان این منطقه را تا سال ۱۹۶۶ بسه برابر آنچه در آغاز طرح بوده است افزایش دهند بنظر گروه این هدف قدری دوراز واقع بینی بنظر میرسد . هرچند با وسایل و افراد و امکانات مالی زیادی که سازمان

در اختیار دارد تحقق آن غیر ممکن نباشد .

مسائل و مشکلات طرح :

۱ - تاکنون سازمان آب و برق خوزستان از مالکین و زارعین که به آنان آب داده و جوی از بابت آب بهادریافت نداشته است و وعید بنظر میرسد که در آیند فزونی نیز بتواند مبلغ قابل ملاحظه ای حتی برای تامین قسمتی از هزینه های جاری طرح از آنان وصول کند تجربه سازمان آب و برق سفیدرود در شمال موید این نظر است که وصول آب بها از زارعین کاری است پر درد سر و پر خرج .

۲ - مساله بازدهی سرمایه گذاری - هزینه های سنگین این طرح و طرح بزرگتر در ادراک صورتی میتوان مقرون ب صرفه دانست که سطح تولید در این منطقه بر مبنای یک برنامه صحیح کشاورزی بسرعت بالا رود و متاسفانه طرح در این قسمت موفقیت قابل ملاحظه ای بدست نیاورده .

۳ - مسئله مالکیت . در این منطقه اجرای طرح بجز چند دانگ پراکنده از معدودی دهات مشمول اصلاحات ارضی نشده است زیرا اغلب مالکین باتوجه به سرمایه گذاریهایی که در این منطقه در شرف انجام است کوشش کرده اند که شش دانگ حد نصاب قانونی را از دهات این منطقه انتخاب کنند . مشکلات ناشی از نظام ارباب رعیتی به سه صورت در این ناحیه تجلی میکند .

الف - چون زارعین دارای زمینی از خود نیستند قسمت عمده عواید هرگونه پیشرفت و فعالیت بیشتر روستائیان نصیب مالکان میگردد و از این روستائیان دلیلی برای فعالیت بیشتری بینند .

ب - اگر مالکان نخواهند و یا قادر نباشند بر طبق برنامه های تنظیمی دست به فعالیت های زراعی عمیقی بزنند و در مقابل آب مصرف شده آب بهای سازمان بپردازند ، قدرت و نفوذ محلی آنان تا حد زیادی مانع از آن خواهد بود که دستگاه های دولتی بتوانند آنان را وادار به تبعیت کنند .

ج - پس از مطرح شدن اصلاحات ارضی ، مالکان اشتیاقی به سرمایه گذاری

در زمینهای خود نشان نمیدهند و از طرف دیگر چون میکوشند تا خود را برای حفظ نظم تولیدی ضروری جلوه دهند از پاره ای از کارشکنی‌ها درآموردها خوداری نمیکند

۴ - مساله ایجاد هماهنگی بین دستگاههای دولتی

۵ - مساله پیشبرد فرهنگ و معلومات فنی زارعین

۶ - مساله ایجاد نهاد های اجتماعی مناسب

رابطه سازمان آب و برق خوزستان با زارعان در حقیقت رابطه پدرسالاری است و با آنکه سازمان میکوشد وضع اقتصادی و اجتماعی روستائیان را بهتر کند و از آنان مردمانی متکی بخود بسازد ولی همین قدر که نقشه و برنامه حساب شده ای - برای واگذاری وظایف خود به سازمانهای روستائی منتخب دهقانان طرح نکرده است بیم آن میرود که روستائیان نتوانند بطوریکه بایست در تعیین سرنوشت خود مؤثر باشند . (نقل از مجله تحقیقات اقتصادی نشریه دانشکده حقوق)

XXXXXXXXXXXXX

XI - شناخت سازمان عمران قزوین و هدف ظاهری آن -

الف - ایجاد سازمان عمران و هدف آن (هدف ظاهری)

پس از زلزله سال ۱۳۴۱ (بوئین زهرا ۰۰۰) بمنظور توسعه کشاورزی مکانیزه و بالابردن سطح زندگی روستائیان و رساندن درآمد سرانه ~~کشاورزان~~ روستائیان بدوونیم الی سه برابر میزان موجود ، سازمانی بنام عمران قزوین تأسیس شد . که ۲۶۲ ده از ۳۴۷ ده دشت قزوین تحت پروژه آن است و تا پایان مردادماه ۴۷ - ۹۳ ده جلگه ای دخالت کرده است . بمنظور فوق و برای رسیدن به این هدف دو برنامه طرح ریزی شد - برنامه اول که مدت آن پنج سال در نظر گرفته شد و در این مرحله برای هر خانوار دو هکتار زمین زراعی و $\frac{1}{4}$ هکتار برای احداث باغ در نظر گرفته شد . بدین منظور علاوه بر استفاده از شش نهر با حفر چاههای عمیق بقیه آب مورد نیاز تامین میگردد و در برنامه دوم زمینهای زراعی به چهار هکتار و برای احداث باغ ۲ هکتار برای هر خانوار در نظر گرفته میشود و بمنظور تامین اضافه احتیاج آب در این مرحله اقدام به ایجاد سد روی رودخانه طالقان در پروژه خروود خواهد شد که اکنون تحت مطالعه یک هیئت ژاپنی است و مبلغ هنگفتی صرف مطالعات اولیه این پروژه شده است .

بمنظور اجرای طرح فوق بانک بین الطلی عمران و توسعه (ترمیم و توسعه) اعتبار لازم را با قید و شرط در اختیار ایران گذاشت و این قید اجرا کردن پروژه تحت نظارت مستقیم و اداره متخصصین اسرائیلی (صهیونیست) شرکت نهال بود . و نرخ این اعتبار طبق آنچه میگوبند ۶٪ است .

در سال ۱۳۴۶ سازمان آبیاری دشت قزوین وابسته بسازمان آب تهران بمنظور همکاری با سازمان عمران قزوین تأسیس و مأمور تهیه پروژه های آبیاری منطقه دشت گردید .

ب - کار اداری و کارشناسان :

در حال حاضر حدود ۱۷۰ نفر اسرائیلی بعنوان متخصص و تکنسین در سازمان عمران

وسازمان آبیاری دشت حقوق میگیرند البته حداکثر پانزده نفر از این عده دارای مدرک تحصیلات عالی هستند و بقیه فقط در کمیوتس های اسرائیلی کار کرده اند و در این جاب عنوان مهندس و کمک مهندس و تکمیلین حقوق میگیرند . حقوق رئیس اسرائیلی طرح حدود ۴ هزار تومان در ماه و حقوق متخصصین از ۳۰ تا ۲۰ هزار تومان در ماه و حداقل حقوق برای کارگران اسرائیلی (کمک مهندس و تکمیلین قلابی) ۱۰-۱۵ هزار تومان در ماه است . در سازمان عمران حدود هشتاد نفر مهندس و در سازمان آبیاری بیست نفر مهندس ایرانی مشغولند و کادر اداری این دو سازمان حدود ۱۵۰ نفر برای سازمان آبیاری دشت و ۷۰۰ نفر در سازمان عمران است (رقم فوق صد در صد صحیح نیست و میانگین از رقمهای پرسش شده از کارمندان اداره است) این طرح که مستقیماً زیر نظر افراد اسرائیلی شرکت تهال اجرا میشود بدون در نظر گرفتن سابقه زمین و تجربیات زارعین و آب و هوای منطقه برنامه ای تنظیم و اجرا میگردد . در کار سازمان عمران تزیین طبق معمول تعدادی مامور سازمان امنیت کارهای بقیه را کنترل و گزارش رفتار کارمندان داده میشود . (مهندس فرهاد رئیس قسمت باغبانی طرح ۶ مهندس نبوی معاون قسمت آموزشی و ۱۰۰ از این جمله اند)

ج - طرز کار متخصصین و کادر اداری سازمان عمران :

باید متذکر شد که مهندسین ایرانی حق هیچگونه دخالت و مخالفتی با نظریات - رؤسای اسرائیلیشان ندارند و خواست و خواست مشاورین اسرائیلی است که باید اجرا شود بعنوان مثال در يك منطقه که سال قبل محصول به بیماری سفید مبتلا شده سال بعد طبق نظر مشاور اسرائیلی باید محصولی کشت شود که نسبت به بیماری سفید حساس است و نتیجه این کار پس از خرج هزینه گزاف در موقع برداشت صفر است . جالب است که يك نفر از مهندسین ایرانی در منطقه ای که به همراه يك تکمیلین اسرائیلی برای تعیین نوع محصولی که باید کشت شود به منطقه مورد نظر رجوع میکنند با سابقه زمین کشت شده در سال قبل (که نخود کاشته شده بود و به بیماری بری زدگی دچار گردید) به مشاور اسرائیلی میفهماند که محصولی

که انتخاب کرده ای (نخود) برای این منطقه صحیح نیست و این محصول به بیماری که سال قبل باعث از بین رفتن کل محصول در همین محل شناساس است و کشت آن مقرون بصرفه نیست اما تکسین اسرائیلی بحرف اواعثان کرده و بالاخره موضوع بمقامات بالانتر میگرد و انتقال مهندس ایرانی از آن منطقه بمطابق موضوع خاتمه می یابد و خواست تکسین اجرا میگردد.

در سازمان عمران، اسرائیلیان در تمام اوقات در ماشین های متعلق باین سازمان که اکثرالند و در مستند استفاده می نمایند و متخصصین آنها در اکثر روزهای هفته فقط با حضور یک الی دو ساعته در سازمان اکفای نمایند و تازه در عرض این مدت هم کاری اما طاهر احاضر نیستند این یکی دو ساعت را بیکار بگذرانند و باورق زدن پروژه های اجرا شده و مطالبی از این قبیل خود را سرگرم میکنند و بقیه اوقات را در شعبه شرکت تهال در قزوین برای آن شرکت کار میکنند (قابل تذکر است که این شرکت در سایر مالک عقب مانده بهمین طریق مجری اینگونه طرحهاست از قبیل برمه، کشورهای افريقائی و...) البته حقوق کارکنان اسرائیلی که ذکر شد مبلغی بود که شرکت تهال طرف قرارداد دولت ایران بعنوان کارکنان اسرائیلی از دولت ایران دریافت میدارد و در حقیقت مبلغی که به کارکنان اسرائیلی برای خرج بآنها داده میشود حد اکثر ۱۰٪ مبلغی است که بعنوان آنان از دولت ایران (از محل همان اعتبار بانک بین الطلی عمران) دریافت میدارد و بقیه برای کمک بدولت اسرائیل پرداخت میگردد.

در اثر عدم رعایت در نگهداری وسائل نقلیه از طرف اسرائیلیان، در مدت کمی تعداد زیادی از لندروها که تمام وقت در اختیارشان بود خراب و ناخضر گردیدند و برای این طرح گزارشی در این مورد بدولت رد کرد و در نتیجه دستوری از طرف هویدا مبنی بر عدم استفاده وسائل نقلیه در مواقع غیر اداری از طرف اسرائیلیان صادر و ابلاغ گردید. حدود دو سه هفته عمل شد منتهی بعد از این مدت رئیس اسرائیلی طرح مستقیمابشاه مراجعه کرد و از نگرانی کارکنان اسرائیلی صحبت نمود و درخواست

کرد و سایلط نظیبه تمام وقت در اختیارشان قرار گیرد با بازگست رئیس اسرائیلی طرح پس از مذاکره دستور داده شد و سایلط نظیبه تمام وقت در اختیار اسرائیلیان قرار گیرد. از متخصصین ایرانی بعنوان سرکارگرا استفاده میشود و این افراد مجری درشتو مشاورین خود هستند. بخصوص در سازمان عمران مهندسین ناظر آوردن فلان کود و پاشیدن آن و نیز مسئول اجرای برنامه طرح ریزی شده توسط مشاورین در مورد نوع کشت و نوع بذریه سری از این کارها میباشند و حق هیچگونه مداخله ندارند و کسانی هم که در حال حاضر در سازمان عمران مشغولند باین امر رضایت کامل داده اند و با برادران اسرائیلی خود همکاری صمیمانه دارند (البته این موضوع در بعضی موارد بمنظور حفظ موقعیت ظاهراً اجرا میگردد و صد درصد حقیقت ندارد) گرچه تاکنون هیچگونه اثر مثبتی از وجود اسرائیلیان نصیب سازمان عمران نشده در این اواخر که دیگر کاری نیست و برنامه ۵ ساله بامدتى تاخیر تقریباً تمام شده صدای نارضایتی از طرف مهندسین ایرانی و مدیر طرح در سال ۴۶ بلند می شود و بیالاتر میرسد و باند کزاین موضوع که در صورت خارج شدن اسرائیلیان از سازمان عمران ادامه پرداخت اعتبار از طرف بانک بین المللی قطع میشود و این موضوع خلاف قرارداد است موضوع پایان می یابد در انبار سازمان عمران مقادیر زیادی انواع - تلمبه های آبیاری، موتورهای دیزل و انواع لوله برای چاههای عمیق و سایل برق که قبلاً (در سالهای اول) مستقیماً بجای پول بدولت تحویل داده شده، در انبار روی هم ریخته شده است. در حال حاضر با انتقال نیروی برق سفیدرود بمنطقه دشت، اکثر موتورهای دیزل از چاهها برداشته و بجای آنها موتورهای برقی نصب میگردد و موتورهای دیزل در محوطه انبار رویهم میریزند و در معرض اثرات جوی و نطفه شدن قرار میگیرند.

د - هزینه سالیانه سازمان عمران قزوین :

هزینه سالیانه سازمان عمران قزوین بیش از یکصد میلیون تومان است که از این مبلغ حدود ۳۰٪ آن به اسرائیلیان پرداخت میگردد (بشرکت تهال داده میشود)

که صرف تامین حقوق آنان و مقداری مربوط به مصرف بنزین و روشن و استهلاك و تعمیر و خرید قسمتهای خراب شده و وسایط نقلیه سازمان مربوط به ساعات غیراداری که زیر نفوذ اسرائیلیان است میگردد. - با محاسبه زیر این ارقام بخوبی تبیین میشوند اگرمسوط حقوقی را که برای عمرنفر از اسرائیلیان بشرکت تهاال پرداخت میشود ۱۴ هزار تومان در ماه در نظر گیریم مبلغی که در عرض یکسال باین عده اسرائیلی (۷۰ نفر) بابت حقوق تعلق میگردد عبارتست از تومان $12 \times 14000 \times 70 = 28,560,000$ چنانچه آنچه عهده مربوط به مصرف بنزین و روشن و استهلاك و وسایط نقلیه و خرید و تعویض قسمت های خراب شده مربوط به ساعات غیراداری که در اختیار اسرائیلیان است - پانصد هزار تومان در سال در نظر گیریم:

$$28,560,000 + 500,000 = 29,060,000 \text{ میلیون تومان}$$

بخوبی واضح است که حدود ۳۰٪ هزینه سالیانه سازمان عمران مستقیماً بحیب صهیونیست^{ها} می رود و علاوه بر این عده که در رفاه کامل بسر میبرند با مبتلا شدن به يك سرما خوردگی جزئی چندین روز در بیمارستان پارس و پاساژ بیمارستانهای خرج دولت تحت معالجه و استراحت قرار میگیرند که با در نظر گرفتن ارقام مربوط باین موضوع - پولی که صرف وجود این آقایان میشود و باجی که ملت ایران برای خدمت این آقایان به امپریالیسم و صهیونیسم می پردازد خیلی بیش از ۳۰ میلیون تومان در سال است.

ه - آشنائی بیشتر با اقدامات سازمان های عمران و آبیاری دشت قزوین:

الف - در ده احمد آباد ۷۰ نفر از روستائیان باز حمت بسیار و فروش فرش خانوار حتی مرغهای خویش مبلغی جمع کرده و اقدام بحفر يك چاه سطحی و نصب يك تلمبه روی آن نمودند تا برای آبیاری مزارع خود از آن استفاده کنند سال قبل از طرف سازمان عمران در فاصله ۵۰ متری این چاه يك چاه عمیق حفر گردید و چاه روستائیان خشك شد و سازمان عمران آب مصرفی آنان را با ساعتی ۱۵ تومان در اختیارشان میدادند.

ب - در حریم چاهها ورشته قناتهای روستائیان اقدام بحفر چاههای عمیق نموده

در نتیجه رشته قنات و جاه‌های سطحی ونیمه عمیق خشک شده و اکثر روستاها خشک گردید مانند و برای اراضی دست پائین زراعی ساعتی ۱۵-۲۰ تومان بایست آب سازمان عمران از زارعین دریافت می‌گردد.

ج - با کشت محصولات نامتناسب با آب و هوای منطقه و سابقه خاک و بدون تجربه غای زارعین و نظرمهندسین ایرانی و در نتیجه برداشت محصول جزئی هر سال باعث بد هکاری روستائیان بسازمان عمران شده و روستائیان عایدی که کسب نکرده اند، مبالغی هم بد هکار شده اند یعنی ارزش محصول حاصله گاهی تا $\frac{1}{10}$ هزینه مصرف شده برای تهیه آن محصول و در بعضی موارد صفر بوده است (در اثر حمله بیماری) و از این راه باعث ترقی سطح زندگی و افزایش درآمد سرانه روستائیان گردیده اند.

د - انتقال آب از چاه عمیق امیرآباد به تفک توسط لوله آب رسانی بطول ۴ کیلومتر و بارزنی $242000 = 13 \times 24200 = 242000 \times 10$ تومان تمام شده (قیمت لوله، تسمیه نصب شده طبق جدولهای موجود در سازمان هر متر ۶۰۵ ریال ذکر شده است). مبلغ بالا کشیده شده توسط مدیر عامل و شرکا، حدود ۵۸۰۰۰ تومان، قیمت تمام شده: ۳۰۰۰۰۰ تومان، در حالیکه اگر در خود منطقه اقدام بحفر چاه عمیق (صدمتری) میکردید قیمت تمام شده:

هزینه مصالح و لوله + هزینه حفر - تومان $130000 = 100000 + 30000$

حد اکثر صد و پنجاه هزار تومان یعنی نصف رقم فوق بود. هدف مصرف هر چه بیشتر نظاره کردن و چپاول هر چه بیشتر است.

ه - اجاره دادن یک هزار هکتار از بهترین اراضی دشت قزوین بمدت ۹۹ سال به سپید اویسی (آجودان ۱ رئیس ژاندارمری گک کشور) و اقدام او

بحفر حلقه چاه عمیق و همکاری صمیمانه اسرائیلی ها باوی در مراحل زراعی و تامین نیروی لازم جهت تهیه آب زراعی .

و - اقدام سرلشگر هاشمی بحفر چاههای عمیق در بهترین منطقه دشت بترتیب فوق .

ز - اقدام به ایجاد لوله آبرسانی بطول ۱۰ کیلومتر تا نزدیکی آبیک (در دست تهیه است) برای دزدی مجدد و چپاول بیشتر (در اثر مصرف بیهوده لوله های آبرسانی)

ح - اقدام بایجاد باغات هلو و درختان مشابه (هسته دار) در سطح - همکاری وسیع بمنظور ایجاد ۵/۰ هکتار باغ برای هر خانوار روستائی .

با در نظر گرفتن آب و هوای منطقه و نوع خاک آن و سابقه کشت درخت پسته در منطقه و تجربیات زارعین و نیز در نظر گرفتن جنبه های اقتصادی از لحاظ هزینه و بهره حاصله و مدت نگهداری محصول و موقعیت بازار فروش، بطور خیلی محسوس نتیجه میشود که در منطقه دشت بهترین محصولی که میتواند بمنظور ایجاد باغ کشت شود و درآمد خوبی برای روستائیان بدو هد پسته میباشد . چه نوع آب و خاک منطقه کمی شور است که برای پسته مناسب است بعلاوه مقدار آب مورد نیاز پسته نسبت به هلو و درختان مشابه خیلی کم تر و مدت بازدهی پسته خیلی بیش

از هلو و نیز در مورد فروش و بازار پسندیدگی و پسته از هر لحاظ بر درختانی مانند هلو ارجحیت دارد البته نباید تصور کرد که مقدار زیادی از محصول هلو که یکی دو سال است شروع بیاردی نموده بمصرف روستائیان میرسد بلکه قسمت اعظم آن بشهران منتقل میشود که مقدار زیادی از آن ضمن راه و در اثر ماندن در بازار فروش خراب میشود و عایدی از این راه خیلی جزئی است (هلو در بازار هر کیلو ۶-۷ ریال بفروش میرسد) و هزینه تولید آن بین ازمعایدی است .

ط - اقدام به ستن و تصرف نمودن تعداد زیادی از چاههای حفر شده در منطقه توسط روستائیان و ایجاد چاههای عمیق در حریم آنها و فروش آب به

روستائیان (در شال، آب دوچاه تصرف شده به قیمت ۱۵ تومان در ساعت
به اهالی فروخته میشود) .

عملیات انجام شده تا پایان ۷۷ پیکار احتمال

عملیات جدید عملیات انجام شده

ارقام	واحد	۱۳۴۵	۱۳۴۶	۱۳۴۷	این عملیات بصورت طرح استراتژیک و تیز و مرحله	عملیات بصورت	باقیه جدول در صفحه بعد
سختی که تحت کنت آبی قرار گرفته اند	قریه	۵۵	۸۵	۹۳	۲۳	۱۱۶	۳۱۰۰۰
تعداد خانوارهای روستایی	عائله	۵۲۱۴	۶۶۴۵	۷۶۱۴۶	۲۰۱۶	۹۶۴۷	۲۱۰۰۰
سطح کنت محصولات زراعی	هکتار	۲۵۰۰	۷۳۲۶	۱۰۶۰	۳۴۸۰	۱۴۵۴۰	۱۷۱۴
سطح کشتیخاموشیه	هکتار	۹۵۰	۱۳۰۹	۳۱۴	۳۰۰	۱۷۱۴	۳۰
در هانتیگرنامه د امیروز	قریه	۳	۱۰	۱۵	۱۵	۳۰	۲۱۱۷
در ۳ نیا امیرامیتور	هکتار	—	۲۱۰	۶۸۲	۲۰۱۵	۲۱۱۷	۲۱۰۰۰
موانع رانسی	هکتار	—	۲۱۰	۶۸۲	۲۰۱۵	۲۱۱۷	۲۱۰۰۰
نام	سر	۳۵۰۰	۱۲۰۰۰	۱۸۰۰۰	۱۸۰۰۰	۱۸۰۰۰	۲۱۰۰۰

دنباله جدول صفحه ۱۰۵

—	این عطیات هنوز به صورت طرح است	۱۳۴۷	۱۳۴۶	۱۳۴۵	واحد	ارقام
۲۷۰	دو مرحله آخر ترسیده	۲۷۰	۲۷۰	۲۷۰	هکتار	مزارع تحقیقاتی
۱۷۲۲۱	۵۷۹۵	۱۱۴۲۶	۹۱۱۵	۳۶۹۰	هکتار	کل مساحت زیر کشت پروژه
۱۶۱	۳۹	۱۲۲	۹۹	۶۰	حلقه	چاه عمیق
۸۷	۱	۸۶	۷۳	۳۲	میلیون متر مکعب	تهیه آب

در تحقیق خویش عملیات را که انجام شده با آنتهایکه بصورت طرح است و احتمالا اجرا خواهد شد (۱) در نظر میگیریم و با آن ارقام عوضی و عوام فریب کاری نداریم.

تقسیم کشاورزی ایران در آخر مرداد ماه ۴۷ انتشار یافت و ظاهراً عملیات انجام شده تا پایان مرداد ۴۷ را نشان میدهد (در محاسبات زیر بمنظور تعیین میزان سرمایه گذاری شده برای هرنفر روستائی در سال ۴۷ هزینه سالانه سازمان عمران برای سالهای ۴۷ - ۴۵ صد ملیون تومان در نظر میگیریم).

در سال ۴۵ برای ۵۲۱۴ خانوار (هر خانوار بطور متوسط ۵ نفر) مبلغ ۱۰۰ ملیون تومان سرمایه گذاری شده یعنی برای هرنفر ۳۸۳۵ تومان در سال (تومان $3835 = 5214 \times 5$: $100 \times$) سرمایه گذاری شده. و در سال ۴۶ برای هرنفر روستائی ۳۰۰۹ تومان در سال (تومان $3009 = 5214 \times 5$: $100 \times$) سرمایه گذاری شده و در سال ۴۷ این مقدار به ۲۷۹۸ تومان در سال ($2798 = 5214 \times 5$: $100 \times$) تقلیل یافته است.

با در نظر گرفتن تعداد خانوار روستائی تحت پروژه در سالهای ۴۷ - ۴۵ مسلم است که این ارقام در سالهای ۴۵ - ۴۱ خیلی کمتر بوده و با توجه به هزینه سالانه در سالهای فوق حداقل سرمایه گذاری برای هرنفر روستائی با زامهر سال بیش از چهار هزار تومان میشود. چنانچه بخواهیم متوسط میزان سرمایه گذاری شده برای هرنفر را در عرض شش سال گذشته بدست آوریم (تعداد خانوار از اول ۷۱۴۶ نفر فرض میشود) ملاحظه می شود که برای هرنفر روستائی در عرض این مدت ۱۶۷۸۸ تومان ($16788 = 7146 \times 5$: $100 \times$) سرمایه گذاری شده است.

در خالیکه بخواهیم رقم صحیح تری بدست آوریم باید متوسط ارقام

سرمایه گذاری شده برای هنرفررا (مربوط به سالهای ۴۷ - ۴۱) در نظر بگیریم؛ که خیلی بیش از رقم فوق (۱۶۷۸۹) میشود. اگر رقم سرمایه گذاری شده در خلال سالهای ۴۵ - ۴۲ را برای هنرفر بطور متوسط چهار هزار تومان فرض کنیم (از سال ۴۲ تا پایان ۴۴) میزان سرمایه گذاری شده برای هنرفر و ستائی در عرض ۶ سال ۲۱۶۴۲ تومان

$$(21642 = 2298 + 3009 + 3135 + 12 \times 4 \times 3) \text{ خواهد بود.}$$

مطالعات اجتماعی

مطالعات اجتماعی روستاهایس از انجام اقدامات سازمان عمران در عرض شش سال گذشته : مطالعات این مرحله که عینی ترمیباشد یعنی با چشم دیده شده و با سخنان روستائیان مطابقت داشته و نیز مقایسه این مطالعه با مطالعه اجتماعی مرحله اول (قبل از پیدایش سازمان عمران) اهمیت بیشتری پیدا میکند.

در این دوره تغییر سیستم کشت و زرع و چگونگی اجرای طرحهای جدید و رفتار عوامل اجرایی و موثر مهمی در تغییر وضع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی روستا بشمار میآیند. پس از اجرای اصلاحات ارضی در این منطقه و پیدایش سازمان عمران قزوین با هدف مشخص مربوطه اش، کلیه روابط اجتماعی و خصوصیات اقتصادی و... روستا دستخوش تغییر و تدریجی و چشم گیر گردید. در ابتدای امر سیستم آبیاری - مزارع تغییر کرد چون این عمل بدست امپریالیسم و برای مقصود و هدف امپریالیستی بر مبنای ادامه چپاول هر چه بیشتر که ریشه‌های ترین هدف امپریالیسم است و عوامل فیزی و جولوگیری از بالا آمدن بیشتر سطح فکرتوده روستائی و به درد دادن نیروی انسانی و چپاول اعتبارات توسط صهیونیسم است، نباید توقع داشت که این عمل با مطالعه کافی و برای عمران حقیقی انجام شده باشد چه از لحاظ اقتصادی و چه از لحاظ اجتماعی و بیسیکولوژی روستائی. یکباره سیستم قبلی را در گروان ساخته و ماشین آلات و ابزار تولید مکانیزه را بر خ زار ع کشیدند بدون

آنکه وی آمادگی پذیرش روش تولید مکا نیزه را کسب کرده باشد.

همچنین به تجربه و نظریاتش اهمیت نداد، دست او را از کارش دور داشتند. نا جوانمردانه با حفظ تعداد زیادی چاه عمیق در حوضیقات و چاههای موجود در روستاها، باعث خشک شدن بوستانها و سایر منابع کسب درآمد روستائیان شدند و یکبارها اقتصاد زرعی روستا را دچار شکست نمودند. اثر این تغییر نا جوانمردانه و امپریالیستی به زودی ظاهر گشت. در سال اول محصول حاصله خیلی پائین تر از سالهای قبل گردید و در حالیکه میزان هزینه کشت و زرع به نسبت محتجابی نسبت به سالهای فوق فزونی داشت (برای کار هر ساعت تراکورد ۱۵۰ و هر ساعت بولدور ۶۰۰ و مصرف هر کیلو کود شیمیائی ۱۰ ریال و آب ساعتی ۱۵۰-۲۰۰ ریال بحساب هزینه کشت و تهیه محصول برای زارع در نظر گرفته شد).

الف - مطالعه اقتصادی

سر خوردگی زارع روستائی از یک طرف و اقدامات غلط و امپریالیستی در روستا توسط سازمان عمران با بالا آوردن هزینه کشت و کم شدن محصول تولیدی و در نتیجه پائین آمدن درآمد سالانه روستائی در سالهای اول، بتدریج ذخیره جزئی روستائیان بحسب تهیه خوراک و پوشاکشان رسید و در طی سالهای بعد بتدریج با فروش گله گوسفند خود کمبود درآمد سالانه زرعی خود را تا اندازه ای جبران کردند و از سال ۴۵ هر روستائی مبلغی از بانک تعاون روستائی و بانک کشاورزی قرض گرفته و خورده اندویه و آشنای شهری هم که میتوانند قرض بگیرند مقداری بدهکار شدند و در سال ۴۲ طی مطالعاتی در اکثر دهات از جمله پرکام، احمدآباد، تَزْرَك، رودك، قلعه و... معلوم شد که درآمد سالانه يك خانوار روستائی بطور متوسط ۵ خروارگندم و در بعضی موارد مقداری نخود میباشد که سازمان عمران با در نظر گرفتن بدهی روستائیان از دو سال قبل باین سازمان، مایل است نخود تولیدی را بحساب طلبکاری خود بگذارد و به زارعین ندهد و در سایر روستاهائی هم که

سیب زمینی کشت میشود بعلت اینکه بذران از نمونه اسرائیلی است با مصرف زیاد از حد کودهای شیمیائی و طی مراحل برداشت با هزینه زیاد میزان سیب زمینی حاصله در سطح همکاری از لحاظ کمیت و نیز از نظر کیفیت (درشتی و بازار پسندی) رضایت بخش نیست، اکثر زارعین میگویند ما قبلاً سیب زمینی بیشتری در این محل می کاشتیم و سیب زمینی بدرشتی "۵۰۰ گرمی" فراوان داشتیم در حالیکه سازمان عمران با آنهمه خرج پای ما بالا آوردن و آنهمه مهندس و دستگاهش، حداکثر توانسته سیب زمینی ۳۰۰ گرمی الی ۴۰۰ گرمی عمل بیاورد آنهم از لحاظ کمیت در سطح همکاری با محصول قبلی ماقابل مقایسه نیست.

باید متوجه بود که از نظر علمی پیدایش این موضوع یعنی پائین بودن کمیت و کیفیت محصول در سطح همکاری در اثر متناسب نبودن بذرها محیط کشت، مصرف زیاد از حد کود و نیز مصرف بی موقع آن است چه این سازمان فقط میخواهد در پایان هر سال اعلام کند فلان قدرتن کود مصرف شد و هدف صرف و نقله کردن هر چه بیشتر است لذا درآمد سرانه یک روستائی در حال حاضر در یکسال، اگر هر خوارگدم را ۱۳۰-۱۲۰ تومان در نظر بگیریم و متوسط افراد یک خانوار را نیزه نفر بگیریم ۱۳۰-۱۲۰ تومان میشود.

چه سازمان فد اکاری و چه دستگاه دلسوز سالمی.

با در نظر گرفتن اینکه روستائیان در حال حاضر نه گوسفندی دارند و نه قدرت خرید و تحمل نگهداری و پرورش گوسفند لذا تنها منبع درآمد آنها فقط همان ۱۲۰ - ۱۳۰ تومان فوق است و معلوم است که با این مبلغ نان خالی هم نمیشود تهیه کرد و مسلم است که روز بروز روستائیان از کمبود غذا و عوارض ناشیه از آن خیلی بیش از پیش رنج میبرند.

ب - مطالعه سیاسی

در اکثر روستاها توسط این سازمان اقدام به تأسیس انجمن ده شده

و نیز که خدا تعین کرده ولی در حال حاضر هیچ وجه آن نظم و ترتیبی که قبل از تأسیس و مداخله سازمان عمران در ده حکم فرما بود وجود ندارد همه که خدا هستند هر کس بتواند از دیگری میبرد . شکم گرسنه نظم نمی شناسد . از طرف سازمان امنیت معمولا افرادی بعنوان پاسبان ده گمارده شده اند .

ج - مطالعات از لحاظ روانشناسی روستائی

مردم روستا بطور کلی نمیدانند چه باید بکنند و حیوان و سرگردانند در وهله اول که با هر یک از آنان تماس میگیری و نتیجه اقدامات سازمان عمران در زندگی روزمره آنان را جویا میشوی فوراً جواب مثبت داده که بله بما زمین داده اند وضع مایلی بهتر شده و...! آنان مجبورند خلاف میل باطنی خود چنین بگویند وجود پاسبان ده و رفتار مأمورین سازمان عمران و موقعیت خفقان آور محیط آنان را مجبوری چنین تظاهری می نماید اما اگر بتوان خود را با محیط درونی و آلام زندگی او وفق داد و اعتمادش را جلب کرد آنوقت حقیقت را بزیان گویند تعریف میکند و بیاد ۶-۷ سال قبل که می یافتند بی اختیار اشک در چشمش میچرخد و مشکلات زندگی را که برایش بوجود آورده اند و خیلی بیش از پیش رنجش میدهد از ته دل بیان میکند . " اینها خود میکارند مراحل کشت و نگهداری را به اتمام میرسانند و برداشت میکنند و دست آخر سهیمه ای هم بمایند عند آنهم چه محصولی...! اصلاً میدانی هیچکدام از این مهندسین عمران چه اسرائیلی و چه ایرانی سواد ندارند .

آنان ببخود اینقدر خرج پای زارع بالا میآورند ما را بحال خود بگذارند تا محصول دادن زمین را به آنها نشان بدیم . چه چیز حال با سابق قابل مقایسه است آنوقت در ده کاملاً نظماً عدالت (!) برقرار بود . یک نفر که خدا داشتیم و همگی رعیت بودیم ، از باغهای انگور ما یک سهم آنهم باقی نمانده همگی آنها را سازمان عمران با حفراچه های عمیق در حریم قناتها در اثر رسیدن آب خشک نمود و از بین برد . زمانی که بحال خود مان بودیم نان سالانه مان که تامین بود (گندم) ، برای

تهیه سایر مایحتاج همه مافدرت خرید داشتیم. مقداری از محصول انگور خود را نزدیک های عید به بازار تهران عرضه و کیلوئی ۱۵ تا ۲۰ ریال میفروختیم. مابدهکار نبودیم. عمران آمد سال بسال وضع مارابد تر کرد. اصلا ماهیچ کارمایم و در چنین حال نمیدانیم چه باید بکنیم در حالیکه هیچ نقشی در تهیه محصول نداریم.

این سخنان و نافرورستانی درده احمد آباد بود. چنان سرخورده شده اند و از وضع ناراضی اند که طرف خود را متعجب می کنند. ابتدا از خود می پرسند پس اینها چکار میکنند؟ درده می چرخند با حسرت به سرزمینهای مزرعی میروند. سطح فکرشان نسبتا خوب است و اکثریت قریب باتفاق ناراضی و ناراحتند فقط باید آنرا هدایت کرد و دشمنانشان را بخوبی برایشان معرفی کرد.

د - روابط خانوادگی و نقش افراد خانواده

مردان معمولاً خود را در مزرعه و اطراف ده مشغول میکنند گاهی در ده، در مسجد یا کار دیوارها کار هم می نشینند و با هم درد دل میکنند و عملاً نقش فعاله خود را از دست داده اند (دیگر بوجود آنها احتیاجی نیست) و تهیه آب مصرفی خانواده از چاههای نزدیک خانه تعمیر و نگهداری خانه مسکونی، گل کردن، خشک کردن و خیالهای بندرت به کارهای دست بافی مشغولند کودکان در بعضی روستاها که هنوز فعالیت سازمان عمران وسعت نیافته باید خود همکاری بیشتری داشته و در مزرعه کار میکنند و اکثر ایمیوانند و در بعضی دهات دیگر در موقع برداشت گندم همراه باید خود برای درویمزار گندم مالکین دهات دیگر که تحت نفوذ عمران نیست میروند (در تزرک مشاهده شد)

ه - مهاجرت و وضع گروههای خویشاوندی

طبق آمارهای موجود در کتاب پروژه عمران و نیز مطالعه منطقه از نزدیک، مهاجرت و در نتیجه تضعیف گروههای خویشاوندی بخصوص در روستاهای خوزنین، و زوار و دولت آباد بطور محسوس چشم میخورد و در اثر مشکلات اقتصادی، مهاجرت دائمی

افراد روستایه قزوین و تهران محسوس است .

و - امکانات موجود در ده و تاثیر وجود این امکانات در شئون مختلف روستا و بارز آنها

سواد - درصد بیسوادان روستاهای منطقه دشت زیاد است و با وجود یک قزوین بعنوان یک منطقه نمونه سپاهی دانش انتخاب شده تعداد زیادی از دهات دشت فاقد سپاهیند و گاهی اتفاق می افتد که سال قبل سپاهی داشته اند و بجه های روستا یکی دو کلاس درس خوانده اند و سپاهی رفته و بی جانشین مانده . تعداد سپاهی بهداشت نسبت به وسعت منطقه خیلی کم و در اکثر دهات درصد مرگ و میر مخصوصا برای اطفال تا سنین ۵ - ۴ سالگی خیلی بالاست .

در اکثر دهات رادیو در خانه ها دیده میشود و طبق آمار که سازمان عمران داده در بین ۳۰ ده متحت نفوذ تا سال ۴۷ تعداد ۷۷۹ رادیو وجود داشته است اگر اهالی مسلمان و ترکی زبانند ولی فارسی هم بلدند عده ای گردند و گویا چندین سال پیش کچ داده شده اند در الموت عده اسماعیلیان زیاد است .

در تزرک بعد از زلزله بوئین که آسیب فراوان به آن وارد شد ده قدیمی اکنون متروک شده و از طرف دولت هلند حدود ده عدد خانه یک طبقه ۳-۲ اضافه برای روستائیان ساخته شد که همگی دارای شیر آب و روشنایی برق بودند منبع آب ده نیز توسط این دولت (هلند) ساخته و یک مولد برق بنظورتأمین روشنایی در محل نصب شد اما پس از مدت کوتاه مولد برق را از ده برده اند . و برای برنمودن منبع آب ده توسط مقامات ایرانی اقدامی نشده و در نتیجه توسط بجه های ده در اثر سنگ زدن و ... منبع آب که از قطعات آهن سفید ضخیم ساخته شده بود سوراخ شده و زنگ زده و قطعه قطعه شده و فقط اسکلت منبع باقی مانده بود . سیمهای برق همگی روی هم افتاده و لامپهای پایه های برق همگی شکسته بودند . خانه های نوساز همگی باستثنای دو خانه که از طرف اهالی در آن باغشت و گل نیز دخالت شده بود و مورد استفاده قرار داشت خالی مانده و اهالی از قبول خانه های نو خودداری

نموده اند و در خانه های گلی که خود مجدداً ساخته اند بسر میبرند .

بررسی نتایج حاصل پس از برنامه اول عمرانی سازمان عمران قزوین و نزدیکی به هدف : با استفاده از مطالعات اجتماعی روستاها در دو مرحله قبل و بعد از پیدایش سازمان عمران و مقایسه درآمد سرانه و درجه رفاه روستائیان چنین نتیجه میشود که یک فقر روستائی که قبل از دخالت سازمان عمران بطور متوسط دارای درآمد سالیانه ۶۰۰-۵۰۰ تومان بوده است پس از پایان برنامه اول عمرانی و خرج بیش از شصت میلیون تومان، درآمد سالیانه اش به ۱۲۰ تا ۱۳۰ تومان رسیده است ! یعنی تقریباً $\frac{1}{5}$ قبل از پیدایش سازمان عمران . عجب ! ۱۸۰۰ تومان هدف به ۱۲۰ تومان تبدیل شده است . بلی باید حتماً چنین نتیجه ای بدست آید چون هدف چیز دیگری است و هدف ذکر شده چیزی جز یک روستای عوام فریب و هدفی دروغی نبوده است . برای تعیین اثربشیهای مصرف شده در عرض شش سال گذشته توسط سازمان عمران موارد زیر را در نظر میگیریم :

۱ - مصرف آب (منبع ملی)

طبق آمار موجود توسط سازمان عمران در سال ۴۵ - ۴۴ جمعا ۲۰۱ میلیون متر مکعب از آب رودخانه هادر منطقه دشت استفاده شده است و طبق آمار مندرج در عملیات انجام شده تقویم کشاورزی سازمان عمران قزوین در سال ۴۵ سی و دو تنایان سال ۴۷ هشتاد و شش میلیون متر مکعب آب توسط چاههای عمیق تهیه و مصرف نموده است .

اگر هزینه هر متر مکعب آبی را که از چاه بسطح زمین کشیده میشود با در نظر گرفتن استهلاک وسایل انتقال آب، موتورهای دیزلی و برقی و ... یک ریال در نظر بگیریم و ارزش هر متر مکعب آب مصرف شده (هر تن آب) را نیز حداقل یک ریال به گیریم و فرض کنیم بطور متوسط سالانه ۲۰۱ میلیون متر مکعب آب رودخانه در عرض شش سال مصرف شده باشد؛ ملین متر مکعب آب صرف شده $6 \times 201 + 86 = 1292$ هزینۀ آب مصرفی در عرض ۶ سال عبارت خواهد بود از $1292 \times 1 + 86 \times 1 = 1378$ میلیون ریال

۲ - سود مربوط به اعتباری که توسط بانک بین الطلی عمران باین بانک داده میشود این رقم بالغ بر ۶۰۰ میلیون تومان اعتبار مصرف شده درشش سال و بانرخ ۶٪ وریج مرکب حدود ۵۰۰ میلیون تومان میشود .

۳ - میزان ضرر کرد (کم شدن درآمد سرانه روستائیان در اثر دخالت سازمان عمران) حداقل درآمد سرانه قبل از دخالت سازمان عمران ۵۰۰ و این رقم درآمد سرانه بعد از ۶ سال دخالت عمران به یکدهویست تومان رسیده است .
اختلاف ایندودریکمال تومان $380 = 120 - 500$

جمعادرشش سال تومان $380 \times 6 = 2280$

مقدارگ پول مصرف شده (سرمایه گذاری شده) در عرض شش سال برای هرنفر روستائی منطقه دشت عبارتست از رقم محاسبه شده در صفحه ۱۷۸ بعلاوه ارقام مربوط به قسمتهای ۱ و ۲ و ۳ فوق لذا چنین داریم :

$$= 2280 + \left[(132/8 + 500) \times 10^3 + 5 \times 2146 \right] + 21462$$

تومان ۴۱۷۷۲

معادل مقدارگ پول صرفشده برای هرنفر که بحساب ملت ایران برای بالا بردن در آمد سرانه سالیانه برادران روستائی دشت قزوین در عرض ۶ سال پرداخت و سرمایه گذاری شده است . اگر سود مبلغ فوق را (تقریباً برای هرنفر روستائی در سال نزدیک ۷ هزار تومان سرمایه گذاری شده) بانرخ حداقل موجود در بازار ۸٪ در نظر بگیریم :

تقریباً ۵۹۰ تومان $(7000 \times 8\% = 560)$ میشود .

یعنی بیش از ۴ برابر درآمد سالیانه یک روستائی که در حال حاضر ۱۲۰ تومان است . آری اینست نقش سازمان عمران قزوین ۱۰۰ بر مبنای محاسبات فوق کماطی ۶ سال بابت طرح فوق مردم ایران حدود ۱/۵ ملیارد تومان ضرر مادی داده اند . و باید در نظر گرفتن درجه رفاه اجتماعی و در نظر گرفتن کل درآمد

روستانست به تعداد نفرات روستا بخوبی مشاهده میشود که درجه رفاه اجتماعی بعد از دخالت عمران قزوین به یک پنجم قبل از پیدایش عمران تقلیل یافته .
 بمنظور اطمینان بیشتر به نتایج قضاوت در مطالعات اجتماعی و نتایج حاصله مقایسه زیر انجام میدهیم :

شال : که از لحاظ جمعیت جزء حوزه های شهری محسوب میشود تا مرداد ماه - ۱۳۴۷ زیر نظر خود روستائیان و فعالیت مستقیم آنان اداره میشد و سازمان عمران بدلائل مختلف از جمله عکس العمل شدید و مقاومت اهالی موفق بدخالت وسیع در این منطقه نشده است . در تابستان گذشته ببهانه اینکه در حلقه چاه از چاههای موجود در منطقه شال بعد از سال ۴۳ در منطقه قزوین حفر شده ، (طبق قانون جدید چاههای حفر شده پس از سال ۴۳ با در نظر گرفتن قانون ملی شدن آبها توسط سازمان عمران قزوین تصرف میشود) سازمان عمران تصرف نموده و آب آنها را ساعتی ۱۵ تومان با اهالی میفروشد و باین وسیله راهی برای دخالت خود در این منطقه باز کرده است . اقتصاد این منطقه کاملاً و بطور محسوس با سایر نقاط تحت نفوذ درآمده اختلاف دارد . مردمانش غیر و فعالاند . سیستم کشت همان سیستم قدیم است مزارع سرسبز و باغات انگور و میوه فراوان وجود دارد . پرورش گوسفند بسیار رایج است . آب مورد نیاز برای تهیه محصول علاوه بر شق نهر که از رودخانه خررود تامین میشود با حفر چاههایی که از طرف - اهالی حفر شده و نیز خریدن آب از سازمان عمران (تصرف سازمان نسبت بدو حلقه چاه منطقه نکرشد) تامین میشود .

در قیافه مردم این محل اثرات کمبود غذائی نسبتاً کمتر دیده میشود و همگی دارای روحیه ای نسبتاً شاد و غرور زیاده در مطالعه اینکه در مورد جیره غذائی افراد این محل بعمل آمده در اثر بالا بودن نسبی درآمد سرانه علاوه بر استفاده از میوه و سبزی میزان پروتئین موجود در جیره غذائی روزانه بطور تقریباً متوسط برای همه اهالی تامین است روی این اصل اکثر اهالی رشید و سالمند .

اسفروین ۲

بعد از شال در بین سایر روستاها از لحاظ درآمد سرانه و وضع اقتصادی درجه دوم را داراست. در این روستا نیز مردم در کشاورزی و باغداری اقدام به داداری و دامپروری نموده و از این راه کمک معاش کسب میکنند یکی از اهالی منطقه میگفت بهترین گوسفند منطقه قزوین و نیز اگر گوسفندانی که بازاری هستند خیلی دارد و در تهران بفروخته می رسد در شال پرورش یافته است. اهالی این دو منطقه با مقایسه وضع حاضر خود و وضع حاضر روستاهائی که تحت نفوذ عمران درآمد دارند به هیچ وجه حاضر نیستند تحت حوزه عمل سازمان عمران در آیند (این موضوع در قسمت عکس العمل روستائیان و نظرات آنها در مقابل سازمان عمران بحث خواهد شد) درآمد سرانه بطور متوسط در شال ۵۸۰ و در اسفروین ۵۰۰ تومان است و با مقایسه با درآمد فعلی سایر روستائیان چهار پنج برابر آنهاست. تکسین ایرانی اداره که برای انجام کار در چند روستا با هم بودیم ضمن صحبت از وضع زارعین میگفت من چهار فرد زمین دارم (هر فرد معادل دو هکتار) در سال اول کنه سازمان عمران در قزوین تاسیس شد و کار خود را شروع کرد و ده هزار تومان از طرف زارعین بمن داده میشد در سال دوم این میزان به ۱۲۰۰ تومان نزول کرد و در سال سوم این مبلغ به ششصد تومان و از آن به بعد به صفر تومان در سال رسید علت را پرسیدم گفت : معلوم است اداره عمران از سال اول در محدوده طبق پروژه خود محتاج بحفر یک سری چاههای عمیق بود که ناجوانمردانه این چاهها به حرم چاه ورشته تئاترهای موجود اطلاق شخصی ماتجاوز کرده و با این اقدام در عرض سه سال قنات ملک ما خشک شد و زمین ما بدون آب ماند و در اثر کمبود بارندگی، منطقه قابل کشت دیم هم نیست.

عقاید و نظریات روستائیان و عکس العمل آنها در مقابل سازمان عمران

- س - پس نظر شما در مورد تاسیس سازمان عمران و فعالیت چندین ساله او چیست؟
ج - بنظر من علت ایجاد سازمان عمران قزوین این بوده است که چون وضع زارعین منطقه قزوین روز بروز رو به بهبودی میرفت ، و مراد به زیاد باشهره داشتند

درآمدشان طوری بود که میتوانستند در سال چندین بار زده به شهر بیایند و حتی برای زیارت به مشهد بروند. علاوه بر این موضوع باعث آگاهی بیشتر آنها میشد و آگاهی مردم خود مشکلات بزرگی را بدنبال دارد و مطابق مثل معروف "عرب را سیر و ایرانی را گرسنه نگه دار و بغارت ادامه بده" عمران را علم کردند و با اسم فریبنده آن عمل را در عرض چند سال دهات و روستایان را به این فلاکت کشاندند و جلورشدشان را گرفتند. (يك تكسين ایرانی اداره آبیاری دشت قزوین)

س - بنظر شما علت بدتر شدن وضع روستایان و یابن بودن درآمد زمین تحت نفوذ سازمان عمران چیست ؟

ج - اینها دلشان برای مانع مسوود بهیچوجه ارزشی برای ما و نظرات و تجربیات ما قائل نیستند خود بحیل خود میکارند و برداشت میکنند ما آزادی انتخاب کشت را از دست داده ایم و به عنصری بی اراده تبدیل شده ایم روی این اصل اهالی علاقه و امید خود را به زراعت از دست داده اند (يك روستائی از روستای احمدآباد)

بهترین نمودار عکس العمل اهالی در مقابل سازمان عمران قزوین عکس العمل - اهالی شال است . اهالی این روستا همانطور که ذکر شد زرنگ و دلبرند و مشهور است که اگر آنها بختک مسلح اند در اول سال ۴۷ که يك اکیپ نقشه بردار سازمان عمران بنظر نقشه برداری محل رفته بودند و پرچم نقشه برداری را نصب نموده بودند بلا فاصله از طرف اهالی شال کاعذی روی پرچم نقشه برداری - نصب میشود که یکسری فحش و بد و بیراه به سازمان عمران قزوین و کلیه مهندسان عمران روی آن نوشته و مامورین نقشه بردار را تهدید میکنند و ریائین کاغذ اسامی و فامیل خود را مینویسند و امضا میکنند و بهیچوجه اجازه دخالت سازمان عمران در - منطقه خویش را نمیدهند .

نتیجه گیری از تحقیق

کلیه نمودارهایی از اینگونه در اجتماعان که بصورت ظاهر در امر ترقی و تعالی ملکات فعالیت دارند چیزی جز دسایس استعماری نیست . نشان دهنده -

استعمار و استثمار و چپاولگری استعمارگران است. این مظهر پیشرفت و ترقی! نیز چون مظاهر ترقی، جاده کج، چیزی جز خواست امپریالیسم برای چپاولگری که هدف اساسی آن است و فریب و تخدیر مردم نیست.

بسی
گلیه تلاشهای مذبحخانه امپریالیسم جهانی و وابستگانش به ملت غیر طبیعی و ضد انقلابی بودن خواست و هدف اصلین مواجه با شکست است. وسائل تولید به تنهایی نمیتوانند تغییرات اساسی در اقتصادیک ناحیه ایجاد کنند و اهمیت انسان خیلی بالاتر از وسیله تولید مکانیزه و مدرن است.

با لایردن سطح فرهنگ و بهبود بهداشت و تامین سلامت فکری و جسمی افراد اجتماع تنها با استقرار یک حکومت ملی و ریشه کن کردن استثمار تامین میشود و بدین ترتیب است که میتوان اجتماع را به مسیر تکاملی و ترقی سوق داد و این امر تامین نمیشود مگر با یک انقلاب نودمای اصل و ملی.

XXXXXXXXXXXX

XII - شرکت تعاونی تولید و توزیع مرکبات شهسوار.

این شرکت در سال ۱۳۴۵ برای اولین بار در ایران با مشارکت اهالی از باغداران بزرگ و با شرکت کورکورانه عده ای از باغداران متوسط با سرمایه ۱,۲۶۹,۰۰۰ ریال تشکیل و با خرید یک دستگاه کارخانه صدتنی (بعد از یک کارخانه صدتنی دیگر^{بدان} اضافه شد) استاندارد یزاسیون وضد عفونی و شستشوی مرکبات و هم چنین با اعطای وام باغداران شروع کار کرد سهام این شرکت هزار ریالی است و هر باغدار و ارجاردار تولید کنند مرکبات هر قدر بخواهد سهام میخرد و در حقیقت نسبتی بین محصول مرکبات و تعداد سهم فرد موجود نیست و عملاً اعضای هیات مدیره صاحبان بزرگترین سهام شرکت هستند (۱). این میرساند که شرکت تعاونی شهسوار بازاریابی که شرکای "تعاونی" و متعلق به باغداران و در خدمت آنها باشد شرکای تجاری و انتفاعی و متعلق به سرمایه داران و برای آنهاست و سرمایه داران بدون زحمت و فقط بدلیل داشتن سهام (سرمایه) حاصل کار و کوشش و دسترنج باغداران را نصیب میکنند.

شاید همین شرایط استثنائی و نامحدود بودن سهام و نفوذ زیاد مازحد سهامداران بزرگ تحت نام اعضای هیات مدیره و غیره است که باعث تشویق باغداران بزرگ و سرمایه داران منطقه شمال در امر تشکیل شرکتهای تعاونی نظیر شرکتهای تعاونی و توزیع مرکبات آمل، بابل، ساری، بابلسر، چالوس و نشتارود گردیده است. اکنون سرمایه شرکت در حدود ۴۰۰,۰۰۰ ریال و متعلق به ۶۵۰ نفر سهامدار است.

(۱) اعضاء هیات مدیره شرکت که عموماً مالک و یا سرمایه دار بزرگ هستند عبارتند از: مصطفی طالقانی (رئیس) جلیلی مقدم - طک آبادی حاجی شرافتی (اخیراً عضو انجمن شهر شهسوار گردیده است) - قاسم بیچی و مدیر عامل خلعتبری.

موضوع و عطیات شرکت - اساسنامه شرکت عملیات و موضوع شرکت را چنین شرح

میدهد :

الف - عملیات اعتباری نظیر پرداخت وام بشارکاء

۱- اعطاء وام بابت بهره کم و یا شرائط سهل با تصمیم کافی و تأیید عیات مدیره .

۲ - تهیه منابع مالی برای شرکت بصورت مختلف و تهیه اعتبار و تنزیل انگاش و یا استقراضی از اشخاص و یا شرکت های اعتباری .

۳ - آئین نامه اعطای وام بایستی بتصویب مجمع عمومی رسیده باشد .

ب - عطیات تعاونی و تولید .

۱- هر نوع عملیات مربوط به تولید . حفاظت و حمل و نقل و خرید و فروش محصول - مرکبات .

۲- تهیه وسایل و ابزار مورد نیاز تولید کنندگان عضو از قبیل سموم دفع آفات کود های شیمیائی و سعی در بیمه کردن باغات .

۳ - بازاریابی و صدور محصول به بازارهای فروش .

۴ - دایر کردن فروشگاه های برای عرضه کالا .

۵ - تأسیس کارخانه در صورت اقتضا برای بسته بندی و استاندارد کالا و هم

چنین ایجاد سردخانه برای نگهداری مرکبات (خلاصه ای از اساسنامه شرکت) .

اکنون میرد ازیم به تشریح عینی عطیات اعتباری شرکت یعنی مکانیسم و امها .

شرکت موجباتی فراهم آورده که از بانک ها و وامی بضامنت خود نی برای سهامداران بکیرد البته ظاهراً شرایط اعطای وام به سهامداران را مجمع عمومی شرکت تصویب

کرده است .

شرایط اعطای وام -

۱ - ارزیابی محصول باغ متقاضی توسط ارزیاب شرکت

۲ - اعطای وام بمیزان $\frac{1}{3}$ ارزش محصول باغ متقاضی

۳ - مدت یکسال

۴ - ربح وام ۱۲٪ (۶٪ متعلق به بانک و ۶٪ متعلق به شرکت) ربح را اول کسر میکنند .

۵ - متقاضیان وام بانک را بوسیله شرکت اخذ و سپس بخود شرکت پس میدهند تا شرکت آنرا بحساب آنها در بانک مربوطه واریز کند .

۶ - متقاضی بایستی سه برابر وام دریافتی چك و دو برابر آنرا سفته به شرکت بدهد .

۷ - متقاضی بایستی سه برابر وام دریافتی محصول شرکت بدهد .

۸ - بازار هر ۱۰۰۰۰ ریال متقاضی مجبور است ۵۰ ریال جهت خرید سهام شرکت منظور دارد .

۹ - وام كلا متعلق به بانکهاست و شرکت از خودش دیناری وام نمیدهد .

باغداری میگفت : هشت هزار تومان وام دادند و ۲۴ هزار تومان چك ۱۶ هزار تومان سفته ازم گرفته ۶٪ بانک کرایه و ۶٪ آنها نزول گرفته وام را عفت ماعه (از شکوفه نامحصول) دادند ولی یکساله مرخص را حساب کردند تازه در مقابل هر هزار تومان وام ۵۰ تومان مراسمات شرکت کردند مهمترینکه مقدار نزول و حق السهم را اول کسر کردند .

کافیست که بایک تناسب ساده ربح وامی را که باغدار عملا میبرد از حساب کسیم

$$\text{وام} \quad \underline{80000} \quad \text{ریال} \quad \underline{70400} = 9600 - 80000$$

$$\text{نزول} \quad 9600 \text{ ریال (} 12\% \text{)} \quad 9600 \quad 7 \quad 70400$$

$$\text{حق السهم} \quad 4000 \text{ ریال (} 5\% \text{)} \quad x = 18700 \quad 12 \quad 80000$$

$$\text{بهره سفته} \quad 300 \text{ ریال} \quad \frac{18700}{80000} \times 100 = 23.3\%$$

$$\text{مصارف دوندگی} \quad 100 \text{ ریال} \quad \text{نرخ واقعی} \quad 23.3\% \times \frac{9600}{9600} = 23.3\%$$

$$\text{جمع} \quad 10500 \text{ ریال}$$

باتوجه به اینکه بگفته مدبر عامل مقدار وامیکه بانکها به شرکت واگذار کردند -

۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال بوده میتوان بایک حساب ساده عوایدی را که شرکت از

لرین * انتقال * وام بانک‌ها به سهامداران و باغداران بدست آورده حساب کنیم .

$$\text{ریال } ۱۷۳۰۰۰۰ = ۱۰۰ \times \frac{۱۷}{۱۰۰} \times ۱۰۰۰۰۰۰ = ۱۷۳ / ۳ - ۶ = ۲۳ / ۳$$

یعنی شرکت درست ۴/۳ برابر سرمایه ۴ میلیون ریالی فقط از طریق انتقال وام سود برده است و اینکه نه تنهائیاری از آن متعلق بخودش نبوده و تنهائی از آن بانک‌هاست بلکه وثیقه نیز متعلق به سهامداران متقاضی است مطمئناً این پول بجهت سهامداران کوچک نصیب . زیرا از خود آنها گرفته شده است البته راه های ساده ای جهت مصرف این سود های سرشار رفع گردانندگان شرکت موجود است از قبیل خرید دو کارخانه به مبلغ ۲۴۰۰۰۰۰۰ ریال و گذاردن آنها بحساب شرکت به مبلغ ۶۰۰۰۰۰۰۰ ریال (۱) و یا بر آوردن هزینه مسافرت به اسرائیل جهت خرید یک ستگاه کارخانه به مبلغ ۷۲۰۰۰۰۰ ریال و یا خرید مرکبات سهامداران بزرگ به قیمت بسیار گرانتر از ارزش حقیقی آن . باغدار دیگری میگفت ۳۷ هزار تومان وام گرفتیم از ۱۱۱ هزار تومان چک و ۷۴ هزار تومان مفتحه گرفتند محصول باغ ۲۰۰۰۰ تومان شد مجبور شدیم بخاطر ۱۷۰۰۰ تومان کسری یک هکتار باغ را بروشم باغی را به بادستهای خودم (دستهای پینه بسته اش را نشان میداد) ایجاد کرده بودم - میدان دارا گروهی اصالت عقب می افتاد با زمین وام میداد تا سال بعد جبران کم ولی دیگر ما مور عقب من نمی فرستاد و زندانم نمیکرد خیلی هاد را شروام شرکت بزدان رفتند (۳) هر وقت نام باغ فروخته

(۱) دفتر شرکت یک کارخانه را ۳۰۰۰۰۰ تومان بر آورد میکرد ولی باغداری که به این حرف گوش میداد علناً اعتراض میکرد و قیمت کارخانه را ۲۰۰۰۰۰۰ تومان میدانست و دفتر شرکت در مقابل اعتراض او سکوت اختیار میکرد .

(۲) منبع بسیار موثق . (۳) قوانین ملکی باین دلیل آنها را زندانی میکنند که

نتوانسته اند تا ب استشار شدیدا استشارگران را داشته باشند .

شده اش را بزیان می آورد حالت کربیه به اودست میداد ورنه کار خسار می یابد
دیگری میگفت: ۲۰۰۰۰ تومان پول گرفته و پول را بموقع شرکت پس داده ام
منتهی چون شرکت بحساب من دریاناک نگذاشته بود بانک مرا جریمه
کرده است.

کله آقای مدیرعامل: "مقدار وام بانکی خیلی کم است! میداندارها در منطقه
شهرسوارسالیا نه ۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال وام میدادند" جالب اینجاست که بر
طبق اساسنامه شرکت شرایط اعطای وام به تصویب مجمع عمومی رسیده است
یعنی خود سهامداران چنین شرائطی را پذیرفته اند. این را بنیاسی صرفا بعلت
عدم آگاهی توده از حقیقاتی که در اطرافش میگردید دانست بلکه بایستی توجه
کرد که عامل اصلی تسلیم باغدار چنین شرائطی احتیاج زیاده از حد آنان به
وام است.

ب - عطیات تولیدی شرکت: برخلاف آنچه که از نام و اساسنامه شرکت برمیآید
شرکت در زمینه های اصلی تولیدی از قبیل تهیه بذرونهال و کود و سم و...
کوچکترین قدمی برنداشته و ظاهرا از مجموع عطیات تولیدی تنها اکتفا به حمل و نقل
و استاندارد کردن و مضطرب کردن توزیع همان فروش محصولات استاندارد شده است.
و اما بپردازیم بفعالیت تولیدی شرکت یعنی استاندارد کردن "منظور از استاندارد
کردن شستشو، ضد عفونی و درجه بندی و بسته بندی مرکبات و عرضه آن به
وضع دنیایسندانه ای به بازار است. این عمل در شرکت شهرسوار و اسمر بتوسط
ماشین و در سایر شرکتها بادست انجام میگیرد" (نقل از مدیرعامل شرکت)

در سال ۶۶ دولت با ممانعت از حمل مرکبات کلیه باغداران شمال بطور آزاد و
تایید اینکه تمام مرکبات بایستی از کانال شرکتها حمل شود بحمایت از
شرکتها تعاونی برخاست. طبق قانون، کلیه باغداران مرکبات شمال اعم از
سهامداران و غیر سهامداران موظف بودند محصول مرکبات خود را فقط و فقط بتوسط
شرکتها تعاونی، استاندارد و حمل نمایند. در حقیقت انحصار توزیع مرکبات با

حکومت بدست اقلیت سرمایه دار بزرگ افتاد. باغداری که صاحب ۵ سهم شرکت بود میگفت: در دروازه شهسوار کرج و تهران جلو مرکباتی که سارک شرکت را نداشت میگرفتند و آنها را بدره میریختند. حال ببینیم مکانیسم استاندارد یزاسون چه بود؟ شرکت تعاونی چند ماشین جهت حمل پرتقال از باغ به کارخانه خریده بود. "باغدار با عصبانیت ادامه میداد: مال پولدارها را از باغات بالای کوه می آوردند ولی مال ما بر روی دستان مانده بود. پرتقال هم اگر ۵ روز ماند آبش بخار میشود و سیوسد. حقوق شوفرهای شهسوار روزانه سی تومان است آنها با روزی ۲۰ تومان راننده شرکت میشوند زیرا در عوض روزانه ۴۰ - ۵۰ تومان انعام از پولدارها میگرفتند و محصولات آنها را بکارخانه میآوردند. من اگر بانتظار ماشین شرکت مینشستم کارم تمام بود. خودم ماشین کرایه کردم و ۲/۵ برابر کرایه ای را که شرکت حمل و نقل میگرفت پول کرایه دادم و چون پرتقال من خیلی عالی و زود رس بودند توانستم با رشوه آنها را بکارخانه تحویل دهم." دیگری میگفت "روزانه ۳-۳ ماشین پرتقال را که در اثر ماندن پوسیده شده بودند بدریا می ریختند. پرتقال را اصلاً کارخانه تحویل نمیگرفت. آنها با قیمت بسیار کمی از ما میخریدند. محصول که گند هارا از اسرمیآوردند اینجا تحویل کارخانه میدادند ولی از ما تحویل نمیگرفتند بیشتر صد ماشین پرتقال که در اثر تحویل نگرفتن پوسیده میشد به رود ریاری ریختند ۳-۴ین مرحله اول استاندارد یزاسون یعنی مرحله حمل و تحویل مرکبات بکارخانه بود و همانطور که بر سر آید از طرفی طبق قانون باغداران مجبور بودند که مرکبات خود را توسط شرکت استاندارد حمل نمایند و از طرفی دیگر شرکت ظرفیت کافی جهت تمام محصولات را نداشت و فقط به سرمایه داران میرسید روی این اصل محصول سایر باغداران روی دستشان ماند به بود که اغلب پوسید میشد و ریاری ریخته میشد. اینک به ازیم مرحله دهم رسیدیم یعنی شرکت پرتقال را به ۵۰ درصد تقسیم میکرد و سازمان مرکزی تعاون و استه بنده ستوزیری در تمام محصول برداشت منخر را

برای هر درجه معین کرده بود .

بعنوان مثال:

خرید توسط شرکت	فروش شرکت به تهران	فرویر در تهران	
پرتقال درجه ۱	۲۳/۵ ریال	۲۶ ریال	۳۰ ریال
" " "	" ۱۸/۵	" ۲۱/۵	" ۲۵
" " "	" ۱۵	" ۱۷/۵	" ۲۰
" " "	" ۷/۵	" ۱۰	" ۱۲
" " "	" ۵/۵		
پرتقال درجه ۱ شب عید	" ۲۸/۵	" ۳۵	" ۴۰

ملاك درجه بندی - ۱ - درشتی پرتقال است که بوسیله کارخانه بطور اتوماتیک انجام میگردد و از همه مهمتر است .

۲ - شادابی ، پوست نازکی ، آفت زدگی و . . . که بطور دستی مشخص میشود . مال ضعف درجه پائین را میگیرند و مال خودشان را درجه بالا میگیرند - شرکت ، شرکت نورچشمی ، ماست از ماکیلوئی ۱۲ ریال میخرند و آنهایی که فک کراوات دارند ۲۶ - ۱۶ ریال ، از بس محصولات خودشان را گرانتر از قیمت نرخ بندی خریدند شرکت ورشکست شد *

* پرتقال درجه يك و دو دارم درجه سه و چهار تحویل گرفتند (۱) با این حساب میبینیم که از هر کیلو پرتقال درجه يك بمبلغ ۲۳/۵ ریال حداکثر ۱۸/۵ ریال (چون پرتقال درجه يك را قیمت درجه دو میخوانند) و از هر کیلو پرتقال

(۱) نقل از باغبانی که ۱۷۰,۰۰۰ ریال کسر آورد و مجبور شد يك هکتار از باغ مرکباتش را بفروشد . بر معلوم میشود که رابطه ای بین شرائط و ام قیمت گذاری شرکت روی مرکبات باغداران وجود دارد .

۸۸/۵ ریالی ۱۵ نصیب باغدار میشود (ضایعات را هم بحساب نیاورده ایم) یعنی حدود ۲۰٪ ارزش پرتقال نصیب توزیع کننده و بقیه آن نصیب تولید کننده میشود این محاسبه روی بهترین نرخ که شرکت روی مرکبات باغداران میگذارد انجام گرفته است .

مطالعه رسید يك باغدار

ضایعات	وزن بکیلو	قیمت هر کیلو بر ریال
۵۶۰	۱۶۰۰۰	۱۲-۱۰-۹-۷

باغبان میگفت " ۱۶۰۰۰ کیلو داشتیم کیلوئی ۱۲-۱۰-۹-۷ ریال خریدند و ۵۶۰ کیلو ضایعات برایم در نظر گرفتند " (ضایعات ۳/۵٪)

دقت شود که این سرنوشت محصول باغداران سهامدار خوشبختی است که با رشوه و فعالیت زیاد موفق شده بودند پرتقالهای خود را به کارخانه تحویل دهند محصول دیگران که اکثریت را تشکیل میدهند یا نقد روی دستشان مانده بود که عمگی پوسیده شده بودند و یا بندرت با قیمت هر ۱۰۰ عدد ۹۰ ریال بفروش رسیدند

دورنمای آینده

جهت ترسیم دورنمای آینده اوضاع کنونی بررسی یکایک مسائلی که اطراف باغداران فرا گرفته اند می پردازیم .

۱- چگونگی احداث يك باغ مرکبات . بدون پاسخ بدین سؤال نمیتوان مبنائی جهت تحقیق روابط استثمارگرانه موجود بین کشاوران (سهامداران عمده شرکت) و استثمار شده (باغداران) پیدانمود روی این اصل قبل از

هرچیز به بررسی موضوع فوق می پردازیم - اگرخواهیم زمینی را به باغ مرکبات تبدیل نمائیم در صورتیکه خوب از باغ پذیرائی کنیم (کود زیاد - سم پاشی زیاد و جین ۰۰۰) در صورتیکه برف نیارد و زمستان زیاد سرد نشود و آفتی به درخت نزنند پس از ۶ سال باغ به محصول می نشیند . از سال هفتم و هشتم دخل و خرج میکند بعد از ۱۲ سال میتوان آن را باغ نامید .
عزیزه ایجاد یک هکتار باغ مرکبات:

قیمت ۲۰۰ نهال از قرار هر نهال ۱۰۰ ریال $200 \times 100 = 20000$ - شخم سال اول - بعثت پراکندگی زمین، لزوم شخم عمیق برای باغ . - پستی و بلندی زمین و غیره ۰۰۰ شخم بوسیله کارگرانجام میشود . - دستمزد یک باغبان جهت مراقبت دائمی باغ از قرار ماهیانه ۲۰۰۰ ریال بعد از ۷ سال (چون از سال هفتم دخل و خرج میکند) ۱۶۸۰۰۰ ریال . ساختن کلبه جهت سکونت باغبان - ۵۰۰۰ ریال - سمپاشی سالهای اول تا هفتم ۳۲۰۰۰ ریال - کود حیوانی برای هر درخت ۲ کیلو، کیلویی (ریال) ۲۸۰۰۰ ریال - جمع مخارج ۲۳۷۸۰۰ ریال البته ۱۰۰۰۰ ریال برای کارگر جهت شخم منظور شده است . البته اگر مخارج از بین بردن جنگل و تبدیل آن به زمین باغ را بحساب بیاوریم مخارج احداث باغ بالغ بر ۲۵۰۰۰۰ ریال میشود . با این توضیح برای یک سرمایه دار هیچ وجه صرف نمیکند که سرمایه خود را در رشته ای بخطراندازد که پس از ۱۲ سال آن هم در صورتی که عوامل جوی و طبیعی مساعد باشند با تحمل مخارج زیاد بهره دمی خود را آغاز نماید . اینجاست که این کار را بدوستان باغداری میگردانند و سپر با استفاده از قوانین مملکتی که طبیعتاً در خدمت دولت است و با اتکا به سرمایه اش

دست به تأسیس شرکت تعاونی و فروش مرکبات زده و بجای انحصار بازار تولید که در اکثر رشته ها وسیله استعمار قشر زحمت کش است به انحصار توزیع دست میزند ۲ - وام و مخارج هنگفت تولید از یک طرف و مشکوک بودن بازده باغ بعثت وجود عوامل منفی طبیعی از قبیل برف و باد و سرما و آفات از طرف دیگر و اینکه بعد از نمیتوانند

علیرغم "قیمت گذاری" میداندارها محصولات خود را لااقل طبق قانون ساده عرضه و تقاضا بازار بفروشد موجب میگردد باغد اوسط و جز که بدون درآمد باغ قادر به ادامه زندگی نیست بطور سلف محصولات خود را بقیمت ثلث ارزش حقیقی (۱) به سلف خردها بفروشد و خود را از همه این مخصه ها نجات دهد. ممکن است تصور شود که منابع اعتباری مختلفی از قبیل بانک کشاورزی شرکت تعاونی و... میتواند از ادامه این وضع جلوگیری و سیکل بسته را بهم بزنند اما عملاً می بینیم که شرکت تعاونی عادی هر ده بیش از ۵۰۰۰ ریال آنهم یکساله نمیتواند وام بدهد و بانک کشاورزی تا موقعیکه میتواند ۱۰۰ میلیون ریال به شرکت وام بدهد هیچوقت سراغ باغد ار را نمیگیرد (۲) عده ای از باغداران بگمان فروش عادلانه محصولاتشان و اخذ وام در شرایط نسبی بهتر حاضر به عضویت در شرکت شدند اما کمی ظرفیت کارخانه ها انحصاری شدن فروش طبق قانون دولت و سود جویی

- (۱) "سلف خردها بیست هزار تومان محصول باغ را هفت هزار تومان میخرند
 "بیست هزار تومان محصول را شش هزار تومان میخرند" (از گفته های دو باغدار)
 (۲) برای روشن شدن موضوع به گفتاریک باغد ارتوجه شود. * استعلام
 محلی کردم که خدا افاضه کرد که من باغد ار ۱۵ - ۱۰ روز ویدم و اوایل می
 گفتند ۱۰۰ - ۲۰۰ بیشترین توانیم بدهیم آنهم یکساله بعدا که امرار مراد میدند
 دلالهای بانک گفتند چون پارتی نداری توانی بیکریان بده تا برای پارتی
 بتراشیم (کارمندان پارتنر بانک پارتی بشوند) و آنوقت وامی بمبلغ ۵۰۰۰۰
 ریال دوساله می توانی بگیری. با این حساب جهت دلالی ۱۰۰۰ وجهت
 پارتی ساختن ۵۰۰۰ دوندگی ۱۰۰۰ و پالیه گرفتن دفترچه بانکی ۱۰۰۰
 ریال وجهت نزول بانک ۶٪ ۶۰۰۰ ریال (توضیح - مخارج سند منظور نشده)
 جمع مخارج برای یکسال = ۷۰۰۰ ریال و نرخ واقعی بانک (۱۴٪ = $\frac{7000}{50000}$)
 یعنی (۸٪) بیش از نرخ اسمی آنست.

انحصارگران و شرایف سنگین وام دست بدست هم داده و موجب شدند که یا محصول باغد ارد مقابل چشمن بیوسدویابه ندرت بقیعت کمی بفروزد. رود مسلم است که باغد ارد نمیتواند وام بانک را بموقع بپردازد از اینرو با نام قانون بایستی روانه زندان شود و یا اجبار بفروش باغ خود به سرمایه داران متوسل شود. میبینیم که اولین نتیجه این امر خالی کردن و تحلیل رفتن قشر متوسط به نفع اقلیت قشر اول و تبدیل شدن آن به پرولتاریاست و دومین نتیجه آن متمرکز شدن ابزار تولید (باغ) بدنبال تمرکز توزیع بدست انحصارگران و بالنتیجه تثبیت بیشتر استثمار آنها میباشد (احداث باغ که ۱۲ سال طول میکشد توسط باغداران انجام میگیرد ولی باغ مشاعداث شده از طریق توزیع غیر عادلانه به سرمایه دار میرسد) بهمین ترتیب سلف خرمای جزء (باغداران متوسطی که محصول باغداران جزء را بصورت سلف میخرند و خود به سلف خرمای عمده و یا شرکت میفروشند) که وام شرکت را صرف امور سلف خری نمودند به علت فروش نرفتن محصولاتشان کاملاً ورشکست شدند و راه را از هر جهت برای نفوذ مستقیم سرمایه داران شرکت باز نمودند. اینک نرخ سلف خری از سالهای قبل هم پائینتر آمده و کمتر کسی حاضر است وام قابل ملاحظه ای بباغداران جزء بدو و باغداران مجبورند در چنین شرایط رقت باری دست بسوی سلف خران عمده (اعضای هیات مدیره) دراز کنند اینهم ارمغانی است از طرف شرکت بکلیه باغداران مرکبات شمال - اما مسئله بسا همین جا ختم نمی شود. علیرغم تذکرات و تهدیدات مکرر دفتر شرکت بباغداران مبنی بر اینکه شرکت نماینده شاه است شرکت دست نشاند شاه است "این تابلو هرگز پائین نمیاید" برای اجرای منویات "و خدمت به مملکت" باغداران روز بروز فریاد خود را راسر کرده و بایان "همه اینها را باید گشت و نابود کرد" از سستی ملت سوء استفاده میکنند "اینها بشتیان دارند" "باستاند ارو فرماند ارو در بارود روزنامه شکایت کردیم اینها نیلا آنها را می بینند" "پیراهن تمان را در آوردند" "شرکت عصای حضرت موسی است" و... و... در قهوه خانه هادر خیابان و دفتر شرکت ریشه های درد

خود را بازگویی کند .

علل ورشکستگی شرکت - طبق اساسنامه حداکثر سود یک به سهام تعلق میگیرد ۶٪ و اگر شرکت مازاد بر ۶٪ سود داشته باشد بایستی آنرا به نسبت حجم معاملات اعضا تقسیم نماید چون اعضا هیات مدیره نمیخواهند سود باد آورده را به سهام داران تقسیم کنند به اقدامات زیر متوسل شدند :

- ۱- محصولاتشان را (اعم از آنها) که سلف خری کرده بودند و آنها را که از باغ خودشان بود (به نرخ بسیار گرانی به شرکت میفروختند .
- ۲ - حیف و میل و سوء استفاده و اختلاص را به اطلاع شدت خود رسانیدند .
- ۳ - مهمترین ورشکست شدن سهامداران (باغداران) و بالنتیجه عدم وصول بدهی آنان توسط بانک بود که موجب هراس بانک گردید و بانک اعتبارات خود را به شرکت کاملاً محدود کرد شرکت هم بدون این اعتبارات قادر به ادامه زندگی نیست از این رو در صورت ادامه این وضع ورشکستگی آن حتمی است .
- ۴ - کارشکنی های میدانداران تهران که قبلاً توزیع مرکبات بدست آنها صورت میگرفت .

آخرین پرده نمایش - قرار بود جهت تعیین سرنوشت شرکت مبنی بر انحلال و یا عدم انحلال و تعیین سرنوشت قرضهای شرکت مجمع عمومی فوق العاده ای تشکیل گردد . کاری که برای اعضا میفرستادند فقط شامل نام عضو و آدرس عضو و نام شرکت تعاونی بود (۱) دیگر هیچ زکری از منظور کارت نبود . محل اجتماع اعضا ، روز و ساعت تشکیل مجمع عمومی فوق العاده در کارت نبود بنابراین مجمع عمومی فوق العاده بعلت نرسیدن به حد نصاب تشکیل نگردید مسلم است که طبق اساسنامه اگر مجمع عمومی فوق العاده طی دو بار تشکیل به حد نصاب نرسد (حد

(۱) ورنوشت کارت چنین بود :

شرکت تعاونی تولید و توزیع مرکبات

آقای ده

نصاب در دفعه اول $\frac{3}{4}$ و در دفعه دوم نصف بعلاوه ۱ (اعضاست) برای
 بار سوم اعضای حاضر که مسلماً کسی جز اعضای هیأت مدیره و طرفدارانشان نیستند
 میتوانند برای شرکت تصمیم بگیرند. مطلب زیرنقل از روزنامه کیهان بتاريخ شنبه -
 ۹ مرداد ماه ۴۷ میباشد: "مدیرعامل شرکت تعاونی تولید مرکبات شهسوار: شرکت
 تعاونی تولید مرکبات باید منحل شود. ۱۰ میلیون ریال ضرر که بر شرکت تعاونی
 تولید مرکبات شهسوار وارد شده است سرمایه این شرکت را بعیزان ۵ میلیون ریال
 کاهش داده است. این موضوع در دومین جلسه مجمع عمومی عادی شرکت
 مزبور که با حضور یکصد نفر از سهامداران تشکیل شده بود بوسیله مدیرعامل شرکت

اعلام گردید. آقای ذلعتبری مدیر عامل افزود: چون سرمایه شرکت ۵
 میلیون ریال بپای نیست طبق اساسنامه باید منحل شود. آقای طالقانی رئیس
 هیأت مدیره اظهار داشت: شرکت ۶۰ میلیون ریال بابت تاسیسات و کارخانه
 استاندارد از بانکها وام دریافت داشته و این وام را باید اعضای هیأت مدیره به
 پرداختن و چون موعد مقروضات و اقسامها گذشته است و بانکها برای دریافت آن برای
 هیئت مدیره اجرائیه صادر میکنند پیشنهاد می نمائیم که سهامداران موافقت کنند -
 کارخانه استاندارد شرکت بابت بدهی بفروش برسد و سهام سهامداران نیز بوسیله
 هیأت مدیره پرداخت شود. آقای طالقانی افزود چنانچه خریدار برای تاسیسات
 پیدا نشد پیشنهاد میکنم که خود اعضا هیأت مدیره با فروش املاک خود بدهی بانکها
 را بپردازند و کارخانه و تاسیسات را تحویل بگیرند ضمناً شرکت هنوز بدهی لیموسیرین و
 نارنگی سهامداران را نپرداخته و منتظر است ۴ میلیون ریال طلب خود را از شرکت
 توزیع میدانهای تهران دریافت کند - خرم آباد شهسوار - خبرنگار کیهان"
 اولاً معلوم نیست که ضرر ۱۰ میلیون ریالی شرکت از کجاست؟ ثانیاً با خرید کارخانه
 توسط اعضای هیأت مدیره، دست سهامداران بکسی از کارخانه
 کوتاه خواهد شد و این وسیله توزیع در دست در اختیار سرمایه داران قرار خواهد گرفت
 ثالثاً بعلمت اینکه اعضا حاضر در دومین جلسه مجمع عمومی ۱۰۰ نفر بودند با توجه
 به عده کل اعضا که ۶۵۰ نفر میباشند این مجمع عمومی رسمیت ندارد و بایستی
 منتظر جلسه سوم مجمع عمومی بود!

برنامه های اصلاحی شاه در بونه عمل و قضاوت مردم:

- مطالعات زیر حاصل تماس مستقیم و عینی با طبقات مختلف روستائی از کار روزمزدکشا ورزی، خوش فشین، دکاندارده، زارع صاحب نسق، اعضاء هیئت مدیره شرکت تعاونی روستائی گرفته تا مدیرعامل شرکت تعاونی و دهبان است. این مطالعه عینی در مورد ده قریه از قراء دشت قزوین کسا زمان عمران قزوین در آنها فعالیت دارد انجام گرفته. مطالبی که در این بررسی مورد دقت قرار گرفته بیشتر از آن جهت جالب و حائز اهمیت است که قراء مورد نظر در بدیف بهترین دهات از نظر شرایط طبیعی مانند وضع زمین، آب زیر زمینی و امکانات وسیع حفرا عمیق و نیز وضع استراتژیک آنها از نظر نزدیکی به شهر قزوین و امکانات بازاریابی بسی محصولات آنست. چه بسیاری از دهات قزوین نیز وجود دارند که با وجود فعالیت سا زمان عمران در آنها نظر باینکه زارعین قدرت گرفتن سهام را از شرکت تعاونی نداشته اند شرکت مزبور نتوانسته حتی شرکت تعاونی تأسیس نماید. گرچه مطالعه این دهات نیز باید بطور عینی جداگانه صورت گیرد ولی با وضعی که گریبا نگیر بهترین قراء (ده قریه مورد مطالعه) دشت است می توان وضع دهات گروه دوم را کم و بیش پیش بینی نموده به نتایج جالبی رسید. این مطالعات در مورد زیر صورت گرفته است:
- ۱- در مورد اطلاعات مربوط به "روابط دستگاه اناری رژیم بدروستانینان"
 - ۲- سواستفاده و تبلی اولیه اصلاحات ارضی در مورد مسائل ارضی روستا.
 - ۳- کیفیت ایجاد اراضی مکان نیزه در بعضی از دهات.
 - ۴- استثمای مالکین یا قشر مرفه روستا از طریق مالکیت ابزار تولید (تراکتور)، کما (ین ۰۰)
 - ۵- اطلاعات مربوط به وامهای پرداختی بانک کشاورزی و شرکت های تعاونی روستا.
 - ۶- نظر روستایان نسبت به قانون اصلاحات ارضی و وضع زارعین بعد از اجرای قانون خصوصا مقایسه آن با قبل.

I - ۱ - اطلاعات مربوط به " روابط دستگاه اداری رژیم باروستانشینان "

ابتدا چندین مورد ذکر نموده سپس به نتیجه گیری میپردازیم :

الف - روابط زارعین با سازمان عمران قزوین - دهکده (الف) : (۱)

این دهکده در ۶ کیلومتری جنوب غربی قزوین واقع شده و دارای بهترین شرایط طبیعی از نقطه نظر آب ، خاک و آب و هوا و غیره است . معینا ملاحظه میشود که در چهارمین سال فعالیت سازمان عمران در آنجا در فروردین ماه ۱۳۴۸ هنگامیکه بولدور سازمان جهت تسطیح اراضی مشغول کار میشود ، زارعین بطور دسته جمعی دستور توقف کار میدهند . راننده بولدور برای حفظ جاناش بلافاصله کار را تعطیل میکند . موقعیکه مهندس منطقه و ده نامبرده بهزرعه میآید و از جریان امر مطلع میگردد سخت عصبانی شده و بطرف سازمان عمران در قزوین رجوع میپارمیکرد . جریان امر را به " اداره بازرسی و پیگیری " سازمان گزارش داده و مسئول اداره مزبور با کمک وزاندارم بصوب ده حرکت میکند . زارعین بطور دسته جمعی میگویند " ما نمیخواهیم بکاریم " و چون مهندس اداره بازرسی میخواهد بازو راندارم موافقت آنانرا کسب کند و خود خورده بین اهالی ده وزاندارم در میگیرد . زارعین بابتیل و چوب وزاندارم باتفتنگ دست بکار شده بجان هم می افتند . در این ماجرا چهار نفر از زارعین در اثر اصابت گلوله مجروح میشوند و بقیه را روانه زندان قزوین میکنند . حدود ۶۰ نفر بازداشت میشوند و تعدادی پافرازمیگذارند .

علت این سلسله و عدم همکاری زارعین با سازمان " در جای دیگری خواهم شد آمد . ولی آنچه در اینجا بعنوان علت اصلی میتوان گفت همانا " مسدود خرج - تراشیها و هزینه سنگین " است که سازمان بابت مخارج در زمینهای زارعین حساب میکند . از قبیل هزینه کارکرد ماشین آلات سیک و سنگین در زمین ، کود و بذر گران پا و دق (۱) - اسم این ده و برخی دیگر از دهات که بعدا مورد مطالعه قرار میگیرند بدلائل امنیتی در نسخه اصلی ثبت نشده بود که البته پس از دست یابی به آنها در اختیار قرار خواهند گرفت .

و غیره. بهمین جهت در بعضی موارد سود خالص زارع از این بابت به مراتب کمتر از حالتی است که از زمین بادییم کاری استفاده نموده است.

ب - روابط مالک و مأمورین اصلاحات ارضی با زارعین دهکده (ب) :

این دهکده در ۹۰ کیلومتری جنوب غربی قزوین و در سر راه آسفالت قزوین - همدان قرار گرفته و از لحاظ شرائط طبیعی و وسعت اراضی در ردیف دویا سه دهکده دیگر بوده و دارای بهترین و مساعدترین امکانات است. مالک این ده آقای رضوی یکی از عمده ترین مالکین قزوین بوده و علاوه بر مالکیت این ده پنج ده دیگر نیز بنحوی در مالکیت خود دارد. از سال ۱۳۴۵ اصلاحات ارضی زمینهای این ده را از طرف مالک بزارعین^۴ از قرار هر فرد ۳۶۶/۸ تومان اجاره داده است. کلا زمینهای این مالک بین ۱۹۲ فرد زارع توزیع شده است. قسمت اعظم اراضی بعلت نبودن آب و خشک شدن قنات معروف آن بطور یی مورد استفاده قرار میگیرد. آقای رضوی سالیانه مبلغ ۷۰۴۲۵/۶ تومان بابت اجاره (تومان ۷۰۴۲۵/۶ = ۳۶۶/۸ × ۱۹۲) توسط اصلاحات ارضی قزوین دریافت می دارد ولی گرفتن این مبلغ اجاره کار آسانی نیست. زیرا با استفاده از یک آمار شاید بتوان گفت ۶۰٪ از زارعین قدرت پرداخت این مقدار مال الاجاره را ندارند، و بنا بر این همیشه زارعین با وندارم درگیر هستند. یا اقامت سرور متوالی در ده دیده شد هر روز از صبح زود (طلوع آفتاب) چندین وندارم در جلوی دروازه ایستاده بودند و چون ساختمان ده بشکل قلعه مانده است تنه اهر خروج از همین دروازه است و وندارم صهار تمام شبانه روز در کمین هستند تا بد هکاران نتوانند با آسانی از گیر وندارم فرار کنند و چون زارعین غالباً مال الاجاره خود را نمیتوانند بپردازند اجباراً باغ یا گوسفند خود را میفروشند و اجاره را میپردازند تا از دست وندارم در امان باشند. یکی از زارعین که فعلاً موتوربان چاه عمران در نزدیکی ده به این ده است گفت: "من دو سال متوالی است که نمیتوانم اجاره مالک را بپردازم."

از سال گذشته تاکنون مقداری رشوه به ژاندارم داده ام و او تا بحال صبر کرده است تا آنکه دیروز بر او تهدید او برای زندانی کردن من بلام رابمبلغ ۲۰۰۰ تومان فروختم و ۲ سال اجاره بمبلغ ۷۳۳ تومان را پرداختم. در پاسخ این سؤال که بقیه اش را چه کار میکنی گفت: " قصد دارم تعدادی گوسفند بخرم تا در صورت امکان پروا رشود تا سال آینده بتوانم اجاره مالك را بپردازم. در صاحبه بایکی دیگر از ارضین در مورد رابطه شان با ژاندارم گفت: " ژاندارم همه روزه از طرفی اصلاحات ارضی مثل حضرت عزرائیل بالای سر همه است. "

در طی يك تحقیق معلوم شد كه مالك برای جمع آوری مال الاجاره خود همه ساله بخشی از اجاره خود را به ژاندارم و رئیس اصلاحات ارضی و تعدادی کارمندان وابسته پرداخت میکند تا مستقیماً از روی پرودن بازار عجز جوید.

ج - رابطه زارع با دستگاههای دولتی در دهکده (آبخوده):

این دهکده یکی از قراة دشتایی در جنوب قزوین است. اکثر اراضی شور، قلیائی و یا شور و قلیائی میباشد بهمین جهت راندمان محصول بسیار پایین است. در اراضی تحت کشت سازمان عمران نیز که توسط يك چاه عمیق مشروب میشود میزان درآمد بسیار اندك و در سالهای اخیر غالباً زارعین مواجهه با زیان بوده اند. بخشی از اراضی ده توسط اصلاحات ارضی با اجاره زارعین درآمد و مالك رابطه

مستقیمی بازار ع ندارد با شرایط مذکور در فوق هنگام اجاره دادن مالك رشوه کلانی با اصلاحات ارضی پرداخت مینماید تا مال الاجاره سالانه را بمبلغ زیادی در نظر بگیرد. اصلاحات ارضی نیز این کار را بتمام و کمال انجام داده و در حالیکه در بهترین اراضی دشت قزوین مال الاجاره از ۴۰۰ تومان برای هر فرد تجاوز نمیکند مال الاجاره سالیانه برای هر فرد در این قریه حدود ۶۰۰ تومان است. و چون زارعین منبع درآمدی ندارند هر زارع سعی میکند تعدادی گوسفند - خریداری و پروا رشود و یا زور زاندارم آنرا با اصلاحات ارضی بدهد. بهمین جهت ملاحظه میشود که زارعین پیوسته با ژاندارم و اصلاحات ارضی در جنگ وجدال

بسر میبرند . اکثر زارعین در چند سال اخیر نتوانسته اند مال الاجاره عقب افتاده خود را بپردازند .

نمونه ای از مقاومت زارعین در برابر اصلاحات ارضی و مساله تئانی مالکها اداره اصلاحات ارضی در همین دهکده:

در سال ۵۴ یکی از مأمورین اصلاحات ارضی قزوین در اثربانی بامالک دهکده مزبور و گرفتن مبلغ زیادی رشوه جهت خود و رئیس اداره ، باتفاق مالک عازم ده میشود تا اراضی مالک را با اجاره زارعین در آورده پس از بحث و گفتگوی زیاد ، سرانجام مبلغ مناسبی از جانب زارعین پیشنهاد میشود . ولی مأمور اصلاحات ارضی بدون توجه بنظر آنان بامالک وارد مذاکره میشود . مالک بهیچوجه زیر بار پیشنهاد زارعین نمیروید . و خلاصه یکه ، دونفر از ریش سفیدان یا با اصطلاح افراد یکه بنحوی بامالک رابطه دوستی دارند و وضع اقتصادی آنان بالنسبه از سایرین بهتر است بعنوان نماینده ، باتفاق مالک و مأمور اصلاحات ارضی عازم قزوین میشوند تا درباره وضع مال الاجاره بتوافق برسند . مالک در اثرفریب دادن این دونفرونده های پوچ ، مطابق دلخواه خود مال الاجاره را برای هرفرد در سال ۶۰۰ تومان تعیین و مرا^{تب} اداری آن از لحاظ اصلاحات ارضی طی میشود . روز بعد اهالی ده از ماجرا باخبر و ضمن اینکه به حساب دونفر میروند ، گروهی در حدود ۱۰۰ نفر از جوانان ده عازم قزوین و با اداره اصلاحات ارضی میروند . قبل از ورود به اداره خود را با چاقو و چوب مجهز نموده و پنج شش نفر باطاق معاون اداره میروند (۱) و نسبت بکار مأمور اصلاحات ارضی شکایت میکنند و چون او توجهی نمی کند ابتدا تعدادی از پیرونده غاراپاره و وزیریز میکنند و قبل از هر کار رابطه تلفن آقای معاون را با خارج قطع مینمایند و سپس يك دست گلك جانانه بجناب معاون میزنند و سروگه او را میفشند . سایر کارمندان از ماجرا با اطلاع میشوند و بهر صورت جریانرا به

(۱) رئیس اداره اصلاحات ارضی در این تاریخ در قزوین نبوده است .

شهرداری و ژاندارمری و ارتش و سایر ادارات مانند فرمانداری و حتی سازمان امنیت اطلاع میدهند. در ضمن تعداد دیگری از چوب بدستها و ارداطاق کارچند کارمند که محل بایگانی اداره است میشوند و تعدادی پرونده را نابود می کنند. در این اثنا تعدادی کامیون ارتشی و پلیس فرامیبرسند و حدود ۴ نفر را میگیرند و بقیه فرار میکنند. اینجده راهمانجاد رزیرباتون خود خرد و خمیر میکنند و تا حالت نزع آنها را میزنند و لاشه های بیجان شان را وارد کامیونهای ارتشی نموده روانه زندان میکنند. این مراسم در حضور فرماندار ^{رئیس} ژاندارمری، فرمانده تیپ پادگان غزوی، رئیس شهرداری و رئیس سازمان امنیت برگزار میشود. ابتدا سازمان امنیت پرونده قطوری برای هریک از آنان ترتیب میدهد و ضمن تحقیق در مورد عاملین و محرکین، حدود هشت نفر دیگر را نیز ازده نامبرده احضار میکنند و آنان را نیز زیر شلاقهای خود میگیرند پس از تکمیل پرونده آنان بعنوان اخلاکگران و مخالفین انقلاب و قانون اصلاحات ارضی، چنان زهرچشمی از آنان میگیرند که دیگر چنین ماجرائی پیش نیاید. رژیم در کوبیدن اهالی این ده که بعنوان اعتراض بر علیه ظلم مأمور اصلاحات ارضی خواستارند، یکی ترین حقوق خود میباشند، موفق میشود. پس از پذیرائی گرم و پرونده سازی آنان را محاکمه کشیده و هریک را حدود ۲۰ سال زندان محکوم مینمایند.

اینست چگونگی رفتاریکی از ادارات. ادارای که مأمور بوده کردن پر سروصداترین مواد «انقلاب سفید رژیم» است و رژیمی که ادعای آزاد کردن دهقانان از زیر یوغ مالک دارد و رژیمی که مالک را از دهات بیرون میراند و خود با دند انهای زهر آکنیز زالبوار خونهای دهقانان زجر کشیده و ناتوانتر امیگد. اکثر تبیل از اصلاحات ارضی مالک و دهقان بنحوی یا هم کار میامدند و اگر بهره مالکانه یکی دو سال عقب میافتاد بهر صورت مالک با دادن امتیاز و در حالیکه مشاعده میکرد وضع محصول خوب نیست مکن بود بگذار دهقان بعد از سه سال بدهی خود را بهر دزد و بهر صورت ساله پدر منشان و کم و بیش بار و در بایستی

حلی می‌شده، ولی امروز یادگیری مستقیم ادارات دولتی با روستائیان، نه تنها در وضع اقتصادی زارعین بهبودی حاصل نشده بلکه در غالب موارد و در بیشتر دهات ملاحظه می‌شود که زارع پول خرید بذریه‌ها و ماشین آلات را نیز ندارند و از یکطرف نااندازه ای تضاد بین مالک و دهقانرا از بین برده، ولی از طرف دیگر تضاد بزرگتری را جانشین آن نموده است: " تضاد بین روستائیان و دستگاههای اداری "

د - رابطه زارعین با سازمان عمران قزوین دهکده (ج) :

هم اکنون پنج سال از فعالیت سازمان عمران در دهات دشت قزوین می‌گذرد این سازمان تا بحال موفق به پیاده کردن طرح در این دهکده نگردیده - است تا آنکه در اول سال جاری با هزار لک سازمان موفق به امضاء قرارداد و گرفتن توافق همکاری می‌گردد بعد از چند هفته اکیپهای نقشه برداری بسمروزمین می‌روند . هنگامیکه می‌خواهند مشغول کار شوند در مقابل خود یک تابلو مشاهده مینمایند باین عنوان : مهندس ، تکنسین ، راننده ، کارگر بدون اجازه حق ندارند پایزمین بگذرند . و گرنه خونتان بگردن خودتان . نقشه بردارها هنگام مواجه شدن با این تابلو روانه قزوین می‌گردند و روز بعد باتفاق مأمور اداره بازرسی سازمان و یک ماشین ژاندارم عازم ده میشوند . برخورد بین روستائیان و ژاندارمها صورت می‌گیرد که منجر بگرفتن و جلب تعداد ۲۰ نفر از آنها میشود و بزرگان قزوین منتقل مینمایند . اکیپهای نقشه برداری با اصطلاح پیروزمندان بکار خود مشغول میشوند . این مسئله نهایت اشتیاق روستائیان را به یک سازمان دولتی که سبیل و خلاصه شده مواد انقلابی مربوط بروستاهاست (اصلاحات ارضی ، شرکهای تعاونی ، سپاهیان ترویج و . . .) نشان میدهد ؟

و اینست نتایج درخشان و موفقیتهای چشمگیر انقلاب در بهترین روستاهای ایران و همکاری دلسوزانه روستائیان با رژیم حاکم ؟

هـ - روابط روستانشینان با اداره اوقاف و تعدادی از سردمداران رژیم:

دهکده (د) :

وضع ده - این ده در ۲۵ کیلومتری جنوب غربی شهر قزوین و در مذاقه عمرانیه سازمان قرار گرفته است دارای مساعدترین امکانات از نظر خاک و آب میباشد تنها عامل محدود کننده وجود بار ناحیه ای است که از زانندان محصول ناکندودی میگردد.

قبل از اصلاحات ارضی کلیه اراضی این ده در دست اوقاف بود که برای پهن سال بچند نفر (مالک) اجاره میداد و مال الاجاره زمین برای هر فرد (معادل ۲۲ هکتار) حدود ۱۰۰ تومان بود که این مالک بصورت نصفه کاری زمین را با زارعین میگاشت. بعد از اصلاحات ارضی و تقسیم زمین، و در شرایط فعلی هر ۲۲ هکتاری بردارد. ولی حدود سه سال قبل با کمک آقای سر رشته داری قاضی اداره اوقاف شهرستان قزوین، چندین نفر از ازمای ارتش و تعدادی از افراد بانفوذ در دستگاههای دولتی شروع به گرفتن و تصاحب اراضی این قریه نمودند. از جمله آنکه جناب آقای ارتشبد اویسی فرمانده ژاندارمری کل "حدود ۷۰۰ هکتار از اراضی که بین زارعین تقسیم شده بود بدست ۹۹ سال از اوقاف اجاره نمود به شرط آنکه برای شمره کار در یکسال ۲۵ ریال بپردازد یعنی سی اجاره سالیانه ۷۰۰ هکتار زمین میشود $۱۷۵۰۰ = ۷۰۰ \times ۲۵$ ریال

و نیز آقای سپید عاشی نژاد، آجودان مخصوص فرمانده گارد" با استفاده از نفوذ خود و کمک آقای سر رشته داری، حدود ۱۰۰۰ هکتار از اراضی زارعین را به همان مبلغ فوق اجاره نمود. ریال $۲۵۰۰۰ = ۲۵ \times ۱۰۰۰$

معهد این دو نفر بدون اطلاع اداره اوقاف هریک بترتیب ۳۰۰ و ۵۰۰ هکتار نیز خود مستقیماً از اراضی زارعین را به زور تصاحب نموده اند. بقیه افرادی که از این خوان بیغمانصیی برده اند بدین قرارند.

"دکتر - تنگانی" وکیل پایه ۱ دادگستری غزویں حدود ۲۰۰ هکتار
 "دکتر درودی" نماینده غزویں در مجلس شورای ملی حدود ۲۰۰
 "سردشتی داری" ۲۰۰

دو نفر دیگر هریک ۱۰۰ هکتار و جمعا ۲۰۰

جمع کل $۵۰۰ + ۳۰۰ + ۸۰۰ + ۷۰۰ + ۱۰۰۰ = ۲۳۰۰$

ملاحظه میشود که افراد نامبرده با استفاده از نفوذ خود و نیز با کمک دادگستری و اوقاف توانسته اند ۲۳۰۰ هکتار از بهترین اراضی را تصاحب نموده و زارعین بدون کوچکترین استفاده از زمین ملزم به پرداخت مال الاجاره اداره اوقاف میشوند. بهمین جهت مدت ۲ سال است که زارعین از پرداخت مال الاجاره به اوقاف سرپیچی نموده اند زیرا میگویند بهر فرد ۲۲ هکتار زمین بدو هکتار تاویل اوقاف را بدیم. در شرایط کنونی ما ظاهر از زمین داریم ولی در عمل صاحب زمین نیستیم. هرگاه مال الاجاره امرای ارتش را به اوقاف برای هر فرد (۲۲ - هکتار) حساب کنیم خواهیم داشت. تومان $۲۲ \times ۲۵ = ۵۵۰ = ۵۵$

بعبارت دیگر حق الاجاره غاصبین زمین حدود نصف حق الاجاره زارعین - اصل است. فقط سازمان عمران در سال ۴۴ به فرد دوجاه عمیق اقدام نموده و در شرایط کنونی فقط ۱۴۰ هکتار از اراضی زیر کشت نباتات زراعی و باغات احداثی از آب این دوجاه مشروب میشوند. بهمین علت است که از ۱۲۰ فرد زارع حدود ۵۰ یا ۴۰ نفر آنان بیکار بوده و بطور روزمزد به کارگری در اراضی دعوکه که در دست افراد فوق الذکر است مشغول اند و برای مدت ۶ ماه از سال یعنی مدت کار کشاورزی روزانه ۱۰ تا ۱۵ تومان و بعضی نیزه ۶ تومان

میگیرند و بقیه ایام سال را مجبورند به قزوین بروند و کارملکی بگیرند عده ای نیز که در زمین نمیتوانند یا در روز مزد کار کنند اتمام در قزوین بکار شاگرد بنایی مشغولند و روزانه ۷۰۱۰ تومان از ایمن بیایست مزد میگیرند. خلاصه آنکه وضع زارعین این ده بسیار رقت آور است. آنها از اداره اوقاف و نیز افراد فوق الذکر بسیار در خور و شاکی بودند و میگفتند تا کون آقای هاشمی نژاد به چاه عمیق و آبپسی چاه عمیق حفر نموده است آنها با هزاران کک و پاکک دستگاههای دولتی (وزارت آب و برق و غیره) توانسته اند علیرغم قانون ملی شدن آبهای زیرزمینی "و ممنوعیت حفر چاههای شخصی اقدام به حفر چاه نموده و پیش از هزاره کشاورزان این قریه راه زیر کشت صیفی جات چغندر قند و گندم و جو و غیره ببرند.

II- سوء استفاده و تبانی اولیه اصلاحات ارضی در مورد مسائل اصلاح ارضی روستا:

مثال ۱ - در تابستان سال ۴۶ یکی از مأمورین اداره اصلاحات ارضی (قزوین) برای تعیین میزان مال الاجاره در مرحله دوم قانون اصلاحات ارضی بیک از دهات منطقه الموت واقع در شمال شرقی قزوین میروید و با زارعین و مالک ده وارد گفتگو میشود پس از مذاکره و تحقیقات لازم در مورد بهره مالکانه میزان مال الاجاره برای هر فرد (حدوده هکتار زمین) معادل ۳۵۰ تا ۴۰۰ تومان میگردد.

(۱) این مسامح در مقابل اصلیتی در اداره اصلاحات ارضی نبوده بلکه برای چندین ماه بآن اداره منتقل شده است و بطوریکه خودش نقل میکرد "این جانب بعلمت وارد نبودن به فوت و فن کارچندین بار از گرفتن رشوه مالکین امتناع و حتی برای آنها در سر نیز فراهم کرده است و این حاکی از افکار ابلهانه بوده زیرا معلوم شد که اگرچندین برابر هم میگیریم آب از آب تکان نمیخورد"

میگفت نظریا اینکه مالک با داشتن زندگی مرفه و کاملاً مدرن درده پس از تعیین مقدار مال الاجاره بمیزان فوق شروع به گله و شاییت نموده از باین بودن مقدار آن اظهار تاخشنودی کرد و گفت وضع من بسیار ناجور است در حالیکه من با چشم خود ناظر سر و وضع زندگی او و سایر عاقلها بودم از اظهارات او بسیار ناراحت شدم و علیرغم خواست او تصمیم به تقلیل میزان آن گرفتم. در این موقع با کتایه و اشاره خواست بمن وعده رشوه بدهد ولی از شدت عصبانیت میزان مال الاجاره سالیانه هر فرد را به ۱۲۰ تومان کاهش دادم بلافاصله مالک از شدت ناراحتی از طایق بیرون رفت و من بدون موافقت او گزارش را امضا و تسلیم مقام بالا تر نمودم (بطوریکه نامبرده اظهار داشت این اولین ماموریت او در این اداره بود).

مثال ۲ - در اسفند ۱۳۴۶ یکی از مأمورین اداره اصلاحات ارضی (مأمور در مثال یک) بیک از دهات دشتابی منطقه قزوین اعزام میشود. وی برای تعیین میزان مال الاجاره با زارعین تماس میگیرد و وضع بهره مالکانه را قبل از اصلاحات ارضی مورد بررسی قرار میدهد و نظر مالکین را نیز مورد توجه قرار میدهد سرانجام تا حدود امکان مبلغ مناسبی تعیین میشود. در حین تنظیم قرارداد یکی از مالکین به نمایندگی دوفرد دیگر چکی بمبلغ ۱۰۰۰۰ تومان و بتاريخ ۲۸ اسفند ماه تسلیم اوست نماید تا در مقدار مال الاجاره بنفع او تجدید نظری بنماید. او گفت: " ولی نظریا اینکه شرایط اداری وضع خاصی داشت و من خیال میکردم که با این وسیله میخواهند پرونده مرا خراب کنند. (زیرا در این تاریخ تلاش میکردم که بهترین منتقل شوم) بهمین علت روز بعد مالک را احضار و بحال خشم و عصبانیت چک را به او پس دادم " مالک گفت " آقای... این شیرینی شماست. " و معمولاً مأمورین آنرا قبول میکنند.

بعداً معلوم شد حسابهای من عدد در صد اشتباه بوده و هیچگونه منظور خاصی در کار نبوده است. (علیرغم احتیاج مردم به آن در شب عید)

مثال ۳ - تبارانی رئیس اداره اصلاحات ارضی منطقه قزوین

بامالکین عمده و سو^۱ استفاده های کلان او:

مشاریه از اواخر سال ۱۳۴۲ تا اوائل سال ۱۳۴۷ رئیس اداره اصلاحات ارضی قزوین بود. اوچه در زمان تصدی شغلش وجه قبل از آن (در دوران دانشجو) یکی از قماربازان معروف و کهنه کار بود. پس از اهر از این مقام و چندین ماه کار توانسته بود بکلیه رموز و فوت و فن های اداری آن * تبانی بامالکین و تقسیم عایدات بین مقامات بالاتروکم و بیشتر جلب رضایت کارمندان و همکاران^۲ پی برده و تسلط کافی بدست آورد و با تمام روسای ادارات و سازمانهای دولتی شهر درخور بود و در تمام جلسات و شب نشینی های آنان و رجال شهری و مالکین عمده شرکت میکرد و این بهترین زمینه شغلی را برای او فراهم ساخته بود بعنوان نمونه در مورد تقسیم اراضی مربوط به یکی از قرا^۳ (قریه شهرستان) آقای داود وکیل گیلانی (۱۱) از مجموع ۷۰۶۰۰۰ تومان پول زمین که زارعین باید به مالک بپردازند $\frac{1}{3}$ مبلغ فوق (حدود ۶۰۶۰۰۰ تومان) را توانست نقد از بانک کشاورزی دریافت و به حساب زارعین بمالك بپردازد. بقیه را نیز در طی چندین سال زارعین ملزم به پرداختن آن گردیدند و در قبال این کار مالك نامبرده ۵۰ هزار تومان به آقای - رئیس اداره اصلاحات ارضی و ۱۰ هزار تومان نیز به سه نفر از کارمندان مربوط - اهدا^۴ نمود. (جمع اهدائی $\frac{1}{3}$ مبلغ ۶۰۶۰۰۰ تومانی است) او (رئیس اداره اصلاحات ارضی) توانست در عرض دو سال کار در سال ۴۵ يك منزل ۳۵۰ هزار تومانی در شهر آرا تهران خریداری نماید.

مثال ۴ - تبانی مالك با نماینده اصلاحات ارضی در دستگاه (ه) :

در هنگام تقسیم اراضی در سال ۱۳۴۲ مالك به اداره اصلاحات ارضی رفت و درباره مکانیزه کردن اراضی و امکانات کشت و غیره با مقامات اداره اصلاحات

(۱) نامبرده یکی از ملاکین معروف و صاحب و مالك سه چهارده است و در -

سالهای اخیر نیز يك دوره شهر دار قزوین بود.

ارضی مذاکره نمود و بهر شکل (بادادن رشوه و غیر ذلك) توانست موافقت آن اداره را در مورد واگذاری قسمتی از اراضی بمالك جلب نماید و بقیه را بین زارعین تقسیم کند. بهمین جهت نماینده اصلاحات ارضی به ده آمد . مدیر عامل شرکت تعاونی که قبلاً نماینده و مباشر مالك در ده بود بعنوان نماینده زارعین انتخاب شد تا با کارمندان اداره اصلاحات ارضی در مورد تقسیم زمین مذاکره نماید . نماینده - اصلاحات ارضی گفت " مادر مورد تقسیم اراضی طرفدار زارعین هستیم نه مالك " پس از بازدید از زمین ها نماینده زارعین با مالك و کارمندان اصلاحات ارضی نشستند و در مورد چگونگی تقسیم و نوع و محل زمین ها ای که باید بمالك داده شود تصمیم گرفتند . پیداست در این ماجرا پس از تماسهای قبلی مالك با اصلاحات ارضی از یکطرف و نماینده زارعین که بطور طبیعی زیرسلطه مالك است از طرف دیگر نتیجه کار بنفع که خواهد بود . تصمیم گرفتند که $\frac{2}{10}$ از بهترین و مرغوبترین اراضی از آن مالك (۱) و $\frac{3}{10}$ دیگر که نامرغوب و بدون آب بود را اختیار رریا قرار گیرند . در این مورد یکی از اهالی همچنین گفت " موقع تقسیم زمین نماینده اصلاحات ارضی با مالك و نماینده زارعین که زیرسلطه مالك است در اطاعت نشسته بودند و خدا میداند چه قدره او پول دادند . مادر خارج از اطاعت و در حیات بودیم و آنها بهترین زمینها را به مالك دادند " از ذکر این نکته نیز غافل نشویم که جناب مالك یکی از وکلای

- (۱) این زمینها دوزیت اساسی داشت . ۱- بخاطر مرغوبیت و جنس خاک و عمق آن بر $\frac{3}{10}$ بقیه اراضی ده برتری داشت .
- ۲- تمام این اراضی میتوانست از آب سیلاب وضع حد اکثر بهره برداری را بنماید در حالیکه چنین امکانی برای $\frac{2}{10}$ بقیه وجود نداشت .

معروف (۱) دادگستری است. در شرائط حاضر ۶۰٪ از اراضی زارعین بایر و بلا استفاده مانده زیر امنبع آبی وجود ندارد و فقط در ۳۰٪ بقیه، سازمان عمران با حفرد و جابه‌جایی عمیق مقداری فعالیت دارد. ۱۰٪ بقیه در یم کاری شده ولی راندمان نزدیک به صفر است. در حالیکه همه زمینهای مالک (۲) همه ساله تحت کشت صیفی، جالیز و گندم و جو است و بهترین راندمان محصول از آن اوست.

(۱) سیف الدین شهیدی

(۲) کلمه "مالک" در مورد یک ده صادقی است ولی از نظر عمومی و با متایسه با مالکین واقعی اینگونه افراد خرد مالک محسوب میشوند.

III- کیفیت ایجاد اراضی مکانیزه در بعضی از دهات :

این مسئله بدو صورت تحقق پذیرفته است . الف - مکانیزه تلقی کردن اراضی از طریق اخراج روستائیان از روستا و استخدام کارگر روز مزد کشاورزی بجای آنان .

ب - مکانیزه قلمداد شدن بخشی از اراضی مغوب از طریق تباکی مالک بامامورین اصلاحات ارضی و تخصیص بقیه اراضی بزارعین و تقسیم بین آنان .

الف - حالت اول برای سه قریه از نژاد غزویین ذکر میگردد :

۱- یزید - همان قریه ایست که کارخانه قند غزویین اکنون برویانه های آن بنا شده است بنای این کارخانه از اوایل سال ۱۳۴۴ شروع شد ساختمان این ده مثل بسیاری دیگر از دهات غزویین از آن مالک است بهمین جهت قبل از طرح ساختمان کارخانه قند حدود سال ۱۳۴۳ تمام خانه های ده که رازیپرچرخه^ی بولدوزری خاک یکسان ۲۵۰۰ خانوار را که حدود ۱۵۰۰ نفر میشدند یکباره از ده بیرون وی خانمان کرده قبل از اصلاحات ارضی و ویران کردن ده مالک اراضی ده را بایر کرده مالکانه $\frac{1}{4}$ بازارعین میگشت ولی پس از احداث کارخانه باحفر چند چاه عمیق تمام اراضی این قریه را که غالباً به سبب خوری برای چغندر رشد مناسبند بکشت این گیاه پرداخت و چغندر رشد مستقیم در کارخانه مورد استفاده قرار گرفته مالک ده (۱) علاوه بر این، سه ده که دیگران نیز مالک است ولی انتخاب طرح ساختمان کارخانه قند در این محل یکی شور بودن اراضی این ده که باکشت چغندر رشد فقط میتوانست حد اکثر اندامان و نایبات را داشته باشد و دیگر موقعیت این ده که تفریب در دهات داشت قزوین قرار گرفته است. مالک ده در شرایط فعلی برای اراضی مکانیزه اش در دهات مختلف که تجاوز از ۲۰۰۰ هکتار میشود حدود ۷۰ تراکتور تعدا دی بولدوزر و تراکتور زنجیری، دسک، کمباین و سایر ماشین آلات کشاورزی مکانیزه دارد. علاوه بر این بابکار انداختن این ماشین آلات در دهات اطراف نیز به استثمار زارعین می پردازد .

(۱) داود وکیل کیلانی و برادرانش . نامبرده چند سال پیش شهردار قزوین بود .

۲ - ابراهیم آباد یافته - آقای یافته مالک ده قبل از اصلاحات ارضی در منطقه به بیرون کردن زارعین پی پرداخت و ضمن خواب کردن ده بجای آن یک ساختمان مجلل و یک پارک زیبا برای خود و خانواده اش میسازد اراضی این ده بسیار مرغوب و حاصلخیز و شرایط آب دهی منطقه نیز برای حفر چاه عمیق بسیار مناسب است تاکنون ۵ چاه عمیق حفر نموده است و برای کار در مزارع کارگران کشاورزی استخدام نموده است. حقوق کارگران بین ۱۵-۸ تومان در روز است تعداد انگشت شماری از آنان را برای تمام مدت سال استخدام نموده از قبیل موتوربان چاه، محافظ پارک و ساختمان آن و بقیه برای مدت محدودی حداکثر ۶ ماه برای امور کشاورزی بطور روزمزد مشغول کار هستند. تعدادی زن نیز با حقوق ۷-۵ تومان در روز معمولاً در فصل تابستان برای کارهای سبک کشاورزی استخدام مینماید. مالک مزبور علاوه بر فعالیت در این قریه تعدادی چاه عمیق دیگر نیز در بسیاری از دهات قزوین دارد و در همه آنها از طریق استخدام کارگران کشاورزی به کشت مکانیزه اقدام نموده است.

۳ - حسین آباد :

در اوایل سال ۴۱ قمارن با قانون اصلاحات ارضی، مالک این ده به فکر کشت مکانیزه افتاد و چون هنوز ماشین اصلاحات ارضی بآن اطراف نیامده بودند فرصت را غنیمت شمرده یک بولدوزر سنگین به ده آورد و گلیه ساختمانهای ده را که مسکن بینر از ۷۰ خانوار زارع یعنی حدود ۴۰۰ نفر میشد با خاک یکسان کرد. درست در لحظه ای که بولدوزر مشغول انجام عملیات بود پیرزنی نیز در منزل خود در کنار تنور داشت نان می پخت. پیرزن بیچاره از راننده بولدوزر اجازه خواست که پس از انجام کارش منزل او را خراب کند ولی با اجازه ندادند و هر چه التماس کردند نتیجه نبخشید و سرانجام بآتنور داغ منزل را ترک و با فرزندانش روانه قزوین گردید. نکته قابل توجه در این ماجرا اینست که مالک این ده دارای چهار ده دیگر نیز هست و او در حین کار کردن بولدوزر که خدایان این دهات و تعدادی از طرفدارانش در این دهات را با خود میبرد تا در صورت مقاومت اهالی ده آنها را بیرون کنند ولی او با هیچگونه عکس العملی مواجه نشد. که خدای یکی از دهات مزبور در این باره گفت: "من نیز از جمله کسانی بودم که بکلمه ارباب مرا برده بودند و وقتی با چنین صحنه ای مواجه شدم سخت ناراحت شدم و بلافاصله برگشتم راستی هم که باچه ظلمی زارعین را از مسکن و ماوای خود بیرون کردند."

بعد از این جریان زارعین دسته جمعی در مورد حادثه "حسین آباد" از مالک با اصلاحات ارضی شکایت میکنند مبنی بر این که: "حسین آباد را ما مالک خراب کرده و ما را بی خانمان گذاشته". و به همین جهت مالک بارشوه داد. ما مورد اصلاحات ارضی را بده دیگری بنام "حسین آباد" مینویسند (که یکی دیگر از دهات اوست) میبرد و وقتی ما موردی بیند که ده بجای خود باقی است و آب از آب تکان نخورده گزارش میدهد که شکایت زارعین بی اساس بوده و حسین آباد به هیچوجه خراب نشده است. با این ترتیب سرتوبه قضیه بهیچ می آید و زحال حاضر مالک با خرد و چاه عمیق و دو چاه نیمه عمیق اقدام بکشت مکانیزه از طریق استخدام کارگران کشاورزی نموده است.

ب - تبانی با مأمور اصلاحات ارضی و تصاحب زمین بنام مکانیزه :

این مورد را میتوان به ~~تبریز~~ اراضی دهکده " قدیم آباد " ذکر کرد زیرا پس از اصلاحات ارضی و متان با پیاده شدن قوانین مرحله اول آن در این ده ، مالک با کمک و هم دستی مأمورین اصلاحات ارضی و پرداخت رشوه کافی بآنان حدود نیعی از بهترین اراضی (۱۲۱) هکتار اختیار یکفرآورد ریاجانی بنام " تبریزیان " قرار میدهند با این قرار که نامبرده با حق تعدای چاه عمیق اقدام به کشت مکانیزه نماید به همین جهت شخص اخیر اندک حدود ۱۲۰۰ هکتار از اراضی را بعد از ۵ ساله و سالبانه ۳۰ هزار تومان اجاره مینماید . نامبرده تاکنون اقدام بحفر چهار چاه عمیق و هشت چاه نیمه عمیق نموده و با استخدام کارگران بیکار کشاورزی در ده مذکور سایر دهات اطراف ، به استثمار آنان پرداخته و روزانه بین ۱۲ - ۲ تومان بازاء ۱۴ ساعت کار در حصول کار اجرت بآنان میپردازد در حالیکه بهترین عایدات را از محصول خود چغندر ^{مثل} رنگد ، پیونجه جو و گندم و جالبی دارد . زارعین در ۱۲۰۰ هکتار بقیه که بین ۱۲۸ فرد زارع تقسیم شده مشغول کارند و شاید از این مقدار زمین فقط حدود ۲۰۰ هکتار قابل استفاده است زیرا حدود ۱۰۰ هکتار از آن سرا با خرید آب از جاهای سازمان عمران مشروب میسازند و ۱۰۰ هکتار دیگر را اختیار سازمان عمران قرار داده این سازمان با حفرت سه چاه عمیق فقط توانسته ۱۰۰ هکتار را بزرگشت در آورد و بخاطر مقررات خاص خود در مورد عدم تجویز فعالیت در اراضی شور و قلیائی نتوانسته است بتوسعه کشت خود در سالهای اخیر همت گمارد . در صورت استفاده درست از زمین و آب میتوان حد متوسط ۳۰۰ هکتار را با آب موجود آبیاری نمود .

(۱) ده نامبرده هم دارای زمینهای مرغوب و هم نامرغوب و شور و قلیائی است . مأمور اصلاحات ارضی سعی میکند در تقسیم زمین بین مالک و زارع تقریباً تمام زمینهای بدون محدودیت کشت را بنام مالک و بقیه را که بسیار وضع ناجوری دارد در بین زارعین بینوا تقسیم کند و همین کار را هم بشمار و کمال انجام میدهد .

استثمار در روستاها با توسیله مالکین یا قشر مرفه روستا از طریق مالکیت

ابزار تولید (تراکتور، تلمبه، کمباین ...)

در دهات مورد مطالعه مسئله مالکیت ابزار تولید کشاورزی از قبیل تراکتور، خیش، دیگ، بولدوزر و کمباین و استفاده آنها غالباً بوسیله خرده مالکین یا قشری کدر روستا بعنوان قشر مرفه محسوب شود انجام میگیرد. تعدادی مالکین عمده نیز وجود دارند که با داشتن وسائل مکانیزه کشاورزی ضمن استفاده از آنها در اراضی مکانیزه خود به استثمار زارعین در دهات اطراف کشت مکانیزه خود پرداخته اند. از آنجهت میتوان د اودگیلانی (شهر در سابق قزوین) زانام بردنشارا^{لیه} یاد داشتن حدود ۴۰۰۰ عکار اراضی مکانیزه در زیر کشت و در بیش از سه دهه دارا^ی حدود ۲۰ تراکتور تعدادی بولدوزر و کمباین است از این ماشین آلات علاوه بر استفاده در اراضی مکانیزه خود برای هر هکتار شخم با تراکتور مبلغ ۴۰۰ ریال و هر هکتار سبک مبلغ ۱۴۰ ریال دریافت میدارند به علاوه در اراضی که زارعین در خواست تسطیح نمایند، برای هر ساعت کار بولدوزر (خاکبرداری و خاکریزی) در بعضی موارد نادر و با تسطیح اکثراً مبلغ ۲۰۰۰ ریال پرداخت میشود.

قشر مرفه روستا با داشتن مقدار زیادی اراضی و درآمد نسبتاً بالا نسبت به سایر قشرهای روستائی (زارع و خوش نشین) در غالب دهات دارای وسائل مکانیزه تولید میباشد. اینها از یک طرف با مالک ده دارای وابستگی بوده و در بعضی دهات^{ها} حافظ منافع او میباشد. و از طرف دیگر بعد از جریان اصلاحات اراضی با دادن رشوه و سایر فواید و فتنهای اداری سعی کرده اند همان مقدار زمین قبل از اصلاحات ارضی را در اربابانند و با حفظ این مساحت زیاد اراضی با افتتاح انجمنها^ی ده شرکهای تعاونی و بانک کشاورزی و غیره بانحاء مختلف خود را پیشقدم کرده سعی کرده اند در هیئت مدیره شرکهای تعاونی روستائی و یاد رانجمنهای ده سمتهای عهده دار شوند و در حقیقت با استفاده از قدرت خود در این مؤسسات دولتی و با موقعیت مالی خود با استثمار قشر دوم روستا (زارع) و قشر سوم (خوش

نشین و فقیر) بپردازند. قشردوم بوسیله ماشین آلات کشاورزی و قشردوم از طریق کار کردن بنا و روز مزد در مزارع استثمار میشوند.

زیلا چند مورد ذکر میگرد:

الف - دهکده (و) : سناتور جمعری نماینده مجلس سنا از قزوین مالک قسمتی از اراضی این ده است در طی بازدیدی که در سال ۱۳۴۷ از این ده بعمل آورد، بمنظور اصطلاح خیرخواهی، روستا نشینان را تشویق به ساختمان یکپارچه در دهستان نمود. که خدا حسب الامر جناب سناتور شروع به جمع آوری پول نمود. اهالی ده هریک بسته به توانائی خود از پنج تا بیست تومان دادند. جمع کل پول بالغ بر ۱۵۰۰۰ تومان گردید. مدتی گذشت ولی از ساختمان دهستان خبری نشد. تا آنکه اهالی ده یکروز که خدا را بایک دستگاه تراکتور دیدند که از تهران آمده است. فشار اهالی در مورد ساختمان دهستان بجائی ترسید و او به استفاده و بهره برداری از تراکتور در زمینهای خود پرداخت و موقعیکه از تراکتور استفاده نمیند آنرا اجاره میداد و برای هر هکتار ۵۰ تومان دریافت مینمود و بدینوسیله با استثمار آنان بپرداخت. ناگفته نماند که که خدا قیلا مشرف اراضی جناب سناتور در این دهکده بود و با استفاده از نفوذ قبلی خود توانست به این سمت برسد. ضمناً همین عالیجناب در اثر سوء استفاده های فراوانی که در شرکت تعاونی روستائی ده نمود سرانجام در طی زد و خوردی در ده بدست روستا- ثیان بقتل رسید.

ب - دهکده (ب) : دو برادر از ثروتمندترین افراد این ده محسوب میشوند. آنها در حقیقت خرده مالکانی هستند که مالک بیش از ۸۰ هکتار از اراضی میباشند این هر دو از اعضاء عیالت مدیره شرکت تعاونی میباشند هریک در حدود ۶۰ سهم (۳۰۰ تومانی) دارند. و حداقل هریک پنج برابر مقدار پول سهام خود از تأسیس شرکت تعاونی تا کنون سالیانه وام گرفته اند که برابر ۱۵۰۰ تومان است. بقسار اطلاع در چند سال اخیر از پس دادن وامهای

شرکت تعاونی خودداری نموده و در نتیجه شرکت تعاونی با کمک ژاندارها ۱۲٪ بهره در هر سال وام را از آنها پس گرفته است. ایندو فعلاً ۲ تراکتور دارند و برای هر هکتار ۴۰۰ نفر تراکتور ۱۵۰ ریال میگیرند. ضمناً برای اینکه وضع در آمدشان بالا رود یکی از آنها راننده تراکتور سازمان عمران است و روزانه ۱۵۰ ریال حقوق میگیرد. او تعدادی کارگر کشاورز را راضی خود بطور روز مزد استخدام نموده و بدینوسیله فقیرترین قشر روستائی را نیز اشتغال نموده است.

ج - دهکده (ز) : در جهل کیلومتری جنوب شرقی قزوین واقع شده دارای حدود ۹۰ خانوار یا ۴۵۰ نفر جمعیت است. توزیع زمین برحسب جمعیت طبق جدول زیر است.

درصد زمین	درصد جمعیت
۴۵٪	۴/۵٪
۵۵٪	۶۴/۵٪
بدون زمین	۳۱٪
۱۰۰٪	۱۰۰٪

ملاحظه میشود که ۴۵٪ از اراضی ده درست چهار نفر است و اگر هر نفر را رئیس یک خانواده و هر خانواده را بطور متوسط ۵ نفر حساب آوریم بیست نفر شده و همان ۴/۵٪ از جمعیت را تشکیل خواهند داد. از این چهار نفر یک نفر صاحب ۳۰ هکتار زمین و یک تراکتور، یک نفر صاحب ۲۰ هکتار زمین و دو نفر دیگر مجموعاً دارای ۱۵۰ هکتار یا یک چاه عمیق و یک تراکتور میباشند. بنابراین در ده دو تراکتور وجود دارد که علاوه بر بهره برداری آنها در این اراضی میتوانند اراضی زارعین دیگر و نیز اراضی دشت اطراف آنرا شخم زده و بسته بنوع زمین هر هکتار ۵۰۰-۴۰۰ ریال دریافت دارند.

۳۱٪ از مردم ده که بدون زمین میباشند بطور روز مزد و بصورت کارگر کشاورزی و حد

اکثر ۶ ماه از سال در زمین های خرده مالکان فوق الذکور نیز زمین های دهات مجاور کار کرده و بقیه اوقات سال را در قزوین بکارگری بنفای و غیره اشتغال دارند .

در طی صاحبی بایکی از این خرده مالکین نامبرده اظهار داشت که برای درو کردن و کوبیدن گندم هایم از کمباین استفاده می کنم که هر سال از اطراف گرگان به ده ماوسا پرد هات مجاور می آید این کمباین متعلق بیکی از مالکین عمده دشت گرگان است و در فصل برداشت گندم و جو باین جا می آید و گفت بابت برداشت گندم بطور کلی ۱۲٪ از کل محصول را بر میدارد بایک محاسبه ساده معلوم شد که کمباین هر هکتار معادل ۱۵۰۰ ریال بحساب درو کردن و کوبیدن تمام - میشود .

ملاحظه میشود که از یک طرف خرده مالک صاحب ۳۰ هکتار زمین با داشتن یک دستگاه تراکتور خود زارعین و خوش نشین ها و یا طبقه متوسط و فقیر دهقانها را استثمار میکنند و از طرف دیگر خود نیز توسط یک مالک گردن کلفت دیگر استثمار میشود (صاحب کمباین) .

اطلاعات مربوط به وامهای پرداختی بانک کشاورزی و شرکتهای تعاونی روستائی:

وضع شرکتهای تعاونی روستائی در چندین دهکده به شرح زیر است:

الف - دهکده (ب): بطوریکه در صفحات قبل نیز ذکر شده این دهکده در ۹ کیلومتری جنوب غربی قزوین در سرجاده اسفالته قزوین همدان قرار دارد دارای حدود ۳۲۰ خانوار جمعیتی برابر ۱۷۰۰ نفر است شرکت تعاونی آن در سال ۱۳۳۹ تأسیس شده و در آن سال تعداد کل اعضای شرکت به ۱۹۰ نفر رسیده هیأت مدیره شرکت تعاونی شامل یک مدیر عامل، یک رئیس هیأت مدیره و دو بازرس و دو نفر از معتمدین ده میباشد. مدیر عامل قبلی شرکت نماینده مالک سابق ده بود ولی مدیر عامل فعلی (۱) یکی از افراد مرفه الحال به حساب میآید. رئیس هیأت مدیره پیرمردی است ۶۵ ساله که در قشربیان حال دهقانان از نظر طبقه ای قرار گرفته است بخیر از دو نفر حد اکثر سهام شرکت متعلق به مدیر عامل قبلی و مدیر عامل فعلی است که هر یک ۳۰ سهم دارند که برابر ۱۵۰ تومان در سرمایه اولیه شرکت سهیمند (هر سهم شرکت برابر ۵ تومان است) اینان از تأسیس شرکت تا کنون عریک سالیانه ۱۵۰۰ تومان یعنی ده برابر مبلغ سهام خود وام از شرکت دریافت داشته اند حداقل وام یکسانی تعلق گرفته است که ۸ سهم (۴۰ تومان سرمایه) در شرکت داشته اند. آنها به ده نفر میسند و هر یک ۵ برابر مبلغ سهام خود یعنی ۲۰۰ تومان وام گرفته اند علاوه بر مدیر عامل شرکت دو نفر از خرده مالکان ده نیز دارای حدود ۸۰ هکتار زمین اند و هر یک ۶۰ سهم دارند و هر یک ۱۵۰۰ تومان وام گرفته اند و در سالهای اخیر نتوانسته اند ویا نخواسته اند وام شرکت را بپردازند سرانجام شرکت با کم و اندام ویا ۱۲٪ بهره پول را از این دو نفر گرفته است. بهره سالیانه وامهای شرکت از این قرار است:

سال اول بهره ای معادل ۶٪ سال دوم ۸٪ از سال سوم به بعد ۱۲٪

(۱) مدیر عامل فعلی شرکت تعاونی در حال حاضر گداز و دهبان رسمی دولتی

نیز هست.

نکته مهمی که در مورد محاسبه بهره باید در نظر داشت اینست که در موقع پرداخت وام شرکت میزان بهره سال اول را نیز محاسبه نموده و از مبلغ وام کم میکنند مثلاً کسی که دارای ۱۸ سهم بوده (تومان $90 = 18 \times 5$) و بخواهد ۴۵۰ تومان وام دریافت نماید بجای ۴۵۰ تومان فقط ۴۲۳ تومان (۲۷-۴۵۰) بگیرد بهره این وام در سال دوم و سوم از این قرار است

$$\text{سال دوم تومان } 450 \times \%8 = 36$$

$$\text{سال سوم } 450 \times \%12 = 54$$

طریقه توزیع سهام شرکت از این قرار است.

دو نفر هر یک ۶۰ سهم (دو برابر خرده مالک و صاحب یک تراکتور)

دو نفر هر یک ۳۰ سهم (مدیر عامل قبلی و فعلی) .

رئیس هیأت مدیره و بازرسان شرکت و معتمدین ده هر یک بین ۱۷ الی ۲۰ سهم داشته اند. ده نفر هر یک ۸ سهم (فقیرترین اعضا) و بقیه که اکثریت اعضا را تشکیل میدهند بین ۱۵ - ۱۰ سهم دارا هستند.

در یکی دو سال اول تأسیس شرکت همه روستائینان اعم از خرده مالک، صاحب نسق و خوش نشین میتوانند عضو شرکت باشند. ولی از سال ۴۱ به بعد خوش نشین ها و تمام کسانی که فاقد نسق زراعی باشند (زمین و آب) از عضویت شرکت محرومند. آنان باید نان بخور و نمیری را بشکل کارگر روز مزد کشاورزی در بخشی از سال بدست آورند.

وضع استرداد وام‌ها توسط زارعین

نظریاتی که تاریخ پرداخت وام‌ها در سال تا میس، بزارعین در اول آذرماه بود لذا باید اول آذر در سال مبلغی در حدود صد هزار تومان وام را از زارعین دریافت و سرپرست شرکت تعاونی تحویل داد این کار معمولاً توسط مدیرعامل و اعضاء هیأت مدیره انجام میگردد ولی در بسیاری از موارد سرپرست شرکت مجبور میشود مبالغ وصول نشده را با جراگدار و توسط وندارم وام‌ها را از زارعین دریافت نمایند چون زارعین توانایی پرداخت آنرا ندارند از این و آن غرض میکنند و در اکثر موارد مجبورند - گوسفند و یا حتی وسایل منزل را بفروشند و یا دولت با اصطلاح درنیفتند و تا بحال حتی چند نفر بحالت عدم پرداخت وام (عدم قدرت پرداخت) روانه زندانها شده اند. رئیس هیأت مدیره که در ردیف دهقانان میانه حال است تاکنون (۹ سال) نه توانسته مبلغ ۴۵۰ تومان وام خود را بپردازد و از شرکت خارج شود. تاکنون فقط ۸ نفر توانسته اند وام‌های خود را بتمام و کمال بابت‌هه های معین بپردازند و از عضویت شرکت استعفا دهند. و بقیه (اکثر) هنوز به شرکت بد هکارند و هر وقت توانستند وام خود را بپرداخت کنند آنوقت است که برای همیشه از عضویت شرکت خارج خواهند شد.

یکی از اعضاء شرکت تعاونی که نیز صاحب نسق زراعی است دارای مغازه عطاری و سقط فروشی ده میباشد. اوستاد فروش نفت از طرف شرکت است. قیمت نفت هر لیتر ۲ ریال است. شرکت تعاونی یک تانک نفت در اختیارش قرار داده تا احتیاجات نفت ده رانان مهین کند. به طور متوسط ماهی دو بار در تابستان و سه بار در زمستان اوبقروین می رود تانک را پر میکند و بده می آورد.

ب - دهکده (ح) :

تعداد خانواد ۱۰۰ و جمعیت حدود ۶۰۰ نفر است. از ۱۰۰ خانوار ۹ خانوار صاحب نسق زراعی هستند و ده خانوار بقیه بدون آب و زمین اند. تعداد آنها حدود ۱۰ نفر یا به عبارت دیگر خوش نشینها ۱٪ از کل جمعیت ده را شامل میشوند.

تأسیس شرکت تعاونی روستائی در اول تیرماه ۱۳۴۳ است. شرکت با سرمایه ای برابر ۷۵۵۰ تومان شروع بکار نمود و مدیر عامل شرکت تعاونی در همان رسمی ده بوده و در ردیف دهقانان مرفه ده محسوب میشود.

بعد از پنج ماه از تاریخ تأسیس شرکت یعنی اول آذرماه ۴۳ مقدار ۴,۰۰۰ تومان وام بین ۱۰۰ نفر اعضاء شرکت تقسیم گردید. مدیر عامل ابتدا ۲۰ سهم پنج تومانی داشت و سپس ۱۰ سهم دیگر خرید و جمع سهام او به ۳۰ رسید. غیر از مدیر عامل چهار نفر دیگر از اعضاء هیأت مدیره شرکت نیز هر یک ۳۰ سهم داشتند و به اینها نیز مانند مدیر عامل بهر مبلغ ۱۰۰۰ تومان وام تعلق گرفت. از مجموع ۱۰۰ عضو شرکت ۶۰ عضو هر یک ۱۰ سهم برابر ۵۰۰ تومان در سرمایه سهم داشتند. و هر یک ۲۰۰ سهم بملغ ۲۰۰ تومان گرفتند و بقیه یعنی ۳۰ عضو دیگر ۳۵٪ اعضاء هر یک ۲۰-۱۵ سهم دارا هستند افراد یک ده دارای ۲۰ سهم - بودند نیز بین ۱۰۰۰-۸۰۰ تومان وام گرفتند. ولی صاحبان ۳۰ سهم با این که میتوانند بیشتر وام بگیرند از ترس عدم قدرت پرداخت وام از دریافت آن خودداری

از آورده ۴۳ تا آورده ۴۴ یعنی در سال اول تأسیس شرکت دریافت وام، میزان بهره ۶٪ بود. بدین منظور مثلاً برای پرداخت ۲۵۰ تومان وام در اول آورده ۴۳ از یکطرف ۱۵ تومان بابت بهره ۶٪ کم کردند و از سوی دیگر ۱۵ تومان دیگر نیز بعنوان فروش سه سهم از وام پرداختی به صاحب ۱۰ سهم کم کردند و در نتیجه تعداد سهام چنین عضوی از ۱۰ به ۱۳ افزایش یافت و بنابراین باز ۱۰۰ ۲۵۰ تومان، فقط ۲۲۰ تومان $(10 + 10) = 20 - 250$ گرفت. در اینجا نیز ربح وام را در تاریخ پرداخت وام بحساب میآورند و بدون اینکه بابت سه سهم اضافه شده اعتباری به عنوان وام به عضو شرکت بپردازند، مبلغ سهام جدید تا سال دیگر مورد استفاده شرکت تعاونی قرار میگیرد. بنابراین در مورد افزایش تعداد سهام فاصله این تاریخ تسایر پرداخت وام حداقل یکسال است بشرط اینکه در پایان سال اول زارع قدرت پرداخت وام را داشته باشد. در غیر این صورت ممکن است این مدت به بیش از دو سال افزایش یابد و شرکت تعاونی از این سرمایه نیز به نحو متقاضی بهره برداری نماید. میزان افزایش تعداد سهام اعضا برای کسانی که در گذشته ۲۰ سهم - داشتند به ۳۰ سهم رسید یعنی در هنگام پرداخت وام مبلغ $50 = 30 \times 10$ تومان از مقدار وام بعلاوه بهره سال اول کم نمودند.

سرمایه صاحب ۲۰ سهم تومان $100 = 5 \times 20$

وام قابل پرداخت تومان $500 = 100 \times 5$

بابت ۱۰ سهم جدید ۵۰ تومان بهره ۶٪ سال اول تومان $30 = 6 \times 500$

یعنی در حقیقت در آورده ۴۳ یکسکه صاحب ۲۰ سهم پساشده فقط ۴۲۰

تومان $(30 + 50) = 500$ نقد بعنوان وام پرداخت میگرد. این بود وضع

بهره وامها در پایان سال اول و اما برای کسانی که در پایان سال اول توانایی پرداخت

وام نداشته باشند از سال دوم به بعد بهره برابر ۱۲٪ بوده است.

حفرچاه نیمه عمیق

زارعین ده از مجموع ۴۰۰۰۰ تومان وام دریافتی از شرکت تعاونی ونیز ۱۵۰۰۰ تومان دیگر که از فروش گوسفند و غیره بچنگ آوردند توانستند با ۵۵۰۰۰ تومان چاه نیمه عمیقی حفر نمایند. بهمین علت بود که در پایان سال اول یعنی آذر ۴۴ قدرت پرداخت وامهارانداشته ولی پس از حفرچاه و بهره برداری آن در کشت و زرع آنها توانستند همه وامهاران را در آذر ۴۵ مسترد دارند. البته بطوریکه فواید اشاره شد بهره وام در سال دوم ۱۲٪ گردید. باین ترتیب و با افزایش تعداد سهام یک سرمایه شرکت از ۲۵۵۰۰ تومان به ۹۳۰۰۰ تومان افزایش یافت. در آذر ۴۵ مجموع کل وامها به ۳۵۰۰۰ تومان رسید. توزیع مقدار وام باین ترتیب بود که مدیر عامل فقط ۸۰۰ تومان، یکی دو نفر هر یک ۱۰۰۰ تومان و بقیه بین ۴۰۰ و ۳۰۰ تومان وام گرفتند. علت اینکه در این سال کل وام تقلیل یافت بهبود نسبی وضع زارعین پس از حفرچاه نیمه عمیق بود. حداقل وام در این تاریخ به ۳۰۰ تومان رسید و چون وضع اقتصادی زارعین بهتر شده بود در آذر ۴۶ کل وام را با بهره ای برابر ۶٪ پرداخته و چون این ده نهاد می بود که توانسته بود در موعد مقرر همه وامها را مسترد دارد مدیر عامل شرکت را تشویق نمودند و اسمش را در روزنامه و نشریه سازمان مرکون تعاون گنورد راج نمودند و او را مورد مرحمت و تفضل قرار دادند.

فروش نفت سفید و نفت گاز (گازوئیل)

این دو نوع نفت هم آهنگ با تاسیس شرکت تعاونی در ده مورد استفاده قرار گرفته است. شرکت تعاونی با استفاده از سرمایه شرکت و سهام اقدام بفروش آنها نمود. میزان فروش در تابستان در هر کده روز مقدار ۶۰۰۰ لیتر نفت معمولی و هر هفته حدود ۶۰۰۰ لیتر نفت گاز و در زمستان نفت سفید هر هفته ۶۰۰۰ لیتر می باشد. گازوئیل در موتور چاههای نیمه عمیق و نیز ماشین آلاتی مانند تراکتور و ماشینهای مصرف دارد. سخت معمولی هر لیتر ۲ ریال و گازوئیل هر لیتر ۲ ریال در ده بفروش میرسد و چون قیمت خرید آنها در شهر توسط شرکت تعاونی کمتر از این مقدار است

لذا معمولاً برای هر ۶۰۰۰ لیتر نفت سفید ۹۰ تومان کار مزد یا عبارت دیگر سود وجود دارد که از این مقدار ۴ تومان آنرا توزیع کننده نفت، یعنی مدیرعامل شرکت بعنوان حق الزحمه فروش برمی‌دارد و ۴ تومان باقیمانده در اختیار شرکت تعاونی قرار می‌گیرد (علا جانب مدیرعامل با سرپرست شرکت بالا می‌کنند) که در وجه سرمایه شرکت منظور می‌شود. در مورد نفت گاز برای ۶۰۰۰ لیتر نفت ۶۰ تومان کار مزد وجود دارد که ۳۰ تومان بابت حق الزحمه فروش نفت مال مدیرعامل است و ۳۰ تومان بقیه در اختیار شرکت تعاونی قرار می‌گیرد تا بحساب سهام اعضا منظور گردد.

ج - دهگه (د) : در ۳۰ کیلومتری جنوب غربی شهر قزوین و دارای بهترین شرایط خاک و آب زیرزمینی است. تعداد خانوار زارع ۱۵۰ و کل جمعیت ده ۸۰۰ نفر است ۱۲۰۴ خانوار صاحب نسق زراعی و ۳۰ خانوار (۲۰٪ جمعیت) خوش نشین و بدون آب زمین می‌باشند.

وضع شرکت تعاونی روستایی

همزمان با تشکیل شرکت تعاونی نزدیکترین ده (دهگه (ط) : حدود ۴۰ نفر از زارعین هریک ۲۰ سهم از سهام شرکت تعاونی ده مذکور را خریداری نمودند. با توجه به جمعیت شرکت تعداد برخی در سهام شرکت مسئله زیر را روشن میکند. با سهمین بودن سطح درآمد بطوریکه قدرت خرید حتی ده سهم یعنی ۵۰ تومان سرمایه را در شرکت ندارند.

علت عدم تشکیل شرکت تعاونی شاید بخاطر همین مسئله بوده است. اعضا در سال ۱۳۳۹ یعنی سال تأسیس شرکت هریک ۵۰۰ تومان وام گرفتند. یکی از همین اعضا (مغازه دارده) که مورد مصاحبه قرار گرفت رابطه اش را با شرکت با اینصورت توضیح داد:

اولت در موقع دریافت وام بجای ۵۰۰ تومان نقداً به اینجانب مبلغ ۳۶ = (۵۰۰ - ۶۱) تومان پرداختند. در سال دوم نتوانستم وام را بپردازم و

سرانجام در آخر سال «هشتم دراز» دریافت مبلغ فوق (۲۶۰ تومان) مجموعاً ۹۷۰ تومان یعنی بیش از دو برابر مبلغ دریافتی پرداخت نمود صورت حساب ربح در سال های مختلف بشرح زیر است :

۱- برای سال اول - ربح ۶٪ تومان $6\% \times 160 = 9.6$ خرج سفته = ۵ تومان
بابت صندلی و صندوق = ۶ تومان پول دفتر برای شرکت = ۲۰ تومان
تومان $30 + 5 + 6 + 20 = 61$

۲ - از سال دوم تا هشتم - ربح ۱۲٪ تومان $12\% \times 160 = 19.2$
ربح ۷ سال متوالی تومان $7 \times 19.2 = 134.4$

بابت اجرائیه = ۳۰ تومان، مخارج متفرقه = ۲۰ تومان

جمع کل پرداختی در سال هشتم تومان $500 + 134.4 + 20 + 30 = 684.4$

در شرایط کمونی هنوز کسانی هستند که نادیده پرداخت وام بابت بهره های کلان نیستند. تعداد اینها به پنج نفر میرسد یعنی بعد از ۹ سال نتوانسته اند آنرا مسترد دارند. شرفمندترین زارعین کسانی بودند که بعد از سه سال توانستند وام شرکت را با ربحش برگردانند.

د - دهکده (و) : شرکت تعاونی این دهکده در سال ۱۳۴۳ تأسیس و در آن سال مجموعاً معادل ۴۵۰۰ تومان وام به اعضا داد. یکی از اعضا شرکت با خرید ۲۰ سهم (۱۰۰ تومان) از سهام شرکت توانست مبلغ ۵۰۰ تومان وام بگیرد. او با زحمت زیاد توانست این مبلغ را بعد از سه سال به شرکت برگرداند. این مبلغ ۱۸۰ تومان ربح گرفتند البته بابت سال اول مبلغ ۳۰ تومان از کل وام کاهش داده بودند و در نتیجه مبلغ ۴۷۰ تومان عملاً باور دادند ۱۵۰ تومان بقیه بابت ربح های سال دوم رسوم و نیز بابت اجرائیه بود.

سال دوم تومان $12\% \times 160 = 19.2$

سال سوم " $12\% \times 160 = 19.2$

بابت اجرائیه = ۳۰ تومان

شرکت تعاونی این ده در دیماه ۱۳۴۳ تأسیس شد. تعداد کل اعضا ۱۱۸، تعداد کل سهام ۱۳۶۷ و با سرمایه ای برابر - ۶۸۳۵ تومان - شروع به کار کرد. حداقل تعداد سهام ۱ (۵ تومان) که یکی دو نفر را شامل میشد. واحد اکثر تعداد سهام ۴۰ (۲۰۰ تومان) و شامل دوسه نفر بود. اکثریت اعضا در حدود ۷۰٪ راکسانی تشکیل میدادند که باده سهم (۵۰ تومان) عضو شرکت شده بودند و بقیه یعنی ۳۰٪ اعضا دارای ۲۰ سهم (۱۰۰ تومان) بودند. مجموع مقدار وام که در شهریورماه ۱۳۴۴ یعنی پس از ۸ ماه پرداخت گردید به ۳۴۰۰۰ تومان رسید. شرکت تعاونی در هنگام پرداخت وام ضمن در نظر گرفتن ۶٪ ربح سال اول برای هر ۱۰۰ تومان وام پرداختی نیز تعداد ۱ سهم به سهام هر عضو اضافه نمود مثلاً مدیرعامل شرکت که دارای ۲۰ سهم (۱۰۰ تومان) بود برای او ۱۰۰۰ تومان وام (یعنی ۱۰ برابر سرمایه او در شرکت) در نظر گرفتند. ولی عملاً او توانست فقط ۸۹۰ تومان بگیرد زیرا ربح ۶٪ او در سال اول تومان $60 = 1000 \times 6\%$ بود و برای هر ۱۰۰ تومان وام پرداختی ۱ سهم یعنی ۵ تومان اضافه میشود. $50 = 10 \times 5$ مقدار کل کسر شده تومان $110 = 10 + 50$ مقدار وامی که عملاً مدیرعامل گرفت تومان $890 = 110 - 1000$

بطوریکه قبلاً نیز گفته شده معمولاً برابر سرمایه هر عضو در شرکت با اعتبار میدهند ولی در اینجا نیز مانند اکثر موارد دیگر استثنائاً مدیرعامل رئیس هیئت مدیره عضو اصلی و منشی شرکت که هر یک ۲۰ سهم (۱۰۰ تومان) داشتند وامی معادل ۱۰۰۰ تومان دریافت داشتند ولی دوسه نفر از اعضا که جزء هیئت مدیره شرکت نبودند و هر یک ۴۰ سهم داشتند همان ۵ برابر سرمایه خود یعنی ۱۰۰۰ تومان وام گرفتند. در مورد اضافه شدن اجباری تعداد سهام درباره کسانی که فقط با یک سهم ۵ تومانی عضو شرکت شده بودند، میتوان گفت که باین افراد در موقع پرداخت وام بجای ۵۰ تومان وام اسمی فقط ۴۲ تومان عملاً دادند.

زیرابه تعداد ۱ سهم آنان ۱ سهم ۵ تومانی دیگر نیز اضافه شد و در نتیجه صاحب دوسهم شدند و نیز بابت ۶٪ ربح نیز حساب کردند.

تومان $3 = 1 \times 0.5$

تومان $42 = 80 - 0.5$

وام یکساله؟! معادل حقوق یکساعت یک روشنفکر خد متگوار رژیم و باصل‌الاج مبارز، باید در نظر داشت که از مجموع دهات مورد مطالعه این تنهادهی بود که توانستند در پایان مدت وام یعنی در شهریورماه ۴۵ آبرابردازند و برای این مسئله دو علت اساسی میتوان پیدا کرد.

۱- مساعد بودن وضع طبیعی از نظر بارندگی و بلورگی نزولات آسمانی و عدم حمله آفات نباتی و غیره که در نتیجه آن راندمان محصول رضایت بخش بود و حداکثر استفاده از وامهای شرکت تعاونی بعمل آمد.

۲- مدیرعامل شرکت برخلاف سایر موارد از نماینده سابق مالک انتخاب نشد و مدیرعامل انتخابی گروه از طبقه مرفه زارعین محسوب میشد ولی دارای شهرت و معروفیت خاصی بود. زارعین از یکطرف بخاطر محبوبیت مدیرعامل و از سوی دیگر به علت موفقیت آنان در انتخاب شدن نماینده یا مالک سعی کردند تا حدود امکان وحتى باغرونی گوسفندان خود حمایت خویش را از این مدیرعامل اعلام و همه وامهای شرکت را بپردازند.

شرکت تعاونی در سال ۱۳۴۵ - تعداد اعضا به ۱۲۵ نفر افزایش یافت و کل سرمایه شرکت نیز بالا رفت و حدود ۸۵۰۰ تومان رسید و وامهای سال قبل در شهریورماه این سال جمع آوری و به سرپرست تسلیم گردید. ولی کل وام دریافتی زراعی پس از سه ماه یعنی آبانماه ۴۵ مبلغ ۴۰۰۰۰ تومان گردید. مدیرعامل و سایر اعضای هیات مدیره با داشتن عریک ۳۰ سهم و نیز کسانیکه دارای ۵۰ سهم بودند هر کدام ۱۵۰۰ تومان وام گرفتند. اکثریت وام گیرندگان در آبان ماه ۴۶ توانستند وام خود را بپردازند و تعدادی در سال دوم پرداخت نکردند.

و نیز تعداد انگشت شماری هم محدود . نفر نتوانستند تاکنون بهره‌بردارند . نکته‌ی الجیدر مورد وام گرفتن مباشر سابق مالک است . اواز آبان ماه ۴۵ مبلغ ۱۰۰۰ تومان وام گرفت ولی تاکنون (مهرماه ۴۸) وامش را نپرداخته و در حقیقت نخوابسته به پرداخت زیر اوضاع مالیش کاملاً برای پرداخت وام مساعد می‌باشد . او نه تنها ۱۰۰۰ تومان وامش را نپرداخته بلکه $۴۳۰ = ۶۰ + ۱۲۰ \times ۳$ تومان بابت ۱۲٪ ربح سال دوم و سوم و ۶٪ ربح سال اول (دریافت وام) را نیز نپرداخته است .

خطوط اصلی راجع به شرکت‌های تعاونی روستائی:

- ۱ - در اکثر موارد خرده مالکان، مرفه ترین روستائیان و مقربان سابق درگاه مالک در هیأت مدیره شرکت تعاونی و نیز انجمن ده عضویت دارند .
- ۲ - خوش نشین‌ها یا فقیرترین قشر روستائی که فاقد نسق زراعی هستند از عضویت در شرکت تعاونی محرومند .
- ۳ - حد اکثر وام به هیأت مدیره شرکت تعاونی و بویژه مدیرعامل تعلق میگیرد زیرا علاوه بر زیاد بودن تعداد سهام آنان، معمولاً ده برابر سرمایه موجود خود در شرکت رامیتوانند وام بگیرند در صورتی که برای بقیه اعضاء این عدد به ده برابر تنظیل مییابد .
- ۴ - بهره وامها در سال اول ۶٪ و در سالهای بعد ۱۲٪ است (در صورت عدم قدرت پرداخت وام پس از یکسال)
- ۵ - فاصله زمانی بین تأسیس شرکت تعاونی و دریافت مبلغ سهام تا پرداخت وامها بطور متوسط ۹-۱۰ ماه است .
- ۶ - بهره وامها معمولاً در تاریخ پرداخت وام توسط شرکت تعاونی دریافت میگردد .
- ۷ - بانوجه به شماره ۵ در هنگام پرداخت وام معمولاً تمهیدی سهم بالا جبار بهر عضو میفرشند و اعتبار سهام اضافه شده را پس از چندین سال دیگر که زان تا در پرداخت وام شود در نظر میگیرند . مثلاً کسیکه در سال اول مبلغ ۱۰۰۰ تومان وام میگیرد بازاء هر ۱۰۰ تومان يك سهم و مجموعاً ۱۰ سهم بتعداد سهام قبلی او اضافه شده که همراه باریج سال اول از مبلغ وام دریافتی کسر میگردد و چون معکست تا چند سال قدرت پرداخت وام را نداشته باشد بازاء سهام دریافتی اجباری نمیتواند وام بگیرد .
- ۸ - ظهور طبقه خرده مالک و مرفه الحال روستائیان بجانشینی ارباب و نمایندگان روستائیان (بنام غیر طایمی) که تقریباً نبض تمام امور روستا و کنترل آنرا در دست

دارند و در رابطه با مامورین دولتی تحت تأثیر نظرات آنان قرار میگیرند؛ زیرا عملاده شده که در ۹۰٪ از موارد، مباشر یا نماینده مالک سابق در شرکتها ی تعاونی بعنوان مدیرعامل یا حداقل یکی از اعضای هیأت مدیره است و اگرچه چندین سمت دیگر مانند رئیس انجمن ده، دهبان رسمی ده و غیره را نیز عهده دار است و بقیه اعضا هیأت مدیره شرکت تعاونی یا انجمن ده ویا ... از کسانی هستند که جزو قشر مرفه محسوب میشوند و یا از نظر ثروت در حد خرد مالک اند و یا وابستگان مستقیم و غیرمستقیم ارباب اند .

نظر روستائیان نسبت به قانون اصلاحات ارضی و وضع زارعین بعد از اجرای قانون
خصوصاً مقایسه آن با قبل :

این بررسی بیشتر در فرا^۱ دشت قزوین انجام یافته است. سازمان عمران قزوین
از سال ۴۳ بعد از اجرای قانون اصلاحات ارضی کشور تاسیس گردید و از آن سال تا
کنون، سازمان در دهاتی فعالیت نموده که وضع آنها از نظر اصلاحات ارضی روشن،
و دهقان با اصطلاح صاحب و مالک زمین گردیده است .

الف - اظهارات مدیر عامل شرکت تعاونی (۱) دهکده (ی) : در مورد
روابط زارعین این ده با سازمان عمران قزوین :

در سال ۴۸ قبل از برداشت محصول، مهندس مسئول دهکده به ما مراجعه کرد و گفت
باید هزینه های سازمان را نقد بپردازید ولی ما گفتیم که سایر محصولات را بجزگندم به
سازمان می‌دهیم تا حساب هزینه‌های سازمان رو براه شود. او با نظر مخالفت کرد
ولی ما قبول نکردیم و او گفت بپایید قزوین و با مسئولین سازمان مذاکره نمایید تا
آنکه بنده باتفاق سپاهی دانش بقزوین رفته‌ام و خدمت معاون سازمان آقای مهندس
یاسا رسیدیم و وقتی وارد اتاق شدیم تا مدت نیم ساعت فقط باین و آن تلفن میکرد
بعد از مدت‌ها معطلی رو بیا کرد و گفت . " چه می‌گوئید " من از شدت ناراحتی جوابی
نگفتم ولی سپاهی دانش نظر زارعین را عنوان نمود . پس از مدتی صحبت سرانجام
گفت " باید حتماً پول بپردازند " . سپاهی گفت . " زارعین پول نقد ندارند شما
لطفاً معادل هزینه ها تا ترا قیمت محصولات غیر از گندم حساب کنید " من بسیار
عصبانی و ناراحت شدم و از اتاق بیرون آمدم . سپاهی نیز که نتیجه ای نگرفت

(۱) این همان مدیر عاملی است که با کمک و خواست اهالی ده علیرغم فعالیتها^ی
نماینده سابق مالک جهت احراز این مقام توانست این سمت و مسئولیت را عهده
دار شود و بقرار اطلاع آدم زرنگ و فعالی بوده و مورد تأکید روستائیان است .

پس از من از اطاعت معاون بیرون آمده با تان سپاهی بده برگستیم ولی پس از چند روز مهندس سازمان عمران بدون اطلاع ما غافلگیرانه تمام گونیهای گند مزرتین را در ماشین ریخت و بقزوین برد وقتی بمن اطلاع رسید گفتم صبر کنید تا من اقدام کنم. من بلافاصله عازم تهران شدم و چندین نامه تهیه کردم و به سازمانهای مختلف دولتی نوشتم از جمله بازرسی شاهنشاهی، اصلاحات ارضی، نخست وزیری، دفتر شهپانوو... مجموعه این نامه عنوانه های بعدی میباشد به ۵۰ برسد ولی از هیچکدام پاسخی دریافت ننمودم فقط از بازرسی شاهنشاهی (آقای سپهبد یزدان پناه) پاسخی دریافت داشتم که خلاصه آن این بود " شماها باید مقررات سازمان عمران را اجرا کنید. شما نباید اخلاکری کنید. در پاسخ این نامه نوشتم " اگر زارع (ی) اخلاک گراست پس زارع (د) ، (د) ، (پ) ، (ن) ، (نام چهارده نزدیک ران کرکود) و... که سه سال است کشت نمی کنند نیز اخلاک گراست. سازمان عمران دزدی میکند و مال زارعین را میخورد و... " تا بحال سه تلگراف از قزوین و دو تا از تهران به شاه کرده ام ولی جوابی نشینده ام. در یکی از تلگرافها که من بعنوان نماینده از جانب ۱۴ سرینه انتخاب شده بودم رئیس تلگراف خانه بمن گفت : اولاً باید امضاء ۱۴ سرینه زیر تلگراف باشد و علاوه یک نفر بازاری معروف و سرشناس امضاء آنها را گواهی و تضمین کند پرسیدم این تشریفات برای چیست ؟ آقای رئیس تلگراف خانه گفتند : علت اینست که این حرفهائی که در این تلگراف نوشته اید بسیار خطرناک است اگر فرد معلوم شود که این تلگراف جعلی است مراعاتد ام میکنند که چرا این تلگراف را با کاردی. خلاصه این درخواست آقای رئیس را نیز عطفی کردیم چون باین تلگراف نیز جوابی نرسید نامه ای تهیه کردم و شخصاً به دفتر شهپانوو در تهران بردم. روزیکه از پله های ساختمان بالا میرفتم یک نفر با وضع مرتب و کراوات مرادید و گفت : کجا میروی گفتم این نامه من است موعیه که نامه ام را خواند گفت اگر این نامه راه مقامات بالا بدهی ترامپ نشنند گفتم عجب کس نمیتواند مرا

بگذرد . و نامه را از او گرفتم و بطاقی دفتر بردم و تحویل دادم . در پاسخ این سوال
مصاحبه کننده که چرا بنامه های تان ترتیب اثر نمیدهند گفت : من گمان
میکم در بالا ها کسانی هستند که نمیگذارند نامه ها بدست مقامات مسئول برسد و از
جمله شاه .

در یکی از نامه هایم که پاسخ به اداره اوقاف بود و در آن نوشته بودم اگر اقدام
نکند شکایت بتهران میکنم ، آن اداره ما را از اینکار منع کرد . من در پاسخ نوشتم
" بتهران میرویم زیرا دستگاه ما را خائن ، هوچی و اخلالگر معرفی میکند . خائن
کسی است که اطلاع داره بوزرزمینهای زارعین را میگیرند (منظور از زمینهای
که اویسی از دهکده (د) با کمک اوقاف قزوین گرفته است) و هیچ نمی
گوید " .

ب - اظهارات یکی از کارکنان کشاورزی دهکده (و) در روابط با سازمان -
 عمران و دستگاههای دولتی .

مشخصات فرد مورد مصاحبه : مردی است حدود ۴۰ ساله ششماه است که بطور
 روزمزد روزی ۱۰ تومان از سازمان عمران مزد میگیرد و روزی ششایک کار ندارد مستمری -
 دریافت نمیکند او در حالی ردیدمشد که بایکفرد دیگر از زارعین مشغول ساختن آلونکها
 و ساختمانهای خشتی و گلی بود این ساختمانها را معمولاً در کارموتورخانه چاههای
 سازمان عمران جهت سکونت موتوربان در هرده میسازند . موقعیکه ساختمان یک
 آلونک تمام میشود او خانه بدوش بدو دیگری میروند تاکنون در ۱۲-۱۰ دهه این
 آلونک ها را تعبیه کرده است . سواد خواندن و نوشتن دارد و نیز دارد و برنامه های
 دهقان را معمولاً گوش میدهد . و اینک اظهاراتی چند از او :

روابط سازمان عمران - حدود ۱۰۰ نفر از زارعین ده ما حاضر نشده اند در دو
 سال اخیر با سازمان عمران همکاری کنند زیرا دو سال اول (سالهای ۴۵ و ۴۶)
 را با سازمان عمران کاشتیم ولی ضرر کردیم . بهمین جهت سال گذشته (۴۷) و
 امسال را نکاشته ایم ما با سازمان عمران پیشنهاد کردیم که اگر میخواهند زمین را با ما
 بکارند از بین پنج محصول چغندر ، قند ، سرگرم ، سیب زمینی ، گندم و جو سه تای اولی
 را ببرد و گندم و جو را بماند و باینکه هر نفر که در این کار میکند روزانه فقط ۴۰
 ریال بآید و محصول از خود شما باشد ولی سازمان هیچیک از این دوره
 را قبول نکرد و ما چون دیدیم بعمران بدو همکاری میسوزیم اجباراً از کاشت خودداری کردیم
 در شرایط کنونی در سه مزرعه از مزارع (و) سازمان فعالیت دارد (۱)
 و علتش هم اینست که تعداد افرادی که در این زمینها کار میکنند کم است و هیچیک
 به ۱۰۰ نفر نمیرسد (حدود ۵۰ نفر) و بنابراین محصول بیشتری بهر فرد
 میرسد تا مزرعه ما که با همان مساحت زمین و یک چاه کشت میکنیم . تازه در مورد
 این مزارع هم اکثر اصف زارعین در زمین کار میکنند و بخیه بکارگری مشغولند

(۱) این ده در حدود چهار یا پنج مزرعه دارد .

در مورد مزرعه ماکه ۱۰۰ فرد هستیم اگر محصول تقسیم شود بهر فرد مقدار ناچیزی میرسد. در مورد وضع زارعین گفت: تقریباً همه مردم ده ماکارگر روز مزد هستند حدود ۲۰۰ نفر از مازد و قزوین بکارگری بنائی و غیره مشغولند تاکنون دونفر بطور قاچاق به کویت رفته اند زیرا یک کارگر روزانه ۵۰ تومان در کویت عایدی دارد و اگر چه خرج گرانست ولی وضعیت خیلی از اینجا بهتر است. در مورد اینکه چرا عمران عرسال ضرر میدهد گفت: علت اینست که مخارج عمران بالا میرود و اینست که مثلاً تراکتورچی و یا بولدورچی ۸ ساعت در مزرعه کار میکند ولی ۱۲ ساعت کارگزارش میدهد دولت این کارها را با خاطری می کند ولی اینها دزدی میکنند اینهم یک نوع دزدی است الان خانواده من ۹ نفر است و تا از بچه های درقریه دیگری کار میکند در سال گذشته ۸ خروار گندم و جو (با همکاری سازمان) برده اند. سازمان عمران میگوید ۱۱۰۰ تومان مخارج شده است و باید به سازمان بپردازد و من حساب میکنم میبینم قیمت ۸ خروار گندم و جو میشود ۱۰۰۰ تومان (۶۰۰ + ۴۰۰) و اگرگاه را نیز حساب کنیم ۱۰۰ تومان میشود و جمعا ۱۱۰۰ تومان خواهد شد پس بنابراین بچه های من برای چه کسی کار کرده اند و چون مایل نداشتم به عمران ندادیم گفته زمین تان را (منظور زمینی است که بچه های من در آنجا کار میکنند) آب نمیدهم گفتند عید آنها که داشتند دادند ولی من نتوانستم بدهم. در همین قریه که رو بچه ام کار میکند جمعا ۴۸ فرد هستند از این عده فقط ۱۲ فرد توانسته اند بدی عمران را بپردازند و بقیه نیز گاوها را و گوسفند خود را فروخته اند و هزینه های عمران را پرداخت نموده اند. در مورد عمران گفت: عمران و آبادی نیست بلکه فروشگاه است. درست است که فروشگاه است ولی با عدل و عدالت هم نیست قبل از عمران مردم نمیدانستند که عمران اینجوری رفتار میکند. عمران میآید با سرنیزه میگوید پول بده. ارباب میگفت اگر اسال نداری سال دیگری ده. آنها حساب کردند دیدند سروته اش جور در نمیآید (منظور مخارج گزاف عمران است)

و گفتند نمی‌کاریم و حالا عمران میگوید شماها شارلاتان هستید. مافعله مزدوریم. در مورد کشت سیب زمینی گفت: "عمران سیب زمینی را برای کاشت بذر کیلوثی ۱۰ ریال با ما حساب میکند (میفروشد) ولی در موقع برداشت از بین کیسه سیب زمینی های درجه ۱ و ۲ و ۳ فقط درجه ۱ را بر میدارد و کیلوثی سه ریال با پول میدهد تازه حساب میکنیم می بینیم پول برداشت ما برابر است با پول بذر سیب زمینی که کاشته ایم و باید مخارج کود و سم و غیره را از جیب خود به عمران بپردازیم یعنی يك مقداری نیز به هکار میشویم."

اوضنا ادامه داد: "ما را دیوگوش می‌کیم برنامه دهقانانیز میشنویم. دهقانها را مسخره میکنند. می‌گویند رعیت آزاد شده، کجا رعیت آزاد شده؟ وضع ما قبالا خیلی بهتر بود لااقل با ارباب بطور نصفه کاری می‌کاشتیم. او اگر بذر و کود را اختیار ما میگذاشت نصف محصول را ما می بردیم. دولت زیاد خرج میکند ولی ما آنسوقت راحت تر بودیم. اگر الان (عوض عمران) ارباب بیاید پشت سرش نماز می‌خوانیم"

پایان

لفات و اصطلاحات *

- ۱ - گاویند - کسی است که مالك زمین نیست ولی پاداشتن يك یا چند عامل زراعتی، بوسیله برزگر و یا کارگر کشاورزی در زمین مالك زراعت می‌کند و متدار از محصول را بصورت نقدی یا جنسی بمالك می‌دهد.
- ۲ - برزگر - کسی است که مالك زمین و عوامل دیگر زراعتی نیست و در مقابل انجام کار زراعتی برای مالك یا گاویند سهمی از محصول را می‌برد.
- ۳ - کارگر کشاورزی - کسی است که مالك زمین و عوامل دیگر زراعتی نبوده و در مقابل انجام کار معین زراعتی مزد دریافت می‌کند.
- ۴ - خوش‌نشین - فردی از سکه ده است که نه مالك بشمار می‌رود و نه زارع سهم بر.
- ۵ - دیعی - منظور زمین‌هایی است که کشت در آنها آبیاری نمی‌شود و منحصراً از طرقوت ببارندگی استفاده می‌کند.
- ۶ - زراعت سالانه - منظور زراعت‌هایی است که دوره آن از کاشت تا برداشت کمتر از یکسال است.
- ۷ - آبی - منظور زمین‌هایی است که کشت در آن آبیاری می‌شود.
- ۸ - زراعت‌های دائمی - منظور درختکاری، چایکاری - موکاری و باورگی زراعت نباتاتی است که دوره رویش آنها بیش از یکسال بوده و بمنظور برداشت محصول کاشته میشوند.
- ۹ - اراضی باير - عبارت از زمین‌هایی است که قبلاً در آنها زراعت می‌شده ولی فعلاً بعللی بدون استفاده مانده است.
- ۱۰ - اراضی موات - عبارت از زمین‌هایی است که هیچوقت مورد استفاده زراعتی قرار نگرفته است.
- ۱۱ - آیش - زمین‌هایی است که برای تقویت یا علل دیگر يك یا چند سال بدون کشت و کار گذاشته میشوند.

۱۲- خانوار - عبارتست از يك يا چند نفر كه در يك مسكن سكونت داشته و هم غذا باشند .

۱۳- املاك خالصه - املاك متعلق بحكومت می باشد .

۱۴- املاك موقوفه - املاکی هستند كه مالك فروش آنها برای مدت محدود و یا غیر محدود منوع ساخته و منافع آنها اختصاص بمصارف معینی داده است این املاك بردونوع هستند .

الف- املاك موقوفه خاص كه منافع آنها اختصاص به اشخاص معینی داده شده مانند اولاد نكرو و ناناك و نظایر آنها .

ب- املاك موقوفه عام كه منافع آنها برای امور خیریه و عام المنفعه اختصاص داده شده است .

۱۵- جفت گاو - عبارتست از مقدار زمینی كه میتوان بایك جفت گاو در يك سال شخم كرد و معمولاً درمحل های مختلف این جفت گاو برابر با ۸ هكتار میباشد .

۱۶- بهره بردار كشاورزی - شخص یا شخصیت حقوقی استكه مسئولیت اقتصادی و فنی و ابتكار اداره كردن و گرداندن بهره برداری كشاورزی را شخصاً بطور مستقیم و یا بوسیله مباشری كه اجیر نموده است بعهده داشته باشد .

۱۷- دانگ $= \frac{1}{4}$ هرقطعه ملك .

۱۸- تیول - از اصطلاحات سیستم قدیم زمینداری است و مقصود از آن واگذاری در آمد و هزینه ناحیه معینی استكه از طرف پادشاه به اشخاص در اثر بر از لیاقت و یا بازای موجب و حقوق سالیانه داده میشده .